

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش و رسالت زن

۴

جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدّد

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

مؤسسه پژوهشی فرهنگی



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)



مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

نقش و رسالت زن

۴

جایگاه و مسائل زنان
در فرهنگ اسلام و تجدد

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: امیر حسین بانکی پور فرد

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۸۳-۳

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ - <http://Book-Khamenei.ir>

پیشگفتار

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی(ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مرقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام(ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان میدهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌نماید.

کتاب حاضر حاوی گزیده‌ای از بیانات معظم‌له با موضوع «جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدّد» است و مطالب آن در سه محور «اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زنان»، «زن در فرهنگ غرب» و «منزلت و جایگاه زن در اندیشه‌ی اسلامی» گردآوری و تنظیم شده است.

این اثر جلد چهارم از مجموعه‌ی پنج جلدی باعنوان «نقش و رسالت زن» درباره‌ی مسائل و مباحث مرتبط با موضوع «زن» در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که برای استفاده‌ی محققان و عموم علاقمندان به دیدگاههای معظم‌له منتشر میشود.

و من الله التوفیق



فهرست مطالب

مقدمه	۲۱
فصل اول: اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زنان	۲۵
۱-۱- ضرورت توجه به مسائل زنان	۲۷
توجه و عنایت ویژه‌ی امام(ره) به زنان	۲۷
حصار محکم فکر امام(ره) در مورد نقش زنان	۲۷
بیش از ۴۰ سال دغدغه‌ی مقام معظم رهبری نسبت به مسائل زنان	۲۸
حل نشدن مسأله‌ی زن در دنیا	۲۸
عدم حل مسائل زنان بخاطر زیاده‌رویها، کج‌رویها و بدفهمیها	۲۹
لزوم توجه به ویژگیهای زنان در جامعه‌ی انقلابی ایران	۳۰
خسارات بی‌توجهی به نقش زن	۳۰
عدم پیشرفت متناسب با نیاز و توقع و امکانات در مسائل زنان	۳۰
زن و خانواده؛ جزو راهبردی‌ترین مسائل فکری جامعه	۳۱
سرمایه‌گذاری پژوهشی نظام در حوزه‌ی زن و خانواده	۳۱
لزوم تبلیغ و فعالیت بسیار برای رفع محرومیت از زنان	۳۲
تصحیح و تسریع حرکت به سوی جایگاه شایسته‌ی زن	۳۲
لزوم توجه به زن بعنوان عامل فساد یا صلاح مردان و اجتماع	۳۲
پرورش انسانهای بافضیلت یا بی‌شخصیت در دامن زن	۳۳
وضع آینده و اهمیت نقش زن در آن	۳۳
تجلیل عملی از زن در خانه و جامعه	۳۴
۲-۱- اولویت مسائل زنان	۳۴





- ۳۴ ضرورت بازنگری جدی ارزشهای سازنده‌ی شخصیت زن در دنیا
- ۳۵ برخی مسائل نیازمند به پیگیری در حوزه‌ی زنان
- ۳۶ مسائل مطرح در سبک زندگی درمورد رابطه‌ی زن با خانواده و اجتماع
- ۳۶ تصحیح فرهنگ عمومی جامعه در نگرش سیاسی به زنان
- ۳۶ فاصله‌ی قوانین و حقوق اجتماعی زنان در ایران با خواسته‌ی اسلام
- ۳۷ شناساندن حقوق و تکالیف و مسؤولیت متقابل با رجوع به فطرت
- ۳۷ کمبود فرصتها و میدانهای برای علم و معرفت زنان در همه‌ی جوامع
- ۳۸ عدم حل مشکلات زنان با کثرت حضور در دانشگاهها و مسؤولیتها
- ۳۸ بحران زنان؛ محصول نگاه غلط به زن و خانواده
- ۳۹ اداره‌ی کانون گرم خانواده؛ اولین مسؤولیت زن
- ۴۰ احساس آرامش و امنیت؛ مسأله‌ی اساسی زنان
- ۴۰ عدم اولویت مسائل شخصی برای زنان
- ۴۱ پرهیز از دام رقابتها و چشم و هم‌چشمیها در محافل زنان
- ۴۱ مقایسه‌ی ظلم به زن در غرب و کشورهای اسلامی
- ۴۲ ۳-۱. ظلم به زن
- ۴۲ ستم تاریخی و طبیعی و دائمی نسبت به زنان
- ۴۲ مظلومیت زن در طول تاریخ، مگر در موارد استثنایی
- ۴۳ طبیعت جاهل بشر؛ عامل ظلم به زن در طول تاریخ
- ۴۳ نقش نظامهای دیکتاتوری در ظلم به زن
- ۴۴ نظام اجتماعی استبدادی؛ مهمترین عامل تاریخی ظلم به زن
- ۴۵ ستم مردان به زنان بخاطر ضعف جسمانی در طول تاریخ
- ۴۵ حالت وحشیگرانه نسبت به زن بخاطر قویتر بودن ترکیب جسمانی مرد
- ۴۶ استثمار تاریخی زن بخاطر ظرافت بیشتر نسبت به مرد
- ۴۷ مظلومیت تاریخی زن بخاطر نادیده گرفتن وضع طبیعی زن اعم از جسمی و روحی ...
- ۴۸ برداشتهای غلط بشری درباره‌ی جایگاه زن
- ۴۸ ندانستن قدر و جایگاه زن؛ ریشه‌ی ظلمهای تاریخی
- ۴۹ تحقیر زن در طول تاریخ در دو شکل خصومت و دوستی
- ۵۰ نگاه امپراطوری روم به زن در اشباع غریزی مرد
- ۵۰ حرمسراها؛ نماد اهانت به زن
- ۵۱ اسارت فرهنگی زن؛ مانع اساسی رشد زنان

شرح مظلومیت زن.....	۵۱
خانواده؛ بالاترین محیط ظلم به زن.....	۵۲
بررسی عوامل تاریخی و جامعه‌شناسی مظلومیت زن در خانواده.....	۵۲
کمبودها و کم‌کاریهای زیاد در عرصه خانواده.....	۵۳
بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی در جوامع غربی و اسلامی.....	۵۴
طبیعی بودن آزار زن در داخل خانه، بین نژادهای وحشی غربی.....	۵۴
عدم حساسیت دنیا در ظلم به زن در خانواده.....	۵۵
سست‌بنیادی بنیان خانواده در غرب؛ مصداق ظلم به زن.....	۵۵
مشکل اصلی زن در دنیای امروز، ناکامی زن در نیاز مادری و همسری.....	۵۶
خألهای قانونی، عادت و سنتی در حوزه‌ی زن و خانواده.....	۵۶
دیدن محرومیت و مشکلات زنان بلوچ در گذشته.....	۵۷
لزوم توجه به حفظ حرمت و کرامت زن در همه‌ی مناطق ایران.....	۵۷
ظلم به زن در صورت عدم نزاکت و دقت و تقوای لازم.....	۵۸
حرام بودن بی‌توجهی به زن قبلی در تعدد زوجات.....	۵۸
ازدواجهای تحمیلی زودرس.....	۵۹
نادیده گرفتن خواست دختران؛ خلاف خواست اسلام.....	۵۹
تأثیر وجود عادات جاهلی در ظلم به زن در مناطقی از ایران.....	۵۹
انواع ظلمهای فرهنگی به زنان.....	۶۰
سرگرم کردن زن به جلوه‌گری؛ عامل انحطاط شخصیت زن.....	۶۱
محرومیت زن از معارف و فرهنگ عمومی و اختصاصی جامعه.....	۶۲
عدم توجه به نقش زنان در تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی.....	۶۲
عقب ماندن زنان نسبت به مردان.....	۶۳
تحلیل اجتماعی علی(ع) از عقب ماندگی فکری - فرهنگی زن.....	۶۳
وضعیت زنان جامعه‌ی زمان علی(ع).....	۶۵
کم‌بهرگی زن در نظر علی(ع)؛ واقعیت دوران انحطاط و اسارت زن.....	۶۵
محرومیت تحصیلی - اجتماعی زنان در طول تاریخ؛ دلیل ناقص‌العقل خواندن آنها.....	۶۶
بیگانگی دختران تحصیل‌کرده از خانواده.....	۶۶
۴-۱- نحوه‌ی احقاق حقوق زنان.....	۶۷
بازگشت زن و مرد به طراز اسلام.....	۶۷
هدف؛ رسیدن زن به کمال، نه رقابت با مردان.....	۶۸



- اول فرهنگ، بعد حق ۶۸
- تلاش فرهنگی دلسوزانه‌ی هوشمندانه نه ساده لوحانه و عجولانه ۶۹
- کار فرهنگی بزرگ به کمک احکام قرآنی برای رفع ستم از زنان ۷۱
- رفع کمبود میدانها و فرصتها برای علم، معرفت، اخلاق و شکوفایی استعدادها ۷۱
- باز شدن گرههای زندگی زنان با قوانین اسلامی ۷۱
- حقوق زن بعنوان پرورش‌دهنده‌ی انسانهای والا ۷۲
- استفاده‌ی خردمندانه از تجربه‌ی دیگران در مورد زنان ۷۳
- حرکت بر اساس بینش خردمندانه و شناسایی طبیعت زن ۷۳
- توجه به واقعیتهای آفرینش زن و مرد برای حل مشکلات ۷۴
- لزوم توجه به سه مقوله‌ی تکریم زن، وظیفه زن و رفتار با زنان؛ در برنامه‌ریزیها ۷۴
- اندیشه‌ی شهید مطهری؛ مستدلترین اندیشه‌ی زمان خود در مورد زن ۷۵
- همسان دانستن ارزشها و شناسایی تکالیف ویژه‌ی زن ۷۵
- شناخت وظایف مشترک و اختصاصی زن و مرد؛ عامل رفع ظلم به زن ۷۶
- روش محترمانه، مصلحت‌اندیشانه و عاقلانه‌ی اسلام نسبت به زن ۷۷
- بازگو کردن تعلیم اسلام در مورد زن ۷۷
- تبیین نظر اسلام در باب آزادی ۷۷
- آگاهی و عمل به حقوق اسلامی؛ مانع ظلم به زن در خانواده ۷۸
- دنبال کردن روش اسلامی با جدیت و اهتمام کامل ۷۸
- بحث نکردن در مورد تمایزات مسلم در فقه اسلامی ۷۹
- دوری از بحثهای انحرافی از قبیل دیه در مورد زن ۷۹
- امکان تغییر احکام با شیوه‌ی فقهی توسط فقیه ماهر و مسلط ۸۰
- لزوم جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف ۸۱
- اهمیت اصلاح قوانین در موضوع زنان ۸۱
- لزوم اصلاح بعضی قوانین ۸۲
- حل تدریجی و هوشمندانه مشکلات زنان با وضع قوانین ۸۲
- احساس امنیت زن در خانه‌ی شوهر در پرتو قانون ۸۲
- روشهای حل مشکلات بانوان مسلمان در خانواده ۸۳
- برخورد قانونی و اخلاقی با متعديان به زن در خانواده ۸۴
- حل مسائل زن در خانواده؛ عامل فائق آمدن بر مسائل اجتماع ۸۵
- لزوم پشتوانه‌ی قانونی و ضمانت اجرایی در حمایت از زنان در خانواده ۸۵

دفاع اخلاقی، قانونی و منطقی از زن.....	۸۶
تهذیب و اخلاق؛ راه چاره‌ی زورگویی به زن.....	۸۶
سواد و قانون؛ ابزارهای اقتدار زن.....	۸۶
لزوم پختگی در مبارزه با ستم تاریخی علیه زن.....	۸۷
حلّ معضلات با ارائه‌ی راهکار اجرایی توسط خود زنان.....	۸۷
دوری از جلب نظر غریبه‌ها.....	۸۸
ضرورت زدودن گرایش به فرهنگ غربی در دفاع از حقوق زن.....	۸۹
دفاع غلط از حقوق زن با الگو قرار دادن زن غربی.....	۸۹
روش غلط غربیان و پیروانشان در دفاع از حقوق زن.....	۹۰
موفق نبودن روشهای دنیای متمدن علیرغم بعضی ظواهر.....	۹۱
لزوم طرح گفتمان «زن حقیقی» مدّ نظر اسلام بصورت تهاجمی و نه دفاعی.....	۹۱
۱- ۵ - نقش نهادها و سازمانها در ارتباط با زنان.....	۹۲
لزوم ایجاد یک مرکز عالی و ثابت با چشم انداز بلندمدت... ..	۹۲
لزوم کار عملی و تشکیل کار گروههای تخصصی درمورد مسائل زنان.....	۹۳
لزوم محاسبه و مشخص کردن هدف در فعالیتهای مربوط به زنان.....	۹۴
ایجاد سازمانهای اسلامی زنان.....	۹۵
سازمانها به دنبال احیای حقوق عرفی زن.....	۹۵
تأمین حقوق مدنی و خانوادگی زن.....	۹۶
گره‌گشایی از کار زن در خانواده.....	۹۶
لزوم مبنا بودن نقش مادری و همسری در طرح‌ریزیها برای خانواده.....	۹۶
انگیزه‌ی تشکیل شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.....	۹۷
شورای فرهنگی - اجتماعی زنان؛ مرکزی برای تدارک پشتیبانی معنوی و قانونی.....	۹۷
انجام سفرهای خارجی حساب شده و با هدف.....	۹۹
نیاز دنیا به مبانی کارگشا در حوزه‌ی زن و عقب‌ماندگی ما در بیان این مبانی.....	۹۹
سهم دستگاههای اجرایی در تعلیم زنان.....	۱۰۰
نقش صددرصدی صدا و سیما در فرهنگسازی و تکریم زن با خصوصیات اسلامی.....	۱۰۱
تبیین دیدگاه اسلام در زمینه‌ی روابط زن و مرد.....	۱۰۱
ارائه‌ی نقش زن با گوهر عفت و تأثیر او در خانواده، جامعه و انقلاب.....	۱۰۲
دوری از نقشهای پست‌کننده برای زنان در برنامه‌های صدا و سیما.....	۱۰۲
ارائه‌ی زن بعنوان جاذبه‌ی جنسی حتی با پوشش مجاز در بعضی فیلمها.....	۱۰۲





- مخدوش کردن جایگاه زن بعنوان عنصر جنسی در فیلمها..... ۱۰۳
- کمبود کار فرهنگی ۱۰۴
- کار فرهنگی؛ کار اولی، لازمتر و فوریت‌ر در مورد زنان ۱۰۴
- برکت کار فرهنگی عمیق درباره‌ی مبانی اسلام نسبت به مادران ایثارگر..... ۱۰۵
- کمک به ایستادگی زنان در مقابل هجوم دشمن ۱۰۶
- آمادگی نظامی زنان ۱۰۷
- رعایت جهات ارزشی تأمین‌کننده‌ی آینده‌ی زنان..... ۱۰۸
- تسلط قدرتهای جهانی؛ عامل گرسنگی و مرگ زنان و کودکان ۱۰۸
- کار قوی و باکیفیت در مسأله‌ی زنان؛ خدمت حقیقی به زنان عالم..... ۱۰۸
- کار متین و عمیق و قابل عرضه و بدون شتابزدگی ۱۰۹
- گفتمان‌سازی در حوزه‌ی زن و خانواده ۱۰۹
- فصل دوم: زن در فرهنگ غرب ۱۱۱**
- ۱-۲- جایگاه زن در فرهنگ غرب..... ۱۱۳
- زن؛ موجود درجه‌ی دوم در ادبیات غرب ۱۱۳
- نگرش ظالمانه‌ی غرب به زن در عرصه‌ی کار، هنر و ادبیات ۱۱۳
- بزرگترین حق‌کشی؛ مطرح شدن زن برای انتفاع مرد ۱۱۴
- محرومیت زنان از اخذ مدرک تحصیلی در گذشته‌ی نزدیک غرب..... ۱۱۵
- محرومیت زن از حق رأی و مالکیت حقیقی در غرب..... ۱۱۶
- عدم حق رأی زنان در دموکراسی غربی..... ۱۱۶
- عقب افتادگی غرب در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی زن ۱۱۷
- از نداشتن حق رأی و مالکیت تا بی‌پناه و رها شدن در جامعه..... ۱۱۸
- تنبه دیر هنگام، شتابزده و جنجالی اروپا در مسأله‌ی زن..... ۱۱۸
- ظریفترین و مؤثرترین نقش در سیر بشریت بسوی کمال ۱۱۹
- متهم بودن غرب در برخورد ذلیلانه با زن ۱۲۰
- مسائل اصلی زندگی؛ تحت‌الشعاع سرگرمی مبتذل روابط زن و مرد ۱۲۰
- مخالفت فرهنگ غرب با خویشتنداری جنسی..... ۱۲۱
- پاسخگویی غرب درباره‌ی حقوق و حفظ کرامت زن..... ۱۲۱
- هدف غرب؛ هرزه شدن و عرضه شدن زن ۱۲۲
- فقدان آزادی و حجاب در حال و گذشته‌ی اروپا ۱۲۲
- سلب آموزش و تحصیل زنان در غرب به جرم حجاب ۱۲۳

- اشتباه دنیای استکبار درباره‌ی ارزش زن ۱۲۳
- هوچیگریهای غرب در مورد مسأله‌ی زن ۱۲۴
- بی‌توجهی غرب به شخصیت و حرمت واقعی زن ۱۲۴
- نگاه غرب به زن؛ نگاه منحط، ناقص و گمراه‌کننده ۱۲۵
- ظلم به زن در تمدن غرب، علیرغم تبلیغات فریبرگر ۱۲۵
- مفاهیم انسانی زن؛ تحت‌الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی ۱۲۵
- تداوم ستم تاریخی به زن، در جوامع متمدن ۱۲۶
- تعدی و اهانت به زن امریکایی، علیرغم شعار دفاع از حقوق زن ۱۲۶
- آمار وحشتناک خشونت علیه زنان در غرب ۱۲۶
- سکوت مدعیان حقوق بشر در قبال تعرض به زنان در بوسنی ۱۲۷
- نبود اخلاق و تهذیب؛ عامل بیشتر شدن ظلم به زن ۱۲۷
- ارتباطات مبتذل؛ عامل دوری زن از مسائل اخلاقی و صحنه‌های سیاسی و فرهنگی ۱۲۸
- زنان شکنجه‌گر در زندان ابوغریب؛ نشانگر فراموشی معنویت در فرهنگ غرب ۱۲۸
- زنان جوان شکنجه‌گر؛ نشانه‌ی وحشیگری تمدن غرب ۱۲۹
- ۲-۲. التذاذ از زن با شعار آزادی در غرب ۱۲۹
- جوابگویی غرب به اهل اندیشه بخاطر حرکت به سمت برهنگی ۱۲۹
- تلقیهای متناقض از شعار آزادی زن ۱۳۰
- مفهوم آزادی زن در غرب ۱۳۱
- نگاه التذاذی به زن؛ ریشه در فرهنگ اروپایی ۱۳۱
- افزایش زن‌آزاری با جوشش شهوت جنسی در غرب ۱۳۲
- الگوی اروپایی زن؛ ابزار التذاذ مرد ۱۳۳
- بساط آزادی غربی؛ قراردادن زن بعنوان ابزار لذت‌جویی مردان ۱۳۳
- سلب حجاب و عفاف به اسم آزادی ۱۳۳
- ظلم و تحقیر زن در غرب به اسم آزادی ۱۳۴
- آزادی زن برای انتفاع و التذاذ مردان ۱۳۵
- نام دروغین آزادی بر نگاه اهانت‌آمیز غرب به زن ۱۳۵
- نگاه ابزار‌ی به زن؛ چشم‌نواز بودن برای مرد ۱۳۶
- بهره‌برداری نفسانی و سوء استفاده از جاذبه‌ی فیزیکی زن ۱۳۶
- حرفهای جذّاب بر مبنای جنس زن؛ وسیله‌ی التذاذ برای جنس مرد ۱۳۷
- بزرگترین ضربه و اهانت به زن در سیاستهای غربی ۱۳۷





- وسيله‌ی التذاذ و شهوترانی؛ بزرگترین اهانت به زن ۱۳۹
- بالاترین اهانتها به زن در تمدن غرب ۱۳۹
- اهانت در شکل تکریم ۱۴۰
- جلوه‌گری زن؛ تجلیل یا تحقیر ۱۴۰
- خیانت آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان ۱۴۰
- تشویق به آرایش و تبرج در مقابل مرد؛ نشانه‌ی مردسالاری غربی ۱۴۱
- جلوه‌گری و زیبایی‌فروشی زن؛ مقبولتر از تفکر، علم و اخلاق او ۱۴۱
- تنزل زن در حدّ یک وسیله التذاذ با تحمیل فرهنگ برهنگی ۱۴۲
- خیانت و ضرر فرهنگ غرب؛ بی‌بند و باری و ابتذال زنانه ۱۴۲
- حاصل سیاست غرب؛ ابتلاء به همجنس‌گرایی و سوءاستفاده جنسی از زن ۱۴۳
- ارتباط راحت زن و مرد در اجتماع؛ بزرگترین ضربه برای زن ۱۴۴
- معاشرت یکسان زن و مرد در غرب؛ عملی فریبنده و نادرست ۱۴۴
- التذاذ از زن در جامعه؛ عامل تزلزل خانواده و بی‌حرمتی به زن ۱۴۵
- تلذذ از زن در اجتماع و زن‌آزاری در خانواده ۱۴۵
- ۲-۳. سوءاستفاده‌ی اقتصادی از زن در غرب ۱۴۵
- صدور اَدعائمه علیه غرب پول‌پرست در اهانت به زن ۱۴۵
- زن؛ قربانی تمدن صنعتی غرب ۱۴۶
- نداشتن حق مالکیت زنان در غرب تا اوایل قرن بیستم ۱۴۷
- نیاز به کارگر ارزان؛ عامل اعطای حق مالکیت به زن در غرب ۱۴۷
- غرب و ممنوعیت حق تصرف زنان در اموال خود ۱۴۸
- زن؛ وسیله‌ی سوداگری سرمایه‌داری غرب ۱۴۹
- ارزشگذاری به آرایش، مد و تفاخرها جهت جذب منافع مادی شرکتها ۱۴۹
- گزارش تکان دهنده‌ی رشد تجارت و قاچاق زنان ۱۴۹
- ۲-۴. موقعیت خانوادگی زن در فرهنگ غرب ۱۵۰
- خانواده؛ نقطه‌ی ضعف غرب ۱۵۰
- ناکامی زن در اساسیترین و فطریترین نیازهایش ۱۵۰
- عدم امنیت جانی، اخلاقی و جنسی در خانواده ۱۵۱
- ضرب و شتم، خشونت و وحشت همسر در جامعه‌ی امریکا ۱۵۱
- آمار وحشت آور از خانواده‌های امریکایی ۱۵۲
- آمار حیرت‌انگیز شکایت زنان از شوهران در امریکا ۱۵۲

مظلومیت زن در طول تاریخ.....	۱۵۳
تشریفات ظاهری و دروغین غرب بعنوان تکریم مقام زن	۱۵۳
مظلومیت خانگی زن در دنیای بظاهر آزاد.....	۱۵۴
ظلم به زن در خانه با وجود بی‌پروایی در جامعه.....	۱۵۴
آزادی بی‌قید و شرط در ارتباط با نامحرم و اسارت شوهر	۱۵۵
تصویر مظلومیت زن در ادبیات غرب.....	۱۵۵
شوهر؛ مالک مال و جان زن.....	۱۵۶
مقایسه‌ی ازدواج دو زن اشرافی در اسلام و غرب.....	۱۵۶
تغییر نام خانوادگی زن در خانه‌ی شوهر در فرهنگ غرب.....	۱۵۷
تغییر نام به نام شوهر؛ ریشه در بی‌اعتنایی به شخصیت زن	۱۵۸
آزادی بی‌قید و شرط معاشرت؛ عامل متلاشی شدن خانواده در غرب.....	۱۵۸
غربت خانواده در غرب بر اثر بی‌اعتنایی	۱۵۹
پیامدهای ازدواجها در غرب	۱۵۹
زندگیهای قراردادی فاقد انس و گرمی خانوادگی	۱۶۰
عدم تبادل عاطفی و زندگی رقت‌بار در مقیاس خانواده.....	۱۶۰
تزلزل بنیان خانواده در غرب	۱۶۱
از هم پاشیدگی خانواده؛ نتیجه‌ی راه غلط زنان غربی	۱۶۱
متلاشی شدن خانواده‌ها؛ مشکل بزرگ امروز دنیای غرب	۱۶۲
مایه‌ی التذاذ مرد شدن به نام آزادی زن، عامل ویرانی خانواده	۱۶۲
آزادی جنسی و بی‌عفتی؛ عامل تزلزل بنیان خانواده.....	۱۶۳
نابودی خانواده؛ دستاورد فساد غرب.....	۱۶۴
بی‌هویتی فرهنگی و فساد؛ نتیجه‌ی تزلزل خانواده.....	۱۶۴
تزلزل بنیان خانواده؛ عامل نابودی تدریجی جامعه.....	۱۶۴
تحول منجر به سست شدن روابط خانوادگی؛ نشانه‌ی پسرفت	۱۶۴
غرب؛ تشنه‌ی پیام مربوط به خانواده	۱۶۵
تنهایی، غریبی و ولگردی؛ حاصل نبود خانواده	۱۶۵
گسستگی اعضای خانواده از هم.....	۱۶۶
اضطراب در غرب و فرو پاشی خانواده	۱۶۶
فرو ریختن تمدن غرب با جدایی زن از خانواده	۱۶۷
دامن زدن به شهوت؛ چالهی خطرناک و گریز ناپذیر پیش روی تمدن غرب	۱۶۷





- زوال تمدن غرب بخاطر قوانین ابلهانه‌ی جنسی ۱۶۸
- نادیده گرفتن نقش مادری و تضعیف نقش خانواده؛ خیانت بزرگ غرب به زنان ۱۶۹
- محرومیت زن از بروز مهر و عطوفت مادری ۱۶۹
- ۲- ۵- ترویج فرهنگ غرب در روابط زن و مرد ۱۶۹
- مردواره کردن و وسیله‌ی التذاذ جنسی قرار دادن زن ۱۶۹
- انفعال در برابر گفتمان غربی مرد واره کردن زن ۱۷۰
- فرهنگ برهنگی و فساد، مخالفت با فضایل و ارزشها ۱۷۱
- ترویج عدم واسطه و فاصله بین زن و مرد در معاشرتها ۱۷۲
- ترویج شهوات جنسی و آمیزش بی‌رویه‌ی زن و مرد ۱۷۳
- به انحراف کشاندن و تشدید غرایز؛ سیاست استعمار فرهنگی ۱۷۴
- نقش صهیونیسم در اشاعه‌ی فساد و فحشا ۱۷۴
- نفوذ و رشد تعلیمات غربی در بعضی خانواده‌ها ۱۷۵
- شکست در ترویج فرهنگ منحنّ غرب ۱۷۵
- فصل سوم: منزلت و جایگاه زن در اندیشه‌ی اسلامی ۱۷۷**
- ۳- ۱- نگاه جامع و کامل اسلام به موضوع زن ۱۷۹
- لزوم درک صحیح نظر اسلام در مسائل زنان ۱۷۹
- دید جامع و کامل اسلام به زن ۱۷۹
- نگاه اسلام؛ اول حیث انسانیّت بعد جنسیّت ۱۸۰
- درک دیدگاههای اسلام بدون افراط و تفریط ۱۸۰
- نظریه پردازی در موضوع زن، بر مبنای آیات قرآن ۱۸۱
- نظریه پردازی در زمینه‌ی الگوی مترقی زن و خانواده ۱۸۱
- طبیعت الهی زن؛ مملو از لطافت و زیبایی و به دور از نقش تشریفاتی ۱۸۱
- محدودیت‌های اسلامی؛ عامل رشد فکری، علمی و عملی زنان ۱۸۲
- معنای واقعی تکریم، توجه به بعد خانوادگی و اجتماعی زن ۱۸۲
- هویت زن؛ چشمه جوشان عاطفه و صبر برای تربیت انسان ۱۸۳
- حرکت به سمت آرمانگرایی با دید واقع‌بینانه نسبت به زن ۱۸۴
- اعطای حقوق و شخصیت کامل به زن در اسلام ۱۸۵
- مقایسه‌ی رفع ابهام و حلّ مسائل در سه قلمروی حضور زن از نظر اسلام ۱۸۵
- حلّ مشکلات زنان با مواظ و نمونه‌سازی پیام وحی ۱۸۷
- نظر اسلام مبتنی بر آفرینش زن و نیازهای او برای رسیدن به کمال ۱۸۸

۲-۳	مبارزه‌ی اسلام با ظلم تاریخی به زن	۱۸۸
۱۸۸	غلبه‌ی خورشید معرفت اسلام بر جاهلیت حاکم بر جهان	۱۸۸
۱۸۹	اسلام و تحوّل در شخصیت زن	۱۸۹
۱۹۰	ارزشگذاری اسلام در مورد زن	۱۹۰
۱۹۱	برخورد اسلام با سنتهای غلط نسبت به زنان	۱۹۱
۱۹۱	دلیل اظهارات پرجوش پیامبر(ص) در مورد زن	۱۹۱
۱۹۲	پاسخ دادن به برداشت غلط و مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن	۱۹۲
۱۹۲	مبارزه با عادات و آداب غلط خرافی بعضی از اقوام نسبت به زن	۱۹۲
۱۹۳	مقابله با نگاه انحرافی و تحقیرآمیز نسبت به زن	۱۹۳
۱۹۴	کویدن اندیشه‌های جاهلی با بالا کشیدن زن نسبت به مرد در قرآن	۱۹۴
۳-۳	شان انسانی زن از نظر اسلام	۱۹۴
۱۹۴	نگاه انسانی اسلام به زن	۱۹۴
۱۹۵	زنان؛ پیشگامان حرکت معنوی انسان	۱۹۵
۱۹۶	اسلام؛ پیشگام در دفاع از حقوق زن	۱۹۶
۱۹۶	رازهای طرح دو زن بعنوان نمونه‌ی ممتاز در صحنه‌ی انسانیت	۱۹۶
۱۹۸	پیامبر اسلام(ص) و حقوق انسانی زنان	۱۹۸
۱۹۸	ارزشگذاری به اصالت زن	۱۹۸
۱۹۹	پرهیز از سطحی نگری به احکام اسلامی در مورد زنان	۱۹۹
۲۰۰	حق مالکیت زن با وجود عدم رضایت شوهر و پدر	۲۰۰
۴-۳	برابری و تفاوت میان زن و مرد	۲۰۰
۲۰۰	عدم تفاوت بین زن و مرد در طی مراتب معنوی و حقوق اجتماعی و فردی	۲۰۰
۲۰۱	عدم تفاوت زن و مرد در تقرب الی الله و کمالات	۲۰۱
۲۰۱	عدم تفاوت در ارزش انسانی زن و مرد	۲۰۱
۲۰۲	عدم تفاوت در فعالیتهای مختلف اجتماعی	۲۰۲
۲۰۲	عدم تفاوت زن و مرد در کسب فضائل بشری	۲۰۲
۲۰۳	عدم تفاوت زن و مرد در عروج و سقوط انسانی	۲۰۳
۲۰۳	عدم تفاوت مرد و زن در ارزشهای معنوی و اسلامی	۲۰۳
۲۰۴	برابری فرصتهای عروج برای زن و مرد	۲۰۴
۲۰۵	برابری زن و مرد از جنبه‌ی الهی و تکامل انسانی	۲۰۵
۲۰۵	برابری زن و مرد در ارزشهای معنوی و معرفتی	۲۰۵





- برابری زن و مرد در پیمودن مراحل تکامل معنوی و مادی ۲۰۶
- برابری زن و مرد در فرایض دینی ۲۰۶
- همردیفی مقامات معنوی و درجات انسانی زن و مرد ۲۰۷
- عدم تفاوت در عرصه‌ی تعالی روحی و رشد معنوی ۲۰۸
- ابعاد گوناگون جهاد و مبارزه‌ی زن ۲۰۸
- ایفای نقش یکسان در پیشرفتهای علمی و اجتماعی ۲۰۹
- امکان پرش بینهایت برای زن و مرد ۲۰۹
- اقتضای نظام اتم خلقت در خصوصیات زن و مرد ۲۱۰
- رعایت عدالت محض میان زن و مرد از نظر اسلام ۲۱۰
- زن و مرد؛ دو جنس مکمل یکدیگر ۲۱۰
- توجه اسلام به زن و مرد از منظر انسانی و حقوقی ۲۱۱
- برجستگیها و امتیازات و برتری متقابل زن و مرد نسبت به هم و برابری کلی آنها ۲۱۲
- مسئولیت‌های مشترک زن و مرد با وجود قلمروهای اختصاصی ۲۱۳
- برابری در ارزشهای انسانی، تفاوت در وظایف تخصصی ۲۱۳
- توجه به تفاوت طبیعت زن و مرد ۲۱۳
- تفاوت طبیعی زن و مرد ۲۱۴
- تفاوت اندیشه و احساسات زن و مرد ۲۱۴
- تفاوت‌های جسمانی، عاطفی و اخلاقی؛ نشانه‌ی وظایف مختلف ۲۱۵
- حکمت الهی در تفاوت آفرینش زن و مرد ۲۱۵
- تفاوت حقوق زن و مرد بر اساس طبیعت، فطرت و مصالح جامعه ۲۱۶
- تفاوت وظایف زن و مرد بر اساس خلقت ۲۱۶
- فلسفه‌ی تفاوت زن و مرد در کار و اشتغال ۲۱۷
- ارزش زن؛ زن کامل بودن، نه کپی مرد شدن ۲۱۸
- فلسفه‌ی «مردانگی» گفتن و «زنانگی» نگفتن ۲۱۸
- غلبه‌ی ضمیرمذکر بخاطر نقش ظاهری و بیرونی مرد ۲۱۹
- تقسیم کار بین زن و مرد بر حسب تفاوت امکانات و زمینه‌ها ۲۲۰
- کسب مقامات عالی کشوری برای زنان بجز رهبری، ریاست‌جمهوری و قضاوت ۲۲۰
- تفاوت احکام مربوط به زن و مرد بر اساس مصالح ۲۲۲
- عامل تفاوت دیه‌ی زن و مرد ۲۲۲
- حکمت و معرفت عظیم در تفاوت دیه‌ی مرد با زن ۲۲۴

۲۲۵	منابع مفید در زمینه‌ی تفاوت‌های حقوقی زن و مرد
۲۲۵	تجدیدنظر در بعضی مسائل فقهی
۲۲۶	۵-۳. خصوصیات زن مسلمان
۲۲۶	ایمان آگاهانه؛ در صدر شخصیت زن
۲۲۶	پاسداران واقعی اسلام در همه‌ی ابعاد
۲۲۷	عبادت، سیاست و خانه‌داری؛ عناصر شخصیت زن کامل
۲۲۷	پیشرفت در ارزشهای معنوی، مسائل اجتماعی و سکونت در خانواده
۲۲۸	مجموعه صفات با ارزش برای زن مسلمان
۲۲۹	رسالت زن ایرانی در برابر نفهمیدن و کتمان حقایق
۲۲۹	نشان دادن هویت و حقیقت فرهنگی زن مسلمان
۲۲۹	دلیل برتری زن ایرانی؛ تربیت اسلامی
۲۳۰	زن مسلمان؛ فراتر از اسارت زر و زیور
۲۳۰	دوری از اختلاط و جلب نگاه مردان
۲۳۰	زن ایرانی؛ پاکتر از راهبه و شجاعت‌تر از سرباز
۲۳۳	فهرست آیات قرآن کریم
۲۳۴	فهرست روایات
۲۳۵	فهرست اسامی اشخاص
۲۳۷	فهرست مکان‌ها





مقدمه

در مصاف بین تمدن اسلامی و تمدن غرب یکی از موضوعاتی که هم در فضای عمومی و هم در نگاه نخبگان مورد توجه و چالش می‌باشد نوع نگاه دو تمدن به جایگاه و مسائل زنان است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و شعار بازگشت به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) از سوی امام خمینی (ره)، احیای شخصیت زن مسلمان نیز چه در نظر و چه در عمل جلوه‌ای دیگر یافت. از جنبه‌ی نظری، دیدگاهی جدید در باب زن و ارزشهای او در جهان امروز پدید آمد و در صحنه‌ی عمل، زنان در مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پا به پای مردان و گاه مقدم بر آنان در سرنوشت جامعه نقش‌آفرین شدند.

این موج فرهنگی حضور و تعالی زن، نه تنها در سالهای پس از انقلاب اسلامی افول نکرد بلکه در عرصه‌ی دفاع مقدس، شکل کاملتری به خود گرفت و پس از آن نیز رشد فزاینده‌ای یافت. در حقیقت میتوان دوران کنونی را دوران شکوفایی نهالی دانست که به دست امام خمینی (ره) پدید آمد و با خون هزاران شهید آبیاری گردید. با این همه، آفات و بلیات همواره در قالب طرح دیدگاههای متأثر از غرب و تفکرات فمینیستی از یک سو و نظرات متحجرانه از سوی دیگر، این نهال نوپا را تهدید کرده و گاه آنچنان فضا را مسموم ساخته است که دیدگاههای اصیل اسلامی، برای عموم جامعه‌ی بویژه زنان مؤمن و انقلابی و حتی فرهیختگان و متولیان فرهنگی و



اجرایی کشور نیز مشتبّه شده است. در چنین شرایطی، ارائه‌ی سیمای جامع زن در اسلام مبتنی بر ساختار آفرینشی او و متناسب با مقتضیات زمان و مکان، ضرورت خویش را باز مینمایاند.

بدین منظور، باید به دنبال کسانی رفت که با نگاه عمیق به مبانی دینی و مبتنی بر زمان‌شناسی و تدبیر لازم و آشنایی با مسائل و مشکلات و نیازهای جامعه، خطوط اصلی و کلان نظام اسلامی را در باب شخصیت و جایگاه زن مسلمان ترسیم نمایند؛ و این مهم به لطف خداوند متعال با وجود رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدّله العالی) دست‌یافتنی است. بی‌تردید از جمله عنایات الهی به جامعه‌ی اسلامی ایران، وجود رهبری فرزانه، مجتهد و ربّانی است که بحق کمتر کسی را در میان فقها و غیرفقها میتوان یافت که همچون ایشان در ارائه‌ی سیمای زن از منظر اسلام کوشیده باشد؛ اما این حقیقت، همچون دیگر عطایای الهی به ایشان، در ورای چهره‌ی سیاسی و حقوقی این رهبر الهی، پنهان مانده است.

ضرورت توجه به مسائل زنان از دیرباز مورد توجه مقام معظم رهبری (مدّله العالی) بوده است. ایشان در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳) فرموده‌اند: «آن مقداری که بنده راجع به مسائل زن در ایران در طول این ده - بیست سال رنج برده‌ام و ناراحت شده‌ام، خیلی از زنان حتی گوشه‌ای از آن را نفهمیدند و ناراحت هم نبودند.» با احتساب این ۲۵ سال اخیر، بیش از ۴۰ سال ایشان دغدغه‌ی مسائل زنان را داشته‌اند. ایشان در مسائل زنان معتقد به اولویت‌یابی هستند تا بتوان با یک حرکت اساسی مظلومیت تاریخی زن را برطرف کرد؛ مظلومیتی که در خانواده و اجتماع، در شرق و غرب و در گذشته تا کنون برای زن بوده است و وضعیّت خطرناکتری که امروزه در غرب به خود گرفته است و آن التذاذ از زن با شعار آزادی در غرب و تزلزل موقعیّت خانوادگی و سوءاستفاده‌ی اقتصادی از زن میباشد. در مقابل، با ارائه‌ی نگاه جامع و کامل اسلام در مورد زن، میتوان زن را به آن جایگاه والا و شأن انسانی خود رساند. در اسلام ضمن



به رسمیت شناختن تفاوت‌های زن و مرد، برابری آنها در عرصه‌های کمال انسانی مورد تأکید قرار گرفته است.

در این کتاب، با ارائه‌ی موضوعی و عنوانی فرمایشات رهبری، در سه فصل، اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زنان، زن در فرهنگ غرب، منزلت و جایگاه زن در اندیشه‌ی اسلامی، میتوان با ریشه‌یابی مسائل زنان، تفاوت نگاه غرب و نگاه اسلام را در موضوع زن بازشناسی کرد.

در استخراج، گردآوری و دسته‌بندی سخنان معظم‌له و ارائه‌ی آن در قالب اثر حاضر، تمامی سخنرانیها و پیامهای ایشان درباره‌ی زنان، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، حتی سخنانی که رسانه‌ای نشده است - مانند توصیه‌هایی که هنگام خواندن خطبه‌ی عقد به جوانان داشته‌اند - اما در مخزن اسناد دفتر معظم‌له موجود بوده، مورد بررسی قرار گرفته است که حجم گسترده‌ی آنها، توجه و اهتمام رهبر معظم انقلاب را نسبت به مسائل زنان نشان میدهد.

در پایان، با سپاس فراوان از حمایت‌های دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، لازم است از زحمات جناب دکتر تقی اجیه در ویراستاری عناوین تشکر نمایم. همچنین از خواهران گرامی: ملیحه نقش‌زن، فاطمه حقیقی، مائده کیوانی، نسیم کریمی، اشرف‌السادات فتحی، اکرم امینی، آسیه مهجوری، مهرناز سطوت، سعیده شریعت، زهرا نقش‌زن و فاطمه دهقانی که در جمع‌آوری و انطباق فیشها و اصلاح نهایی تلاش فراوان داشته‌اند، بالاخص خواهر مرضیه شاه‌سنایی که مسؤولیت گروه خواهران محقق را برعهده داشتند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثر مقبول افتد و مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

امیر حسین بانکی‌پور فرد^۱

۱. استادیار دانشکده‌ی اهل البیت (ع) دانشگاه اصفهان (A.Bankipoor@ltr.ui.ac.ir).

فصل اوّل ————— ❁

اهمّیت و ریشه‌یابی مسائل زنان



۱-۱- ضرورت توجه به مسائل زنان

توجه و عنایت ویژه‌ی امام(ره) به زنان

امام یک روح بزرگ است، یک مغز بزرگ است، یک انسان بسیار باعاطفه است و قهری است که در نگاه تیزبین خود در سطح جامعه و مسائل جامعه به مسأله‌ی زن هم توجه و عنایتی بکند. اگر علت خاصی را برای این توجه ما بخواهیم جستجو کنیم، علتش شاید همین باشد که ایشان نگاه میکنند میبینند زنها علیرغم نقش عظیمی که در ساختن جامعه همواره دارند و در انقلاب به‌خصوص داشتند و در جنگ داشتند، و این همه مادر شهید و همسر شهید، بهای لازم درعین حال به آنها داده نمیشود. شاید ایشان میخواهند جبران این ظلم را بکنند و یک مقداری توجه و عنایت ویژه‌ای مبذول بشود.^۱

حصار محکم فکر امام(ره) در مورد نقش زنان

اصلاً نمیشود نقش زنان را محاسبه کرد؛ و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچکدام از ماها نمیفهمیدیم همچنان که امام نقش مردم را فهمید.



۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳).

به نظر من الآن هم هرچه ما داریم پیش می‌رویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست میشود. امام در زمینه‌ی زن هم همینجور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و الا بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه میداد، خاطر جمع میشد، تا بتواند در مقابل اینجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه میشد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالابدین بر این مرد بزرگ باد.^۱

بیش از ۴۰ سال دغدغهی مقام معظم رهبری نسبت به مسائل زنان
آن مقداری که بنده راجع به مسائل زن در ایران در طول این ده - بیست سال رنج برده‌ام و ناراحت شده‌ام، خیلی از زنان حتی گوشه‌ای از آن را نفهمیدند و ناراحت هم نبودند. یعنی این نشاندهنده، باید دیده باشد کسی بفهمد چه دارد میگذرد و چه باید باشد. زن بودن مسأله‌ی مؤثر نیست.^۲

حل نشدن مسأله‌ی زن در دنیا

درباره‌ی مسائل زن که امروز همچنان در دنیا یک مسأله است حرفهای فراوانی گفته شده و گفته میشود. وقتی ما به نقشه‌ی انسانی عالم و جوامع بشری نگاه میکنیم، هم جوامع اسلامی مثل کشور خودمان و سایر کشورهای اسلامی، هم جوامع غیراسلامی و از جمله جوامع به اصطلاح متمدن و پیشرفته، میبینیم که در همه‌ی این جوامع، متأسفانه مسأله‌ای به نام مسأله‌ی زن همچنان وجود دارد؛ این نشاندهنده‌ی نوعی کج‌بینی و کجروی و حاکی

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

از نوعی کوتاه‌نظری نسبت به مسائل انسانی است. معلوم می‌شود که بشر با همه‌ی ادعاهایش، با همه‌ی تلاشهایی که مخلصان و دلسوزان کرده‌اند، با همه‌ی کارهای فرهنگی وسیعی که به‌خصوص در مورد مسأله‌ی زن انجام گرفته است، هنوز نتوانسته درباره‌ی مسأله‌ی دو جنس و مسأله‌ی زن که به تبع او، مسأله‌ی مرد هم به شکل دیگری مطرح می‌شود به یک صراط مستقیم و راه درستی دست پیدا کند.^۱

عدم حلّ مسائل زنان بخاطر زیاده‌رویها، کجرویها و بدفهمیها

شاید در بین شما خانمها کسانی باشند که آثار ادبی و هنری زنان هنرمند دنیا را که بعضی هم به فارسی ترجمه شده و بعضی هم به زبانهای اصلی اش وجود دارد دیده یا خوانده باشند. همه‌ی اینها حاکی از همین مسأله‌ای است که فرض شد؛ یعنی هنوز بشر نتوانسته مسأله‌ی زن را، و به تبع این مسأله، مسأله‌ی دو جنس یعنی زن و مرد را، و قهراً مسأله‌ی انسانیت را، حلّ کند. به عبارت دیگر، زیاده‌رویها و کجرویها و بدفهمیها، و به تبع اینها، تعدّیها، ظلمها، نارساییهای روانی، مشکلات مربوط به خانواده و مشکلات مربوط به نحوه‌ی اختلاط و امتزاج و ارتباطات دو جنس، هنوز جزو مسائل حلّ نشده‌ی بشریت است.

یعنی بشری که در زمینه‌های مادی، در زمینه‌های اجرام آسمانی، در اعماق دریاها، این همه کشفیات انجام داده و این همه دم از ریزه‌کاریهای روانشناسی و روانکاوی و مسائل اجتماعی و مسائل اقتصادی و سایر چیزها می‌زند و واقعاً هم در خیلی از این رشته‌ها پیشرفت کرده، در این مسأله درمانده است. اگر من بخواهم این نارساییها را حتی فهرست‌وار بیان کنم، زمان زیادی می‌طلبد و شما خودتان هم واقفید.^۲

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

۲. همان



لزوم توجه به ویژگیهای زنان در جامعه‌ی انقلابی ایران

در جامعه‌ی انقلابی ما اگر شأن زن از مرد بیشتر نباشد، کمتر نیست و روی این اصل باید ویژگیهای زن در زمینه‌های گوناگون؛ مانند آموختن، علم، جهاد، ارتباط با مرد، نقش مادری که در تمام اینها زندگی حضرت^۱ یک نمونه است، مورد بررسی قرار گیرد.^۲

خسارات بی‌توجهی به نقش زن

مسأله‌ی زن و ارتباط زن و مرد هم مهم است. اولاً به نظر من، نقش زن هرچه برجسته شود، خیلی بهتر است. زنهای ما مظلومند. من راجع به زن، حرفهای زیاد و بحثهای فراوانی دارم. مسأله‌ی زن واقعاً مسأله‌ی مهمی است. یک عده توجه نمیکنند و بعنوان یک مسأله‌ی نمایشی که حالا مد روز است، حرف میزنند. خوب؛ گرایشهای فمینیستی و گرایش خاص غربی در مورد زن هم که به جای خود محفوظ است؛ اما اصل نقش زن در خانواده، در اجتماع، ارزش و اهمیت زن و اموری از این قبیل، چیزهایی است که ما حقیقتاً به آنها کم پرداخته‌ایم و از این کم پرداختن خسارت هم میبینیم. خود این، یک مسأله است.^۳

عدم پیشرفت متناسب با نیاز و توقع و امکانات در مسائل زنان

بحمدالله ما در زمینه‌ی مسائل زنان در نظام جمهوری اسلامی پیشرفتهایی داشتیم، منتها این پیشرفتها متناسب با نیاز، متناسب با توقع، متناسب با آن امکانی که در اسلام وجود دارد نیست؛ عقب‌ماندگی داریم. این عقب‌ماندگی را - ان شاء الله - شما خانمها بایستی به بهترین وجهی جبران کنید.^۴

۱. حضرت زهرا(س)

۲. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۳. در دیدار با مدیران صدا و سیما (۸۱/۱۱/۱۵)

۴. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)



زن و خانواده؛ جزو راهبردی‌ترین مسائل فکری جامعه

مسأله‌ی زن و خانواده، با همه‌ی کاری که شده است - شما کرده‌اید، دیگران کرده‌اند - همچنان یک مسأله‌ی مهم و قابل بحث و قابل توسع در اندیشه‌ورزی است. این موضوع یکی از نشستهای اندیشه‌های راهبردی است که ان‌شاءالله در آینده آن را خواهیم داشت. نشستهای اندیشه‌های راهبردی که تاکنون دو نشست آن انجام گرفته و کارهای آن از لحاظ فکری و ان‌شاءالله، بعداً برنامه‌ریزی و عمل دنبال خواهد شد، متکفل بررسی اساسی‌ترین و راهبردی‌ترین مسائل فکری جامعه است. یکی از این مسائل، مسأله‌ی زن و خانواده است که در فهرست این مسائل پیش‌بینی شده و در آینده برگزار خواهد شد. من همینجا از بانوان محترم، اندیشه‌ورزان زن - که امروز نمونه‌هایی از آن را بحمدالله اینجا دیدیم - درخواست می‌کنم که در این کار مشارکت جدی بکنید؛ بحث کنید، فکر کنید، مطالعه کنید؛ فصول مربوط به مسأله‌ی زن را بطور جداگانه، بطور تخصصی، به شکل علمی، با تکیه به منابع اسلامی و فکر ناب انقلابی - که خوشبختانه در شما هست - در نشست مربوط به این موضوع بررسی کنید؛ مطرح بشود، بحث بشود و - ان‌شاءالله - برای برنامه‌ریزی و عمل دنبال‌گیری شود.^۱

سرمایه‌گذاری پژوهشی نظام در حوزه‌ی زن و خانواده

ما باید در این زمینه، خلأهای نظری را پر کنیم. نتیجه این خواهد شد که سرمایه‌گذاری پژوهشی در حدّ طاقت لازم است؛ این را ما تصدیق می‌کنیم. ما با مراجعه‌ی به مقاله‌های دوستان - که چکیده‌ی مقاله‌ها و خود مقاله‌ها را قبلاً به من دادند، من هم یک مروری کرده‌ام - به این نتیجه می‌رسیم که بایستی مجموعه‌ی نظام، سرمایه‌گذاری مهمی در حدّ طاقت و امکانات خود در زمینه‌ی پژوهش در این مسأله بکند.^۲

۱. در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

۲. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)



لزوم تبلیغ و فعالیت بسیار برای رفع محرومیت از زنان

حقیقت این است که اسلام و نظام اسلامی، زن را همچنان در نظامهای گوناگون عالم و در میان عادات و سنن و روشها و شکل‌های گوناگون زندگی، از بسیاری از حقوق الهی و انسانی خود، دور و محروم احساس میکند. ما معتقد هستیم که نظام جمهوری اسلامی برای اینکه بتواند در جامعه‌ی اسلامی و قرآنی ما، زن را در جایگاه حقیقی خود قرار بدهد، باید هنوز تلاش، تبلیغ و فعالیت بسیاری انجام دهد و انجام بگیرد.^۱

تصحیح و تسریع حرکت به سوی جایگاه شایسته‌ی زن

از اقدام شما جوانان مؤمن و انقلابی در ترتیب این مجمع سپاسگزارم و امید و انتظار دارم که محصول آن، در تصحیح و تسریع حرکت به سمت جایگاه و منزلت شایسته‌ی زن انقلابی و مسلمان مؤثر و سودمند افتد.^۲

شما در چنین سمینارها و اجتماعاتی، باید روشهای درست برای ادامه‌ی خطّ امام و انقلاب در باب زن را تدوین کنید و تداوم این راه را تضمین نمایید.^۳

لزوم توجه به زن بعنوان عامل فساد یا صلاح مردان و اجتماع

وقتی زن فاسد شد، مردها هم فاسد میشوند. حالا، مردهای این نسل هم فاسد میشوند، هم آن نسل همزمان، چون جاذبه‌ای که وجود دارد برای زن و در زن، مرد را میکشاند به طرف فساد، اگر مرد فاسد بشود زن میتواند خودش را نگه دارد، اگر زن فاسد شد مرد نمیتواند خودش را نگه دارد، بدانید این را. در میان این دو طبیعت، مقاومترین و سختترین طبیعت زن است، مرد یک قدرتهای دیگری دارد. درمقابله‌ی زن و مرد اگر بخواهند

۱. در دیدار با بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

۲. در پیام به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره) (۶۸/۸/۳)

۳. همان



با هم مقابله کنند، آنی که می‌تواند بیشتر مقاومت کند، بیشتر استقامت کند، آن زن است. زن یک طبیعت عجیب، پیچیده و ممتاز و عجیبی است. اگر مرد فاسد شد، زن می‌تواند فاسد نشود، اگر زن فاسد شد مرد نمی‌تواند فاسد نشود؛ مرد را به دنبال خودش خواهد کشاند. حالا دست بالا این است که مرد این نسل را نتواند، مردهای نسل بعد را فاسد خواهد کرد. آنها کی‌اند؟ بچه‌های او، تربیت‌شده‌های او؛ لذا است که روی این نقطه، فرهنگ غربی انگشت گذاشت و اسلام درست به عکس.^۱

پرورش انسانهای بافضیلت یا بی‌شخصیت در دامن زن

اگر زن یک نسل فاسد شد، هیچ لازم نیست که سرمایه‌گذاری کنند که مردهای آن نسل را فاسد کنند؛ نه، یک ده سال دیگر، پانزده سال دیگر، بیست سال دیگر تمام آن نسل فاسد خواهد شد؛ اهمیت زن هم از این جهت است. برای خاطر اینکه این زن است که تربیت‌کننده است، این زن است که پرورنده است. حالا یا پرورنده‌ی انسانهای بافضیلت است، انسانهای شجاع است، به قول خانم سپیده کاشانی پرورنده‌ی گردان است، یا پرورنده‌ی انسانهای بی‌شخصیت، بی‌حیثیت، بی‌ارزش، طماع، شکم‌چران، به دنیا چسبیده، بی‌ایده‌آل، این جوری است دیگر. پس ببینید که روی زن کار کردن و زن را به فساد کشاندن - که تمدن کنونی غرب و فرهنگ غربی بر این اساس است - چقدر حساب شده است.^۲

وضع آینده و اهمیت نقش زن در آن

مسأله‌ی زن، یک مسأله‌ی بسیار مهم، خیلی جدی و بسیار مؤثر در وضع آینده است و با وجود اینکه در این چند سال، راجع به قضیه‌ی زن در جمهوری اسلامی، زن ایرانی و اساساً در دیدگاه اسلام، خیلی بحث شده

۱. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

۲. همان



است- به خصوص امام رضوان الله علیه- که معلوم بود اصلاً به مسأله‌ی زن، یک توجّه خاصّ و یک حالت دفاعی دارند- هنوز کارهای نشده بسیار است؛ بلکه کارهای شده، بسیار کم است.^۱

تجلیل عملی از زن در خانه و جامعه

قصد ما این بود که از روز زن به این صورت تجلیل بشود؛ الحمدلله به بهترین وجهی تجلیل شد. زیرا که بهترین تجلیل، تجلیل عملی است. با حضور شما خانمهای آگاه، عالم و فرزانه، در بخشهای مختلف، روشن شد که بحمدالله زن ایرانی در یک سطح راقی قرار دارد؛ این مهم است.^۲

۱-۲- اولویّت مسائل زنان

ضرورت بازنگری جدّی ارزشهای سازنده‌ی شخصیت زن در دنیا

این اندیشه که جایگاه زن در نظامهای اجتماعی و در محیط زندگی، آنچنانی که شایسته‌ی بانوان است تبیین بشود، یکی از ضروریترین کارهای دوران ماست. چرا روی این مطلب با این تأکید حرف میزنیم؟ چون به اعتقاد ما و در بینش ما این کار انجام نشده و علیرغم جنجال بزرگ که در سطح جهان به پرچمداری سردمداران فرهنگ تمدّن غربی در هفتاد، هشتاد سال اخیر درباره‌ی مقام زن و شخصیت زن و احیای این شخصیت و سپردن نقش شایسته به وی در سطح جهان به راه افتاده علیرغم این همه، ما اعتقادمان بر این است که شخصیت والای زن همچنان در دنیا مورد اهمال و بی‌توجهی است. آنچه من امروز میخواهم عرض بکنم، عبارتست از لزوم بازنگری بر ارزشهای سازنده‌ی شخصیت زن.

ما در این ادّعا میخواهیم این را بیان کنیم که آنچه امروز در جهان بعنوان

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی- اجتماعی زنان (۷۵/۸/۱۴)

۲. به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) (۷۷/۷/۱۸)

عناصر اصلی شخصیت والای زن ارائه میشود که بطور عمده هم گرفته از فرهنگ غربی است، محتاج یک بازنگری جدی و عمیق است. بسیاری از چیزها امروز در سطح دنیا بعنوان یک ارزش شناخته میشود، درحالی که شاید ارزش بودن آن بشدت مورد تردید باشد. و بسیاری از چیزها مورد توجه و عنایت قرار نمیگیرد که بی گمان باید در ردیف ارزشهای طراز اول آن را قرار داد، برای تکوین شخصیت زنان.^۱

برخی مسائل نیازمند به پیگیری در حوزه‌ی زنان

مسائل مهم دیگری هم وجود دارد: مسأله‌ی ازدواج و نجات از تجرد. موانع ازدواج احصاء بشود. همین کارهایی که خانمها اشاره کردند که دارند انجام میدهند و من واقعاً خرسند شدم که بحمدالله به این مسائل پرداخته میشود. مسأله‌ی پوشش، مسأله‌ی معاشرت، واقعاً یک کار مبنایی‌ای در این زمینه انجام بگیرد. مسأله‌ی حمایت مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم که حالا مسأله‌ی دادگاهها را که یکی از دغدغه‌های فکری من بود، آن خانم خراسان رضوی اشاره کردند که این کار در دادگستری آنجا شده؛ امیدواریم واقعاً تحقق عینی داشته باشد این کار؛ یکی از دغدغه‌ها و از نگرانیهای بنده همین است که خانمها در محیطهای دادگاهی و محیطهای قضائی، توانایی دفاع از خودشان را درست نداشته باشند؛ نه پول داشته باشند که بتوانند وکیل درست و حسابی بگیرند، نه خودشان بتوانند از خودشان دفاع کنند و مظلوم واقع بشوند؛ این از جمله‌ی چیزهایی است که مهم است، باید دنبال بشود. مسأله‌ی اشتغال زنان، حدود اشتغال، چه اشتغالی، چه جور کاری، به چه نحوی - همان انعطافی که ما گفتیم در زمینه‌ی مسائل اشتغال - اینها همه کارهایی است که باید انجام بگیرد.^۲

۱. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

۲. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

مسائل مطرح در سبک زندگی در مورد رابطه‌ی زن با خانواده و اجتماع
 اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خوب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟

بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیب‌ها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسأله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم.

چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رایج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظایف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست.^۱

تصحیح فرهنگ عمومی جامعه در نگرش سیاسی به زنان

یکی از مهمترین مسائل اصلی در خصوص مشکلات زنان، تصحیح دیدگاه فرهنگ عمومی جامعه در نگرش به مسائل سیاسی زنان است.^۲

فاصله‌ی قوانین و حقوق اجتماعی زنان در ایران با خواسته‌ی اسلام

آنچه که در گذشته، در فرهنگ‌های شرقی و غربی و ایرانی و غیر ایرانی، بر زنان رفته است، لزومی ندارد که من آنها را تکرار کنم؛ بر همه‌ی شما

۱. در دیدار جوانان استان خراسان شمالی (۹۱/۷/۲۳)

۲. در دیدار با نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

معلوم است. اسلام واقعاً حیات دوباره‌ای به زن بخشید؛ منتهای مراتب، نکته‌ای که شما هم اخیراً به آن اشاره کردید، نکته‌ی مهمی است و من همیشه روی آن تکیه دارم. آن نکته این است که با وجود همه‌ی اینها، زن در جامعه‌ی ایرانی ما، نه از لحاظ حقوق اجتماعی، نه از لحاظ تمکّن و قدرت تصرّف فردی، نه از لحاظ قوانینی که به اینها ارتباط پیدا میکند، هنوز در آن حدّ و سطحی که اسلام خواسته است، قرار ندارد.^۱

شناساندن حقوق و تکالیف و مسؤولیت متقابل با رجوع به فطرت

امروز زنهای جوان مسؤولیت سنگینی بر عهده دارند، مادرهایشان را هم باید اصلاح کنند. این راز را باید باز کنیم، من یک جمله فقط میگویم و اینگونه اجتماعات اسلامی که شما زنان اندیشمند مسلمان آن را بوجود آوردید، باید در پیرامون این مطلب تلاش کند و کار کند. من میگویم راز مسأله این است که؛ به فطرت رجوع نشده، حقیقت تکلیف و وظیفه و مسؤولیت زن و مرد شناسانده نشده و تلاش نشده تا شناخته بشود. اینجا اسلام راهنماست، اسلام میان زن و مرد برابری را از لحاظ ارزشهای انسانی کامل میکند، یعنی؛ یک ذره‌بین زن و مرد از لحاظ ارزشهای انسانی فاصله نیست. هر کس غیر از این تصوّر بکند، معارف اسلام را درست نشناخته از لحاظ وظایف چرا. اسلام به زن اهانت نمیکند و اجازه‌ی اهانت هم نمیدهد.^۲

کمبود فرصتها و میدانها برای علم و معرفت زنان در همه‌ی جوامع

زن در همه‌ی جوامع - از جمله در جامعه‌ی ما - دچار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل میشود، اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی‌بندوباری نیست. این کمبود، کمبود میدانها و فرصتها برای علم

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

۲. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام در تالار تئاتر شهر (۶۷/۱۱/۸)

و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست؛ این را باید تأمین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام بر روی آن تکیه کرده است.^۱

عدم حلّ مشکلات زنان با کثرت حضور در دانشگاهها و مسؤولیتها
میبینیم که مسؤولین گزارش میدهند - مثلاً تعداد زنها در دانشگاه بیشتر شده است. زنها مسؤولیتهایی دارند. حضورشان در اجتماع اینطوری است - اینها یک سلسله از بحثهایی است که میشود انجام بگیرد و انجام هم میگیرد و خوب هم هست. ایرادی ندارد که این بحثها بشود. هم مشوق است؛ هم مبین حقایقی است؛ هم بالاخره دیدگاه جمهوری اسلامی را در این زمینه نشان میدهد؛ لیکن در آیندهی مسألهی زن، خیلی تأثیر نمیگذارد.^۲

بحران زنان؛ محصول نگاه غلط به زن و خانواده

دربارهی مسألهی زن در جامعه، اساس مشکل، دو چیز است؛ دو نقطه‌ی اساسی است که اگر دربارهی این دو نقطه بشود فکری کرد، طرحی نو در انداخت و کار پیگیر و مستمری انجام داد، میتوان امیدوار بود که در طول زمان - میان‌مدت یا بلندمدت - آن چیزی که امروز میتوان آن را بحران مسألهی زن در دنیا دانست، حلّ شود. آن دو چیز، یکی عبارت است از نگاه غلط و بد فهمیدن جایگاه زن و شأن زن در جامعه که این نگاه و این بدفهمی از غرب شروع شده و خیلی هم قدیمی و ریشه‌دار نیست. آن کسانی که مدّعی شدند که در پروتکل‌های اندیشمندان صهیونیست این مسأله وجود داشته، میشود حدس زد که این، خلاف واقع نیست. یعنی اگر نگاه کنیم، میبینیم این نگاه غلط، این کج‌فهمی و بدفهمی در زمینهی شأن زن در جامعه، شاید در حدود صد سال، صد و پنجاه سال بیشتر در غرب سابقه ندارد و از غرب سرریز شده است به جوامع دیگر، از جمله جوامع

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۷۵/۸/۱۴)

اسلامی. این یک نقطه است.

نقطه‌ی دوّم که اساس مشکل است، بد فهمیدن مسأله‌ی خانواده و بد عمل کردن در رفتارهای داخل خانواده است. این دو تا مشکل است که به نظر ما بحران مسأله‌ی زن را - که امروز یک مشکل اساسی در دنیاست - بوجود آورده. شاید تعبیر «بحران زن»، تعبیر تعجب‌آوری باشد. امروز مسأله‌ی بحران آب و هوا، بحران آب، بحران انرژی، بحران گرم شدن زمین، بعنوان مسائل اصلی بشریت مطرح میشود؛ اما هیچکدام از اینها مسائل اصلی بشریت نیست. بیشتر آن چیزهایی که مشکلات اصلی بشریت است، برمیگردد به مسائلی که ارتباط پیدا میکند با معنویت انسان، با اخلاق انسان، با رفتار اجتماعی انسانها با یکدیگر؛ که یکی از آنها مسأله‌ی زن و مرد، جایگاه زن، مسأله‌ی زن و شأن زن در جامعه است؛ که این حقیقتاً یک بحران است، منتها به رو نمی‌آورند، مطرح نمیکنند و سیاستهای مسلط در دنیا به صرفه‌ی خودشان میدانند و شاید برخلاف راهبردهای اصلی خودشان میدانند که این مسأله را مطرح کنند.^۱

اداره‌ی کانون گرم خانواده؛ اولین مسؤولیت زن

ما معتقدیم زن در نگاه نخستین، بزرگترین و اولین مسؤولیت اداره‌ی کانون گرم خانواده را که ما آن را پایه‌ی تشکّل اجتماعی خودمان میدانیم بر عهده دارد که این به عهده مرد نیست و از مرد اصلاً برنمی‌آید. ما معتقدیم ترکیب آفرینش زن، او را برای برداشتن مسؤولیت و مأموریت آماده میکند. ما معتقدیم برای زن این افتخار نیست که وزیر یا نخست‌وزیر باشد بلکه افتخار این است که بتواند کانون محیط خانوادگی خودش را گرم اداره کند که البته اگر در آن حال توانست وزیر و نخست‌وزیر هم باشد، هیچ اشکالی ندارد و این هم شرفی و افتخاری بالاتر و مضاعف خواهد بود. و هرگز زن را مجبور نمیکنیم که تو باید بروی شوهر کنی، بچه‌هایت را اداره کنی و یا

۱. در دیدار با جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

خانواده‌ای را حفظ کنی. لذا اگر خود زن ترجیح داد خانواده نداشته باشد و خانه اداره نکند یا بچه‌هایش را به دایه یا پرورشگاه بسپارد و به شوهرش دستور دهد که از رستوران غذا بیاورد و خودش بیاید برود مدیر کل فلان اداره و وزیر فلان وزارتخانه، یا مسؤول فلان گوشه کشور بشود، دولت جمهوری اسلامی به او فشار نمی‌آورد که تو حق نداری این کار را بکنی، بلکه حق دارد. اما بعنوان یک ارزش در نظام ارزشی جمهوری اسلامی ترجیح را می‌دهیم به آن کار اصلی زن یعنی حفظ کانون خانواده و گرم نگاه داشتن آن و از نظر ما این از ارزش بالاتری برخوردار است.^۱

احساس آرامش و امنیّت؛ مسأله‌ی اساسی زنان

مسأله‌ی اصلی زن این نیست که آیا شغلی دارد یا ندارد. مسأله‌ی اصلی زن، آن مسأله‌ی اساسی است که امروز در غرب متأسفانه از بین رفته است، و آن همان احساس آرامش و احساس امنیّت و احساس امکان بروز استعداد و مورد ستم قرار نگرفتن در جامعه و در خانواده و در خانه‌ی شوهر و در خانه‌ی پدر و امثال اینهاست. کسانی که در خصوص مسأله‌ی زن تلاش میکنند، باید در این زمینه‌ها تلاش کنند.^۲

عدم اولویّت مسائل شخصی برای زنان

بعد از انقلاب در کشور ما، وضع زن بعنوان عضوی از جامعه و همچنین بعنوان کسی که صاحب وظایف زنانه است وظیفه‌ی مادری و همسری و امثال اینها خیلی بهتر از گذشته است. هر چند در گذشته، برخی از زنان کشور نه اکثریّت آنها از جنبه‌ی شخصی نه از آن دو جنبه‌ای که اشاره کردم شاید وضعشان بد نبود و زنان خاصی، از مقداری از تنعمات عمومی جامعه برخوردار بودند؛ لیکن مسأله‌ی شخصی برای زن، مسأله‌ی درجه یک

۱. در مصاحبه با سردبیران مجلات وزارت ارشاد (۶۰/۱۲/۴)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)



نیست. اگر ما به ابعاد زندگی زن نگاه کنیم، واقعاً مهمترین جهات و حیثیات وجود او، آن مسائل شخصی محض نیست.^۱

پرهیز از دام رقابتها و چشم و هم‌چشمیها در محافل زنان

مواظب باشید در دام رقابتها و چشم و هم‌چشمیهایی که متأسفانه در بعضی از محافل زنانه رایج است، نیفتید. رقابت برای تجملات، رقابت برای به رخ کشیدن و بعضی از زیاده‌طلبیها کوچکتر از این است که بتواند زنهای شایسته و والا را اسیر خود کند. هر انسانی - چه مرد و چه زن - اگر به دام زواید زندگی بیفتد و اسیر اینها شود، بتدریج معنویات با ارزش در وجود او افول خواهد کرد و ضعیف و کم خواهد شد.^۲

مقایسه‌ی ظلم به زن در غرب و کشورهای اسلامی

شما زن‌ها باید بروید دنبال اینکه کار جدی و اساسی بکنید، اصلاً بروید ریشه‌یابی بکنید ببینید آن جامعه‌ای که در آن به زن ظلم میشده کجا بوده است در دنیا. شاید کمتر کسی تصوّر کند که زن در کشورهای اسلامی یک دهم مظلومیتی را که در کشورهای اروپایی داشته تا مثلاً اواسط قرن نوزدهم شاید، تا اوایل قرن بیستم نداشته. توجّه کردید؟ این را کمتر کسی میداند که چنین چیزی است. ما وقتی که نگاه میکنیم کتابهای مربوط به مسائل اجتماعی و زمینه‌های اجتماعی و اوضاع و احوال اجتماعی همین قرن نوزده و اوایل قرن بیست را در اروپا، در فرانسه، در انگلیس، در فلان نگاه میکنیم میخوانیم آن وقت میفهمیم که زن ایرانی در همان روزگار، یک خانمی بوده برای خودش و آن ظلمی که بر زن میرفته، آنجا میرفته، و شعارهای رفع ظلم از زن بیشتر مال آنجاست. اینجا هم هست البته، اما خیلی کمتر از آنجا. حالا من گفتم یک دهم، نمیدانم این نسبت چقدر دقیق است و صحیح است،

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

۲. در دیدار با کارکنان سپاه حفاظت ولی امر (۸۱/۷/۱۸)



به هر حال خیلی کمتر بوده اینجا این مسائل تا آنچه که در آن جاها وجود داشته. بروید اینها را پیدا کنید، اطرافش یک خرده کار کنید، کار بنیادی - ان شاء الله - شروع کنید.^۱

۱-۳- ظلم به زن

ستم تاریخی و طبیعی و دائمی نسبت به زنان

میبینیم که زن، امروز هم همچنان در زیر بار تحمیل ستم تاریخی قرار دارد. چون زن در تاریخ مظلوم است، در طول تاریخ مگر در بخشهایی از زمان و قطعه‌هایی از عالم. امروز هم میبینیم همان مسأله هست؛ در داخل خانواده، در محیط کار، در سطح جامعه و خلاصه در مقابله با جنس مرد مورد ستم طبیعی است. منظورم از ستم طبیعی این است که؛ اگر جایی این ستم مشاهده نمیشود، بخاطر این است که وضعیتی بطور خاص وجود دارد، یا مرد پایبند به اخلاقیات است یا زن برجستگی خاصی دارد یا شرایط و محیط، جوری است که مانع میشود که این بسیار کم است. ستم تاریخی و عمومی بر زن که شرق و غرب نمیشناسد و فقیر و غنی نمیشناسد و امروز و دیروز نمیشناسد، همچنان در بحبوحه‌ی حوادث چشمگیری که به نفع زن در دنیا به وجود آمده وجود دارد.^۲

مظلومیت زن در طول تاریخ، مگر در موارد استثنایی

من به شما بگویم زن یک موجود مظلومی بوده در طول تاریخ، مگر در یک مورد استثنایی خیلی کم؛ در یک جوامع ابتدایی بوده که زنان در آن جاها صاحب اختیار مثلاً قبیله زن بوده، رؤسا را از زنان انتخاب میکردند، حالا یک چیزهای خیلی کمی آب و نادر و قبیله‌ای است.^۳

۱. در خصوص جایگاه زن در جمهوری اسلامی ایران (۶۳/۱۲/۴)

۲. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۷/۱۱/۸)

۳. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

طبیعت جاهل بشر؛ عامل ظلم به زن در طول تاریخ

عقیده من این است که در طول تاریخ، در جوامع مختلف به جنس زن ظلم شده است. یک وقت هم اشاره کردم؛ گفتم که این ظلم، از چه چیز نشأت میگیرد. این بخاطر جهل بشر است. طبیعت بشر جاهل این است که در آنجایی که زور و اجبارکننده‌ای بالای سر نباشد؛ یا از درون خود انسان که این خیلی کم است! یعنی همان ایمان قوی و روشن و صریح؛ یا از بیرون او، یعنی قانون چنانچه شمشیر و تازیانه قانون نباشد. معمولاً اینگونه است که قوی به ضعیف ظلم میکند.^۱

نقش نظامهای دیکتاتوری در ظلم به زن

شما میدانید که توی مملکت ما این جور نیست که جریانات و آن کانال‌های اجرایی روی یک نظم و میزان خاصی باشد این بی‌قانونیهایی که ما اینقدر با آن برخورد میکنیم، بخاطر همین است که یک تعیین عامل مهمتر و قدری مشکل است، لکن به نظرم میرسد که عامل نظام اجتماعی و نوع رابطه‌ی حکومتها با مردم که اختصاصی هم به زن نداشته، یکی از مهمترین عاملهاست. نظامهای دیکتاتوری و ظالمانه طبیعتش جوری است که بر همه‌ی حقهای جامعه ستم روا داشته میشود. یکی‌اش هم مسأله‌ی زن است. همانطور که شما در نظامهای ظالمانه ملاحظه میکنید که انسانها بسیاری از استعدادهایشان بروز نمیکند، و گل نمیکند شاید آن کسانی که این نظام ظالمانه را هم اداره میکنند با آن استعداد یا با آن اشخاص، دشمنی خاصی هم ندارند، حتی اگر چنانچه عقلشان برسد و بفهمند که آن استعداد آنجا وجود دارد درصدد بر بیایند به نفع خودشان از او استفاده هم بکنند، استخراج هم بکنند، لکن خاصیت و طبیعت نظام ظالمانه‌ی اجتماعی این است، این استعدادها شناخته نمیشود و پایمال میشود و در تندباد روشها و تصمیمها و تدبیرهای استکباری و ظالمانه اصلاً پایمال میشود. یکی از

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان (۷۵/۸/۱۴)

اینها مسأله‌ی زن است. در همین نظامها شما برخی از زنها را میبینید که به همه چیز رسیده‌اند، نه به چیزهای بد، حتی گاهی به چیزهای خوب؛ فرض بفرمایید که عالم شدند. به مقامات عالی سیاسی رسیدند، به همان چیزهایی رسیدند که بطور طبیعی ما آن را برای خانمها می‌خواهیم. برای زن می‌خواهیم. مصادیقی را ما در آن نظامها پیدا میکنیم که همینطور مقاماتی را پیدا کردند و به همین فعلیّتها رسیدند، این نشان میدهد که این به معنای دشمنی با زن نبوده، اما طبیعت نظام ظالمانه آنچنان طبیعتی است که رابطه‌ی بین دستگاه حاکم و همه‌ی آنچه که در حیطه‌ی نفوذ و اقتدار اوست، یک رابطه‌ی نادرست و مبتنی بر ناآگاهی، عدم میل به آگاهی و معرفت واقعیّات و عدم اعتنای به حقایق است. این موجب شده است که در این خلال به زن که عضو ضعیفتر هم بوده ستم شده. در این خلال آن وقت سنتهای غلط یا برداشتهای نادرست از مفاهیم اسلامی هم کمک کرده و اصلاً مجال نداده که زنها بتوانند تکان بخورند.^۱

نظام اجتماعی استبدادی؛ مهمترین عامل تاریخی ظلم به زن

آن روزی که بنابر پرده‌نشینی زن بود، این نظامها تأثیر گذاشتند و به زنان ظلم شد. آن روزی هم که بنا بر پرده‌گریزی زن، حجاب‌گریزی زن بود یعنی در دوران پنجاه سال اخیر قبل از انقلاب باز به زنان ظلم شد. شما باز میبینید که زنان از پشت پرده بیرون آمدند تا در میدانهایی که به نفعشان نبود و به ضررشان بود حاضر بشوند؛ تا حقّ طبیعی یک انسان جنس زن را دریابند. باز هم در خانواده‌ها مردها به زنها ظلم کردند، باز هم در خانه‌ها فرزندان پسر به مادرها ظلم کردند، باز هم در خانواده‌ها، برادرها به خواهرها ظلم کردند، باز تعداد زنها در دانشگاهها کمتر از مردها بود، باز مدرسه‌ی دخترانه کم‌تر از مدرسه‌ی پسرانه بود. عرض کنم که باز در یک جاهایی به زن کارهای جسمی داده شد و این کارها همه انجام گرفت. علّت نیز نظام

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۲/۲۸)

اجتماعی غلط و ناعادلانه‌ی مبتنی بر استبداد و استکبار بود. این مهمترین عامل تاریخی بود که وجود داشته است.^۱

ستم مردان به زنان بخاطر ضعف جسمانی در طول تاریخ

قضیه‌ی حقوق زن مسأله‌ای نیست که حالا مخصوص ایران یا مخصوص جمهوری اسلامی باشد، یا خیال کنیم که ما داریم با جامعه‌ی خودمان می‌جنگیم؛ نه، این یک مبارزه‌ی تاریخی است.

یعنی در طول تاریخ به دلیل واضحی، زنان مورد ستم مردان قرار گرفتند. دلیل واضحش هم این است که زن از لحاظ جسمانی، ضعیفتر از مرد است. این چیز روشنی است.

صدای مرد، کلفتتر از صدای زن، قد او بلندتر از قد این و استخوان او درشتتر از استخوان زن است. خصوصیات خلقت مرد هم، خصوصیات مسلط و فعال است. خصوصیات زن، خصوصیات نرمش و انعطاف و انجذاب است.^۲

حالت وحشیگرانه نسبت به زن بخاطر قویتر بودن ترکیب جسمانی

مرد

به نظر من، ما در یک برهه‌ی طولانی از زمان، کمبود کار و انگیزه و توجه داشتیم؛ شرایط هم بگونه‌ای بوده که اقتضای همان غفلت و بی‌توجهی را میکرده است. سالهای متمادی - شاید بشود گفت قرن‌ها - گذشته، اما به نکته‌ی قرآنی درباره‌ی زن و مرد توجه نشده است. در معارف اسلامی، مسأله‌ی دو جنس، واقعاً یک مسأله‌ی خیلی ساده و معمولی است؛ مثل اینکه دو نفر از یک جنس، یکی قدش بلندتر است، یکی قدش کوتاهتر است. در اسلام هیچ دوگانگی بین حقوق اساسی و اصلی و مسائل جاری

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۲/۲۸)

۲. در دیدار با نمایندگان زن در مجلس (۷۶/۴/۳۰)



زندگی برای زن و مرد وجود ندارد؛ اما به این نکته توجه نشده و نتیجه این شده است که زن‌ها در مدّتی طولانی در جامعه‌ی ما مورد ستم قرار گرفتند؛ مخصوص این‌جا هم نبوده؛ در همه جای دنیا این‌گونه بوده است؛ منتها توقع این بوده که در محیط اسلامی، با توجه به معرفت اسلامی درباره‌ی زن و مرد، آن حالت رایج وحشیگرانه که بین مردم غیر مسلمان در دنیا مطرح بوده، وجود نداشته باشد. آن حالت وحشیگرانه‌ای، همین چیزی است که من بارها گفته‌ام: چون جنس مرد از لحاظ ترکیب جسمانی بطور غالب قویتر از جنس زن است و در معارضه‌ای بر سر منافع بین قوی و ضعیف همیشه قوی حق ضعیف را پایمال میکند، همین حالت بطور عموم بین زن‌ها و مرد‌ها در طول تاریخ وجود داشته است. این حالت در همه‌ی کشورها وجود داشته است؛ در اروپا هم وجود داشته، در جاهای دیگر هم وجود داشته، در کشورهای اسلامی هم وجود داشته است. توقع ما این بوده است که در کشورهای اسلامی، با توجه به نگرش درستی که اسلام به مسأله‌ی جنسیت دارد، این حالت وجود نمیداشت.^۱

استثمار تاریخی زن بخاطر ظرافت بیشتر نسبت به مرد

براساس آفرینش الهی، زن در ساختمان وجودی خود از ظرافت بیشتری نسبت به مرد برخوردار است، بنابراین در یک محیط بی‌قانون و یا در محیطی که در آن حاکمیت عقل و منطق ضعیف باشد، آنکه قدرت و خشونت جسمانی‌اش بیشتر است، ضعیفتر را مورد ستم قرار خواهد داد و او را استثمار خواهد کرد این همان ضایعه‌ای است که متأسفانه از آغاز در محیط زندگی بشر پیش آمده است و امروز در دنیا این مسأله‌ی تلخ و زشت در ارتباط زن و مرد مشاهده میشود.^۲

۱. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

۲. در دیدار گروهی از خواهران مسؤول، متخصص و هنرمند (۷۴/۸/۲۲)

مظلومیت تاریخی زن بخاطر نادیده گرفتن وضع طبیعی زن اعم از جسمی و روحی

جواب^۱: هر دو تأثیر دارد. اگرچه شاید دشوار باشد که ما بخواهیم مشخص کنیم که کدام بیشتر تأثیر داشته است. عوامل دیگری هم خارج از این دو هست که یکی از عمده‌ترین آنها عامل خارج از فرهنگ این ملت و عامل مظلومیت تاریخی و جهانی زن است که این دیگر مربوط به ملت خاصی و ملت ما بخصوص نیست تا ما در داخل جامعه‌ی خودمان دنبال عاملش بگردیم. و من خیال میکنم این عامل سوّم، مادر و اصل در مظلومیت زن در جامعه‌ی ماست. به تاریخ نگاه کنید، به فرهنگهای امروز رایج دنیا نگاه کنید، خواهید دید آن چیزی که من به عنوان مظلومیت زن یاد کردم، مخصوص کشور ما نیست. یک چیز دیگری در این بین وجود دارد که اگر بخواهیم تحلیل بکنیم - در یک جمله‌ی خلاصه مطلب را میگویم در مقام توضیح شاید بحث طولانی داشته باشد - اشتباه و مخلوط شدن شرایط طبیعی، اعم از جسمی و روحی زن که به او نوع خاصی از وظایف زندگی را پیشنهاد میکند. اشتباه این وضع طبیعی با اقتدار جسمی در مقابل ضعف جسمی زن که همیشه بوده، امروز هم هست و به اعتقاد من علت عمده‌ی فشار بر شخصیت زن این است. آن کسانی هم که خواستند به زن آن وظایفی و آن شخصیتی را که لازمه‌ی وضع روحی و جسمی طبیعی اوست بدهند، آن مرز درست را نشناختند و به اشتباه یک مقداری به منطقه‌ی حق زن، منطقه‌ی طبیعی‌ای که منطبق با حق زن است تجاوز کردند. متقابلاً کسانی که خواستند حق زن را به او برگردانند، آن عنصر اول را نتیجه

۱. سؤال: جنابعالی در مصاحبه‌ای فرموده‌اید که مظلومیت عمومی زن در جامعه‌ی ما هنوز هم عین واقعیت است و اینکه خواهرهای ما در جامعه، خودشان را بعنوان یک موجود درجه دو تصور میکنند. حالا ما میخواهیم بدانیم که به اصطلاح این مظلومیت از نظر شما تا چه حد معلول عاداتهای گذشته است که در جامعه‌ی ما وجود دارند مثل عوامل فرهنگی به لحاظ به اصطلاح حکومت ارزشهای مربوط به جنسیت و تا چه حدی معلول به اصطلاح بینشهایی است که به نام مذهب و بینش، با قضیه‌ی فرهنگی زن برخورد میکند؟

گرفتند؛ یعنی وضع طبیعی زن اعم از جسمی و روحی را نادیده گرفتند، این خلاصه‌ی مطلب است.^۱

برداشت‌های غلط بشری درباره‌ی جایگاه زن

چرا بشریت همواره درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد کج فکر کرده است و می‌خواهد در مقابل این بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید، در همه‌ی برداشتها و تحلیلها و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد جایگاه غلطی است و نسبت به زن و مرد، نسبت غلطی است. حتی در تمدنهای خیلی بلندپایه دنیای باستان مثل تمدن روم یا ایران برداشت از زن، یک برداشت غلط است که من دیگر نمی‌خواهم جزئیات و تفصیل را بیان کنم و لابد خودتان میدانید و میتوانید هم مراجعه کنید.^۲

ندانستن قدر و جایگاه زن؛ ریشه‌ی ظلمهای تاریخی

بر بخشی از جامعه‌ی ما، اخلاق بدی نسبت به زن حاکم است، که البته مخصوص ایران هم نیست. اگر آدم نگاه کند، میبیند که متأسفانه در طول تاریخ، همواره یک ستم تاریخی بر زن رفته است؛ که بیشتر هم ناشی از این است که قدر زن و جای او را ندانسته‌اند. البته هر جای دیگر چنین بوده، به هر شکلی بوده و هست، به ما ربطی ندارد؛ ولی در جامعه‌ی ما بایستی به آن شکلی باشد که اسلام خواسته است. زن باید شأن حقیقی خودش را پیدا کند و نبایستی بخاطر زن بودن، هیچ ستم و ظلمی به او بشود. این، چیز بسیار بدی است. چه ستمهایی که در حق زن روا داشته شده و اسمش ستم است، و چه ستمهایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۱۳۶۷/۲/۲۸)

۲. در دیدار با جمع کثیری از زنان (۶۸/۱۰/۲۷)

بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را به کلی از آرمانها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف میکند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم مینماید. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته میشد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلتهایی شده است، که باید نسبت به آن، حسابی برنامه‌ریزی کرد.^۱

تحقیر زن در طول تاریخ در دو شکل خصومت و دوستی

زن در میان دو ستم قرارگرفت در طول تاریخ، که این هر دو ستم در یک جمله با هم اشتراک داشتند و او تحقیر بود، تحقیر زن. یک ستم، ستم آن کسانی که برای زن حق حیات، حق اظهارنظر، حق تلاش، قائل نشدند و به شکلهای مختلف زن را از صحنه‌های فعالیت زندگی، فعالیت اجتماعی، عقب راندند و کنار زدند. مثل پدرهایی که با دخترهایشان در گذشته بد کردند، در جاهلیت کشتند، در غیر جاهلیت با آنها با تبعیض رفتار کردند، مثل شوهرهایی که با همسرانشان بصورت دو رفیق، دو عنصر همراه، همخانه، همسر، رفتار نکردند؛ مثل آن کسانی که برای زن حق تعلیم و تعلم قائل نشدند، به زن نیاموختند، زن را رشد ندادند؛ این یک دسته، این یک جریان ستم که برمیگردد به تحقیر زن؛ یک جریان ستم آن جریانی است که در طول تاریخ ریشه هم دارد، مخصوص قرن اخیر هم نیست، جریان روی صحنه آوردن زن و زن را وسیله‌ای برای عشرت قرار دادن در شکل زشت و وقیحش. متنها با نامهای مختلف، آنچه که در اروپا اتفاق افتاد در قرنهای هجدهم و نوزدهم به بعد از این قبیل بود نسبت به زن، آنچه که در این دهه‌های اخیر در ایران اتفاق افتاد از این قبیل بود، آنچه که با کشف حجاب زن تعقیب میشد از این قبیل بود، آنچه که در روم قدیم امپراطوریهای قدیم روم، نسبت به زنان اشرافی و درباری و زیبارویان آن

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی- اجتماعی زنان (۱۶/۱۰/۶۹)

روزگار انجام میشد هم از این قبیل. همه‌ی اینها برمیگردد باز به تحقیر زن، این تحقیر است برای یک عنصر که میتواند معلّم جامعه باشد، میتواند یک حرکت عظیمی را در جامعه به وجود بیاورد، میتواند انسانهایی، عناصری، مثل شیرزنان تاریخ بشر، مخصوصاً تاریخ اسلام ارائه بدهد، این را به شکل عروسک در بیاورند و با او برخورد عروسک‌وار بکنند، بزرگترین تحقیر این است. این دو جریان، آن اوّلی در شکل خصومت، این دوّمی در شکل دوستی، اما هر دو در واقع تحقیر، خصومت، حق‌ناشناسی، نادیده‌گیری زن. چون در طول تاریخ حتّی در محیطهای اسلامی متأسّفانه این دو حرکت تحقیرآمیز نسبت به زن انجام گرفته بود.^۱

نگاه امپراطوری روم به زن در اشباع غریزی مرد

پایه‌ی تمدّن امروز اروپایی، همان فرهنگ رومی است. یعنی امروز آنچه که بر سر تا پای فرهنگ اروپایی و غربی و به تبع آنها فرهنگ امریکایی و خرده‌ریزهای غرب حاکم است، همان اصول و خطوطی است که در امپراطوری روم وجود داشته؛ همانهاست که امروز ملاک و معیار است. آن زمان هم زنان را به بالاترین مقام می‌رساندند، احترامشان میکردند و به آرایشها و زیورها تزئینشان میکردند؛ اما برای چه؟ برای اشباع یکی از خاکیترین و مادی‌ترین خصلتهای بشری در مرد! این، چقدر توهین و چقدر تحقیر نسبت به انسان و نسبت به جنس زن است!^۲

حرمسراها؛ نماد اهانت به زن

در ایران هم عیناً همینطور بود. از حرمسراهای پادشاهان ساسانی مطالبی شنیده‌اید. حرمسراداری یعنی چه؟ حرمسراداری یعنی همان اهانت به زن. یک مرد چون قدرت دارد، به خودش حقّ میدهد که هزار نفر زن

۱. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

در حرمسرای خودش نگه دارد! اگر همه‌ی ملت آن پادشاه هم همانطور قدرت داشتند، هر کدام بقدر خودشان هزار نفر، پانصد نفر، چهارصد نفر یا دویست نفر زن نگه میداشتند! این حاکی از چه نگرشی به زن است؟!^۱

اسارت فرهنگی زن؛ مانع اساسی رشد زنان

حرف این است که جنس زن از لحاظ طبیعت یا از لحاظ خصلت ذاتی هیچگونه کمبود و کسری ندارد اما اگر چنانچه این جنس را در زندان، در زنجیر گذاشتند و مانع از رشدش شدند، چی؟ رشد نکرد چی؟ فرض کنیم دو نفر رفیق یکی را ده سال بگذارند در یک سلول و نگذارند از سلول بیرون بیاید، ده سال توی یک تبعیدگاه نگهش دارند و نگذارند هیچگونه استفاده‌ای بکند و آن یکی دیگر همان ده سال را برود درس بخواند، مطالعه کند، مسافرت کند، دنیا را ببیند، رجال را ببیند، اندیشمندان را ببیند، خب اینها مثل هم هستند؟ نه دومی کاملتر از آن یکی است. اما آیا تقصیر آن برادری است که در زندان یا در سلول یا تبعیدگاه مانده و نتوانسته، او تقصیری دارد؟ نه تقصیری ندارد، اما این واقعیت است.^۲

شرح مظلومیت زن

میتوان برای شرح این مظلومیت مفصل حرف زد و واقعاً جوانب و ابعادی دارد این مظلومیت که محتاج شرح و بیان است، اما من یک نمونه‌ی روشن را عرض میکنم، نمونه‌های مظلومیت بسیار آشکار را میگویم، مثلاً: زن در رابطه‌ی با شوهر خودش و در محیط خانوادگی مظلوم است، یعنی؛ مرد چون جسمش قویتر هست و گردنش کلفتتر است زنی را که از لحاظ جسمی ضعیفتر است کتک میزند، این یک نمونه‌ی مظلومیت بسیار پیش پافتاده و روشن است. این در کشورها هم البته در گذشته بوده، الآن هم تا

۱. همان

۲. شناخت موضوعات نهج البلاغه (۵۹/۴/۱۱)

حدودی هست البتّه خیلی کمتر امّا من به شما بگویم شاید تعجّب کنید در کشورهای پیشرفته‌ی دنیا پدیده‌ی کتک زدن زن، یک پدیده‌ی بسیار رایج و معمولی است.^۱

خانواده؛ بالاترین محیط ظلم به زن

به نظر من بالاتر از همه مناطق مورد نظر که انسان احساس میکند زن در آن مورد ستم قرار گرفته، منطقه‌ی خانواده است داخل خانواده هر چه میتوانید روی این تکیه کنید. این که زنها فلان مقامات را به دست بیاورند، درجه‌ی بعدی است؛ خیلی چیز قابل توجّهی نیست. مهمترین نقطه، نقطه‌ی تعامل زن و شوهر با همدیگر است.^۲

بررسی عوامل تاریخی و جامعه‌شناسی مظلومیت زن در خانواده

یک سلسله عوامل بسیار زیادی است که به زن جرأت و شهامت این را نمیداده که در داخل خانه مثل یک موجود مستقل و برابر با مرد رفتار کند. گاهی گستاخی میکرد اما مثل موجود فرودستی که حالا خودش را لوس کرده و گستاخی میکند؛ نه مثل یک عنصر برابری که دو نفر آدمند و دو نفر شریکند و با هم بصورت برابر برخورد میکنند، با هم حرف میزنند، گاهی دعوا و گاهی آشتی میکنند. بنده از وضع زنان و مظلومیت آنان چیزها دیده‌ام که مربوط به حالا نیست، بلکه در سالیان طولانی من این را تجربه کرده و همواره معتقد بودم که زن در جامعه‌ی ما یک عنصر مظلوم است که البتّه بعد از انقلاب هم این مسأله خیلی فرق کرده است. اگر چه حالا، هم وضع دادگاهها بهتر است و هم وضع جدا شدن مرد و زن از همدیگر بهتر است. خب، اخلاق اسلامی است. خانمها به میدان آمدند و قدری بیشتر از گذشته قدرت و شهامت و جاذبه‌ی روحی پیدا کردند؛ امّا هنوز مظلومیت عمومی زن در جامعه‌ی ما یک واقعیت است. آن وقت رژیم گذشته با کمال

۱. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (۶۷/۱۱/۸)

۲. در دیدار با زنان نماینده در مجلس شورای اسلامی (۷۶/۴/۳۰)



سفاهت میخواست این را از آن طریقی که خودتان میدانید و همه دیدیم برطرف کند. با فرهنگ عریانگری زن که این صددرصد غلط بود و اصلاً قضیه این نبود که زن چون حجاب دارد مقهور است خیر، چقدر خانمهای بی حجاب و بسیار آلوده به فرهنگ غربی که از دست شوهرشان به همان وضعیّت قدیم حرمسرای و روابط آنچنانی مثل یک کلفت و مثل یک اسیر و یک برده کتک میخوردند؛ مگر زن سر برهنه‌ی اروپایی از دست شوهرش کتک نمیخورد؟ بنابراین مشکل حجاب نبود، بلکه مشکلی بود که ناشی از مشکل چندین قرنی کشور ما میشد که اگر کسی بخواهد جامعه‌شناسی کرده و از لحاظ تاریخی بررسی کند، باید کار مفصل و طولانی انجام گیرد تا درست شناخته بشود. به هر حال یک چنین وضعی در جامعه‌ی ما وجود دارد. من اعتقاد این است که اگر این وضع بخواهد درست شود، احتیاج به تعلیم و تربیّت دارد، احتیاج به کار فرهنگی دارد و این در بلندمدت میسر است. متنها اگر کار فرهنگی انجام نگیرد، هیچ وقت درست نخواهد شد. همچنانی که احتیاج به قوانینی دارد که اگر این قوانین در مجلس شورای اسلامی تصویب نشود، باز آن اصلاح به طول خواهد انجامید. لذاست که وجود نمایندگان زن در مجلس میتواند مؤثر باشد و نیز مجمعی مثل آن شورای اجتماعی فرهنگی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی.^۱

کمبودها و کم‌کاریهای زیاد در عرصه خانواده

بنده آمارهای زیادی دارم، این خانم محترم هم آمارهایی را ذکر کردند؛ وضع داخلی خانواده‌های غربی از لحاظ مظلومیّت زن و از لحاظ عدم رعایت حقوق زن، از وضع خانواده‌های اسلامی و ایرانی و شرقی یقیناً بدتر است؛ بهتر نیست، اگر بدتر نباشد؛ در مواردی حتماً بدتر است. ما به آنها که نگاه نمیکنیم، آنها که الگوی ما نیستند. ما در محیط خانواده کمبودهای زیادی داریم؛ احتیاج دارد به پشتوانه‌ی قانونی، به تضمین قانونی، به تضمین

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز درباره‌ی نقش زنان در انتخابات (۶۶/۱۲/۱۳)

اجرایی؛ و این باید تحقق پیدا کند. این مسأله از جمله‌ی عرصه‌ها و میدان‌هایی است که در داخل کشور در این زمینه کم‌کار شده و باید کار شود.^۱

بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی در جوامع غربی و اسلامی

امروز شما خانم‌ها می‌توانید در این زمینه نقش ایفا کنید؛ هم تحقیق کنید، هم بنویسید، هم ترویج کنید، هم عملاً نشان بدهید. البته این را من بارها گفته‌ام، الآن هم می‌گوییم؛ در جوامع ما هم - یعنی جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانی خود ما - متأسفانه مثل جوامع غربی یک بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته؛ عمده هم مربوط به داخل خانواده است؛ این باید جلوی‌اش گرفته شود. یک مقداری با نصیحت امکان‌پذیر است؛ یک مقداری‌اش هم با نصیحت ممکن نیست، با ضرب و زور قانون باید جلوی‌اش گرفته شود. زنان، مظلوم واقع میشوند.^۲

طبیعی بودن آزار زن در داخل خانه، بین نژادهای وحشی غربی و لزوم دوری از آن در محیط اسلامی

اگر چنانچه فرض کنیم در یک خانواده‌ای، در یک خانه‌ای، مرد به همسر خودش توهین میکند، انواع توهین‌ها، از توهین‌های رفتاری تا زبانی تا وحشی‌گری یدی که متأسفانه یک جاهایی هنوز در کشور ما وجود دارد که نباید وجود داشته باشد، البته در بین غربی‌ها هست، فراوان هم وجود دارد، خلاف انتظار هم نیست - غربی‌ها، یعنی بخصوص نژادهای اروپایی، نژادهای وحشی‌اند؛ این‌ها ظاهرشان اتو کشیده و کراوات‌زده و ادکلن‌زده و این‌ها ایند اما همان باطن وحشی‌گری‌ای که در تاریخ وجود داشته هنوز هم در این‌ها هست؛ راحت آدم میکشند، خونسرد جنایت میکنند؛ بنابراین کتک زدن زن در داخل خانه به وسیله‌ی آنها و بعد به وسیله‌ی امریکایی‌ها، بُعدی

۱. در دیدار با بانوان قرآن پژوه (۸۸/۷/۲۸)

۲. در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

ندارد - اما در محیط اسلامی چنین چیزی اصلاً نبایستی تصوّر بشود؛ ولی متأسفانه هست. بنابراین این دو نقطه، دو نقطه‌ی اصلی است؛ به نظر من هر چه در این زمینه‌ها برنامه‌ریزی بشود، جا دارد.^۱

عدم حسّاسیّت دنیا در ظلم به زن در خانواده

امروز در دنیا، روی چیزهای خاصّی حسّاسیّت هست. امروز در دنیا، روی کتک خوردن زن به وسیله شوهر، حسّاسیّت نیست. مردان در اروپا و امریکا نه همه‌ی آنان خیلی راحت زنانشان را کتک می‌زنند. روی ظلم کردن مرد به زن در خانواده، خیلی حسّاسیّت در دنیا نیست. آمارهایی که ارائه می‌کنند، نشان‌دهنده این است که پدران و شوهران در خانواده‌های امریکایی و اروپایی، خیلی راحت به فرزندان و همسرانشان ظلم می‌کنند. در دنیا روی این مسأله، خیلی هم جنجال نیست؛ اما روی پوشش زن حسّاسیّت هست! اگر کسی، شخصیّت، فیلسوفی، نظامی، سیاستی، با عریان بودن زن مخالفت کند، این را در دنیا هو می‌کنند! روی بسیاری از فسادها و روشها و عادات، حسّاسیّت نیست. اگر کشوری بعنوان یک سیاست، با مشروبات الکلی مخالفت بکند، این را در دنیا هو می‌کنند، لبخند تمسخر می‌زنند، او را مرتجع مینامند! این، فرهنگ کجاست؟ این عریانی زن بعنوان یک سنّت، این رواج مسکرات بعنوان یک رسم رایج، متعلّق به کجاست؟ این، متعلّق به اروپاست و از فرهنگ قدیمی این کشورها ناشی شده است. حالا این رسمها در جاهای دیگر دنیا هم حجّیت پیدا کرده است و اگر کسی با آن مخالفت کرد، کانه مرتکب گناه کبیره‌ای شده است!^۲

سست‌بنیادی بنیان خانواده در غرب؛ مصداق ظلم به زن

مسأله‌ی اصلی برای زن این است که ساختمان وجود زن مانند ساختمان

۱. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

۲. در دیدار با روحانیون و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان مازندران (۶۹/۲/۲۲)

وجود مرد، هر کدام برای ادای مقصود خاصی تعبیه شده‌اند، مسأله‌ی اصلی زن این است که آن هدف و مقصود واقعی و اصلی و محوری در وجود زن برآورده شده و تأمین شده نیست. فریاد خانواده‌های غربی مخصوصاً امریکایی از بی‌بنیادی خانواده‌ها بلند است. سست‌بنیادی بنیان خانواده یعنی؛ آن چیزی که برای زن نه مهر و محبت مادری را اجازه می‌دهد که اشباع بشود، و نه عشق و پیوند همسری را. این رازی است که باید حل بشود. اگر کسی انکار کند این را، واقعیتی را انکار کرده و انکار هیچ واقعیتی و انکار هیچ مشکلی، کمک به حل آن مشکل و اصلاح آن واقعیت نخواهد کرد.^۱

مشکل اصلی زن در دنیای امروز، ناکامی زن در نیاز مادری و همسری

مشکل اصلی زن این نیست که چرا نمی‌گذارند در منظر مردان دیوانه جلوه‌گری و دلربایی کند، مشکل اصلی زن این است که در اساسیترین و فطریترین نیازهایش، یعنی؛ نیاز مادری و نیاز همسری، نیاز عاطفه و محبت نسبت به نزدیکانش اینطور دچار ناکامی و وحشیگری و اذیت و فشار بشود و این چیزی است که امروز در آن دنیا وجود دارد. حالا شما ملاحظه کنید آیا دنیای غرب که زنها را تشویق کرده بتدریج که پوشیدگی را و حفاظ و حجاب عفت میان او و بیگانگان را از او بگیرد آیا به او خدمت کرده؟ زن را در حدّ یک کالا پایین آوردند و به او اهانت کردند.^۲

خلأهای قانونی، عاداتی و سنتی در حوزه‌ی زن و خانواده

نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوق‌العاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عاداتی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهایی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی،

۱. در کنگره بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۷/۱۱/۸)

۲. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادיום آزادی (۶۷/۱۱/۸)

یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده.^۱

دیدن محرومیت و مشکلات زنان بلوچ در گذشته

من میدانم زن بلوچ، زن محرومی است. بنده از دیدن بعضی از منظره‌ها خیلی رنجه‌کشیده‌ام؛ چون خودم تا توی کپرهای رفته‌ام. وقتی سیل آمد، جماعتی برای کمک به ما آمدند، اما خیلی از جاها هم خودم میرفتم و به‌خاطر دیدن یک منظره، اشکها از چشمم جاری شده است. عمده‌ی محرومیتها هم برای زن است. شوهر شرارت میکند، زن بدبخت میشود؛ شوهر قاچاق‌فروشی میکند، زن بدبخت میشود؛ شوهر تنبلی و بیکارگی میکند، زن بدبخت میشود؛ شوهر به اعتیاد دچار میشود، زن بدبخت میشود؛ بچه‌ها مشکلی درست میکنند، پدر یا رفته قطر یا رفته به یک نقطه‌ی دیگر، مادر دچار مشکلات است.^۲

لزوم توجه به حفظ حرمت و کرامت زن در همه‌ی مناطق ایران

در بعضی از مناطق کشور ما از جمله در همین منطقه، نیاز هست به اینکه احترام، حرمت و کرامت زن بیشتر حفظ شود. زن بلوچ، زن مظلومی است: فرزند زیاد، ازدواج تحمیلی، فرزند تحمیلی و عدم فرصت برای بازیافتن خود و هویت خود، از جمله چیزهایی است که من در مدت اقامت در بلوچستان از نزدیک شاهد بودم. مردهای بلوچ باید زنهای خود را بیشتر ملاحظه کنند. زنهای بلوچ همان کسانی هستند که این جوانان رشید را در دامان پاکشان پرورش دادند. زن بلوچ مثل مرد بلوچ و زن سیستانی مثل مرد سیستانی دارای کرامت و شجاعت و عزت است و این عزت باید حفظ شود.^۳

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در دیدار با نخبگان استان سیستان و بلوچستان (۸۱/۱۲/۵)

۳. در جمع مردم زاهدان در استادیوم آزادی (۸۱/۱۲/۴)

ظلم به زن در صورت عدم نزاکت و دقت و تقوای لازم

مشکلات زن، ناشی از این ستم تاریخی و دیرین است که اگر امروز مردی خیلی با نزاکت، با اخلاق و خیلی مراقب باشد، ممکن است واقعاً در محیط زندگی و در معاشرت با زن خودش - در خانواده - به او ظلم نشود؛ والا اگر مرد، آن نزاکت و دقت لازم، آن ملاحظه و تقوای لازم را در این جهت نداشته باشد، قاعدتاً به زن ظلم میشود. مثلاً زن فاضل و شوهر بیسواد، این شوهر بیسواد به آن زن فاضل و دانشمند ظلم میکند. مورد زیادی وجود داشته است که مثلاً خانم، یک دکتر، یا یک فاضله است و آقا، یک مرد بیسواد است؛ باز آن مرد در محیط خانواده، به این زن ستم میکند.^۱

حرام بودن بی‌توجهی به زن قبلی در تعدّد زوجات

یکی از خانمهای محترم و مطلع به بنده گفتند که در این استان^۲ زنانی که مصداق «تَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ» باشند، بسیارند. در قرآن میفرماید که: «فَلَا تَمْلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ»^۳؛ زن را میانه‌ی زوجیت و بینونت نگذارید؛ زنی که نه او را رها میکنند، نه وظایف زوجیت را - از معاشرتهای گوناگون؛ رسیدگی، وظایفی که برای او باید انجام گیرد - نسبت به او انجام میدهند؛ این معلّقه است. اینجا تعدّد زوجات رایج است: «نو که آمد به بازار»، به قول معروف: «کهنه شود معلّق!»؛ حالا ولو دل آزار هم نشود. این نهی صریح قرآنی است: «فَلَا تَمْلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ»؛ یعنی حرام است. در باب تعدّد زوجات هم حرف زیاد است و نمیخواهیم وارد آن حرفها شویم. آیه‌ی قرآن میفرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»^۴؛ اگر ترسیدید - نه اینکه اگر عدالت نکردید - که عدالت نکنید، یکی اختیار کنید؛ بیشتر حق ندارید. در

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۷۵/۸/۱۴)

۲. سیستان و بلوچستان

۳. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۲۹

۴. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳

آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ»^۱؛ یعنی در محبت «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُواهَا كَالْمُعَلَّقَةِ»^۲. شعرا، گویندگان، محققان، اساتید دانشگاه و علمای محترم، این را فرهنگ کنید.^۳

ازدواج‌های تحمیلی زودرس

من شنیده‌ام که در همین استان^۴ بعضی از پدران، فرزندان دختر خود را سنین زودرس اجبار به ازدواج‌های تحمیلی میکنند، این درست عکس آن چیزی است که اسلام خواسته و گفته است. اگر چنین چیزی راست باشد، اگر در این استان یا بعضی استانهای دیگر، پدرانی دختران کم سن خود را مجبور کنند و بدون رضایت آنها، آنها را شوهر بدهند، حرکت در جهت تضعیف زن است حرکت بر خلاف حقوق زن است، چیزی است که قانون باید با آن مقابله کند.^۵

نادیده گرفتن خواست دختران؛ خلاف خواست اسلام

بی‌اعتنایی، اهانت، نادیده گرفتن خواست دختران در مسأله‌ی ازدواج و هرگونه ظلم و ستم به آنها، خلاف خواست اسلام است و در نظام اسلامی در محیط خانه‌ها نیز باید مانند همه جای دیگر عدالت برقرار باشد.^۶

تأثیر وجود عادات جاهلی در ظلم به زن در مناطقی از ایران

من شنیده‌ام که در بعضی از مناطق این استان، به زنان و دختران ظلم میشود. اسلام از آن مردی که به زن ظلم کند، متنفر و بیزار است. پیغمبر

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۲۹

۲. همان

۳. در دیدار با نخبگان استان سیستان و بلوچستان (۸۱/۱۲/۵)

۴. سیستان و بلوچستان

۵. در دیدار با بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

۶. در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی (۷۵/۶/۲۷)

خدا، مردی را که به زن یا دختر خودش ظلم کند، زشت می‌شمارد. چون زن از لحاظ جسمی ضعیفتر است، آیا این مجوز میشود که مرد با تکیه بر قدرت جسمانی به او ظلم کند؟! شنیده‌ام در بعضی از نقاط این استان، ازدواجهای تحمیلی صورت می‌گیرد! یعنی بدون رضایت و اجازه‌ی دختر، او را به خانه‌ی شوهر می‌فرستند؛ آن هم شوهری که فاصله‌ی سنی زیادی با دختر دارد و او به ازدواج با وی راضی نیست. اسلام چنین ازدواجی را زشت می‌شمارد. برادران و خواهران عزیز من! اگر میخواهید برکات خدا بر شما نازل شود، باید اخلاق اسلامی و احکام الهی را رعایت کنید. پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در جامعه‌ای به نبوت مبعوث شد که مردم در آنجا نسبت به زنان و دختران جفا میکردند. آیات کریمه‌ی قرآن، به زبانهای مختلف تلاش کرد این عادت زشت را از میان مردم ببرد. نمیشود که ما بعد از گذشت چهارده قرن، مجدداً به همان عادات جاهلی برگردیم!

شنیده‌ام که گاهی بین دو قبیله، دعوا و خونریزی است. آن وقت برای اینکه نزاع متوقف شود، دختری از این قبیله را علیرغم میل و خواستش، به عقد پسری از آن قبیله در می‌آورند و آن دختر در قبیله‌ی شوهر خود بعنوان یک موجود غریب و مظلوم و توسری‌خور زندگی میکند! چنین کارهایی شایسته نیست.^۷

انواع ظلمهای فرهنگی به زنان

اگر چنانچه زن محیط امن و توأم با امنیت برای درس خواندن، برای کار کردن برای احیاناً کسب درآمد، برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هر کسی موجب این ظلم بشود، باید قانون و جامعه‌ی اسلامی با آن مقابله کند.

اگر چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایط طوری باشد که زن فرصت پیدا نکند

۷. بیانات در دیدار مردم یاسوج (۱۳۷۳/۳/۱۷)

بخاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود، به معرفت خود برسد، این ظلم است. اگر زن امکان پیدا کند که از مایملک خود بطور مستقل و با اراده‌ی خود استفاده کند، این ظلم است. اگر زن در هنگام ازدواج، شوهری به او تحمیل بشود - یعنی خود او در انتخاب این شوهر نقش نداشته باشد و اراده و میل خود او مورد اعتنا قرار نگیرد - این ظلم است. اگر برای تربیت فرزند، چه آن وقتی که داخل خانه با خانواده زندگی میکند، چه در صورتی که از شوهر جدا میشود، نتواند از فرزند خود بهره‌ی عاطفی لازم را ببرد، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد - مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد - اما نمیگذارند از این استعداد استفاده بکند و آن استعداد شکوفا بشود، ظلم است.

ممکن است انواع ظلم در جامعه وجود داشته باشد، که این ظلمها باید برداشته بشود؛ اما در عین حال به مسؤولیت زن و مسؤولیت مرد که در قبال هم هر دو مسؤولیتی بعنوان تشکیل خانواده دارند، باید به چشم اهمیت نگریسته بشود.^۱

سرگرم کردن زن به جلوه‌گری؛ عامل انحطاط شخصیت زن

در رژیم گذشته با اینکه جمع کثیری از زنها، هم بیسواد بودند و هم از مسائل اجتماعی چیزی سرشان نمیشد؛ یعنی نمیگذاشتند چیزی سرشان بشود و هم به سرنوشت کشور بی‌علاقه بودند و اصلاً نمیدانستند که زن میتواند در سرنوشت کشور دخالت داشته باشد، با وجود اینها از لحاظ ظاهر، شبه‌اروپایی و گاهی هم روی دست زنهای غربی و اروپایی زده بودند و وقتی کسی نگاهشان میکرد، خیال میکرد که این زن الان از یک کشور اروپایی و از یک محیط غربی وارد ایران شده است؛ اما اگر با او دو کلمه صحبت میکردی، میدیدی که یک خانم بیسواد و یا کم‌سواد است! زن

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

را وادار میکردند که به وسیله جلوه‌گری و جلب چشمها به سمت خود، برای خویش یک شخصیت کاذب درست کند. این، برای زن انحطاط بود و پیشرفت نبود. آیا جنایتی بزرگتر از این نسبت به زن وجود دارد که بیایند سر او را با آرایش و مد و جلوه‌گری و لباس و طلا و زیورآلات گرم کنند و از او بعنوان یک ابزار و وسیله، در راه مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست و اخلاق و تربیت وارد بشود؟ این، آن کاری است که در رژیم گذشته دقیقاً و با برنامه انجام میگرفت.^۱

محرومیت زن از معارف و فرهنگ عمومی و اختصاصی جامعه

مشکل زن در جامعه‌ی ما این است که از لحاظ روابطش با مرد و نیز از لحاظ برخورداری‌اش از معارف و فرهنگ عمومی و اختصاصی جامعه دچار نوعی محرومیت است. زن مظلوم است در جامعه‌ی ما، این یک حقیقتی است که باید برای آن یک فکری کرد. من حالا قبل از آنی که وارد این قضیه بشوم یک نکته‌ای را در کنار این عرض کنم و آن این است که؛ وقتی ما میگوییم زن در ایران و در جامعه‌ی ما مظلوم است، مبدا خیال کنید که زن در سطح جهان دچار این مظلومیت نیست، نه این شدت اشتباه است. من میگویم زن همین امروز در اواخر قرن بیستم و در حالی که در اجتماعات دوش به دوش مرد، علی‌الظاهر حرکت میکند، همین امروز در سطح جهان و در کشورهای متمدن و متمدن دنیا زن مظلوم است.^۲

عدم توجه به نقش زنان در تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی

در کشور ما برای زن علیرغم دستورات روشن اسلامی آن جایگاه شایسته و والا منظور نشده بود و میباید اعتراف کنیم که شأن بانوان در بسیاری از جوامع اسلامی علیرغم دستور اسلام یک شأن نامناسب با شخصیت آنهاست و انواع و اقسام ظلمها نسبت به بانوان در کشورهای اسلامی از جمله در

۱. در دیدار با جمع کثیری از زنان (۶۸/۱۰/۲۶)

۲. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادיום آزادی (۶۷/۱۱/۸)

کشور ما انجام می‌گرفت. شاید یکی از بزرگترین این ظلم‌ها این بود که نقش زنان در یک تحوّل عظیم اجتماعی و سیاسی درست شناخته و دانسته نبود. کما اینکه امروز هم در بسیاری از کشورها و بالخصوص کشورهای جهان سوّم و از جمله کشورهای اسلامی این شأن همچنان ناشناخته است.^۱

عقب ماندن زنان نسبت به مردان

دختری که مدرسه نرفته باشد، بیسواد میماند. این تقصیر پدر و مادر است که او را مدرسه نگذاشته‌اند. تقصیر آن محیط و جامعه‌ای است که به زن اجازه کار نمیداده است. نتیجه این شده که قدرت تحلیل در مسائل سیاسی- اجتماعی قدرت ذهنی و خلاقیت و فکری مردها در جامعه‌ی ما در مجموع، بیشتر از زنان باشد، در حالی که همانطور که گفتم استعداد زن ایرانی مثل استعداد مرد ایرانی استعداد برتر است، یعنی از متوسط جهانی بیشتر است.^۲

تحلیل اجتماعی علی(ع) از عقب ماندگی فکری- فرهنگی زن

باور نکنید که علی بن ابیطالب (علیه السلام) به زن اهانت بکند، این را باور هم نکنید. به زن اهانت نمی‌کند. آنچه که می‌فرماید ممکن است من و شما نفهمیم. معنایش را؛ خیال کنیم اهانت است. این «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُطُوظِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ»^۳ لازم نیست بگوییم نه، این مال علی بن ابیطالب (علیه السلام) نیست، نه خیر هست. اما شما بفرمایید. در جامعه‌ی خود ما - نه حالا، حالا که زن‌ها رفتند بالا، جست زدند را کار ندارم - تا چهار سال قبل از این آیا زن توی این جامعه، فرهنگش و مایه‌ی فکری‌اش به قدر مردهای جامعه بود؟ نبود. چرا نبود؟ برای خاطر اینکه نگذاشته بودند، میدان نداده بودند. و این در زمان علی بن ابیطالب (علیه السلام) هزار برابر

۱. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز در خصوص نقش زن (۶۶/۱۲/۱۳)

۳. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۸۰



این فاصله بیشتر بود. در زمان علی بن ابیطالب (علیه السلام)، علی ابن ابیطالب (علیه السلام) وارث آن وضعیتی بود که در آن دختران خردسال را زنده زنده زیر خاک کردند. برداشتشان از زن این بود.

اصلاً زن را جزو مجموعه‌ی انسانیت به حساب نمی‌آوردند، پس نمیگذاشتند سواد پیدا کند، نمیگذاشتند معرفت پیدا کند، نمیگذاشتند استعداد در او بجوشد، ناگزیر این چه میشود؟ ناقصات العقول میشود. این زن آن زمان را میگوید؛ نه جنس زن را. و این راست است، این یک تحلیل اجتماعی است علی (علیه السلام) میکند.

من اعتقاد بر این است که زن هنوز در جامعه‌ی ما آن فرصت را نیافته است که جست واقعی را بزند... کلاً شما نگاه کنید در سطح جامعه. هنوز توی جامعه‌ی ما زن کتک‌خور است. هنوز حق خواندن و نوشتن ندارد، هنوز بهش اجازه نمیدهند درس بخواند، مدرسه برود یا چه بکند. پیداست که فرهنگ کافی را پیدا نمیکند. و اسلام گفته است «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ»^۱

همه جا زن در کنار مرد. یعنی میخواهد زن را بکشاند به آن اعتلا. نه خیر، پس حضرت هیچگونه کم‌لطفی نسبت به زنها نکرده.

یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) که بهترین زنها را باهاشان معاشر بود، خبر نداشت که همه‌ی زنهای جامعه‌ی مثل این چند تا دانه نیستند؟

اگر خبر داشت خب دارد اشاره به وضعیتی کنونی جامعه میکند. اتفاقاً این حرف مؤید من است. برای خاطر اینکه علی ابن ابیطالب زهرا را میدید و میگفت «نَوَاقِصُ الْعُقُولِ» زهرا (سلام الله علیها) را هم میگفت؟ خدیجه (سلام الله علیها)

را هم میگفت؟ مسلّم است که نه. نخیر. پس اشتباهتان همین است.

اگر زهرای اطهر (سلام الله علیها) نواقص الایمان و نواقص العقول باشد، شما بدان که ایمان کامل در همه‌ی تاریخ دیگر نبوده. عملاً توجیه ندارد.

میانگین زن با میانگین مرد، نه یک زن برجسته را با یک مرد پایین شما حساب کنید، نه بطور متوسط یک متوسط قشر زن را، جنس زن را با متوسط جنس مرد با همدیگر اینها را مقایسه نکنید، آن وقت خواهید دید در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنجوری بوده.^۱

وضعیت زنان جامعه‌ی زمان علی (ع)

اگر علی بن ابیطالب (علیه السلام) اشاره‌اش به زن آن زمان باشد، باز هم شما شک دارید به این. آیا زنی که در آن زمان تازه از زیر بار جاهلیت قبل از پیغمبر کمرش راست شد و بیرون آمده، واقعاً تربیتش، فرهنگش، اندیشه‌اش، رسایی اندیشه‌اش، قوّت اندیشه‌اش، به قدر مردها بوده، مطمئناً نبود. ممکن است شما در بین چهره‌های ارزنده‌ی زمان علی بن ابیطالب چهره‌ی سه تا چهار تا زن را که به نام مشخصاً میبینید، در مقابل آن تعداد زیاد مردان مؤمن، این اهانت به زن نیست که زن را مظلوم قرار داده‌اند و گذاشته‌اند که از لحاظ سطح معرفت آن پرواز لازم را نکنند.^۲

کم‌بهرگی زن در نظر علی (ع)؛ واقعیت دوران انحطاط و اسارت زن

علی (علیه السلام) شاید نظر به واقعیت زمان خودش دارد که میگوید: «إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ»^۳ یعنی کم‌بهره، کم‌بهره یعنی چه؟ این مال دوران اسارت و انحطاط زن است که زن کم‌بهره است،

۱. زمینه‌ی بعثت انبیاء از دیدگاه نهج البلاغه

۲. شناخت موضوعات نهج البلاغه (۵۹/۴/۱۱)

۳. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۸۰

بهره‌ای از زندگی نمیرد، اسیر است، زیر فشار است، محکوم به این است که آنچه می‌خواهد نتواند انجام دهد. محکوم به این است که آنچه می‌خواهد بفهمد نتواند بفهمد.

محرومیت تحصیلی - اجتماعی زنان در طول تاریخ؛ دلیل ناقص‌العقل خواندن آنها

اما آنی که گفتند زن ناقص‌العقل است این نخواستند بگویند که زن خدای نکرده قوه‌ی ادراک ندارد، هرگز، بسیاری از زنان از بسیاری از مردان سطح شعور و درکشان به مراتب بالاتر است. ■

دو احتمال درباره‌ی این هست که یکی از این دو احتمال را من اینجا ذکر میکنم و آن این است که نظر امیرالمؤمنین در «النِّسَاءُ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ خطبه^۱» به طبیعت زن نیست، بلکه به زنی است که تحت تأثیر فرهنگ ستم‌آلود تمام طول تاریخ که نسبت به زنان این فرهنگ همیشه توأم با ظلم و ستم بوده ناقص بار آمده، در زمان امیرالمؤمنین زن در همه‌ی جوامع بشری، نه فقط در میان عربها، مظلوم بود، نه می‌گذاشتند درس بخواند، نه می‌گذاشتند در اجتماع وارد بشود و در مسائل سیاسی تبخّر پیدا کند.^۲

بیگانگی دختران تحصیلکرده از خانواده

اگر دانشگاهها خوب کار کنند روی مسأله‌ی تعلیم زنان، این خیلی تأثیر می‌گذارد. وزارت ارشاد هم همینجور. منتها عیب ما یک جا دو جا که نیست آخه، اگر من بخواهم حالا مفصل باز صحبت کنم. ببینید یک اشکال بزرگ کار ما این است. دخترهای تحصیلکرده‌ی ما از خانواده بیگانه میشوند. این

۱. همان

۲. پاسخ به سؤالات (۶۰/۴/۶)

جزء همان چیزهای، عیبهای فرهنگ تزریق شده اروپایی است‌ها! یعنی دختر دبیرستانی و دانشگاهی گویی که مال این خانواده نیست قبل از اینکه ازدواج بکنند! مثل اینکه مال خانواده‌ی پدر و مادرش نیست. تو آن خانه دیگر کار نمیکنی، تو آن خانه دیگر به پدر و مادر درست نمیرسی، این یکی از عیوب کار ماست. اصلاً پیچیده است، عیوبی که بر وضع زندگی فرهنگی- اجتماعی زنها تحمیل شده بسیار پیچیده است. از گذشته خراب بوده، ورود این فرهنگ متضاد غربی در زمان رژیم پهلوی هم به کلی به هم ریخته و کلاف سر درگمش کرده. پیدا کردن راه حل خیلی کار مشکل و پیچیده‌ای است، ولی خب ممکن است الآن.^۱

۴-۱- نحوه‌ی احقاق حقوق زنان

بازگشت زن و مرد به طراز اسلام

در ابتدا لازم میدانم این اعتقاد اسلامی خودم را بیان کنم که ما معتقدیم زن و مرد اگر بخواهند حیثیت اجتماعی شایسته‌ی خود را بازیابند بایستی به زن و مرد طراز اسلام تبدیل شوند. درست است که ستم تاریخی نسبت به زن بیش از مرد بوده ولی در بسیاری از جوامع، مردان نیز تحت ستم فراوان بودند. البته نه از ناحیه‌ی جنس زن بلکه از ناحیه‌ی نظامهای استعماری و فرهنگهای تحمیلی و روشهای سرکوبگرانه‌ای که به کلّ انسانیت اعمال میشد، پس میتوان گفت مرد هم مانند زن بخش عمده‌ای از شخصیت انسانی و واقعی خویش را در طول تاریخ از دست داده و از خود بیگانه شد و مرد نیز باید به حیثیت ذاتی خود بازگردانده شود. با توجه به این اصل، احساس میشود که هم زن و هم مرد بایستی به زن و مرد طراز اسلام بازگردند.^۲

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

۲. در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی روز زن (۶۰/۲/۵)



هدف: رسیدن زن به کمال، نه رقابت با مردان

برای تلاش فرهنگی و حقوقی در راه رسیدن زن به نقطه‌ی مطلوب، از لحاظ اجتماعی و از لحاظ فردی دو گونه هدف میشود تصویر کرد: یک هدف این است که ما برای رسیدن زن به کمال وجودی خود تلاش کنیم و مبارزه کنیم و بنویسیم و بگوییم. یعنی زن در جامعه، اولاً به حقّ انسانی و حقیقی خود برسد، ثانیاً استعدادهای او شکوفا بشود و رشد حقیقی و انسانی پیدا کند و در نهایت به تکامل انسانی نائل بشود؛ زن در جامعه بصورت انسان کامل در بیاید؛ انسانی که میتواند به پیشرفت بشریت و جامعه‌ی خود کمک کند و در محدوده‌ی تواناییهای خود، دنیا را به بهشت برین و زیبایی مبدّل کند.

یک نوع هدف دیگر این است که ما از این گفتن و تلاش کردن و احیاناً مبارزه کردن بخواهیم یک نوع حالت تخاصم و جدایی و رقابت خصمانه میان دو جنس زن و مرد به وجود بیاوریم و دنیایی بر اساس رقابت بسازیم؛ کأنّ در جامعه‌ی بشری، مردان یک طرف قرار دارند، زنان هم در طرف دیگر قرار دارند، و اینها بر سر دستاوردی با هم نزاع میکنند و زن میخواهد در این قسمت بر مرد غالب و فائق بشود! آیا هدف این است؟

پس، دو دیدگاه در مورد هدف این تلاش و این حرکت یا اگر تعبیر کنیم این نهضت میتواند ترسیم بشود: هدف اول، هدف اسلامی است؛ هدف دوم، هدف کوتاه‌بینانه است، که در تلاشهایی که در کشورهای غربی میشود، ما ردّ پای هدف دوم را بیشتر مشاهده میکنیم.^۱

اول فرهنگ، بعد حق

یک بار یکی از اساتید طرح کردند گفتند بیاییم راجع به حقوق زن روی یک کتاب کار بکنیم. ما یک مقدار بررسیهایی داشتیم، تحقیق داشتیم و اینها. من گفتم که زن جامعه‌ی ما را اول باید بهش فرهنگ داد، بعد حق

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

بهبش داد. الآن این حقّ به اصطلاح ناحقّی که داده میشود به خیلی از این به اصطلاح حرکت‌های این جوری این باعث میشود که تقصیر بیفتد روی دوش خانمها، در صورتی که خب آن کسی که به اصطلاح حقّی که لایقش نیست بهش داده میشود سزاوارش نیست، این سوءاستفاده هم میکند یا نمیتواند، استفاده‌ی نادرست میکند از حقّش، کما اینکه خیلی مسائلی پیش آمد که به اصطلاح برخوردهایی پیش آمد.

ما مسأله‌ی درون جمعیتی را یا درون نظام را نمیتوانیم در این حدّ با آن برخورد کنیم، که ما «خیرالموجودین» بها بدهیم مثلاً این را. ولی تو مسائل بین‌المللی با شعار صدور انقلاب جهانی اسلام نمیشود به خیرالموجودین بسنده کرد دیگر چون این خیرالموجودین اصلاً آزمایش نشدند، جمعیتی که بصورت یک جمعیت نوپاست که درون خودشان هنوز با شعار وحدت زنان وحدت ندارند برخورد میشود؛ آن خانم چرا مصاحبه کرد، آن یکی چرا مصاحبه نکرد. من هم بروم مصاحبه کنم؛ یعنی واقعاً برخوردها این بود. مثلاً بعنوان مثال، حالا اینجا خودتان هستید، و بیرون نیست که بخواهیم طرح بکنیم، به خانم فیاض‌بخش، به خانم رهنورد اعتراض میکردند که شما چرا مصاحبه میکنید، خب این خیلی به اصطلاح خیلی زشت است. دعوا میشد سر به اصطلاح دیدگاهها و فلان اینها. خب ما آنجا ناظر بودیم و خون دل میخوردیم دیگر.^۱

تلاش فرهنگی دلسوزانه‌ی هوشمندان نه ساده لوحانه و عجولانه

شما هم بعنوان کسی که میخواهید از حقوق زن دفاع کنید، هدف‌تان را این قرار ندهید که خانمها حتماً وزیر بشوند. این چیزی نیست.

مسأله‌ی ما این است که زن شأن انسانی خودش را در جامعه‌ی ما باید هنوز پیدا کند. اصلاً مشکل ما این است. این را باید حل کرد. به زن باید

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۲/۲۸)

شخصیت داد، باید اعتماد به نفس داد.

حتی خانمها در زمینه‌ی معنویات هم به خودشان جرأت نمیدهند که پا به پای مرد حرکت کنند؛ مثلاً ما مرد عابد، زاهد، ذاکر و آگاه به معارف دینی بیشتر از زن با این خصوصیات داریم؛ مثلاً مرد نماز شب خوان بیشتر از زن نماز شب خوان داریم؛ مردی که اهل دعا و ذکر باشد، از زن این چنینی بیشتر داریم. در خانواده‌های متدین که اهل این چیزها هستند، مردهایشان بیشتر از زنانشان پایبند این مسائل هستند. این یک نقیصه و یک عیب بزرگ است. باید این را برطرف کنید. گویا که زن برای خودش اصلاً این حد را نمیشناسد که پا به پای مرد پرواز کند.

این با وزیر شدن یک خانم مشکلش حل نمیشود. حالا ممکن است آن هم یک تأثیری داشته باشد اما مشکل اساسی با یک کار حقیقی حل میشود. یک تلاش فرهنگی دلسوزانه‌ی هوشمندانه باید، نه ساده‌لوحانه و عجولانه‌ای که گفتیم سرهمبندی ظاهر قضیه را یک جوری درستش بکنیم، آنجوری حل نخواهد شد. یک کار درست عمیق هوشمندانه‌ای لازم دارد. حالا خدا کند که این شورای فرهنگی بتواند، یعنی یک چهار تا مرد و زن، فرق نمیکند، بنشینند دور هم، درست مشکل را ارزیابی کنند. اصلاً ببینند مشکل چقدر اهمیت دارد. من تصور میکنم مثل این تخته‌ای که افتاده اینجا نگاه میکنند خیال میکنند که ده نفر میتوانند بیاورند بیرون، بعد که میکاوند میبینند که ۱۰ برابر اینکه ظاهر است زیر زمین است، این اصلاً این جوریه‌ها در نمی‌آید. باید درست بتوانند تقویم کنند مشکل را و بعد هم ببینند چطوری میشود برطرفش کرد. حالا به هر حال جمهوری اسلامی جای خوبی است برای برطرف کردن اینها. یعنی آن جایی که بشود برطرف کرد، باز همین فضای اسلام است.^۱

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)



کار فرهنگی بزرگ به کمک احکام قرآنی برای رفع ستم از زنان

درباره‌ی مسأله‌ی زن، حقوق زن، رفع ستم از زنان و فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای زنان کشورمان، لازم است کار فرهنگی بزرگی انجام گیرد. من امروز با این نیت این بحث را می‌کنم که به ایجاد این فضای فرهنگی کمک شود. اگر فضای فرهنگی جامعه در زمینه‌ی مسائل زن، شفاف شود و احکام اسلامی و نظرات قرآنی در این زمینه روشن گردد، راه هموار خواهد شد، برای اینکه بانوان کشور ما بتوانند به آن نقطه‌ای که برای یک زن، آرمانی و غایت مطلوب است، برسند. اگر چه بحث است، سخن است، گفتن است، اما در واقع عمل است؛ زیرا این گفتن، فضای فرهنگی جامعه را شفاف خواهد کرد و ذهنها را روشن خواهد نمود.^۱

رفع کمبود میدانها و فرصتها برای علم، معرفت، اخلاق و شکوفایی استعدادها

حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه‌ی اسلامی و در جامعه‌ی ما حتماً باید انجام بگیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی.

زن در همه‌ی جوامع از جمله در جامعه‌ی ما دچار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل میشود؛ اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی‌بندوباری نیست؛ این کمبود، کمبود میدانها و فرصتها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست؛ این را باید تأمین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام بر روی آن تکیه کرده است.^۲

باز شدن گرههای زندگی زنان با قوانین اسلامی

من یکی از کارهای اصلی خانمها را تصحیح فرهنگ عمومی جامعه

۱. در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی (۷۶/۷/۳۰)

۲. در همایش بزرگ اجتماع خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

نسبت به زنان میدانم؛ آن هم نسبت به گرفتاریهای اساسی جامعه‌ی ما در زمینه‌ی مسائل زنان- که این کار خیلی مشکل است- یکی هم مسأله‌ی قوانین است؛ همین مسائل عسر و حرج و امثال اینها؛ یعنی پیدا کردن گره‌ها و مشکلاتی که بطور روزمره در زندگی زن وجود دارد. مردی که زنش را می‌اندازد و میرود، اینجا عسر و حرج به آن معنا نیست؛ چون عسر و حرجی که شما می‌گویید، ناشی از ازدواج است. آن چیزی که میتواند شرعاً ازدواج را بهم بزند، عسر و حرجی است که ناشی از ازدواج باشد؛ این ناشی از رها کردن است؛ همان ایلاء که در قرآن چند آیه درباره‌ی آن وجود دارد. چند روز پیش از این در یک بحث فقهی، این نکته را به مناسبت مطرح کردم که بعضی از قدما فتوا داده‌اند که اگر مرد چهار ماه زندگی را رها کند؛ نه حاضر باشد زن را طلاق بدهد، نه حاضر باشد به معنای حقیقی کلمه با او زناشویی داشته باشد؛ حاکم شرع او را به قتل میرساند؛ یعنی یک مجازات به این سنگینی برای کاری که خیلی هم به چشم نمی‌آید؛ اما بعضیها ده سال است که زن و زندگیشان را رها کرده‌اند؛ گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است! به نظر من گره‌های ریزی که به وسیله‌ی قوانین اسلام باز میشود، اینها را باید دنبال کرد؛ این همان جایی است که حوزه‌های علمیّه باید نگاهی نو و نگرشی کاملاً منطبق با مسائل داشته باشند.^۱

حقوق زن بعنوان پرورش‌دهنده‌ی انسانهای والا

شما باید زن را با چشم یک انسان والا نگاه کنید؛ تا معلوم بشود که تکامل و حقّ و آزادی او چیست؟ زن را بعنوان یک موجودی که میتواند مایه‌ای برای اصلاح جامعه یا پرورش انسانهای والا بشود نگاه کنید تا معلوم بشود که زن کیست و آزادی او چگونه است. زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید. خانواده اگر چه از مرد و زن تشکیل میشود و هر دو در تشکیل و موجودیّت خانواده مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده

۱. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

و آرامش و سکوتی که در فضای خانواده است به برکت زن و طبیعت زنانه است با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم بشود که زن چگونه کمال پیدا میکند و حقوق زن در چیست؟^۱

استفاده‌ی خردمندانه از تجربه‌ی دیگران در مورد زنان

اگر ما امروز بخواهیم برای زنان کشورمان، یک حرکت حقیقی و اساسی بکنیم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خودشان برسند، باید به احکام اسلامی نظر داشته باشیم و از آن الهام بگیریم. برای ما، روش را احکام اسلام معین میکند. هر روش خردمندانه‌ی عقلایی را هم اسلام میپسندد و قبول دارد. اگر تجربه‌ای در جایی باشد، مورد قبول است؛ اما تقلید نه. استفاده‌ی خردمندانه از تجربیات دیگران درست؛ اما تقلید، غلط. لذا امروز کسانی که برای حقوق زن و برای رشد و شکوفایی استعدادهای زنان در کشور ما تلاش میکنند - که البته هم باید این تلاش انجام بگیرد - باید بدانند چه هدفی را دنبال میکنند و چه شعارهایی را باید مطرح نمایند.^۲

حرکت بر اساس بینش خردمندانه و شناسایی طبیعت زن

در هر حرکت اجتماعی، آن وقتی حرکت درست خواهد بود و به نتایج درست خواهد رسید که مبنی بر خرد و تأمل و تشخیص و مصلحت و مبتنی بر پایه‌های درست و عقلانی باشد. در هر حرکتی که به قصد احقاق حق زنان انجام میگیرد، عیناً باید همین معنا ملاحظه شود؛ یعنی باید هرگونه حرکتی، براساس یک بینش خردمندانه، مبتنی بر حقایق هستی، یعنی شناسایی طبیعت و فطرت زن و طبیعت و فطرت مرد، مسؤولیتهای و مشاغل اختصاصی زن، مسؤولیتهای و مشاغل اختصاصی مرد و آنچه میتواند مشترک بین اینها باشد، انجام بگیرد و از روی انفعال و تقلید نباشد. اگر

۱. در دیدار گروهی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)



حرکتی، حرکت از روی انفعال و تقلید و تصمیم کورکورانه و چشم بسته بود، حرکت مضرّی خواهد بود.^۱

توجّه به واقعیّتهای آفرینش زن و مرد برای حلّ مشکلات

نظر اسلام درباره‌ی زن مبتنی بر واقعیّتهای آفرینش زن و مرد و نیازهای آنان برای رسیدن به اوج کمال انسانی است و تردیدی نیست که با شناخت دقیق نظر اسلام و عمل صحیح به آن، بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد، امّا افسوس که بسیاری از مردم به سنن، عادات و سوغات فرهنگهای بیگانه بیشتر اهمیّت میدهند و راه غلط و اشتباه نیز ادامه مییابد. بنابراین تلاش و تبلیغ و فعّالیّت بسیاری لازم است تا زن بتواند در جایگاه حقیقی خود قرار گیرد.^۲

لزوم توجّه به سه مقوله‌ی تکریم زن، وظیفه زن و رفتار با زنان؛ در برنامه‌ریزیها

احترام زن و تکریم زن، یک مسأله است - که این حتماً باید مورد توجّه و عنایت خاص باشد - رفتارهای زنان در محیط خانوادگی، در محیط کسب و کار، در محیط سیاست، در محیط اجتماعی، یک مسأله است؛ رفتار با زنان هم یک مسأله است. رفتار با زنان، ناظر به مردان است؛ چه مردان خانواده - مثل پدران، برادران و همسران - چه مردانی که در محیطهای کار برخورد میکنند. رفتار با زن باید احترام‌آمیز، محبّت‌آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفّت باشد. بنابراین، هم تکریم زن، هم وظیفه‌ی زن، هم وظیفه‌ی نسبت به زن، جداگانه باید مورد توجّه و برنامه‌ریزی قرار بگیرد.^۳

۱. همان

۲. در دیدار با بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

۳. در بیانات در دیدار جمعی از مدّاحان (۹۲/۲/۱۱)

اندیشه‌ی شهید مطهری؛ مستدلترین اندیشه‌ی زمان خود در مورد زن

شما خواهرهای معلّم که مادران جسمی و روحی برای نسل آینده‌ی این مملکت هستید، تحقیقات و نظرات و بینشهای مطهری را در زمینه‌ی مسائل مربوط به زن، رویش دقت کنید، ببینید که بینش این انسان بزرگ، این مغز متفکر درباره‌ی زن چیه، درباره‌ی حجاب چیست؟ درباره‌ی پوشش زن چیست؟ درباره‌ی اختلاط زن و مرد چیست؟ مستدلترین و منطقیترین اندیشه‌ای که درباره‌ی زن، آن روز مطرح بود، اندیشه‌ی مطهری بود. البته نه اینکه راجع به زن دیگران آنهایی که اهل مسائل اسلامی بودند درست فکر نمی‌کردند، چرا، خیلی خوب فکر می‌کردند، خوب استدلال می‌کردند، توی کتابها هم هست، اما آنی که درست، نقطه‌هایضعفی را که مورد استفاده‌ی طراحان سیاسی استکباری و استعماری در دنیا و به تبع او در کشور ما قرار میگرفت میشناخت و در مقابل آن نقاط ضعف، فکر و اندیشه و ایده مطرح میکرد، مطهری بود.^۱

همسان دانستن ارزشها و شناسایی تکالیف ویژه‌ی زن

دنیا این^۲ را باید بشناسد. شعار دادن به نفع زن در دنیا یک حرکت فریب‌آمیز است، مادامی که با این همراه نباشد. دفاع کردن از بی‌حجابی زن که امروز معمول شده در دنیا کسانی به نام روشنفکری و روشنگری این کار را میکنند، یک حرکت نفرت‌انگیز توأم با فریب است، یک دروغ است و هیچ علاجی هم مشکل را نخواهد کرد، دلیل از ارزشهای زن و حقوق زن نیست. باید بروند سراغ اینکه کاری بشود در جوامع بشری ارزشهای بشری بین اینها همسان دانسته بشود، تکالیف هم بین اینها یکسان توزیع بشود و

۱. در دیدار با وزیر و گروهی از خواهران دانشجوی مراکز تربیت معلّم (۶۳/۲/۱۲)

۲. در دو مقوله زن و مرد صد در صد یکسانند... اولاً: ارزشهای انسانی و اسلامی است. ثانیاً: وظائف عمومی انسان در یک جامعه‌ی اسلامی... در وظائف اختصاصی آن جایی که زن و مرد وظائفشان می‌تواند تغییر پیدا کند، یعنی؛ دگرگون بشود با یکدیگر آنجا تفاوت دارند براساس آن تفاوت هم ترکیب آفرینش اینهاست.

تکالیف زن، تکالیف ویژه‌ی زن به زن و تکالیف ویژه‌ی مرد به مرد داده بشود. اگر اینها را ما شناسایی کردیم مشکل زن حل خواهد شد. شما در این سمینار روی این تلاش کنید، زن ایرانی و زن مسلمان باید گردش را برافراشته بگیرد و مدّعی آن دنیایی بشود که با زن در طول این هفتاد، هشتاد سال اخیر بزرگترین جفاها را کردند و به لب پرتگاه رساندند.^۱

شناخت وظایف مشترک و اختصاصی زن و مرد؛ عامل رفع ظلم به زن

در تکالیف عمومی جامعه هم باز هیچ فرقی نیست؛ کار، علم، تلاش برای سازندگی جامعه، مجاهدت در راه خدا، انفاق به مال و جان، همبستگی و وحدت، هدایت، ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر و بقیه‌ی وظایف اسلامی هم باز یکسان است. پس در دو چیز، در دو مقوله‌ی زن و مرد صددرصد یکسانند، در یک چیز نایکسان و ناهمسان. آن دو چیزی که صددرصد در آن یکسانند، اولاً: ارزشهای انسانی و اسلامی است. ثانیاً: وظایف عمومی انسان در یک جامعه‌ی اسلامی، وظایف عمومی انسان مسلمان. هیچ تفاوتی نیست، او هم باید با ظلم بستیزد و به عدل کمک کند، این هم باید با ظلم بستیزد و به عدل کمک کند. او هم باید به ممنوع خودش کمک کند، این هم باید بکند. آن هم باید برای اقامه‌ی دین و عدل تلاش کند، این هم باید بکند. او هم باید دانش بیاموزد این هم باید بیاموزد. او هم باید امر به معروف و نهی از منکر کند، این هم باید بکند. آن هم باید زمینه را برای ایجاد خوینها هموار کند این هم باید بکند در هیچ وظیفه‌ی عمومی اسلامی که مال یک انسان مسلمان است بین اینها تفاوت نیست. در ارزشهای اسلامی هم که دیدیم در ایمان، در تقوا، در قرب به خدا، در اخلاق حسنه و تقوا و چیزهایی از این قبیل. در وظایف اختصاصی آنجایی که زن و مرد وظایفشان میتواند تغییر پیدا کند، یعنی دگرگون بشود، با یکدیگر آنجا تفاوت دارند، براساس آن تفاوت هم ترکیب آفرینش اینهاست. اینها را

۱. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۷/۱۱/۸)



اگر زن شناخت براساس اینها حرکت کرد و به اینها احترام گذاشت، ستم عمومی و تاریخی زن برطرف خواهد شد.^۱

روش محترمانه، مصلحت‌اندیشانه و عاقلانه‌ی اسلام نسبت به زن

روش اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به زن محترمانه، تکریم‌آمیز، مصلحت‌اندیشانه، عاقلانه و به نفع بشریت است و آنچه که غربیها در مورد زن اعمال میکنند، ناقض حقوق انسانی زن است. غربیها با هوشیگری و جنجال تلاش میکنند ما را از ادامه‌ی راه بر حق خود باز دارند؛ اما زنان مسلمان و بایمان و انقلابی ایران با عمل به احکام اسلام و وظایف اسلامی خود بر دهان تبلیغاتچیهای استکبار، خواهند کوبید.^۲

بازگو کردن تعالیم اسلام در مورد زن

اکنون نخبگان سیاسی و فکری در دنیای اسلام، وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند. اندیشمندان مسلمان، پیام آزادی‌بخش اسلام را هرچه رساتر و شیواتر به گوش و دل آحاد مردم خود برسانند. هویت اسلامی ملت‌های مسلمان را بدرستی تبیین کنند. تعالیم روشن اسلام را در موضوعاتی چون: حقوق بشر، آزادی و مردم‌سالاری، حقوق زن، مبارزه با فساد، رفع تبعیض، مبارزه با فقر و عقب‌ماندگی علمی برای جوانان بازگو کنند. فریب رسانه‌ای غرب را درباره‌ی مبارزه با تروریسم و مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی، برای همگان آشکار سازند.^۳

تبیین نظر اسلام در باب آزادی

اگر مفهوم حدود زن و وظایف زن در جامعه مشخص بشود، ما هستیم که زبانمان سر دنیا دراز خواهد بود. اگر ما در باب آزادی هم نظر اسلام

۱. همان

۲. در دیدار عمومی خاوران در هفته‌ی زن (۷۲/۹/۱۷)

۳. در پیام به کنگره‌ی عظیم حج (۸۲/۱۱/۸)



را درست تبیین کنیم و تشریح کنیم، ما بازودار^۱ نمیشویم در دنیا و پیش کشورهایایی که دم از آزادیهای دروغین و تقلبی و گمراه‌ساز میزنند. ما هستیم که زبانمان سر دنیا دراز است که چرا این آزادیها به انسانها داده نمیشود؟ و چرا به نام آزادی بر انسانها ظلم میشود و جفا میشود؟ لذا باید نظر اسلام در باب آزادی دانسته بشود.^۲

آگاهی و عمل به حقوق اسلامی؛ مانع ظلم به زن در خانواده

انس با کتاب و آشنایی با معارف، موجب آگاهی زن از حقوقی است که اسلام برای زنان مسلمان در خانواده قرار داده است و اگر بانوان ما راه مورد نظر اسلام را بپیمایند، یقیناً آن ستمی که در طول تاریخ در جوامع مختلف بر زن رفته است، از بین خواهد رفت و اثری از آن نخواهد ماند.^۳

دنبال کردن روش اسلامی با جدیت و اهتمام کامل

ما خودمان بخاطر دستور اسلام طرفدار حقوق انسان هستیم؛ چرا که حقوق انسان، از اصول اسلام است. منتها آن چیزی را که آنها مطرح میکنند، یک فریب و دروغ میدانیم؛ آن از طرفداریشان از حقوق زن، این هم از طرفداریشان از حقوق بشر. مستکبرین و مستبدین و غارتگران عالم و بی‌اعتنایان به حقوق ملتها و نابودکنندگان منافع ملتهای ضعیف و اشغالگران سرزمینهای کشورهای ضعیف امروز، پرچم دفاع از حقوق انسان و حقوق زن را در دست گرفته‌اند. معلوم است که ملتهای مسلمان نمیتوانند به اینها اعتنا بکنند. مهم این است که شما زنان مسلمان به‌خصوص زنان جوان، دختران دانشجو و خانمها که به فعالیتهای علمی و اجتماعی و سیاسی اشتغال دارید، این روش اسلامی را با جدیت و با اهتمام کامل دنبال کنید

۱. پر قدرت

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۵/۹/۱۴)

۳. در دیدار با بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

و آن را رها نکنید. تربیت اسلامی و انقلابی زن مسلمان، مایه‌ی افتخار و مباهات جمهوری اسلامی است.^۱

بحث نکردن در مورد تمایزات مسلم در فقه اسلامی

ما در اسلام قوانینی داریم که تبعیض بین زن و مرد را مشاهده می‌کنیم؛ مثل قانون ارث؛ «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ»^۲. ممکن است از نظر کسانی این تبعیض مورد تردید قرار گیرد. البته همه‌ی شما مطمئناً مؤمن و متدین و پایبند احکامید؛ اما می‌خواهم پیشنهاد کنم بیایید آن چیزهایی را که در فقه مسلم اسلامی و در ظواهر قرآن و حدیث، بین زن و مرد تمایز قائل شده است، کنار بگذارید و روی اینها بحث نکنید؛ به‌خصوص آن چیزهایی که در قرآن مورد تصریح است. البته این به معنای آن نیست که شما از حق زن دفاع نکنید؛ بلکه به این معناست که احتمال بدهید همین موارد، دفاع از حق زن است.^۳

دوری از بحثهای انحرافی از قبیل دیه در مورد زن

بعضی کسان بعنوان اینکه از زن دفاع میکنند، به بحثهای انحرافی کشانده میشوند و بعضی از مسائل از قبیل دیه و امثال اینها را مطرح میکنند؛ در حالی که اینها بحثهای انحرافی است. نظر اسلام در مورد زن و مرد واضح و روشن است. همانطور که بیان شد، نظر اسلام در مورد خانواده کاملاً روشن است. اینکه کسی بیاید اینطور مسائل را مطرح کند، جز دور کردن راه و منحرف کردن ذهنها هیچ فایده‌ای ندارد و کار صحیح و منطقی نیست. بحثهای انحرافی نباید مطرح شود. این به نفع حرکت صحیح در اینباره نیست.^۴

۱. در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) (۷۱/۹/۲۵)

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۱

۳. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

۴. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

امکان تغییر احکام با شیوهی فقهی توسّط فقیه ماهر و مسلّط

نکته‌ی دیگر این است که ما در کشورمان شاهد هستیم که بعضی از فعّالان زن و بعضی از مردها تلاش میکنند برای هماهنگ شدن با کنوانسیونهای جهانی مرتبط با زن، و با احکام اسلامی ورّ برونند و بازی کنند و کم و زیاد کنند؛ این غلط است. من نمیخواهم بگویم همه‌ی آنچه که در فقه ما در مورد احکام مربوط به زنان مطرح شده است، حتماً سخن آخر است؛ نه، ممکن است با یک تحقیقی در یک زمینه‌ای که بوسیله‌ی فقیه ماهر و مسلّطی انجام بگیرد، فلان حکم فقهی که امروز در مورد زن وجود دارد، دچار تغییر شود؛ این اشکالی ندارد؛ این ممکن است و اتفاق هم افتاده. در همین مسأله‌ی ارث زن از زمین و غیر منقول - که خانم اشاره کردند - نظر فقهی بعضی از بزرگان قدیم و امروز نظر فقهی خود ما هم همین است که آنچه منع از میراث شده، عین قیمت آن زمین بلاشک حقّ همسر و زوجه است و ارث میبرد؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین در مسائل فقهی چنین چیزی امکان دارد که ما بگوییم این تغییر پیدا میکند؛ لیکن آنچه که باید در زمینه‌ی مسائل فقهی انجام بگیرد، کار فقهی به وسیله‌ی فقیه ماهر و مسلّط به مبانی فقهی است؛ آن هم با نگاه به متد فقه، به شیوه‌ی استفاده‌ی فقه‌ای؛ نه اینکه کسی برطبق میل خودش، برای انطباق با آنها، برای اینکه خودش را هماهنگ کند با فلان معاهده‌ی جهانی، فلان کنوانسیون جهانی - که فراهم آورندگان با مردمی که در این سرزمین با مبانی اسلامی زندگی میکنند و اعتقاد به مبانی اسلامی دارند، اصلاً از لحاظ مبانی فکری متفاوتند - بیاید از گوشه‌ی احکام اسلامی بساید و بُرد؛ این کاملاً غلط است؛ اصلاً قابل دفاع نیست. بدون تردید آنچه که در احکام اسلامی و در فقه اسلامی مطابق مصلحت آمده است، همینهاست، و همین درست است؛ که با یک مداقّه و در بخشهای مختلف، این معلوم میشود. خواهران عزیز، کسانی که در زمینه‌ی مسائل زنان فعّالند و فکر میکنند و کمبودهایی را ملاحظه میکنند، راه علاج را این نبینند که ما در احکام فقهی اسلامی تصرّف کنیم؛ نه، احکام فقهی اسلامی آنجایی



که با تحقیق استنباط شده و منطبق با مبانی اسلامی است، کاملاً درست و مطابق با مصلحت است. نباید ما بخاطر اینکه در فلان مجمع جهانی، در فلان اجلاس بین‌المللی، فلان چیز تصمیم‌گیری شده و فلان کنوانسیون مثلاً جهانی به وجود آمده، ما بیاییم با نگاه تنگ‌نظرانه و آمیخته‌ی با رعب و مرعوبیت، در تفکرات خودمان و فقه خودمان تصرف کنیم؛ این هم به نظر من درست نیست.^۱

لزوم جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف با تدوین قوانین و تحقق خلیات و آداب و سنن لازم

ما زنانی داریم که ضعیفند و محرومند، زنانی داریم که ستم‌زده و مظلومند؛ باید جلوی این مظلومیتهای را گرفت. قوانین مهمی لازم است که باید وجود داشته باشد، خلیات لازمی وجود دارد که بایستی دنبال کرد که تحقق پیدا کند، آداب و سنن لازم است وجود داشته باشد که زن در سطوح مختلف - من اینجا یادداشت کرده‌ام - معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری دچار ستم‌زدگی نباشد؛ یعنی از مسائل کاملاً شخصی و خصوصی - یعنی مسائل جنسی - احتمال و امکان ستم‌زدگی زن و مظلومیت زن وجود دارد، تا مسائل عمومیت‌ر مثل مسائل معاشرتی، مسائل خانوادگی؛ که در مورد مسائل خانوادگی من اینجا یادداشت کرده‌ام: احترام در چشم شوهر، در چشم فرزند، در چشم پدر، در چشم برادر.^۲

اهمیت اصلاح قوانین در موضوع زنان

نظر اسلام در مورد زنان واضح و روشن است و برای دفاع از زن باید از ورود به بخشهای انحرافی اجتناب شود. دفاع اخلاقی و قانونی از زن و به‌خصوص در داخل خانواده‌ها از طریق اصلاح و ایجاد قوانین، لازم

۱. در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

۲. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)



و ضروری است و باید کسانی که زن را در خانه مستخدم و بدون بهره از خودسازی معنوی تلقی میکنند، با قوّت و شدّت و در عین حال کاملاً منطقی و عقلانی برخورد شود.^۱

لزوم اصلاح بعضی قوانین

بعضی از قوانین در برخورد با زن و با مرد احتیاج به اصلاح دارد. باید کسانی که اهل این کارها هستند، مطالعه کنند، بررسی کنند و آن قوانین را درست کنند.^۲

حلّ تدریجی و هوشمندانه مشکلات زنان با وضع قوانین

مسائل زنان خیلی زیاد است و در جامعه‌ی ما درباره‌ی زن به مرور در ذهنیت مردم ما رسوخ و رسوب کرده و به این آسانها زدودنی نیست. مسائل فرهنگی زنان باید بتدریج در سایه‌ی وضع قوانین بسیار هوشمندانه هموار شده و از حالت نابسامانی بیرون بیاید. این کار در مدّت چند سال کوتاه حلّ نشده و در توان چند نفر معدود خانمهای در مجلس نیست. باید به مرور انجام بگیرد.^۳

احساس امنیت زن در خانه‌ی شوهر در پرتو قانون

اگر بتوانید به قوانین و مقرّراتی برسید که وقتی زن در خانه شوهر است احساس امنیت بکند، خیلی خوب است. انسان دختری را با زحمت زیادی، با محبّت و ملاحظت، با عشق به پدر و مادر پرورش میدهد، به سنّ جوانی میرسد، هنوز در خانه‌ی پدر و مادرش بچّه است بچّه حساب میشود بعد خانه‌ی شوهر میرود، بعنوان خانمی که از او توقّع فهمیدن همه چیز، توقّع انجام دادن همه کار و توقّع بلد بودن همه چیز هست! پس با اندک اشتباهی

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. همان

۳. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)



از او، مورد تعرض قرار میگیرد! این، نباید باشد. کاری کنید که زن وقتی به خانه‌ی شوهر میرود، در هر سنی که هست، احساس امنیّت کند؛ احساس کند که میتواند زور نشنود. توجّه میکنید! اگر بتوانید این را تأمین کنید، به نظر من بزرگترین قدم را برداشته‌اید. بتواند زور نشنود. اگر زور شنید، بتواند از حقّ خودش دفاع کند؛ امکانات قانونی در اختیارش باشد و بتواند از حقّ خودش دفاع کند.

اگر این بشود، به نظر من کار خیلی بزرگی انجام گرفته است. بیشترین همّت و بیشترین دغدغهی من، این است که این تأمین بشود. میبینم که این، الآن تأمین نیست! حتّی در خانواده‌های مؤمن و خانواده‌های متّقی نیست! در خانواده‌های امروزی هم نیست.

خانم دکتری چند سال قبل از این، اینجا به ما شکایت کرده بود که شوهرش که سواد چندانی نداشته به این خانم دکتر زور میگفت؛ و این خانم دکتر نمیتوانست از خودش دفاع کند! این نمونه‌ها هست. متأسّفانه الآن اینگونه است. اگر بتوانید، این را با قوانین و مقرّرات جبران کنید.^۱

روشهای حلّ مشکلات بانوان مسلمان در خانواده

مهمترین مشکل بانوان، متأسّفانه مشکل درون خانواده و عائله است؛ آنجاست که متأسّفانه در مواردی حرمت بانوی مسلمان، شأن و حقّ بانوی مسلمان نادیده گرفته میشود! با استفاده از عواطف جوشان زنانه بانوی مسلمان، آنچه که حقّ و شأن اوست، از او دریغ میشود! این را باید اصلاح کرد؛ به این باید رسیدگی کرد.

من بارها گفته‌ام بخش مهمّی از این کار، بر عهده‌ی قانون‌گذاران است. بخش مهم دیگر به عهده‌ی خود زنان است. اولاً با تحصیلات، با کسب

۱. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی (۷۶/۴/۳۰)

معارف دین و علم فقط هم تحصیلات رسمی مطرح نیست با کتاب و با معارف آشنا بودن و با کتاب انس گرفتن امکان دارد و بخش عمده‌ای هم بر اثر آگاهی از آن حقوقی که اسلام برای زن مسلمان و برای زن در خانواده قرار داده است. اگر از این راهی که انگشت اشاره‌ی اسلام به آن اشاره میکند، استفاده بشود و آن راه پیموده بشود، یقیناً آن ستمی که در طول تاریخ در جوامع مختلف از جمله متأسفانه در جوامع مسلمان بر زن میرفته است، خبری نخواهد ماند و از بین خواهد رفت.^۱

برخورد قانونی و اخلاقی با متعدیان به زن در خانواده

جامعه، هم از لحاظ قانونی، هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان میدانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازاتهای سختی را پیش‌بینی بکند که باز همینجا من عرض بکنم، در کشورهای غربی علیرغم این همه شعارهای که میدهند، هنوز نتوانسته‌اند این را تأمین بکنند. یعنی در داخل خانواده‌ها زنانی که از دست شوهرانشان کتک می‌خورند، دخترانی که از دست پدرانشان مجروح میشوند و کتک می‌خورند، فراوانند. آمارهای تکان‌دهنده و وحشت‌آوری هم در این زمینه وجود دارد؛ منتها در آنجا یک چیز دیگر هم هست، و آن قتل نفس است؛ راحت خون میریزند، راحت میکشند. کشتن، آن قبحی را که در محیط اسلامی دارد، در آن محیطهایی که از معارف الهی بویی نبرده‌اند، متأسفانه ندارد. کشتن زنان، یکی از بلیه‌های بسیار زشت و نفرت‌انگیزی است که در کشورهای غربی - خصوصاً بعضی کشورها مثل امریکا - رایج است. اینها خوشبختانه در کشور ما به آن شدت نیست و جز موارد استثنایی، چنین چیزهایی پیدا نمیشود؛ اما به هر حال هرگونه ستمی، هرگونه تعدی جسمانی نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه بشود، تا در این زمینه جامعه‌ی اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است، برسد.^۲

۱. در دیدار با بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

۲. در همایش خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)



حلّ مسائل زن در خانواده؛ عامل فائق آمدن بر مسائل اجتماع

اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودّت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ»^۱، در خانواده رعایت شود - این چیزهایی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمّل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می‌آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه‌ی اجتماع هم خواهد توانست.^۲

لزوم پشتوانه‌ی قانونی و ضمانت اجرایی در حمایت از زنان در خانواده

نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است. «المرأة سيّدة بيتها»^۳؛ بزرگ خانه، زن خانه است؛ این از پیغمبر اکرم است. جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (علیهم السلام) آمده: «المرأة ريحانة و ليست بقهرمانة»^۴. در تعبیرات عربی، قهرمان یعنی کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. میفرماید: در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ ریحانه است، گل خانه است. خطاب به مردان میفرماید: بهترین شما کسانی هستند که بهترین رفتارها را با همسرانشان دارند. اینها نظرات اسلام است و از این قبیل الی ماشاءالله وجود دارد. ولی در عین حال تحقّق خواسته‌ی اسلام در خانواده، یک امری است که با این بیانات تمام نمیشود، حلّ نمیشود؛ احتیاج به پشتوانه‌ی قانونی، پشتوانه‌ی اجرایی و ضمانت اجرایی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد. این کار در طول سالهای

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۲۸

۲. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۳. نهج الفصاحه، ص ۶۱۵

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳

متمادّی گذشته انجام نگرفته است. خانواده‌هایی که متدین بودند، مردانی که از اخلاق خوب برخوردار بودند و پایبندیهای شرعی داشتند، ملاحظاتی کردند؛ اما در مواردی که این خصوصیات نبوده، این ملاحظات نشده؛ به زن در داخل خانواده ظلم شده.^۱

دفاع اخلاقی، قانونی و منطقی از زن

نکته‌ی دیگر که باید مورد توجه باشد، دفاع اخلاقی و قانونی از زن، به‌خصوص در داخل خانواده است. دفاع قانونی با اصلاح قوانین همانطور که گفته شد - و ایجاد قوانین لازم و دفاع اخلاقی با طرح این مسأله و مواجهه با کسانی که این را درست نمی‌فهمند و زن را در خانه مستخدم مورد ستم مرد بدون تمکن از خودسازی معنوی تلقی میکنند و اینگونه هم عمل میکنند. باید با این فکر با قوّت و شدّت مقابله بشود؛ البته به شکل کاملاً منطقی و عقلانی.^۲

تهذیب و اخلاق؛ راه چاره‌ی زورگویی به زن

مرد چون از لحاظ جسمانی و برخی از خصوصیات دیگر تواناییهای بیشتری دارد، در مواردی از این تواناییها سوءاستفاده میکند و زورگویی میکند؛ این باید جلوی گرفته شود. این کار با قانون امکانپذیر است؛ البته همانطور که عرض کردیم، با تهذیب و اخلاق مردان هم امکانپذیر است.^۳

سواد و قانون؛ ابزارهای اقتدار زن

چون زن بطور متوسط، از لحاظ ترکیب جسمانی، به قوّت مرد نیست، موجب شده است که این زورها گفته بشود، باید با معرفت و سواد از یک سو و قانون از سوی دیگر، جبران کرد؛ یعنی ابزارهای اقتدار باید در اختیار

۱. در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۳. در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

زن گذاشت.

این ابزارها از طرفی معرفت و سواد و اینهاست که مانع میشود از اینکه زن مورد ستم قرار بگیرد؛ از طرف دیگر قانون است. اگر این دو مورد تأمین شود، خوب است. زنها را وادار کنید به درس خواندن، دخترها را به تحصیلات عالیه وادار کنید. وسیله‌ی ورود دخترها در مراکز عالی را از طرق قانونی فراهم و تسهیل کنید. اگر اینها شد، به نظر من همه چیز انجام گرفته است.^۱

لزوم پختگی در مبارزه با ستم تاریخی علیه زن

در طول زمان بر اثر جهالتها موضع هر یک^۲ برای خود، مورد ملاحظه قرار نگرفته است؛ لذا مرد بخاطر اینکه قدرتمند و قوی بوده، زور گفته و ظلم کرده است، و زن یک ستم تاریخی دارد التفات میکنید قضیه، قضیه‌ی مبارزه با یک ستم تاریخی است؛ لذا اگر این مبارزه با عجله، با خام‌نگری، بدون تعمق و بدون ملاحظه اینکه میخواهیم چه کار بکنیم انجام بگیرد، بلاشک مبارزه را عقب خواهد انداخت، پیروزی این مبارزه را عقب خواهد انداخت لذا باید خیلی با پختگی، منتها دائم کار بشود.^۳

حلّ معضلات با ارائه‌ی راهکار اجرایی توسط خود زنان

عمده‌ی کار را خود بانوان باید انجام بدهند. شما هستید که میتوانید فکر کنید، اندیشه‌ورزی کنید، مطالعه کنید، معضلات را در مقام نظر و اندیشه حلّ کنید و در مقام عمل راهکار اجرایی ارائه بدهید. این، کار را بسیار آسان و نزدیک خواهد کرد. البته در این جلسه بانوان محترم پیشنهادهایی هم دادند؛ بعضی از اینها کاملاً عملی است و دم دست است و میشود اجرا کرد، اقدام کرد، برای بعضی هم میتوان زمینه‌سازی کرد.

۱. در دیدار زنان نماینده‌ی مجلس (۷۶/۴/۳۰)

۲. زن و مرد

۳. در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۷۶/۴/۳۰)

به هر حال امیدواریم - ان شاء الله - جامعه‌ی زنان کشورمان جزو موفقترین جوامع باشند و دختران جوان ما - ان شاء الله - بتوانند در این زمینه‌ای که شما بوجود آوردید، گامهای بلندتری بردارند و روزبه‌روز - ان شاء الله - به اهداف عالیه‌ی اسلامی نزدیکتر شویم. ان شاء الله این جلسه هم برکات خودش را در این عرصه باقی خواهد گذاشت.^۱

دوری از جلب نظر غربیها

اگر در کشور ما و جامعه ایرانی، کسانی نام زن و حقوق زن را از این جهت بیاورند که مجلات غربی، یا گزارشهای غربی، یا سیاسیون غربی، ایران اسلامی را متهم کرده‌اند به اینکه به حقوق زن نمیرسد، این غلط است. با این هدف نباید وارد این میدان شد؛ چون به انحراف و اشتباه خواهد انجامید. اگر ما با این قصد، وارد این میدان دفاع از زن شویم که از غربیها عقب نیفتیم، اشتباه خواهیم کرد. اگر به این قصد وارد شویم که آنها به ما نظر بد و منفی نداشته باشند، اشتباه خواهیم کرد. اگر با این تصوّر و توهم وارد این میدان شویم که خیال کنیم آنها در این زمینه راه صواب پیموده‌اند و راه درست را پیدا کرده‌اند، بشدت اشتباه خواهیم کرد. با این هدفها و با این نیتها وارد این میدان نباید شد؛ چون مبتنی بر اشتباه است. متأسفانه امروز من میبینم بعضی از مقالاتی که بعنوان دفاع از زن نوشته میشود و بعضی از سخنانی که بعنوان احقاق حقوق بانوان بر زبان جاری میگردد، کاملاً از موضع انفعال است؛ چون غربیها اینطور گفته‌اند، چون اروپاییها اینگونه نوشته‌اند، چون به ما اینطور نسبت داده‌اند. اگر ما هم در مقام دفاع حرفی بزنیم و راهی را بپیماییم، این کاملاً منحرف‌کننده و اغواکننده است. ما باید ببینیم حقایقی که در عالم وجود دارد که بیشترین این حقایق هم در تعالیم اسلامی نهفته است، چیست؟^۲

۱. در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

۲. در همایش بزرگ خاوران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)



ضرورت زدودن گرایش به فرهنگ غربی در دفاع از حقوق زن

اگر همان نظر حقیقی و لب‌الباب نظر اسلام درباره‌ی زن فهمیده و استخراج بشود، سزاوار است که حقیقتاً گرایش مبارزه و تلاش کند و شعارش را بدهد. من خواهش میکنم در شعارهایی که داده میشود، آن چیزها را مطرح نکنیم. آن گرایش به فرهنگ غربی را مایه‌ی مبارزه‌ی خودتان قرار ندهید. چرا که اولاً ناموفق است، چون مردم گوش نمیکند، خیلیها هستند که قبول ندارند، در جامعه، صاحب‌نظران و کسانی هستند که ممکن است این حرف را قبول نداشته باشند، آنها هم در مقابل قرار میگیرند، آنها هم میخواهند از حقوق زنان دفاع کنند. ثانیاً به جای اینکه همه با هم همدست بشوند و در جهت احقاق یک حق ضایع شده‌ی دیرین تلاش کنند، بنا میکنند به مبارزه کردن با همدیگر! آن جریان غلط هم به حال خودش جاری خواهد شد و به درد نمیخورد. ثانیاً مصلحت نیست، خدای متعال راضی نیست. انسان باید کاری بکند که خدا راضی باشد. غرض ما از این مبارزه و از این حکومت و از آنچه که الآن داریم انجام میدهیم، رضای خداست؛ اگر خدا راضی نباشد، میخواهیم هیچ چیز آن نباشد! انسان باید خدا را راضی بکند. ما چهار صباح اینجا زندگی میکنیم و نفس میکشیم، بعد میرسیم به جایی که در آنجا، تنها و اول و آخر، رضای خدا به درد انسان میخورد. انسان باید کاری کند که خدای متعال را راضی کند. این را هدف قرار بدهید. در کارها و تلاشهای خودتان قصد قربت کنید. برای خدا کار کنید. خدا هم کمک خواهد کرد. آن - به اصطلاح - شاخصه‌های فرهنگی غربی در مورد زن را وارد نکنید.^۱

دفاع غلط از حقوق زن با الگو قرار دادن زن غربی

من متأسفانه میبینم گاهی اوقات، کسانی که به زبان از حقوق زن دفاع میکنند، در دام اشتباهاتی واقع میشوند که به هیچ وجه به خیر زننها نیست! یعنی به زن غربی نگاه میکنند که ببینند او چگونه است، از او الگو بگیرند!

۱. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی (۷۶/۴/۳۰)

در حالی که اساساً بینش او با بینش اسلامی متفاوت است و بینش اسلامی از آن بینش، به مراتب راقیتر و به حال زن نافعتر است. ما نباید بخواهیم که از او یاد بگیریم. بعضیها هم حالت انفعالی پیدا میکنند. وقتی آنها میگویند که به زن ظلم میشود، اینها برای اینکه ثابت کنند در داخل کشور ما به زن ظلم نمیشود، حرفهایی میزنند و کارهایی میکنند و تظاهراتی نشان میدهند که مطلقاً ارتباطی به ستم به زن ندارد. فرض کنید بعضی از همین تخلفهایی که من شنیدم در بعضی از جاها، در امر ورزش زنان، وجود پیدا میکند. که واقعاً اینها تخلف است هیچ ارتباطی ندارد به اینکه میگویند به زن ظلم میشود.^۱

روش غلط غربیان و پیروانشان در دفاع از حقوق زن

آن کسانی که دربارهی زن، در دنیای غرب فکر کردند و حرف زدند و بعضی از مقلدین آنها در اینجا، متأسفانه راه را عوضی رفته‌اند؛ برای اینکه بتوانند به گفتهی خودشان از حقوق زن دفاع کنند! آن حقوق را بد میفهمند؛ نظر اسلام را بد تعبیر میکنند! و احیاناً از روی جهالت به روشترین تفکر اسلامی انتقاد میکنند.

مشکل زن در جوامعی که زن مشکل دارد از جمله در جامعهی خود ما که متأسفانه بانوان در میان خانواده‌ها، دچار مشکلاتی هستند با مسائلی که طرفداران به اصطلاح حقوق زن کارمندی، کارگری و مشاغل زن مطرح میکنند، برطرف نخواهد شد. آنچه که مورد نیاز جامعهی زنان است، آن چیزی نیست که امروز بعضی از قلم به‌دستان و بعضی از منادیان تفکرات ضدّ اسلامی و غربی در ایران اسلامی بر زبان جاری میکنند! آنها همان اشتباهی را تکرار میکنند که زنان ما را در دوران حکومت طاغوت، به لبهی پرتگاه رساند. مشکلات بانوان کشور، از این راهها برطرف نمیشود.^۲

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان (۷۵/۸/۱۴)

۲. در دیدار بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

موفق نبودن روشهای دنیای متمدن علیرغم بعضی ظواهر

ده‌ها سال است درباره‌ی حقوق زن در سطح جهان بحث و تبلیغات و شعار و گاهی هم عمل مشاهده می‌شود. البته باید به یاد داشته باشیم که جهان غرب خیلی دیر به فکر احیای حقوق زنان افتاد. یعنی تا اوایل قرن بیستم، زنان در کشورهای اروپایی از حق رأی، از حق مالکیت و از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم بودند. ولی به هر حال از حول و حوش سالهای ۱۹۲۰ به بعد، این حرکت در دنیا اوج گرفت، سازمانهای زنان به وجود آمد، سخنگویانی به نام زن سخن گفتند و کتابها و مقاله‌ها و مدافعات حقوقی بسیاری درباره‌ی زنان انجام شد. در این میان شخصیتهای برجسته‌ای از زنان؛ چه در صحنه‌ی سیاست مانند بسیاری از نمایندگان پارلمانها و مدیران بخشهای گوناگون جامعه و احیاناً وزرا و معدودی رؤسای کشورها که از میان زنان برجسته انتخاب شده بودند، این تصور را و این فکر را در جهان پدید آوردند؛ که مسأله‌ی زن و مشکل زن حل شده. از سوی دیگر، حضور زن در همه‌ی بخشهای گوناگون جامعه، همدوش مرد، در کنار مرد، با آزادی مرد و بدون هیچگونه حفاظی و حجابی و فاصله‌ای این اندیشه را باز هم تأیید کرد در ذهنیت جهان امروز که زن دوشادوش مرد همسان و همسنگ و همتراز مرد از برخورداریهای زندگی برخوردار است. لذا امروز اگر این سؤال را مطرح کنیم، که آیا وضع زن در جهان، جهان متمدن چگونه است؟ پاسخی که در بدو امر به ذهن بسیاری از مردم - حتی زنان - میرسد پاسخی خوب و ستایش‌آمیز و مثبت است. اما در همین حال وقتی ما به اعماق جوامع گوناگون بشری - که در ضمن آنها جوامع مترقی و متمدن نیز هستند - مراجعه میکنیم میبینیم واقعیت اینجور نیست.^۱

لزوم طرح گفتمان «زن حقیقی» مدّ نظر اسلام بصورت تهاجمی و نه دفاعی

گفتمان اسلام «زن حقیقی» است؛ این گفتمان را همانطور که اشاره

۱. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۷/۱۱/۸)

کردم، بایستی ما بصورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. گفتند بعضی از خانمها که آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسّسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید میکنند که اگر چنین کنید، اگر چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به دَرک! قطعنامه صادر کنند. گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیّه‌ی تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد. اگر آنها گفتند که شما چرا به زن برای اینکه بتواند بی حجاب بگردد آزادی نمیدهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضرّ و دهشتناک را میدهید، به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد. آنچه که امروز در غرب در زمینه‌ی بی حفاظی و بی حجابی زن دارد دنبال میشود، واقعاً گاهی اوقات تصوّرش انسان را دچار دهشت میکند که چکار میخواهند بکنند، کجا دارند میروند؟ که لابد شماها خبرهایتان بیشتر از من است، ولی من هم اطلاعات زیادی دارم در این زمینه که چه کارهایی دارد انجام میگیرد؛ در سطوح مختلف: از سطوح بالا، تا سطوح کار و معیشت متعارف زندگی و شغل و این حرفها. خصوصیات زن در این گفتمان گفته شود؛ کرامت زن، عزّت زن، ظرافت زن، نه فقط ظرافت جسمی بلکه ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافت کارکردی که باید بکند.^۱

۱- ۵- نقش نهادها و سازمانها در ارتباط با زنان

لزوم ایجاد یک مرکز عالی و ثابت با چشم انداز بلندمدت در حیطه‌ی همه‌ی فعالیتهای مربوط به زنان

یکی از چیزهایی که ذهن بنده را مشغول میکند این است که این همه‌ی فعالیتهای گوناگونی که در زمینه‌ی زن و مسأله‌ی زن در کشور وجود دارد - از مسائل حقوقی و قانونی و فقهی بگیرید تا مسائل اجتماعی، تا مسائل اجرایی، تا مسائل عاطفی، این همه موضوعات مختلفی که در زمینه‌ی زن

۱. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

مطرح است - بایستی یک شکل سیستمی پیدا کند، بایستی یک هندسه‌ی عمومی پیدا بکند. البته بعضی از گزارشهایی که به من دادند یا آنچه که اینجا گفته شد، اشاره‌ای به این میکند که فکری در این زمینه شده، لکن به اعتقاد من باید یک کار جامعی در این زمینه انجام بگیرد. ما همه‌ی مسائل زنان را به یک شکل سیستمی کامل، با یک هندسه‌ی صحیح تصویر کنیم، ترسیم کنیم؛ یک مرکز عالی و ثابت هم با کادرهای قوی و چشم‌انداز بلندمدت - که بنده به کار کوتاه مدت، در این زمینه‌ی مهم هیچ اعتقادی ندارم - به وجود بیاید؛ آن وقت در ذیل این مرکز عالی و ثابت، نهادها و بنیادهای متناسبی برای بخشهای مختلف تشکیل بشود؛ از کارهای هم مطلع هم بشوند و یک بانک اطلاعاتی مناسبی هم وجود داشته باشد، یعنی الان بسیاری از کارها هست که حتی خانمهایی که در این جلسه حضور دارید ممکن است بعضی از بعضی از کارهای دیگران اطلاع نداشته باشند. خب این همه بحمدالله ما زن فرزانه و نخبه داریم، در بخشهای مختلف، با نگاههای مختلف، از این مجموعه‌ی عظیم بایستی استفاده کرد.^۱

لزوم کار عملی و تشکیل کار گروههای تخصصی در مورد مسائل زنان

برای اینکه مسائل مربوط به زن مورد اهتمام قرار بگیرد مصاحبه و اینها خیلی کارگشا نیست. یک مقداری بنیانی‌تر باید کار کرد؛ گروههای کار بایستی تشکیل بشود در سطوح مختلف، یک گروه کار در سطح بالا بایست تشکیل بشود که اینها فهرست نسبتاً جامعی از مسائل زن را طرح کنند، بعد هر فصلی را، هر بخشی را به یک گروه کار مستقل بسپارند و از اینها بخواهند که علاج‌جویانه و گره‌گشایانه مسائل را بررسی کنند و روی آنها پاسخ بگذارند. حتی یک سمینار هم کافی نیست. شاید سمینارهایی هم گذاشته شده درباره‌ی زن. سمینارها یعنی یک چند جلسه‌ی سخنرانی در حقیقت؛ سمینار به معنای واقعی خودش وجود ندارد. سمینار این است

که چند تا آدم بیایند آنجا و محفوظاتی، کلیاتی را ذکر بکنند. وقتی آن گروههای کار شش ماه، یک سال به صورت جدی و به عنوان یک کار اساسی بخش مربوط به خودشان را مطرح کردند و رویش بحث کردند و جوانبش را سنجیدند و مسائل اسلامی را در این زمینه به دست آوردند، آن وقت بر مبنای کار آنها یک سمینار میشود تشکیل داد برای هماهنگ کردن این نظرات و راهکارهایی که ارائه میدهند برای پیشرفت کار. میدانید ما بیش از آنچه که از جهت نظری در قضایا گیر باشیم، از جهت راههای عملی برایمان مسائل مبهم است. دربارهی مسائل زن از لحاظ نظری میشود خیلی حرف زد، اما کلی گویی خواهد شد. آن چیزی که میتواند مشکل ظلم به زن یا منزوی بودن زن یا عقب ماندگی زن نسبت به مرد یا به هر حال تعیین جایگاه عملی حقیقی زن در جامعهی را مشخص بکند او یک کار عملی است، یعنی یک پیگیری عملی است، یک کار نظری صرفاً نیست، که بخواهد بنشیند آدم فکر کند رویش و یک فرد مثلاً نظر بدهد و کلیاتی را بیان بکند. علی ای حال شما اگر دنبال این قضیه هستید بایستی بروید سراغ تشکیل یک گروه کار.

معتقدم جامعهی زنان اگر میخواهند دنبال این قضایا به صورت جدی باشند و در حقیقت یک ارشاد و هدایت و یک آیندهی خوبی را برای زن تدارک ببینند لازمهاش این است که دنبال تشکیل گروههای کار یعنی گروههایی که میگردند تا نقطه نظرهای خاص را در زمینههای مشخص معلوم کنند و راهکارها را ارائه بدهند؛ باید دنبال اینها باشند.^۱

لزوم محاسبه و مشخص کردن هدف در فعالیتهای مربوط به زنان

امیدواریم خداوند کمک کند، توفیق دهد و ما و شما را هدایت فرماید. ان شاء الله محصول کارهایتان را بطور صحیح و درست، در آینده ببینیم. البته

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

سفرهای خارجی هم که گفتید، خوب است؛ منتها باید حساب شده باشد. یعنی هر جا که می‌خواهید بروید، باید محاسبه کنید کاری که آنجا می‌خواهید انجام گیرد و هدفی که هست، مشخص باشد و سعی کنید به آن هدف برسید. عنصری را که انتخاب میکنید، عنصری باشد متناسب با آن مقصودی که شما در آن سفر دارید. آن خانمها هم بیایند اینجا، و ببینند که زنان ما با همین چادر مشکی و حجاب - که آنها خیال میکنند دست و پا گیر است - چه کارهای بزرگی را الحمدلله انجام میدهند. این، افتخار ماست. ان شاءالله که این افتخار، همیشه برای ما باقی بماند.^۱

ایجاد سازمانهای اسلامی زنان

تا آنجایی که من اطلاع دارم سازمان ویژه‌ی زنان بصورتی کاملاً صحیح و بهره‌ور وجود ندارد و چیزهایی هم که وجود دارد فکر نمیکنم که برای این منظور کافی باشد. لذا به خواهران پیشنهاد میکنم که در ایجاد سازمانهای اسلامی زنان بکوشند تا بتوانند جوانب گوناگون حقوق و مسائل و مشکلات زن را بررسی و رسیدگی نماید.^۲

سازمانها به دنبال احیای حقوق عرفی زن

سازمانهای زنان به اعتقاد من بیش از آنچه که امروز بخواهند دنبال تربیت زن حرکت بکنند، که معلوم هم نیست که این کار از آنها بریاید، باید بروند دنبال احیای حقوق زن؛ حقوق هم منظورمان آن چیزهایی نیست که به شکل قانون توی کتاب نوشته میشود، بلکه حتی حقوق عرفی، عرف، عرف ما در مورد زن یک ظلمهایی، جفاهایی دارد. آن سازمانها میتوانند اینها را یک خرده‌ای هموار کنند.^۳

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی روز زن (۶۰/۲/۵)

۳. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

تأمین حقوق مدنی و خانوادگی زن

همه جای دنیا همیشه مرد خودش را طلبکار و مسلط از زن، همیشه نه در یک برهه‌ای از تاریخ، همیشه هم نبوده. خودش را طلبکار دانسته یک مظلومیت تاریخی‌ای دارد زن؛ یک مقداری این را باید جبران کند، سازمانها راهش هم اول از همین تأمین این حقوق مدنی و خانوادگی زن هست، و حقوق اجتماعی زن نگاه کنند خلأها را ببینند که چیست، آنها را از طریق مجلس و دستگاههای رسمی و دولتی و اینها جبران کنند. این کار سازمانهاست. بیش از آنچه که کار تربیتی بخواهند کنند این کار از اینها برمی‌آید. و اما آنی که قبلاً سؤال کردید که راهش چیست؟ خب گاهی واقعاً برنامه‌ریزی است، باید افراد وارد در امور تربیتی و مسائل فرهنگی بنشینند، حسابی مسأله را مورد مطالعه قرار بدهند و برایش برنامه‌ریزی کنند. چیزی هم نیست که بتوانم در دو کلمه بیان کنم.^۱

گره‌گشایی از کار زن در خانواده

البته مسأله‌ی خانواده خیلی مهم است؛ که واقعاً از کار زن گره‌گشایی کنید؛ ببینید گره‌های عمده کجاست. یکی از مهمترین گره‌ها در «خانواده» است؛ بروید ببینید در خانواده‌ها چه خبر است؛ خود شما هم میدانید و میبینید. ببینید چه چیزی این نابسامانیها را به وجود می‌آورد؛ ریشه‌های آن را پیدا کنید و طرحهای بلندمدت بریزید، برای اینکه آن نابسامانیها برطرف شود.^۲

لزوم مبنا بودن نقش مادری و همسری در طرح‌ریزیها برای خانواده

مسأله‌ی مادری، مسأله‌ی همسری، مسأله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرحهایی که ما داریم، بایستی «خانواده»

۱. همان

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته‌ی دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه، شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی کنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه کنیم.^۱

انگیزه‌ی تشکیل شورای فرهنگی - اجتماعی زنان

جواب^۲: مقدمات این مصوبه بحثهای قابل توجهی بود که حالا جزئیاتش من یادم نیست، لکن همه‌ی کسانی که در زمینه‌ی مسائل فرهنگی در جامعه‌ی ما کار میکنند، خوب احساس میکنند که در زمینه‌ی فرهنگی باید کار فراوانی در مورد زنان و برای زنان انجام بگیرد... اگر ما بخواهیم زن ایرانی در حد شأن زن از نظر اسلام قرار بگیرد، باید بر روی مسائل زن و در مورد زن کار زیادی انجام بدهیم. یک دستگاه ویژه‌ای برای این لازم است؛ نمیشود این را به یک وزارت یا یک دستگاه مشترک سپرد.^۳

شورای فرهنگی - اجتماعی زنان؛ مرکزی برای تدارک پشتیبانی معنوی و قانونی

هر نقصی که در وضع زن در جامعه‌ی ما وجود داشته باشد، علاجی دارد؛ چون اسلام نسبت به زن، دید شامل و کامل و جامعی دارد. باید راههای علاج را پیدا کرد. آن روزی که شورای فرهنگی - اجتماعی زنان تشکیل میشد، دقیقاً به همین نکات نظر بود. در آن جمع، جناب آقای احمدی و دیگر برادران هم شرکت داشتند. ما باید امروز ببینیم که زنان برای

۱. همان

۲. سؤال: یکی از مهمترین حرکت‌هایی که در مورد مسائل زنان در سال گذشته صورت گرفت مسأله‌ی تصویب تشکیل شورای فرهنگی - اجتماعی زنان از سوی شورای عالی فرهنگی، ما سؤالمان این است از جنابعالی که ریاست این شورای انقلاب فرهنگی و یا شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اساس چه انگیزه‌ای دست به تصویب چنین طرحی زد؟

۳. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)



حرکت در آن مسیر مطلوب اسلام برای زن، چه ابزار قانونی احتیاج دارند، چه تفکرات و تأملاتی بایستی انجام بگیرد، چه راهنمایی‌هایی باید بشوند، چه مراکز هدایتی باید به وجود بیایند؛ آن را بایستی برایشان فراهم کنیم و تدارک ببینیم. البته بایستی مرکزی باشد که این تدارکها و پشتیبانهای معنوی را تدبیر و اداره و دنبال کند منظورم پشتیبانهای مادی نیست؛ در پشتیبانهای مادی، همه با هم شریکند - آن مرکز، همین شورای فرهنگی - اجتماعی زنان است که شما خانمها عضو آن هستید.

شما بایستی به این مسأله فکر و تأمل کنید. با مجلس و دولت هم که رابطه دارید. به علاوه، خود شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوباتی را که لازم الاجراست، میگذرانند. از اوایلی که این شورا تشکیل شد، حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) تصریح فرمودند که مصوبات این جلسه باید اجرا بشود. اصلاً این مجموعه‌ای که شما خانمها تشکیل داده‌اید، وصل به آن مرکز است؛ باید جدی فکر کنید و ببینید مشکلات زنان چیست. البته منظور، این مشکلات کوچک عمومی که باید در بخشهای مختلف اداری برطرف شود مثل مشکل بیمه و امثال آن نیست. اینها چیزهایی نیست که مجموعه‌ی خاصی به آنها رسیدگی کند.

شما باید ببینید، زن به جهت زن بودن، چه تکالیفی دارد و برای تحمّل این تکالیف، احتیاج به چه هدایت‌هایی دارد؛ چه توصیه‌هایی باید به زنان بشود و چه قوانینی لازم است، برای اینکه آنها از حقوق اجتماعی و انسانی خود برخوردار بشوند؛ چه سازمان‌هایی احیاناً باید به وجود بیاید که بخشی از کارها را برعهده بگیرد. شما اینها را بررسی کنید؛ آن وقت به دستگاههای مختلف مثل مجلس، یا شورای عالی انقلاب فرهنگی توصیه کنید، تا مصوبه بگذرانند و این کارها انجام بگیرد. وقتی ما این مجموعه را نداشتیم، نداشتیم؛ ولی حالا که داریم، بایستی خیلی کار و حرکت بکند.^۱

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

انجام سفرهای خارجی حساب شده و با هدف

امیدواریم خداوند کمک کند، توفیق دهد، و ما و شما را هدایت فرماید. ان شاء الله محصول کارهایتان را بطور صحیح و درست، در آینده ببینیم. البته سفرهای خارجی هم که گفتید، خوب است؛ منتها باید حساب شده باشد؛ یعنی هر جا که می‌خواهید بروید، باید محاسبه کنید کاری که آنجا می‌خواهید انجام گیرد و هدفی که هست، مشخص باشد و سعی کنید به آن هدف برسید. عنصری را که انتخاب می‌کنید، عنصری باشد متناسب با آن مقصودی که شما در آن سفر دارید. آن خانمها هم بیایند اینجا، و ببینند که زنان ما با همین چادر مشکی و حجاب - که آنها خیال می‌کنند دست و پا گیر است - چه کارهای بزرگی را الحمدلله انجام می‌دهند. این، افتخار ماست. ان شاء الله که این افتخار، همیشه برای ما باقی بماند.^۱

نیاز دنیا به مبانی کارگشا در حوزه‌ی زن و عقب‌ماندگی ما در بیان این مبانی

درباره‌ی مسأله‌ی زن و آنچه که پیرامون این مسأله است، خب حرف خیلی زیاد است؛ ما دچار یک عقب‌ماندگی‌ای هستیم که شما خانمها - بعضی از خانمهایی که صحبت کردید - اشاره کردید. عقب‌ماندگی در این قلمرو، از نوع عقب‌ماندگی در علم - که ما می‌گوییم دچار عقب‌ماندگی هستیم مثلاً - نیست؛ در اینجا اگر تعبیر می‌کنیم به عقب‌ماندگی، بخاطر این است که ما در زمینه‌ی مسأله‌ی زن، مسأله‌ی جنسیت، مسأله‌ی اموری که حول و حوش وجود زن تحقق پیدا میکند و معنا پیدا میکند - مثل همین خانواده و فرزند و ازدواج و سکن و آرامش و از این مطالب - حرفهای برجسته‌ای داریم که توفیق پیدا نکردیم اینها را منتقل کنیم به دنیا، اینها را مطرح کنیم در ذهنیت جهانی، عقب‌ماندگی از این جهت. در حالی که دنیا احتیاج دارد به مبانی و مفاهیم روشن فراگیر کارگشا؛ همچنان که ملاحظه کردید بعضی از خانمها گفتند که وقتی ما اینها را در دنیا مطرح می‌کنیم،

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)



مورد استقبال قرار میگیرد؛ یا بعضی از خانمها گفتند که دستاوردهای علمی در زمینه‌های روانشناسی و غیره، احکام اسلامی را در مورد زن تأیید میکند. خب، این یک گوشه‌ای از تواناییهای نظام فکری اسلامی در این مسأله‌ی حسّاس است؛ و ما این تواناییها را نتوانستیم درست بیان کنیم، تعریف کنیم. در خیلی از مناطق گوناگون فکری و قلمروهای فکری همین جور است؛ در خیلی از زمینه‌ها ما واقعاً نظر اسلام را درست نتوانستیم به دنیا منتقل کنیم. حالا اینکه میگوییم «نتوانستیم»، این را نمیشود گناه نظام جمهوری اسلامی دانست؛ چون همان مقداری هم که کار شده است، به برکت نظام جمهوری اسلامی است و به برکت نفوذ فکر انقلاب و فکر امام و نام انقلاب و نام امام و اینها بود که بحمدالله تا حدودی گسترش پیدا کرد؛ لکن بیش از این باید ما کار کنیم، که نیاز داریم به این؛ که حالا عرض خواهم کرد. ما برای اینکه بتوانیم یک جبهه‌ی تهاجمی و مصون از تعرّض تهاجم دیگران - یک آرایش تهاجمی - داشته باشیم، نیاز داریم به اینکه این کارها را، این اندیشه‌ها را، این افکار را منتشر کنیم، بگوییم؛ به این واقعاً نیازمندیم؛ در واقع این تهاجم ما، جنبه‌ی مصونیت‌سازی و تدافعی دارد. بنابراین هرچه شماها کار بکنید برای اینکه این عقب‌ماندگی را جبران بکنید، به نظر من مفید است و لازم است. در زمینه‌ی این نهضت - باید گفت نهضت بیداری در زمینه‌ی مسائل مربوط به زنان - واقعاً هیچ نبایستی ما تعلّل کنیم، توقّف کنیم؛ بین راه درنگ نباید کرد. با وجود اینکه این گفتمان کامل و مفید و قانع‌کننده را از اسلام در اختیار داریم، امّا عملاً خودمان را در موضع انفعال قرار دادیم در مقابل گفتمان غربی در مورد زن^۱.

سهم دستگاههای اجرایی در تعلیم زنان

بعضی از دستگاههای اجرایی که تناسبی با مسأله^۲ دارند، میتوانند سهیم باشند؛ مثلاً دانشگاه، وزارت ارشاد و وزارت آموزش و پرورش میتوانند

۱. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

۲. تعلیم زنان

سهیم باشند؛ ولی اگر دانشگاه‌ها روی مسأله‌ی تعلیم زنان خوب کار کنند، خیلی مؤثر خواهد بود، وزارت ارشاد هم همینطور است.^۱

نقش صددرصدی صدا و سیما در فرهنگسازی و تکریم زن با خصوصیات اسلامی

برای پیشرفت آنچه که در مورد زن ما عرض میکنیم و از شماها میشنویم و فکر میشود، حتماً بایستی صداوسیما یک نقش صددرصدی ایفا کند. این را اعتقاد داریم ما و سفارش میکنیم، حتماً بایستی صدا و سیما یک نقش صددرصدی ای ایفا کند؛ میتواند؛ صدا و سیما میتواند آنچنان فرهنگسازی‌ای بکند که زن مؤمن، فعال، مجاهد فی سبیل الله، باحجاب، دارای خصوصیات زن اسلامی، در جامعه محترم و مکرم باشد؛ دیگران میخواهند عکسش اتفاق بیفتد. بعضی از برنامه‌های صداوسیما متأسفانه در همان جهت خاص دیگران است؛ باید عکس عمل بشود؛ یعنی واقعاً باید صداوسیما صددرصد در خدمت این فکر قرار بگیرد.^۲

تبیین دیدگاه اسلام در زمینه‌ی روابط زن و مرد

وظیفه‌ی صدا و سیما در تفهیم درخشنده‌ی فرهنگ اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها، به‌خصوص در زمینه‌ی روابط زن و مرد و شأن زن در اجتماع آشکار میشود. صداوسیما مسؤولیت زیادی دارد. رادیو و تلویزیون یک دستگاه سرگرم‌کننده نیست، یک دستگاه آموزنده است.^۳

باید در صدا و سیما به گونه‌ای با مقوله‌ی زن برخورد شود که مکرمت و شأن خانوادگی او به درستی در جامعه‌ی تبیین شود.^۴

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

۲. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

۳. در دیدار با جمعی از پزشکان و پرستاران (۶۸/۹/۱۵)

۴. در جمع مدیران و برنامه‌سازان صدا و سیما (۷۵/۵/۱۰)

ارائه‌ی نقش زن با گوهر عفت و تأثیر او در خانواده، جامعه و انقلاب

ما بایستی زن را، هم با حجاب نشان بدهیم، هم سرشار از ارزشهایی که اسلام و انقلاب برای او در نظر گرفته است؛ یعنی نجابت و عفت زن. مهمترین مسأله، آن گوهر عفت زن، آن عنصر اصلی و رکن اساسی خانواده بودن، آن عضو اصلی و رکن اساسی فعالیتهای جامعه بودن، آن تأثیر زن در رشد جامعه و رشد مردان، آن تأثیر زن در واقعیتهای گذشته‌ی ما - از قبیل انقلاب و جنگ و غیره - است.^۱

دوری از نقشهای پست‌کننده برای زنان در برنامه‌های صدا و سیما

در مورد مسأله‌ی زن نیز دو عیب اساسی در برنامه‌های گذشته صدا و سیما وجود داشت: یکی اینکه ارزش حجاب از بین رفته بود. از این بزرگتر، آن بود که نقشهای پست‌کننده به زن داده میشد. در عیب اوّل، یک ارزش زیر سؤال میرفته و پایمال میشده که آن، ارزش حجاب بوده است؛ اما در عیب دوّم، گاهی همه‌ی ارزشهای بشری که برای زن مورد نظر می‌باشد، زیر سؤال میرفته است. چنانچه داستان عاشقانه‌ای نقل میشده، داستانی بوده است که زن در آنجا بالاخره همان نقش صهیونیست‌پسند و استکبارپسند خودش را دارا بوده است و غالباً و قاعدتاً در چهره‌ی یک مادر، یک همسر خوب و یک انسان کارآمد ارائه نمیشده است. باید این دو عیب برداشته شود.^۲

ارائه‌ی زن بعنوان جاذبه‌ی جنسی حتّی با پوشش مجاز در بعضی فیلمها

یک وقت شما آقایان به من گفتید: در فیلمهایی که بعضی می‌سازند - چون امروز در جمهوری اسلامی، زن بی‌حجاب قهراً در فیلمها نمیتواند

۱. در دیدار با اعضای شورای سیاستگذاری صدا و سیما (۶۹/۱۲/۱۴)

۲. همان

وارد شود - برای آن‌که بالاخره آن مسأله‌ی جاذبه‌ی جنسی را - که حسابش در جای خودش معین شده و درباره‌اش بحث شده است - بگونه‌ای در فیلمها وارد کنند، همان زن چارق‌د بسته را بگونه‌ای وارد فیلم میکنند که آن مقصود را تأمین کند! زن، بالاخره در چادر هم زن است اگر کسی بخواهد زن را با جاذبه‌ی جنسی ارائه دهد، در چادر هم میتواند؛ چه رسد با روسری! آنها در فیلم خودشان، برطبق همان نسخه و سرمشق شناخته‌شده‌ی قدیمی که همواره در اروپا و فضای هنر غربی وجود داشته که «زن بایستی به شکل متهتر^۱ وجود داشته باشد و جاذبه‌ی جنسی بایستی در فیلمها به شکل غالب باشد» عمل میکنند. حتی در بسیاری از آثار دیگر هنری هم، این کار انجام میشود. باری؛ به این طریق زن را بصورت رندانه‌ای وارد فیلم میکنند که اگر کسی به ظاهرش نگاه کند نمیتواند بگوید آقا این چادر ندارد و یا مثلاً روسری ندارد! دارد؛ اما دلبری و عیاری لازم برای این فیلم را هم بگونه‌ای، در آن داخل میکنند و به این طریق فیلم را از «محدوده‌ی مجاز» وارد «محدوده‌ی ممنوع» میسازند؛ منتها با پوشش مجاز! حالا ما دلمان میخواست فیلممان پرفروش شود که جوانان استفاده کنند. فیلم با این ترفند، پرفروشر خواهد شد و بیشتر به نتیجه خواهیم رسید، که گوشه‌ای از آن جاذبه‌ی جنسی را ما هم به شکل نجیبانه‌تری، وسط بیاوریم. نتیجه، بیشتر مطلوب میشود. اما آیا این، تکلیف است؟ تکلیف این است؟ نه؛ تکلیف این نیست. تکلیف این است که ما اصلی را که به آن اعتقاد پیدا کردیم، پای آن را امضا کردیم - با خون هم امضا کردیم - رها نکنیم.^۲

مخدوش کردن جایگاه زن بعنوان عنصر جنسی در فیلمها

فیلمهایی درست میکنند که میبینیم سعی دارند یک عنصر جنسی از همین مقوله‌ی انحرافی، در آن حتماً گنجانده شود و جا بگیرد! این انحراف

۱. متهتر از فعل تهتر است؛ به معنای نادانستن (لغتنامه‌ی دهخدا)

۲. در دیدار با اعضای حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی (۷۱/۱۱/۴)

است. این چرا به وجود آمده؟ این میشد نباشد. الان هم میشود نباشد و باید جلوش را گرفت. یعنی شما باید سر این مسأله، خیلی قوی بایستید. صحبت این نیست که بگویند «آقا، مقدّس بازی در می آورید! حالا این دختر، در این فیلم، قدری رویش را بازتر گرفته؛ یا فرض کنید زیر ابرویش را برداشته. شما بیخودی مقدّس بازی و آخوندبازی در می آورید!» نه؛ قضیه این نیست که حالا یکی صورتش را نشان بدهد یا ندهد. قضیه این است که ما ذره ذره، از طریق هنر - آن هم این هنر مهم - یک قضیه‌ی به این مهمی را که اوجش آن است که عرض کردم «زن آنطور باید زندگی کند»، مخدوش میکنیم.^۱

کمبود کار فرهنگی

من خوفم این است که شما جوانهایی که حالا با یک شور و شوقی، با یک انگیزه‌ای و با یک فکر جوان زنده‌ی پرنشاطی مشغول این کارها شدید، توی این دعوها همین استعداد را هم صرف کنید که کی درستتر گفته، کی غلطتر گفته، کی میدانم درست عمل کرده، کی بد عمل کرده، خودتان هم چی، بمانید از وجودتان استفاده‌ی درست و حسابی نشود. من خواهش میکنم که شماها واقعاً یک جوری حرکت بکنید که کار اصلی انجام بگیرد. ببینید چی کم داریم ما، ما کار فرهنگی کم داریم.^۲

کار فرهنگی؛ کار اولی، لازم‌تر و فوریت‌ر در مورد زنان

بیشتر سراغ کار فرهنگی بروید تا کار سیاسی. من مخالف کار سیاسی نیستم. من تحلیل سیاسی را لازم میدانم؛ چون تحلیل سیاسی هم یک کار فرهنگی است. التفات میکنید؟ البته حالا هم هیچ منعی نمیکند. حرف من به معنای این نیست که منع کنم در فلان فعالیت یا ماجرا و کشمکش سیاسی وارد بشوید یا نشوید؛ نه. هر طور که مصلحت دانستید عمل کنید.

۱. در دیدار وزیر و مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۷۱/۹/۴)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۲/۲۸)

اما من بعنوان آدمی که در مسائل تبلیغی مختصر ورودی دارم، با ملاحظه‌ی جامعه و زن ایرانی و مجلات موجود زنانه و حوادث گوناگون و مقابله با این موجی که در دنیا هست، اینطور میفهمم که امروز کار اولی و لازمت و فوریت در مورد زنان، کار فرهنگی است. باید برای خانمها کار فرهنگی بشود. البته مجله خوب است؛ بسیار خوب است. سمینار و جلسه و از این قبیل خوب است؛ جلسات بین‌المللی خوب است؛ اما خوبترش، جلسات داخلی است.^۱

برکت کار فرهنگی عمیق درباره‌ی مبانی اسلام نسبت به مادران ایثارگر

میخواهید کارتان با برکت باشد، میخواهید حقاً و حقیقتاً یک سهم وافر را از بقا و دوام انقلاب بردوش بگیرید کار فرهنگی عمیق، خانمها را کتابخوان کنید، خانمها را اهل مطالعه کنید، بروید توی خانه‌های مردم، خانم شهید مسأله‌اش فقط این نیست که شما بروید تسلیش بدهید، سر سلامتی‌اش بدهید یا یک کمکی بهش بکنید، این نیست قضیه، یا آن مادری که پسر قطع نخاعی‌اش افتاده رو دستش، بچه‌ی ۲۰ ساله را جوان ۲۰ ساله را بایستی ۳۰ سال ۴۰ سال تا هر وقت که عمر دارد این خانم، این مادر، باید رو دست نگه دارد، زیرش را تمیز کند، زخمش را ببندد، پذیرایی کند، این مسأله‌اش با یک تسلی دادن من و شما که حل نمیشود، با کمک مادی مسأله‌ی این حل نمیشود، این جراحتش در دل است، قلب او مجروح است او را چه جوری شما درست میکنید ها! اینجاست که جای فکر است باید به او آن چنان منطقی، آن چنان بصیرتی ببخشید که او احساس کند که این جوان جانباز عطیه‌ی الهی است برای او. آن مادری که پسرش رفته میدان دیگر نیامده خیلی خوب ما تسلیش میدهیم او هم افتخار میکند، لبخند هم میزند، واقعاً هم افتخار میکند. اما تا وقتی یاد این جوان در دل اوست این

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

یک سؤال دارد او را باید حل کنید حلّش به چیست؟ حلّش به این است که برای او روشن کنید، تشریح کنید که او چه خدمتی به اسلام کرده و فرزند او مثل علی اکبر چه منزلتی و چه شأنی دارد و گرفتن فرزند او در میدان جنگ به معنای دادن یک هدیه‌ی الهی به اوست، اینها را برایشان روشن کنید، این با چی روشن میشود؟ این با دو کلمه حرف، نمیشود البتّه بعضی از خانمها احتیاج به این حرفها ندارند. بعضی از مادرها بعضی از همسرها آنها باید به ماها روحیه بدهند. خود من گاهی میروم خانواده‌ی شهدا مینشینم پهلوی خانواده، زن خانه و مرد خانه و جوان و پیر خانه می‌آیند حرف میزنند، من از حرف آنها روحیه میگیرم، آنها من را تقویت میکنند، بعضی این جوری‌اند. اما خب ممکن است همه اینجور نباشند. پس شما کار اساسی‌تان عبارت است از کار فرهنگی، کار اسلامی، کار توجیهی و توضیحی نسبت به مبانی اسلام.^۱

کمک به ایستادگی زنان در مقابل هجوم دشمن

متأسفانه بعضی، حتّی لباسهایشان خارجی است. طی یک یا دو سال، یکی دوبار به اروپا میروند یا کسی از کسانشان می‌رود و چند دست لباس برایشان می‌خرد و می‌آورد. آنها هم همین لباسها را میپوشند و در مجالس زنانه شرکت میکنند. این، ترویج فرهنگ غرب است.

سیاست، مقدّمه‌ی فرهنگ است؛ چون اگر مسأله‌ی فرهنگ حل شد، همه چیزشان تأمین میشود. آن فرهنگ را برداریم و به شکل لباس و به شکل مظاهر گوناگون بیاوریم اینجا؟! چرا؟

ما باید در مقابل این فرهنگ بایستیم. بحث لباس و مد و این قبیل مسائل، از این سنخ است. زنان ما احتیاج دارند که این حرفها به آنها گفته

۱. در دیدار با جامعه‌ی حضرت زینب (س) (۶۶/۱۱/۲۷)

شود. خوشبختانه، هر چه هم که پیش رفته‌ایم، در این قضیه قویتر شده‌ایم. سابق بیشتر جنجال میکردند. حالا الحمدلله باور دارند و قبول کرده‌اند؛ یعنی فهمیده‌اند که جمهوری اسلامی اینگونه است. خودشان حساب کار خودشان را میکنند. بحمدالله نه آبروی ما در دنیا رفت، نه کوچک شدیم، نه انقلاب کوچک شد و نه امام کوچک شد. بلکه بخاطر همین ایستادنها، بزرگتر و درخشانتر شدند. باید در مقابل تهاجم دشمن ایستاد. به نظر من، «جمعیت زنان» کارش اینهاست: به زن شخصیت دادن؛ زن را در مقابل هجوم دشمن و هر چیز پست‌کننده جری کردن؛ تفهیم کردن به او که حق با توست. دشمن غلط میکند حرفی میزند و با جنجال و هیاهو دنیا را پر میکند! بیخود میگوید؛ دروغ میگوید! حق این است و این پیش خواهد رفت.

از شما این انتظار هست. یعنی کاری که من گمان میکنم امروز وظیفه‌ی یک مجموعه‌ی زنانه‌ی مؤمن و انقلابی و قوی هست، این است که باید به میدان بیایید و با تهاجمهای دشمن - به‌خصوص در زمینه‌ی زنان - مقابله کنید.^۱

آمادگی نظامی زنان

همه‌ی جوانان، پیران، زنان و مردان این کشور، برای دفاع از شرف و استقلال و اسلام و نظام جمهوری اسلامی آماده‌اند. هیچکس خیال نکند که جنگ تمام شد؛ بسیج هم تمام شد، ابداً. مگر جنگ که تمام میشود، نیروهای نظامی ارتش و سپاه هم تمام میشوند؟ نه، به فرموده امام(ره) «مملکت اسلامی، همه‌اش نظامی است». زن و مرد باید آمادگی نظامی داشته باشند و برای دفاع نظامی آموزش ببینند.^۲

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی(ع) (۶۹/۹/۵)

رعایت جهات ارزشی تأمین‌کننده‌ی آینده‌ی زنان

نقش زنان در انقلاب، یک نقش تعیین‌کننده بود؛ در جنگ، یک نقش تعیین‌کننده بود؛ در دوران آینده هم نقششان ان شاء الله تعیین‌کننده خواهد بود؛ به شرطی که ما این جهات ارزشی را در زن رعایت کنیم. اینهاست که تأمین‌کننده و تضمین‌کننده‌ی این آینده است.^۱

تسلط قدرتهای جهانی؛ عامل گرسنگی و مرگ زنان و کودکان

فقر، گرسنگی و مرگ کودکان و زنان و ظلم حکام دیکتاتور نتیجه‌ی تسلط قدرتهای جهانی بر سازمانهای بین‌المللی و آنچه بر سر مردم آفریقای با برکت و امریکا و آسیا می‌آید، نتیجه‌ی حمایت قدرتهای مسلط جهانی از حکام این کشورهاست.^۲

کار قوی و باکیفیت در مسأله‌ی زنان؛ خدمت حقیقی به زنان عالم

ما در تقابل با تبلیغات معارض - از جمله تبلیغات فمینیستی - آنچنان که باید، کار درستی، کار قوی‌ای، کار پُرحجمی و با کیفیتهای بالا نکرده‌ایم. من از همینجا به دستگاههای تحقیقاتی، به پژوهشگاهها، به دانشگاهها، به حوزه‌های علمیّه و به صاحب‌نظران توصیه می‌کنم و از آنها مطالبه می‌کنم که در این زمینه کار کنند. مسأله، مسأله‌ی مهمی است. ما اگر در مسأله‌ی زن در کشور خودمان خوب کار کنیم، این خدمت به جامعه‌ی زنان در همه‌ی دنیاست؛ خدمت حقیقی است به مجموعه‌ی زنان در همه‌ی عالم. حالا ممکن است بعضی ارزش این خدمت را امروز بفهمند، ممکن است بعضی سالها بعد بفهمند؛ لیکن اگر خوب کار کردیم، این خدمت به آنهاست.^۳

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

۲. در افتتاحیه پنجمین کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی (۶۵/۱۱/۹)

۳. در دیدار با هزاران نفر از بانوان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

کار متین و عمیق و قابل عرضه و بدون شتابزدگی

این جلسات هر کدام بذری را در یک سرزمین مستعدی می‌پاشد. آبیاری این سرزمین به عهده‌ی عواملی است که بعضی تا حالا تمهید شده‌اند، بعضی هم در فکر هستیم که ان شاء الله - تمهید بشوند. البته فضای عمومی جامعه هم کمک میکند تا ببالد. ما خیلی عجله هم نداریم. البته مایلیم کارها سریع پیش برود - یعنی با تنبلی و عقب‌ماندگی و اینها هیچ موافق نیستیم - اما شتابزدگی در کار نیست. ما نمی‌خواهیم شتابزده کار کنیم؛ می‌خواهیم کار، متین، عمیق، ماندگار، قابل عرضه و قابل دفاع از آب دربیاید. ان شاء الله این جلسات - هم این جلسه، هم دو جلسه‌ی قبلی - این نقش را ایفا خواهد کرد؛ من یک اطمینانی به این معنا دارم.^۱

گفتمان‌سازی در حوزه‌ی زن و خانواده

در حوزه‌ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای بر زمین مانده الی ماشاء الله داریم. اینقدر کار بر زمین مانده داریم که بعضی از همین پیشنهادهایی که دوستان کردند - که مرکز چینی تشکیل شود، مرکز چنانی تشکیل شود - همه‌اش درست است؛ باید واقعاً بشود. البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقای واعظزاده و دیگران، درباره‌ی ادامه‌ی کار این نشست در مورد مسأله‌ی زن و خانواده صحبت کردیم؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زمینه‌ی مسائل نظریه‌پردازی کارهای مهمی - ان شاء الله - انجام خواهد گرفت، هم در زمینه‌ی گفتمان‌سازی، و هم در زمینه‌ی نزدیک کردن این گفتمان به اجرا؛ که البته اگر بصورت گفتمان درآمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. یعنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و غیره دارند، همه‌ی آنها برطرف میشود. گفتمان یک جامعه‌ی مثل هواست، همه تنفسش میکنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان‌سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

رسانه‌ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی
 حتماً نقش بارز و مهمی است.^۱



خوب است یک کار بین‌المللی در زمینه‌ی زنان انجام بگیرد.^۲



۱. همان

۲. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

فصل دوّم ————— ❁

زن در فرهنگ غرب

۲-۱- جایگاه زن در فرهنگ غرب

زن؛ موجود درجه‌ی دوم در ادبیات غرب

اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده میشود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمیشود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات غرب، با شعر اروپایی، با ادبیات اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، میدانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و قبل از آن تا همین اواخر قرن فعلی، زن موجود درجه‌ی دوم بوده است. هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف میگویند.^۱

نگرش ظالمانه‌ی غرب به زن در عرصه‌ی کار، هنر و ادبیات

غربیها نه فقط در عرصه‌ی کار و فعالیت صنعتی و امثال آن بلکه در عرصه‌ی هنر و ادبیات هم به زن ظلم کرده‌اند. شما امروز نگاه کنید در آثار هنری، در داستانها، در رمانها، در نقاشیها و در انواع کارهای هنری آنها، ببینید که با چه دیدی به زن نگریسته میشود، آیا جنبه‌های مثبت و ارزشهای

۱. در دیدار با گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س)، (۷۱/۹/۲۵)

والایی که در زن هست مورد توجه قرار میگیرد؟ آیا عواطف رقیق، مهر و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است، خوی مادری، روحیه‌ی نگهداری از فرزند و تربیت فرزند مورد توجه است؟ یا جنبه‌های شهوانی و به تعبیر آنها عشقی که البته این تعبیر غلط و نادرستی است؛ حقیقت مسأله، شهوت است نه عشق. آنها زن را اینطور خواستند پرورش و عادت بدهند. آنها زن را بعنوان یک موجود مصرف‌کننده، دست و دلباز و کارگر کم‌توقع و کم‌طلب و ارزان تلقی میکنند.^۱

بزرگترین حق‌کشی؛ مطرح شدن زن برای انتفاع مرد

در مورد مسأله‌ی اول که جایگاه زن در زندگی و در جامعه است - با هر تعبیری که میخواهید مطرح کنید، میشود از آن اسم برد - اشکال اینجاست که یک نامعادله‌ای را بتدریج به وجود آورده‌اند؛ یک طرف ذینفع، یک طرف مورد انتفاع؛ بشریت را اینجوری تقسیم کرده‌اند. طرف ذینفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. این بطور آرام، با تدریج، با شیوه‌های گوناگون، با تبلیغات مختلف، در طول دهها سال - که شاید به صد سال، صد و پنجاه سال برسد، که من دقیق نمیتوانم بگویم و این مسأله قابل تحقیق است در جوامع غربی در درجه‌ی اول، و بعد در جوامع دیگر جا افتاده شأن اجتماعی زن را اینجوری معرفی کردند، اینجوری تعریف کردند: زن بعنوان یک موجودی که مورد انتفاع مرد باید قرار بگیرد. لذا در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه‌ی نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه بدهد. حتی در مجالس رسمی، نوع پوشش زن باید جوری باشد که برای طرف ذینفع و منتفع - یعنی طرف مرد - چشم‌نواز باشد. به نظر من بزرگترین ضربه، بزرگترین اهانت، بزرگترین حق‌کشی که در زمینه‌ی مسأله‌ی زن انجام گرفته، همین است. در محیط اجتماعی، فرهنگی شکل بگیرد که زن بعنوان یک طرف مورد انتفاع،

برای استفاده‌ی یک طرفِ ذینفع مطرح شود؛ این متأسفانه امروز در فرهنگ غربی وجود دارد. دیگران هم از آنها تقلید کردند، در راهش کوشش کردند، تلاش کردند و این در دنیا جا افتاده. اگر کسی خلاف این را بگوید، علیه او جنجال میکنند. فرض کنیم اگر در یک جامعه‌ای مسأله‌ی آرایش زنان و تبرّج زنان در محیطهای عمومی محکوم شود، جنجال بلند خواهد شد. اگر نقطه‌ی مقابل آن انجام بگیرد - یعنی در یک جامعه‌ای عریانی زنان مطرح شود - هیچ سر و صدایی در دنیا بلند نمیشود. اما وقتی پوشش زن، عدم تبرّج زن، آرایش نکردن زن در جامعه‌ی مطرح شود، دستگاههای مسلط تبلیغاتی دنیا سر بلند میکنند، جنجال میکنند؛ این نشاندهنده‌ی این است که یک فرهنگی، یک سیاستی، یک راهبردی وجود دارد که سالهای متمادی است دنبال میشود و پایه‌اش این است که این جایگاه، این شأن، این موقعیت غلط و اهانت‌آمیز را برای زن تثبیت کنند؛ و متأسفانه کردند.^۱

محرومیت زنان از اخذ مدرک تحصیلی در گذشته‌ی نزدیک غرب

در همین کشورهای غربی تا چند سال قبل از این نه خیلی زیاد زنانی که در مراکز آموزش عالی تحصیل میکردند، حق نداشتند که مدرک کتبی تحصیلات عالی خودشان را بگیرند! در همین اواخر در بعضی از کشورهای غربی، از جمله در انگلستان، یکی از مطبوعات یکی از کشورهای غربی که نمیخواهم از آن کشور و از آن مجله اسم بیاورم، پیرزنی را معرفی کرده بود که در سال ۱۹۱۷ یعنی مثلاً هفتاد سال قبل در حدّ دکترا تحصیلات عالیّه کرده است؛ لیکن به او مدارک تحصیل نداده‌اند! بعد سؤال میکند چرا مدرک تحصیل نداده‌اند؟ میگوید که چون تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان به زنانی که تحصیل میکردند، مدرک تحصیلی نمیدادند و گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! اینها حالا آمده‌اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدّعی حقوق زن شده‌اند. در همان سالهایی که چنین حقارتهایی در فرهنگ غربی

۱. در دیدار با جمعی از بانوان نخبه (۹۰/ ۳/۱)

مشاهده میشد، در ایران اسلامی، بانوی اصفهانی، اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اوّل آن روز اسلام داشت؛ در اصفهان، حوزه‌ی تدریس فلسفه و فقه را دایر داشت، اسلام، این است.^۱

محرومیت زن از حقّ رأی و مالکیت حقیقی در غرب

شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدّعی دفاع از حقوق زنان هستند که تقریباً همه‌اش هم دروغ است تا دهه‌های اوّل این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حقّ رأی نداشتند، نه فقط حقّ گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حقّ مالکیت هم نداشتند؛ یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود، اموال او در اختیار شوهر بود!

عدم حقّ رأی زنان در دموکراسی غربی

اروپا و دنیای غرب، دنیای دموکراسی که این همه زبان درازی نسبت به اسلام کردند به این امور و به این اصول بسیار دیر رسیدند. حقّ رأی برای زن تا اوایل این قرن که الآن در آن هستیم در اروپا وجود نداشت. البته حقّ رأی کلاً برای جوامع اروپایی وجود نداشت، حتّی بعد از رنسانس و نهضت صنعتی و علمی در اروپا. بعد از انقلاب فرانسه در اواخر قرن هجدهم تدریجاً حقّ داده شد به کارگران و زحمتکشان و دستگاهها، یعنی مردم، توده‌ی مردم، آحاد مردم که رأی بدهند و انتخاب بکنند بعد از انقلاب کبیر به آنها رأی^۲ داده شد. بعد هم بتدریج در بعضی جاهای اروپا این رأی داده شد. در کشورهای اروپایی و در امریکا پس از جنگ اوّل جهانی به زنها حقّ رأی داده شد، یعنی تا ۱۹۱۸ پایان جنگ جهانی اوّل در امریکایی که دم از آزادی و دفاع از حقوق زن و اینها میزنند و در اروپا حقّ رأی به زنها داده نمیشد. یعنی زنها حقّ انتخاب کردن نداشتند و تازه بعد از ۱۹۱۸

۱. در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) (۷۶/۳/۱۴)

۲. حقّ رأی

که حقّ رأی به زنها داده شد به زنهاى بالاتر از ۳۰ سال حقّ رأی داده شد. در فاصله‌ی بین دو جنگ جهانی در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله در فرانسه، در ایتالیا و همچنین در ژاپن زنها حقّ رأی نداشتند، تا پیش از سال ۱۹۴۰ در امریکای لاتین در هیچ کشوری زنها حقّ رأی نداشتند. در آنجاهایی هم که حقّ رأی به زنها داده شد به زنهاى ۳۰ سال به بالا بعد از مدّتی زنهاى ۲۱ سال به بالا و این اواخر در همین ده سال اخیر در بعضی از کشورهای دنیا حقّ رأی را به ۱۸ سالگی رساندند.^۱

عقب افتادگی غرب در به رسمیت شناختن حقوق سیاسى زن

در فرهنگ غربی نسبت به زن ظلم و جفا شده. از اوایل قرن بیستم مسأله‌ی حقّ زن، حقّ سیاسى زن، حقّ رأی زن، حقّ ورود در میدانهای اجتماعى و سیاسى در دنیای غرب مطرح شده قبل از او مطرح نبوده، در سالهای ۱۹۲۰ و ۲۱ و ۲۵ تا ۳۰ و بعد از او بتدریج کشورهای مختلف در دنیا چه در اروپا چه در امریکای لاتین چه در سراسر جاهایی که تحت تأثیر فرهنگ غرب بودند بتدریج خانمها وارد میدانهای سیاسى شدند، حقّ رأی پیدا کردند و مسائل ویژه‌ی مردان را آنها هم تا حدودی به دست آوردند قبلاً چنین چیزی نبوده و غرب که در دادن حقّ انسانی زن به او اینقدر تأخیر دارد یعنی قرنهای متمادی بعد از آنی که ادیان الهی و بهتر از همه اسلام شخصیت کامل یک انسان را در حدّ اوجش و کمالش تا هر جا که انسان بتواند پیش برود به زن داده مثل مرد؛ یعنی هیچ تفاوتی در شخصیت انسانی بین زن و مرد قائل نبوده و هیچگونه امتیازی بین اینها نگذاشته. قرنهای بعد از این غرب تازه به فکر افتاده که به زن حقّ ورود در میدان سیاست و حقّ اجتماعى رأی دادن و احیاناً در دوره‌های بعد کاندیدا شدن برای مسندهای سیاسى و اجتماعى به زن چنین حقّی را اعطا بکند. با این تأخیر غرب وارد

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۶/۳/۲۲)

میدان شده و در طول این مدّت آنچنان حرکتی و روندی به این مسأله داده که بکلی او را از مسیر صحیح منحرف کرده.^۱

از نداشتن حقّ رأی و مالکیت تا بی‌پناه و رها شدن در جامعه

خواهران من! دنیای غرب، زن را به ابتذال کشاند. تا شصت، هفتاد سال قبل از این، در تمام اروپا و کشورهای غربی، زن فقط در سیطره‌ی مرد یا مردِ خود و یا یک مرد دیگر مثل صاحب کارخانه و مزرعه می‌توانست باشد و هیچ حقّی از حقوق اصلی یک انسان در یک جامعه‌ی متمدّن را نداشت. حقّ رأی و حقّ مالکیت و حقّ معامله نداشت. بعد آمدند زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشاندند؛ اما در همان حال، تمام وسایل را برای لغزش زن فراهم کردند و او را در متن جامعه، رها و بی‌پناه گذاشتند.^۲

غریبها در زمینه‌ی شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند.^۳

تنبّه دیر هنگام، شتابزده و جنجالی اروپا در مسأله‌ی زن

چرا بشریت همواره درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد کج فکر کرده است و میخواهد در مقابل این بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید، در همه‌ی برداشتها و تحلیلهای و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد جایگاه غلطی است و نسبت به زن و مرد، نسبت غلطی است. حتّی در تمدنهای خیلی بلند پایه‌ی دنیای باستان مثل تمدّن روم یا ایران برداشت از زن، یک برداشت غلط است که من دیگر نمیخواهم جزئیات و تفصیل را بیان کنم و لابد خودتان میدانید و میتوانید هم مراجعه کنید.

امروز هم وضع دنیا همین گونه است. امروز هم علیرغم همه‌ی این

۱. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

۲. در جمع کشوری از زنان (۶۸/۱۰/۲۶)

۳. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

جنگالها و هیاهوها و ادّعاهایی که در حمایت از زن و موضع انسانی او میشود، متأسّفانه همین برداشت غلط وجود دارد و اروپاییها چون دیرتر از کشورهای اسلامی و کشورهای غیراروپایی وارد میدان شدند، نسبت به مسأله‌ی زن دیرتر تنبّه پیدا کردند. میدانید که تا دهه‌های دوّم این قرن، هیچ زنی در هیچ جای اروپا، حقّ رأی نداشت. آنجاهایی هم که دموکراسی بود، زن حقّ صرف کردن مال خودش را نداشت. از دهه‌های دوّم یعنی از سالهای ۱۹۱۶ یا ۱۸ به بعد آرام آرام در کشورهای اروپایی، تصمیم گرفتند که به زن حقّ اعمال نظر و تصرّف در سرمایه‌ی خود و حقوق اجتماعی متساوی با مرد بدهند. بنابراین، اروپا خیلی دیر از خواب بیدار شد و خیلی دیر مسأله را فهمید. مثل اینکه میخواهد با جنگالهای دروغین، از لحاظ زمان، جبران این عقب افتادگی را بکند. البتّه در تاریخ اروپا، خانمهایی که ملکه میشدند و یا اشرافی بودند، وجود داشت؛ امّا حکم یک زن و زنان یک فامیل یا یک تیره یا یک طبقه، غیر از مسأله‌ی زن است. این تبعیضها همیشه بوده است. خانمهایی هم بوده‌اند که در سطوح بالا قرار میگرفتند و مثلاً ملکه‌ی کشوری میشدند و این امتیاز، از طریق خانواده و میراث به آنها داده میشده است؛ امّا «زن» اینطور نبوده و بر خلاف دیدگاههای ادیان که سالم و دست نخورده‌اش اسلام است و دیگر ادیان هم یقیناً همین دیدگاه را دارند به هیچ وجه در جامعه از حقوقی برخوردار نبوده است.^۱

ظریفترین و مؤثرترین نقش در سیر بشریت بسوی کمال

روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل میدهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقشهای دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حسّاسترین، ظریفترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقشها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است. خدا زن را اینگونه آفریده. اگر

۱. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفتکاری - بگذاریم، بخش اوّل که ظریف‌کاریها و ریزه‌کاریها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است.^۱

متهم بودن غرب در برخورد ذلیلانه با زن

من بارها به گویندگان و مبلغین عرض کردم که در مورد مسأله‌ی زن این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم، این فرهنگ منحنی غرب است که باید از خودش دفاع کند. آنچه را که ما برای زن عرضه میکنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند و با انصافی نمیتواند منکر بشود که این برای زن خوب است. ما زن را دعوت به عفت، صمیمیت، حجاب، عدم اختلاط و آمیزش بی حدّ و مرز میان زن و مرد، حفظ کرامت انسانی و آرایش نکردن در مقابل مردان بیگانه برای اینکه لذّت ببرند، دعوت میکنیم. آیا اینها بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. آنها که زن را تشویق میکنند که خود را جوری آرایش کند که مردهای کوچه و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضاء کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حدّ پایین آوردند و تذلیل کردند.^۲

مسائل اصلی زندگی؛ تحت الشعاع سرگرمی مبتذل روابط زن و مرد

آنجا که صحبت از حضور زن در میدانهای اجتماعی و میدانهای زندگی و فعالیتهای گوناگون و منشأ اثر شدن در صحنه‌ی جامعه و جهان هست، آنجا این غرب است که بایستی جواب بدهد، پاسخگو باشد، چرا باید روابط زن و مرد در بخش عمده‌ای از دنیا بصورت یک سرگرمی مبتذل

۱. در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) (۸۴/۵/۵)

۲. در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) (۷۱/۹/۲۵)

در بیاید که همه‌ی مسائل اصلی و جدّی زندگی را احیاناً تحت‌الشعاع قرار بدهد؟ کما اینکه الآن اینجور است.^۱

مخالفت فرهنگ غرب با خویشتنداری جنسی

باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه‌ی ما احیاء بشود. مثلاً مسأله‌ی حجاب، یک مسأله‌ی ارزشی است. مسأله‌ی حجاب، مسأله‌ای است که اگرچه مقدّمه‌ای است برای چیزهای بالاتر، اما خود یک مسأله‌ی ارزشی است. ما که روی حجاب اینقدر مقیدیم، بخاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک میکند تا بتواند به آن رتبه‌ی معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاههای بسیار لغزنده‌ای که سر راهش قرار داده‌اند، نشود.

درست نقطه‌ی مقابل این فرهنگ، همان فرهنگ رومی حاکم بر اروپای امروز است که با همه چیز کنار می‌آیند الاّ دو، سه چیز که یکی از آنها و شاید مهمترینش حفظ حالت حفاظ منضبط میان دو جنس زن و مرد؛ و به عبارت دیگر خویشتنداری در مقابل چیزی است که در غرب به آن آزادی جنسی گفته میشود. آنها در مقابل این اصل بشدّت سرسختند؛ لذا از نظر آنها کسی که روی این مسأله تکیه بکند مرتجع است. اگر در کشوری، زنان با یک حدودی از مردان مجزّا شدند، این میشود خلاف تمدّن! راست هم میگویند؛ تمدّن آنها که بر ویرانه‌های همان تمدّن رومی بنا شده، چیزی جز این نیست؛ اما این از لحاظ ارزشی غلط است، عکسش درست است.^۲

پاسخگویی غرب درباره‌ی حقوق و حفظ کرامت زن

امروز جهان غرب است که باید به لحاظ نظری و عملی در این موضوعات به چالش کشیده شود و در برابر افکار عمومی جهان پاسخگو باشد. جهان غرب باید درباره‌ی کشتار کودکان خردسال در فلسطین، درباره‌ی حقوق زن

۱. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

۲. در دیدار جمعی از زنان پزشک متخصص و مسؤولان اولین کنگره‌ی حجاب اسلامی (۷۰/۱۰/۴)

و حفظ کرامت او، درباره‌ی حقّ ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، درباره‌ی حقّ ملت‌ها در بهره‌گیری از ثروت‌های خود و حتّی درباره‌ی آزادی شهروندان خود پاسخگو باشد.

آیا ممنوعیت حجاب در برخی کشورهای اروپایی نشانه‌ی دروغ بودن اعتقاد به آزادی نیست؟^۱

هدف غرب؛ هرزه شدن و عرضه شدن زن

شما میبینید در غرب با حجاب تدریجاً بصورت علنی دارد مخالفت میشود. عنوانی که برای این مخالفت ذکر میکنند، این است که میگویند حجاب نماد یک حرکت مذهبی است؛ ما نمیخواهیم در جوامع ما - که جوامع لائیک هستند - نمادهای مذهبی مطرح شوند. به نظر من این دروغ است؛ بحث مذهب و غیر مذهب نیست؛ بحث این است که سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب، مخالف آن است. حتّی اگر چنانچه حجاب ناشی از یک انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، با آن مخالفت میکنند؛ مشکل اساسی این است.^۲

فقدان آزادی و حجاب در حال و گذشته‌ی اروپا

آنها دروغ میگویند و مطلقاً به دموکراسی و آزادی و آرای مردم احترام نمیگذارند؛ نمونه‌اش ممنوعیت حجاب در مدارس برخی کشورهای اروپایی است. اجازه نمیدهند دختر محصل با روسری به کلاس برود و درس بخواند.

در اروپا، این حفاظ و حجاب از قدیم نبوده، امّا درعین حال همیشه به زن ظلمهای مکرر و مضاعفی میشده است. در اروپای قرنهای گذشته، آزادی زن - به معنای خاصّ روزگار ما - وجود نداشته؛ نه از لحاظ لباس

۱. در پیام به کنگره‌ی عظیم حجّ (۸/۱۱/۸۲)

۲. در دیدار با جمعی از بانوان نخبه (۱/۳/۹۰)

و ظواهر، و نه از لحاظ بقیه‌ی جهات اخلاقی و غیره؛ لیکن آن حجاب و حفاظ هم نبوده؛ اما درعین حال همان ظلمها هم میشده است.^۱

سلب آموزش و تحصیل زنان در غرب به جرم حجاب

اکنون امریکا و غرب مستکبر به این جمع‌بندی رسیده‌اند که کانون بیداری و ایستادگی در برابر نقشه‌ی حاکمیت آنان بر همه‌ی جهان، کشورها و ملت‌های مسلمان و بویژه در منطقه‌ی خاورمیانه است، و اگر با ابزار اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی و سرانجام، نظامی نتوانند در چند سال آینده، نهضت بیداری اسلامی را مهار و سرکوب کنند، همه‌ی محاسبات آنان برای حاکمیت مطلق بر جهان و سیطره بر مهمترین منابع نفت و گاز که تنها وسیله‌ی محرکه‌ی ماشین صنعتی و برتری مادی آنان بر همه‌ی بشریت است، بهم خواهد ریخت، و کلان سرمایه‌داران غربی و صهیونیست که بازیگر پشت صحنه‌ی همه‌ی دولتهای مستکبرند، از اوج اقتدار تحمیلی خود ساقط خواهند شد.



از آزادی و حقوق اقلیتها سخن میگویند و حق آموزش و تحصیل را از دختران مسلمان به جرم پابندی به حجاب اسلامی سلب میکنند.^۲

اشتباه دنیای استکبار درباره‌ی ارزش زن

اشتباه میکند، دنیای استکباری سرشار از جاهلیت که خیال میکند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کند تا چشمهای هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع بگیرند و او را تحسین کنند.^۳

۱. در پیام به کنگره‌ی عظیم حج (۸۳/۱۰/۲۹)

۲. همان

۳. در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) (۷۱/۹/۲۵)



هوچیگریهای غرب در مورد مسأله‌ی زن

در ایران باستانی زنهای اعیان و اشراف و رؤسا همه باحجاب بودند؛ زنهای افراد پایین و طبقات پست، نه، بی‌حجاب هم می‌آمدند؛ مانعی هم نبود. اسلام آمد این تبعیض را گذاشت کنار، گفت نخیر، زن باید باحجاب باشد؛ یعنی این تکریم مال همه‌ی زنان است. این است نظر اسلام. آنها حالا شده‌اند طلبکار، ما شده‌ایم بدهکار! آنها بدهکارند؛ آنها باید بگویند چرا زن را مثل یک کالا وسیله‌ی شهوترانی قرار دادند. یک آماری را همین دیروز برای من نقل کردند - آمار مال یک هفته قبل است - که یک سوّم زنهای دنیا از دست مردها کتک می‌خورند! به نظر من اشک انسان در می‌آید؛ این گریه‌آور است. و این بیشتر در کشورهای صنعتی است؛ در کشورهای فرنگی است و ناشی از همان خشونت‌های جنسی و مطالبات خشن جنسی است که مرد از زن دارد. این هوچیگریهای آنها در مورد زن است؛ آن وقت راجع به زن بحث میکنند: شما حجاب را اجباری کردید. خود آنها بی‌حجابی را اجباری میکنند، دختر دانشجو را تو دانشگاه راه نمیدهند، بخاطر اینکه روسری دارد، آن وقت به ما میگویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است. و از این قبیل مواردی هست که اینها هوچیگریهای غرب است.^۱

بی‌توجهی غرب به شخصیت و حرمت واقعی زن

ملت مسلمان ایران فرهنگ غرب را نمی‌پسندد و با آن فرهنگ تفاهم ندارد. ما معتقدیم که آنان علیرغم ترفندها و حیل‌های تبلیغاتی که به نام حمایت از زنان به راه انداختند، برای زنان شخصیت و حرمت واقعی قائل نیستند.^۲

۱. در دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد (۱۳۸۶/۱۰/۱۳)

۲. در دیدار با جمعی از بانوان کشور (۷۳/۹/۲)

نگاه غرب به زن؛ نگاه منحط، ناقص و گمراه‌کننده

امروز غریبه‌ها خجالت نمی‌کشند و مسأله‌ی همجنس‌بازی را بعنوان یک ارزش مطرح می‌کنند. انسان با کرامت، عرق شرم بر پیشانی‌اش مینشیند، اما آنها خجالت نمی‌کشند. نگاه غرب به زن، نگاهی است منحط، ناقص، گمراه‌کننده و غلط. نگاه اسلام به زن، نگاهی است عزت‌بخش، کرامت‌بخش، رشد‌آفرین، استقلال‌دهنده‌ی به هویت و شخصیت زن؛ این ادعای ماست. ما این ادعا را با محکمترین ادله می‌توانیم اثبات کنیم.^۱

ظلم به زن در تمدن غرب، علیرغم تبلیغات فریبرگر

امروز علیرغم تبلیغات فریبرگر تمدن غربی درباره‌ی سپردن نقشهای عمده به زن، زن همچنان گرفتار ستمی تاریخی و همه‌جایی است.^۲

ظلم به زنان در کشورهای غربی با همه‌ی ادعاهایی که نسبت به زنان دارند، اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر نیست.^۳

مفاهیم انسانی زن؛ تحت‌الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی

امروز هم که دنیای تمدن غرب می‌خواهد آن عقب‌افتادگی بسیار ملامت‌انگیز خود در مورد مسأله‌ی زن را جبران کند، طور دیگری جبران می‌کند. تصوّر من این است که آنها جانب مفاهیم انسانی در مورد زن را تحت‌الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی قرار میدهند؛ کمالینکه از اوّل هم در اروپا همین‌طور بوده است و از همان هنگام که به زنان حقوقی داده شد، غالباً بر همین مبانی غلط استوار بوده است.^۴

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۲/۴/۱۹۱)

۲. در دیدار با زنان مسلمان ایران و ۹ کشور جهان (۶۷/۱۱/۹)

۳. در جمع خواهران ارومیه (۷۵/۶/۲۸)

۴. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

تداوم ستم تاریخی به زن، در جوامع متمدن

دهها سال است که روی حقوق زن در دنیا شعار داده میشود و از چندین سال پیش که زنان در غرب حتی از ساده‌ترین حقوق اجتماعی محروم بودند، تعداد زیادی سازمان مربوط به زنان ایجاد شد و بحث‌های زیادی در ارتباط با زن صورت گرفت و عده‌ای از زنان برجسته‌ی دنیا نیز در زمینه‌های سیاسی- فرهنگی به درجات بالایی رسیدند که این فکر را در جهان پدید آورده است که مسأله و مشکل زن، حل شده است و حضور زن در کنار مرد در بخش‌های گوناگون جامعه بدون هیچ حفاظ، این اندیشه را تأیید کرده است. اما علیرغم این تبلیغات اگر ما به اعماق جوامع بشری که از جمله جوامع متمدن نظاره بکنیم میبینیم، واقعیت اینطور نیست و زن امروز همچنان در زیر بار ستم تحمیلی تاریخ قرار دارد.^۱

تعدی و اهانت به زن امریکایی، علیرغم شعار دفاع از حقوق زن

در چهره‌ای منافقانه و ریاکار شعارهای مردم‌پسند مانند حقوق بشر، آزادی، مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق زن و امثال آن سر میدهند. در حالی به نام حقوق زن بر ضد جمهوری اسلامی تبلیغ میکند که زن امریکایی در خانواده و در محیط کارش مورد تعدی و سوء استفاده و اهانت است.^۲

آمار وحشتناک خشونت علیه زنان در غرب

در کشورهای غربی و از جمله امریکا که دم از تساوی حقوق زن و مرد میزنند آمار وحشتناکی از اعمال خشونت علیه زنان و سوء استفاده از زن در محیط‌های مختلف وجود دارد؛ بنابراین با آنچه که در غرب اندیشیده شده است، مشکل زن قابل علاج نیست و با برداشتن حجاب از سر زن و اجتناب کردن از قیود شرعی، مشکل زن بدتر میشود، اما در مقابل آن، تلاش

۱. در کنگره‌ی بین‌المللی زن در انقلاب جهانی اسلام (۶۷/۱۱/۸)

۲. در پیام به حجاج بیت‌الله الحرام (۷۷/۱۲/۲۸)

اسلام بر ایجاد محیطی سالم و مبتنی بر عقل و خرد است که در آن دست تطاول نسبت به ضعیف دراز نخواهد شد.^۱

سکوت مدعیان حقوق بشر در قبال تعرض به زنان در بوسنی

صربها و کرواتها اقوام مسلّحی هستند که غارت‌های شدید و کشتار کردند، نسبت به مردم مسلمان و مظلوم بوسنی، به غارت اموال و نیز تعرض به نوامیس آنان پرداختند و این در حالی است که مدعیان دفاع از حقوق بشر، حقوق زن، حقوق کودکان و حتّی مدعیان حتّی حمایت از حیوانات، تنها نظاره‌گر این جنایات بودند و تنها کاری که کردند با پوشش صلح‌طلبی، مانع از رسیدن اسلحه به مسلمانان تحت محاصره‌ی بوسنی شدند.^۲

نبود اخلاق و تهذیب؛ عامل بیشتر شدن ظلم به زن

شعارها و بافته‌های ذهنی غربیها در مورد زن، هیچ نتوانسته جلوی ظلمی را که در خانواده و بیرون خانواده در طول تاریخ به زن‌ها میشده - که هنوز هم میشود - بگیرد. اگر فرض کنیم بشود در جامعه‌ای از مظلومیت زنان - که این مظلومیت هم یک علل طبیعی و قهری دارد - جلوگیری کرد، فقط در سایه‌ی اخلاق و قانون و تهذیب و تهذّب مردان است. امّا امروز در غرب مطلقاً از این خبری نیست. آزار زنان، فشارهای گوناگون جسمانی و آزارهای روحی بر زنان در غرب، آمارهایی که الآن دارند میدهند، بمراتب از کشور خود ما و از جاهایی که ما اطلاع داریم، بیشتر است. بنابراین جلوی آن مشکل را هم نتوانستند بگیرند، از این طرف هم همه ضایعه ایجاد کردند.^۳

۱. در دیدار گروهی از خواهران مسؤول، متخصص و هنرمند (۷۴/۸/۲۲)

۲. در دیدار با مسؤولان و گروههای مختلف مردم (۷۲/۶/۱۴)

۳. در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

ارتباطات مبتذل؛ عامل دوری زن از مسائل اخلاقی و صحنه‌های سیاسی و فرهنگی

محتوای فرهنگ غربی مملو از اهانت به مقام زنان است. اکنون در بسیاری از مناطق دنیا مسأله‌ی ارتباطات زن و مرد بصورت مبتذل و سرگرم‌کننده درآمد و همین باعث دور شدن زن از مسائل اخلاقی و حضور فعال در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی شده است و طبیعی است که اسلام با چنین مسأله‌ای مخالف است.^۱

زنان شکنجه‌گر در زندان ابوغریب؛ نشانگر فراموشی معنویت در فرهنگ غرب

شما میبینید یک مرد یا یک زن، با ظاهر آراسته و با شکل کاملاً مطلوب، که اگر کسی این مرد را در خیابان یا این زن را در یک فروشگاه ببیند، هیچگونه احساس بدبینی‌ای نسبت به روش اخلاقی آنها ندارد؛ اما همین مرد و همین زن در زندان ابوغریب بغداد به یک گرگ درنده تبدیل میشوند. زیر این ظاهر انسانی تمیز، مرتب، ادکلن زده و و کراوات و پاپیون بسته، یک سگ وحشی خوابیده است. عکسهایی که از زندان ابوغریب منتشر شد، خواب‌رفته‌ترین لایه‌های اجتماعی جوامع غربی را هم تکان داد و بیدار کرد. شکنجه‌گر، یک زن - با احساسات لطیفی که یک زن باید داشته باشد - شکنجه شده، چندین مرد عراقی؛ جرم، مورد سوءظن قرار گرفتن؛ همین! و شکنجه، در حدّ اعلای شناعة؛ و جامعه‌ای که این جنایت را مرتکب شده است، یک جامعه‌ی پیشرفته‌ی علمی، صنعتی، مدنی، پُرادعا و مدّعی رهبری بشریت! وقتی رگه‌ی هدایت معنوی و جریان متنفّذ فرهنگی سالم در جامعه‌ای غایب بود، نتیجه این میشود؛ گناه بزرگ تمدن غربی همین بود.^۲

۱. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۶/۱۱/۱۷)

۲. در دیدار با طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیّه‌ی آیت‌الله مجتهدی (۸۳/۳/۲۱)

اینها توانسته‌اند با کمک ابزارهای پیشرفته‌ی تبلیغاتی و ارتباطاتی - با همین تلویزیون، با همین هنر، با همین هالیوود، با همین بازیهای اینترنتی و رایانه‌ای، با همین ارتباطات سریع در دنیا - سر بشریت را کلاه بگذارند. ادّعای تمدّن میکنند، امّا تمدّن ندارند؛ واقعاً وحشی محض هستند. قبلاً گفتم؛ خانم جوان مرتب منظمی وقتی در خیابان راه برود، میگویند آزار او به مورچه هم نمیرسد؛ امّا شما ناگهان این خانم جوان را در زندان ابوغریب پیدا میکنید؛ با دست خودش مرد عراقی را شکنجه میکند و قهقهه سر میدهد و با خونسردی آدم میکشد! یک وقت کسی عصبانی میشود و آدم میکشد؛ نه، اینها با خونسردی و در حال قهقهه آدم میکشند و ادّعای دموکراسی هم میکنند! اینها با جبّارترین حکومتها، حکومتهای کودتایی، حکومتهای نظامی و حکومتهایی مثل حکومت محمدرضا پهلوی، در عین استبداد، چون در خدمت آنها و منافع آنها هستند، نه تنها مخالفت نمیکند، اصلاً از آنها حمایت هم میکند.^۱

جوابگوی غرب به اهل اندیشه بخاطر حرکت به سمت برهنگی

نظام اسلامی در برخورد با مسأله‌ی زن از دنیا جلو است، دنیا باید جواب بدهد به انسانهای اهل اندیشه و مغزهای فعال و فهیم که چرا به نیمی از موجود بشری به چشم یک شیئی‌ای که از آن باید تمتّع برده شود نگاه میکنند و فضای شهوت‌آلود به وجود می‌آورند، همه‌ی محیطها را بدینوسیله از معنویت و سلامت می‌اندازند، آنها باید جواب بدهند. غرب باید جواب بدهد که چرا بر خلاف طبیعت انسانی به سمت برهنگی پیش رفته است، جوامع را اینجور متلاشی کرده است. خانواده‌ها را از بین برده است، بر خلاف فطرت انسانی عمل کرده است.^۲

۲. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (۷۴/۹/۱۶)

تلقیهای متناقض از شعار آزادی زن

ما وقتی به نام زن سخن میگوییم و به دفاع از زن میپردازیم، چه شعارهایی را مطرح میسازیم، چه چیزی را مطالبه میکنیم و برای چه چیزی تلاش مینماییم؟ این هم خیلی مهم است. در اینجا هم روش اسلامی - یعنی آن چیزی که از مباحث اسلامی دربارهی زن و تعاریف اسلامی و معارف اسلامی میشود فهمید - با آن چیزی که امروز در غرب وجود دارد، متفاوت است. آنچه در غرب با عنوان شعار وجود دارد، در درجهی اوّل آزادی زن است. آزادی، معنای وسیعی را شامل میشود؛ هم شامل آزادی از اسارت است، هم شامل آزادی از اخلاق است - چون اخلاق هم یک قید و بند است - هم آزادی از نفوذ مبنی بر سوء استفادهی کارفرمایی است که زن را با مزد کمتری به کارگاه میکشد و هم شامل آزادی از قوانینی است که زن را در مقابل شوهر، متعهد میکند. آزادی، به همهی این معانی میتواند باشد. کما اینکه در همین شعارهایی که نسبت به زن وجود دارد، طیف وسیعی از این مطالبات و درخواستها هست، که بعضی با یکدیگر بکلی متناقضند. این آزادی معنایش چیست؟ متأسفانه در دنیای غرب، بیشتر متفاهم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضر آن است یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار بگیرد نه آزادی به معنای صحیح آن؛ لذا شما ببینید جزو حرفهایی که در دنیای غرب زده میشود، مسألهی آزادی سقط جنین است که این نکتهی بسیار مهمی است و با اینکه ظاهر ساده و کوچکی دارد؛ اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در این سخن مضمر و مندرج است. این، وسیله و شعار و مطالبه‌ای است که در غرب غالباً مطرح میشود؛ لذا میگویند نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در یک مطالبه‌ی صحیح و مبارزه‌ی صحیح، هدف نمیتواند این معنای وسیعی باشد که یک بخش آن قطعاً مضرّ



است؛ اگر چه ممکن است بخشهای مفیدی هم در آن باشد. باید به دنبال شعارهایی بهتر، مناسبتر، صحیحتر و گره‌گشا تر گشت.^۱

مفهوم آزادی زن در غرب

وقتی که در محیط غرب، آزادی زن گفته میشود - با توجه به فرهنگ غرب و برداشت غرب از مسأله‌ی زن - به‌هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن آزاد باشد درس بخواند؛ یا زن آزاد باشد در فعالیت سیاسی ورود پیدا کند؛ یا زن آزاد باشد برای اینکه بتواند با اموال خود کار کند. اصلاً مراد از آزادی زن این نیست. آزادی زن، یعنی آزادی جنسی؛ آزادی بی‌بندوباری؛ زن بتواند در آن چیزهایی که منتهی به مسائل جنسی و شهوانی است، آزادانه رفتار کند و دیگران هم بتوانند با زن آزادانه برخورد کنند. مفهوم آزادی زن در غرب این است. آنها میگویند در ایران اسلامی، آزادی نیست. آری؛ به این معنا البته که آزادی نیست.^۲

نگاه التذانی به زن؛ ریشه در فرهنگ اروپایی

در مغرب زمین، تفکر و درکی نسبت به زن وجود دارد که خاستگاه و زادگاه آن، همان اروپاست. به هر جای دیگر هم رفته، از اروپا رفته است. البته این نکته هم وجود دارد که صهیونیستها فرهنگ غلط برخورد با زن و برداشت از جنس زن را ترویج میکنند. ممکن است اینطور باشد؛ اما صهیونیستها به وجود آورنده‌ی آن نیستند. صهیونیستها، به اصطلاح، استفاده‌کننده و بهره‌بردارکننده از این روحیه و این فرهنگ به حساب می‌آیند. این فرهنگ، از آن اروپاست. ما وقتی به تاریخ اروپا نگاه میکنیم و هر چه عقب می‌رویم، این فرهنگ در کتابهای تاریخ اروپا، به‌خصوص در کتابهای هنری و رمانهای مربوط به وضع مغرب زمین، کاملاً برجسته

۱. در همایش بزرگ خواهران، به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور (۷۹/۷/۱۱)

است. برخورد آنها با زن، برخورد ویژه‌ای است. برخوردی است که اسلام آن را رد میکند. بر مبنای این فرهنگ غلط، جنس مرد اجازه پیدا میکند که از جنس زن، به هر شکلی التذاذ ببرد. اصلاً هدف این است. این، از فرهنگ روم قدیم و امپراطوری روم، به شکل‌های مختلف، از آن وقت وجود دارد. یک وقت زنی از طبقه‌ی اشراف است؛ این نسبت و این رابطه با او، در یک سطح است. یک وقت یک زن رعیت است؛ یک وقت زنی فقیر است؛ یک وقت زنی بیسواد است؛ برخورد با هر یک متناسب با حال اوست. البته بدیهی است که این نحو سوء استفاده از زن، گاهی همراه با نوعی تملق گفتن نسبت به اوست. اما این تملق گفتن، به هیچ وجه به معنای احترام و تکریم واقعی نیست. این، اهانت واقعی است که مثال‌های روشن و واضحی دارد و نمی‌خواهم وارد آنها شوم. بعضی از آنها شاید از تأدب هم خارج باشد. چه، اینها واقعیاتی است. من خواهش میکنم شما خانمها به این قضیه فکر کنید و آن مثال‌های روشن و واضح را پیدا کنید و به زنان تفهیم نمایید.^۱

افزایش زن آزاری با جوشش شهوت جنسی در غرب

اساس فرهنگ غرب این است که زن را بعنوان یک کالا، بعنوان یک وسیله‌ی تمتع برای مرد در جامعه عرضه بکند. تشویق و تحریص بر عریان‌گرایی به این جهت است. در غرب، زن‌آزاری در طول صد سال و دویست سال گذشته افزایش پیدا کرده است، کاهش پیدا نکرده است. آزادی جنسی و بی بند و باری جنسی در غرب موجب نشده است که دیگ شهوت بشری که غریزی و طبیعی است، از جوشش بیفتد. قبلاً اینجور تبلیغ میکردند، میگفتند بگذارید زن و مرد در جامعه روابط آزاد داشته باشند تا حرص شهوت جنسی کم بشود؛ عملاً معلوم شد که قضیه بعکس است. هر چه آزادی روابط زن و مرد در جامعه بیشتر بشود، با وضعی که به وجود آوردند، حرص شهوانی بشر بیشتر میشود.^۲

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۲/۰۴/۱۹۱)

در الگوی اروپایی زن، مسأله این نیست که آنها میخواهند زن عالم باشد، اما اسلام نمیخواهد زن عالم باشد؛ آنها میخواهند زن در مناصب اجتماعی و صحنه‌ی اجتماعی باشد، ولی اسلام نمیخواهد؛ قضیه این نیست اسلام زنان عالمه‌ی بزرگی پرورش داده است. اگر امروز هم در جامعه‌ی ما مشاهده کنید، میبینید که متخصصان زن، دانشمندان زن، پزشکان زن، محققان زن و هنرمندان بزرگ زن کم نیستند؛ انسانهای ارزش‌آفرین و صاحب فکر و مکتب در بین آنها هست. در صحنه‌ی سیاسی و در قوای مجریه و مقننه هم همینطور است. در همه‌ی بخشهای کشور، حضور زنان، حضور فعالی است. بین ما و آنها، بین تفکر و ارزشگذاری اسلامی و غربی، بحث بر سر اینها نیست؛ بحث بر سر چیز دیگری است. الگوی غربی امروز اروپایی، برخاسته و زاینده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم اینطور بود که زن وسیله‌ای برای تکلیف و التذاذ مرد بود و همه چیز تحت الشعاع این بود، امروز هم این را میخواهند؛ حرف اصلی غریبها این است.^۱

بساط آن چیزی که امروز بعنوان آزادی زن در دنیا و از سوی فرهنگ منحنط غربی پهن شده است، بر این پایه است که زن را در معرض دید مرد قرار بدهند تا مردان از آنها تمتّعات جنسی و لذّت ببرند و زنها وسیله‌ی التذاذ مردان بشوند. آنها به این، آزادی زن میگویند. آیا این آزادی زن است؟ آن کسانی که در دنیای جاهل، غافل و گمراه غربی ادّعا میکنند طرفدار حقوق بشر و حقوق زن هستند، در حقیقت ستمکاران به زن هستند.^۲

اگر شما بگوئید این ستم بر زن در کشورهای غربی، اروپایی، امریکا

۱. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری (س) (۷۰/۸/۲۲)

۲. در دیدار گروهی، از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن (۷۱/۹/۲۵)

وارد نمیشود، بحثی نداریم باید تحقیق کنیم. واقعیت این است که چنین ستمی وجود دارد. اگر بگویید این ستم قابل برطرف کردن نیست، ما این را رد میکنیم. ما تفکر اسلامی را داریم که ستم را بر زن تقبیح میکند و منفور میشمارد. مجبوریم سراغ راز قضیه بگردیم چرا؟ اگر بگوییم همین آزادی گونه چیزی، این چیزی که اسمش را آزادی زن گذاشتند - که ما بطور قاطع با این نامگذاری مخالفیم - که در غرب وجود دارد که این اسمش آزادی نیست. آنچه که در غرب ترویج میشود و در جهان سوم هم بشدت روی آن کار میشود؛ آن برداشتن حفاظ و حجاب میان زن و مرد است، آمیختن زن و مرد است، عریان کردن زن از پوشش حجب و عفاف است که فطری اوست. و باید زحمت بکشند آن را از او بگیرند، تلاش میشود برای سلب این، این اسمش آزادی نیست. اگر این را کسی دلیل بشمارد بر اینکه امروز وضع زن در دنیا خوب است این را ما بشدت انکار میکنیم؛ زیرا که برای زن مسأله‌ی اول این نیست که در خیابان و محیط اجتماعی و رفت و آمدها و مراکز گوناگون در کنار مرد و با مرد باشد یا نباشد.^۱

ظلم و تحقیر زن در غرب به اسم آزادی

از من سؤال کردند که شما در مقابل آنچه که غربیها درباره‌ی مسأله‌ی زن در کشور میگویند، چه دفاعی دارید؟ من گفتم: ما دفاع نداریم، ما هجوم داریم! ما در مسأله‌ی زن، از غرب طلب‌کاریم؛ ما مدعی غریبیم؛ آنها هستند که دارند به زن ظلم میکنند، زن را تحقیر میکنند، جایگاه زن را پایین می‌آورند؛ به اسم آزادی، به اسم اشتغال، به اسم مسؤولیت دادن، آنها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شأنی قرار میدهند؛ آنها باید جواب بدهند.^۲

۱. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام در تالار تئاتر شهر (۶۷/۱۱/۸)

۲. در دیدار با جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

آزادی زن برای انتفاع و التذاذ مردان

آن روز که اروپاییها تازه صنایع را به وجود آورده بودند (اوایل قرن نوزدهم) و سرمایه‌داران غربی و کارخانجات فراوان را اختراع کرده بودند، احتیاج به نیروهای کار ارزان، بی‌توقع و کم‌دردر داشتند و لذا زمزمه آزادی زن را بلند کردند؛ برای اینکه زن را از داخل خانواده به داخل کارخانه‌ها بکشانند و بعنوان یک کارگر ارزان از او استفاده نموده و جیبهای خودشان را پرکنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیاندازند. امروز آنچه که بعنوان آزادی زن در غرب مطرح است، دنباله‌ی همان داستان و ماجراست. لذا ظلمی که به زن در فرهنگ غربی شد و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخی بی‌سابقه است. در گذشته‌ی تاریخ هم به زن ظلم شده است؛ اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌گیر مخصوص دوران اخیر است و ناشی از تمدن غرب است که زن را بعنوان وسیله‌ی التذاذ مردان معرفی کرده‌اند و اسمش را گذاشتند آزادی زن! در حالی که در واقع آزادی مردان هرزه بود برای تمتع از زن.^۱

نام دروغین آزادی بر نگاه اهانت‌آمیز غرب به زن

یک مطلب اساسی، در مورد نگاه اسلام به جنس زن است. این نگاه، درست نقطه‌ی مقابل نگاهی است که فرهنگ غربی به جنس زن دارد. نگاه فرهنگ غربی به زن یک نگاه اهانت‌آمیز است. اسم آن را آزادی می‌گذارند، لکن در حقیقت آزادی نیست. غربیها در طول دو سه قرن اخیر، بر روی همه‌ی جنایات خود نامهای زیبا گذاشتند. اگر قتل کردند، اگر غارت کردند، اگر به بردگی کشیدند، اگر ثروتهای ملت‌ها را مصادره کردند، اگر جنگهای تحمیلی میان ملت‌ها به وجود آوردند و دیگر جنایاتی که کردند، بر روی همه‌ی اینها نامهای خوش‌ظاهر و فریبنده گذاشتند؛ نام آزادی‌طلبی، نام حقوق بشر، نام دموکراسی و امثال اینها. نام آزادی بر آنچه که جهتگیری

۱. در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن (۷۱/۹/۲۵)

فرهنگ غربی نسبت به زنان است، یک نام دروغین است؛ این، آزادی نیست.^۱

نگاه ابزاری به زن؛ چشم‌نواز بودن برای مرد

همیشه به شکل غلطی در نظامهای طاغوتی به زن نگاه شده؛ امروز در غرب هم همینجور است. حالا عده‌ای از زنان - مثل خیلی از مردان - در همین نظامهای غربی، شخصیت‌های برجسته و محترم و پاکیزه‌ای ممکن است در بیایند، لیکن نگاه عمومی به زن که در فرهنگ غربی نهادینه شده، نگاه غلطی است؛ نگاه ابزاری است، نگاه اهانت‌آمیز است. از نظر غرب، علت اینکه شما نباید توی چادر باشید، نباید حجاب داشته باشید، این نیست که آزاد باشید. شما دارید می‌گویید من با حجاب هم آزادی دارم. او چیز دیگری مورد نظرش است؛ زن را برای نوازش چشم مرد، برای بهره‌وری نامشروع مرد، میخواهند به شکل خاصی در جامعه ظاهر بشود. این، بزرگترین اهانت به زن است؛ حالا ولو با چندین لفاف تعارف‌آمیز این را بپوشانند و اسمهای دیگری رویش بگذارند.^۲

بهره‌برداری نفسانی و سوء استفاده از جاذبه‌ی فیزیکی زن

در جهان امروز که زن، تنها بعنوان یک وسیله و ابزار برای تأمین تمایلات شهوانی استفاده میشود، لازم است دیدگاههای اسلام در مورد مسائل زن و بویژه در مورد مسأله‌ی حجاب و روابط این دو جنس تدوین شود و به دنیا فهمانده شود که جمهوری اسلامی که از اسلام می‌آموزد و با آن حرف می‌زند چه می‌گوید. بدون شک آنچه که در دنیا بویژه در غرب بعنوان آزادی زن مطرح میشود، چیزی جز سوق دادن این قشر به سمت بهره‌برداریهای نفسانی نیست. در فرهنگ فاسد غرب به زن میدان نمیدهند

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۹۱/۴/۲۱)

۲. در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (۷۷/۷/۲۸)

که استعدادهایش شکوفا شود؛ آنها میخواهند از خصوصیات فیزیکی زن و جاذبه‌ای که این جنس از نظر فیزیکی دارد سوء استفاده کنند. اسلام آن روزها که حقوق مختلفه زن را مطرح کرد و تعالیم را ارائه داد، زن در ظلمت تاریخ فرو رفته بود، اسلام نوری بود که در ظلمت تاریخ درخشید.^۱

حرفهای جذاب بر مبنای جنس زن؛ وسیله‌ی التذاذ برای جنس مرد

آنهایی که به حجاب و به جدایی مرز معاشرت زن و مرد بشدت اعتراض میکنند، یکی از مهمترین حرفهایشان این است که شما زن را محدود میکنید، نمیگذارید که زیباییهای خودش را در معرض دید افراد قرار بدهد، زن زیباست میخواهد زیبایی خودش را نشان بدهد، میخواهد جاذبه‌های خودش را در منظر دید افراد بگذارد. این یک حرف پذیرفته شده در دنیاست که باید زن جاذبه‌های خودش را در اختیار دید مردان بگذارد، این معنایش چیه؟ آیا این معنایش این نیست که در اعماق ذات آن فرهنگ اروپایی همان برداشت قدیمی و باستانی تمدن رومی از زن مستتر است و وجود دارد؟ زن هنوز آن است، اسلام اینجا راه پیدا نکرده. در دیدگاه فرهنگ غربی با همه‌ی این هیاهویی که راه میاندازند و با همه‌ی این بوق و طبلی که بر سر مسائل زن و حقوق زن زدند و میزنند وقتی به اعماق بینش آنها شما مراجعه میکنید میبینید که بله باز هم در عمق وجدان و احساس خودشان زن را بعنوان یک وسیله‌ی التذاذ برای مرد میخواهند، نه زن را برای همسر خودش، جنس زن را برای جنس مرد و این بزرگترین اهانت به زن است.^۲

بزرگترین ضربه و اهانت به زن در سیاستهای غربی

عقیده‌ی من این است که بیشترین جریمه‌ی غرب در مسأله‌ی زن و

۱. در پیام به مناسبت سمینار کوثر (۶۵/۱۱/۳۰)

۲. در دیدار با عده‌ای از پرستاران و گروههایی از خواهران به مناسبت روز پرستار (۶۵/۱۰/۱۵)

خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با یک جمله و دو جمله نمیشود توصیف کرد. بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن را همین سیاست غربی دارد انجام میدهد. همین فمینیستهای افراطی هم - که خب، لایه‌های متعددی دارند - من حیث لایشعر دارند به زن ضربه میزنند. حالا من حیث لایشعر که میگوییم، نگاه خوشبینانه است - یعنی اینهایی که دست‌اندرکارند، ظاهراً نمیفهمند چه کار دارند میکنند - احتمال دارد سیاستگذارانی، برنامه‌ریزانی در پشت صحنه هستند که آنها میفهمند دارند چه کار میکنند؛ کما اینکه این احتمال در همان پروتکل‌های صهیونیسم کاملاً پیش‌بینی شده. یعنی ضایع کردن جنس زن و او را مظهري برای استفاده‌ی شهوانی مرد قراردادن، در مواد آن پروتکلها هست. حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لیکن وقتی آدم دستگاه صهیونیسم و شبکه‌ی تبلیغاتی صهیونیسم را ملاحظه میکند، میبیند عملاً همین کار را میکنند؛ حالا اگر هم برایشان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام میدهند؛ ملتزمند این کار را بکنند، و دارند میکنند. زن را ضایع میکنند. یعنی آنچنان رسم و عرف و عادت لایتخلف شده که کسانی جرأت نمیکند برخلاف آن رفتار کنند. در یک مجلس رسمی، یک مرد باید با لباس رسمی بیاید؛ پاپیون بزند، یقه‌اش بسته باشد، آستینش هم تا سر میچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد تی‌شرت بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسه‌ی رسمی، حتماً بایستی بخشهای مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده‌ی کامل بیاید، محل اشکال است؛ اگر بدون جذابیتها بیاید، محل اشکال است؛ اگر آرایش نکرده بیاید، محل اشکال است! این شده عرف. افتخار هم میکنند. در غرب، به‌خصوص در امریکا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاندیناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضه‌ی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامه‌ها و مجلات هم تبلیغ میشود، هیچکس هم اعتراض نمیکند! این شده عرف، این شده عادت. چه ضربه‌ای برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنان خودشان را



میگویم، و کشورهایی که دنباله‌رو آنها‌یند، نه زنان ما را - یکی از بزرگترین ضربه‌هایی است که دارند میزنند. بنابراین نباید در مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه‌ی زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیقی به سر میرد. فقط خانواده نیست؛ بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجیبی است.^۱

وسيله‌ی التذاذ و شهوترانی؛ بزرگترین اهانت به زن

در مسأله‌ی زن هم موضع شما تدافعی نیست؛ تهاجمی است. آنها اعتراضشان به ما این است که چرا زنهایتان حجاب دارند؛ چرا حجاب اجباری است. خود آنها هم بی‌حجابی را اجباری کردند؛ این به آن در! اما مسأله‌ی آنها در قضیه‌ی زن خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. زن در فرهنگ و دنیای غربی به ابتذال کشانده شده، تحقیر شده و به او اهانت شده است. اینکه زن و مرد در پشت میز دیپلماسی و کنار همدیگر، شانه‌به‌شانه، بنشینند، جبران آن لطمه‌هایی را که غربیها به زن وارد کرده‌اند، نمیکند. از زن بعنوان یک وسیله‌ی التذاذ و شهوترانی استفاده کرده‌اند. آنها معتقدند که زن بدون آرایش ارزش ندارد؛ باید خودش را آرایش کند تا مردها او را بپسندند؛ این بزرگترین اهانت به زن است. شما حرف دارید و در این قضایا مدعی هستید.^۲

بالاترین اهانتها به زن در تمدن غرب

در طول تاریخ، زن همیشه مظلوم واقع شده حتی در تمدنهایی که معتقدند زن و مرد دارای حقوق برابرند، به زن بالاترین اهانتها شده است. طراحان تمدن و فرهنگ حاکم بر جوامع غربی با دیدگاههای مادی خود از انسان جز غرایز مادی‌شان چیزی نمی‌فهمند.^۳

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه (۸۳/ ۵/۲۵)

۳. در دیدار با گروهی از بانوان (۶۳/۱۲/۲۱)

اهانت در شکل تکریم

بعضاً دیده میشود که زن در جامعه‌ی غربی به نحوی از انحاء تکریم میشود. مثلاً وقتی ستاره‌های سینما، هنرپیشه‌ها و زنان زیبای مسابقات زیبایی را احترام میکنند، این، از آن نوع تکریم است. تکریم در مقام اهانت؛ اهانت به شکل تکریم، که مثالهای واضحی در زندگی خصوصی افراد دارد و انسان میتواند آن را پیدا کند و بفهمد که «اهانت در شکل تکریم» و «تکریم در شکل اهانت» یعنی چه. تکریم با معنای اهانت، یکی از مشکلات قضیه است.^۱

جلوه‌گری زن؛ تجلیل یا تحقیر

دنایای فاسد غرب خواستند زن را، شخصیت زن را در روشهای غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند: زن برای اینکه شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم‌نواز باشد. این شد شخصیت برای یک زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه‌گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ غرب مست دیوانه‌ی از همه جا بیخبر، تحت تأثیر دستهای صهیونیستی، این را بعنوان این تجلیل از زن علم کرد؛ یک عده هم باور کردند. عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است.^۲

خیانت آوردن زن به شکل متبرّج به وسط میدان

ما از دنیا طلبکاریم. دنیا که عرض میکنم، یعنی دنیای غرب. ما هستیم که به دنیا خطاب میکنیم و میگوییم: شما به بشریت عموماً و به زن خصوصاً خیانت کرده‌ای با کشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن

۱. در دیدار با عده‌ای از پرستاران (۶۵/۱۰/۱۵)

۲. در دیدار با گروه کثیری از پرستاران نمونه (۸۹/۲/۱)

و دامن زدن به آتش زیاده‌رویهای جنسی بی‌قانون و بی‌نظم در جامعه، با آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان.^۱

تشویق به آرایش و تبرّج در مقابل مرد؛ نشانه‌ی مردسالاری غربی

یکی از نشانه‌های مردسالاری غربیها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا می‌گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می‌خواهند مرد آزاد باشد، حتّی برای التذاذ بصری، لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرّج در مقابل مرد تشویق میکنند، البتّه این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره‌مند نبودند، از دورانهای قدیم هم داشتند، امروز هم دارند؛ غربیها هم مظهر اعلای این بودند.^۲

جلوه‌گری و زیبایی‌فروشی زن؛ مقبول‌تر از تفکر، علم و اخلاق او

امروز خانمهای بزرگ، متفکر، اندیشمند، عالم، با اخلاق، خوب در دنیا زیادند، در این حرفی نیست، اما نگاه فرهنگ و تمدّن رایج دنیا به زن، آن نگاه نیست. شما بروید پرسید از با فرهنگترین انسانهایی که در محیطهای غربی زندگی میکنند، ببینید از کدام بیشتر خوشش می‌آید، از آن زن عالم فاضل مخترع مکتشف توانای بر مثلاً یک معجزه‌ی علمی اما بدون داشتن هیچیک از جذّابیتهای زن غربی‌پسند، یا یک خانم بیسواد بی‌فرهنگ اما دارای آن جذّابیتهای یک ستاره‌ی مثلاً فرض کنید فلان‌جور سینما، ببینید کدام را در میزان وجدان خودش ترجیح می‌دهد. این حقیقت تلخی است که امروز دنیا به آن دچار هست که زن در فرهنگ غربی قیمت واقعی خودش را ندارد، برای زن خودنمایی و جلوه‌گری و زیبایی‌فروشی، یک شرط حتمی شخصیت است.^۳

۱. در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (۱۳/۴/۸۶)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۳. در دیدار با عده‌ای از پرستاران (۶۵/۱۰/۱۵)

تنزل زن در حدّ یک وسیله التذاذ با تحمیل فرهنگ برهنگی

تمدن غرب از یکسو زن را مانند بیشتر ادوار تاریخ، طرف ضعیف و مغلوب در مجموعه‌ی خانواده و جامعه دانسته و نگهداشته و از سوی دیگر با تحمیل فرهنگ برهنگی، دست تطاول جنس مرد را به شخصیت وی گشوده و با کمال تأسف او را در موارد زیادی در حدّ یک وسیله‌ی التذاذ تنزل داده است.^۱

خیانت و ضرر فرهنگ غرب؛ بی‌بند و باری و ابتذال زنانه

غریبه‌ها درباره‌ی جنس زن باید پاسخگو باشند، آنها به زن خیانت کردند، تمدن غربی به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی و سیاسی و فکری دیده می‌شود، مال خود زن‌هاست. هر جا این‌جور چیزها پیش می‌آید، در ایران اسلامی و در کشورهای دیگر هم پیش آمده است. مال خود زن‌هاست. آنچه که غریبه‌ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه‌گذار این خشت کج و بنای کج بود، بی‌بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده‌اند. داخل خانواده او را هم اصلاح نکرده‌اند. مکرّر در مطبوعات امریکایی و اروپایی میزان بالای زن‌آزاریها و شکنجه‌ها و بی‌مهریها منتشر شده است. فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق موجب شده است که خانواده سست شود. بنیان خانواده متزلزل شود، زن و مرد در داخل خانواده خیانت به یکدیگر برایشان خیلی مهم شمرده نشود، این گناه نیست؟ با این فرهنگ از همه دنیا هم طلبکارند. در حالی که باید بدهکار باشند! فرهنگ غربی در مورد زنان نباید در موضع مدافع قرار بگیرد، باید از خودش دفاع کند. باید توضیح بدهد، اما غلبه و سلطه‌ی سرمایه‌داری و رسانه‌های مستکبر جبار غربی قضیه را برعکس میکنند. آنها میشوند طلبکار، آنها میشوند مدافع حقوق زن به قول خودشان در حالی که چنین چیزی نیست. البته در بین غریبه‌ها هم مسلماً متفکرانی، فلاسفه‌ای، انسانهای صادق

۱. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۷/۱۱/۸)

و صالحی هستند که صادقانه فکر میکنند و حرف میزنند. آنچه که من میگویم، گرایش عمومی فرهنگ و تمدن غربی به زیان زن و علیه اوست.^۱

حاصل سیاست غرب؛ ابتلاء به همجنس‌گرایی و سوءاستفاده جنسی از زن

الآن مسأله‌ی همجنس‌گرایی در دنیای غرب یکی از ابتلائات است. البته به رو نمی‌آورند؛ اما حقیقت قضیه این است که امروز برای اندیشمندان و آنها یکی از دردهای بزرگ و غیر قابل علاج شده است؛ چاره‌ای هم ندارند. آنطور حرکت کردن، آنطور ادبیات پرده‌درانه و عریان در زمینه‌ی مسائل جنسی و ارتباط زن و مردم را به میان آوردن، آنطور جنس زن را - یعنی همان بخش زیبا و لطیف و مستور و در پرده‌ی وجود بشر را - برای شغل، برای تبلیغات، برای کار، به میدان کشاندن، از لبخند او، از زیباییهای او، از جسم او، از چهره‌ی او برای ترویج فلان جنس بی‌ارزش و پست، برای به دست آوردن پول استفاده کردن، این چیزها را هم دنبال خودش دارد؛ طبیعی است. این کارها را دنیای غرب کرده، این کارها را سیاستهای غربی کرده‌اند؛ مربوط به ادیان هم نیست، مربوط به مسیحیت و یهودیت هم نیست؛ مربوط به سیاستهای جدیدی است که از حدود صد و پنجاه سال پیش - حالا دقیق نمیتوانم عرض کنم - در دنیا رایج شده. شما ادبیات کشورهای اروپایی را در قرون هجده و نوزده و نگاهشان به زن را ببینید؛ مطلقاً تفاوت دارد با آنچه که در قرن بیستم و در نوشته‌ها و ادبیات قرن بیستم، انسان میبند نسبت به زن، آنها پیگیری کرده‌اند. آن روز نگاهشان، نگاه نجیبانه‌تر، شرم‌آلودتر و متناسب‌تر با طبیعت زن و مرد بود. معلوم میشود این کار سیاسی حالا از طرف صهیونیستها بوده، از طرف دستگاههای استعمارگر بوده؛ اینها احتیاج به تحقیق و کار دارد. این همینطور بتدریج روز به روز شدت پیدا کرده تا به وضعی که امروز ملاحظه میکنید، رسیده. بنابراین دنیای غرب باید پاسخگو

۱. در دیدار گروه‌کنیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

باشد؛ چون به زن ضربه زده‌اند؛ به حقوق زن تجاوز کرده‌اند؛ ارزش زن را تنزل داده‌اند؛ به اسم طرفداری، به او خیانت کرده‌اند. این مطلبی است که ما داریم.^۱

ارتباط راحت زن و مرد در اجتماع؛ بزرگترین ضربه برای زن

یک چیزی در غرب هست که این چشمها را پر میکند و آن اینکه در جامعه، زن و مرد از لحاظ رفتارهای اجتماعی، با هم تفاوتی ندارند؛ یعنی همچنانکه در یک جلسه، مردی وارد میشود، سلام علیکم و احوالپرسی میکند و جزو جمعیت میشود! زن هم با همان راحتی وارد میشود و جزو جمعیت میشود. یعنی هیچگونه تبعیضی در رفتارها از این جهت، بین زن و مرد وجود ندارد. توجه کردید! این، چشم همه را میگیرد. انسان میبیند یک وضع خوبی است؛ همه هم از این وضع خوششان می‌آید. یعنی حتی آن کسانی که به دلایل منطقی با این مخالفند، میبینند چیز بدی نیست! در یک مجموعه، مثل دو بیگانه به هم نگاه نمیکنند، مثل خواهر و برادر که در خانه وارد میشوند، با هم سلام و علیک دارند و زندگی میکنند! زن و مرد در غرب، اینگونه با هم برخورد میکنند. این، یک نقطه‌ی مثبت، ولی سطحی و ظاهری است؛ در کنار این، نقاط منفی فراوانی وجود دارد.

کسی که قطعاً به او ظلم میشود، زن است؛ زیرا مردی که همسر این زن است، با زنهای متعدد دیگری ارتباطات عاطفی و جنسی دارد. ارتباطات کاملاً خودمانی و صمیمی دارد که کمتر از آن را با عیال خودش ندارد! این برای زن بزرگترین ضربه است.^۲

معاشرت یکسان زن و مرد در غرب؛ عملی فریبنده و نادرست

غریبها به لحاظ رفتار و معاشرت، میان زن و مرد تفاوتی قائل نیستند

۱. در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (۱۳/۰۴/۸۶)

۲. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس (۳۰/۴/۷۶)

که ظاهر این کار، فریبنده و باطن آن منفی و نادرست است. اسلام وجود حجاب بین زن و مرد و رعایت برخی محدودیتهای را در این زمینه ضروری میداند، اما با ظلم و ستم نسبت به زن و استفادههای ظالمانه از زنان که در کشورهای غربی و به خصوص امریکا و برخی از کشورهای اروپایی به مراتب شدیدتر است، مبارزه و مقابله میکند.^۱

التذاذ از زن در جامعه؛ عامل تزلزل خانواده و بی حرمتی به زن

در غرب بنیاد خانواده متزلزل است و روابط سرد، میان زن و شوهر حکمفرماست و از سوی دیگر در سطح جامعه‌ی غربی نیز زن بعنوان یک شخصیت مستقل بلکه بعنوان وسیله‌ای برای التذاذ مردان است و روال کلی بر این است که زن در این جوامع از هیچ تکریم ویژه‌ای برخوردار نیست و عرف فرهنگ غرب چنین چیزی را اقتضا میکند.^۲

تلذذ از زن در اجتماع و زن آزاری در خانواده

این غریبهایی که میبینید اینقدر جنجال میکنند و سر مسأله‌ی زن اینقدر بازی در می‌آورند، همینجا گرفتارند. میگویند ما احترام زن را نگه میداریم. بله احترام زن را تو مجالس رسمی و توی فروشگاهها و خیابانها نگه میدارند آن هم به معنای تلذذ از او. اما توی خانواده هم شوهر با زنش همینطور است؟ چقدر زن آزاری، چقدر کتک زدن زنها به دست مردها، چقدر فاجعه‌آفرینی در داخل خانه، قلدرمآبی و...^۳

۲-۳- سوءاستفاده‌ی اقتصادی از زن در غرب

صدور ادعانامه علیه غرب پول پرست در اهانت به زن

یک بازننگری در شخصیت زن بایستی بشود، یک ادعانامه علیه کسانی که

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی- اجتماعی زنان (۷۵/۵/۱۴)

۲. در دیدار عمومی خواهران در هفته‌ی زن (۷۲/۹/۱۷)

۳. در خطبه‌ی عقد (۷۹/۶/۲۸)

در طول این دهه‌های اخیر در دنیا با سیاستهای غلط خودشان یا مغرضانه خودشان نسبت به زنان اهانت کردند بایستی صادر بشود و متهم در این ادعاینامه در درجه‌ی اوّل فرهنگ غربی و سردمدارانش هستند. آنوقتی غرب، غرب پول‌پرست، غرب سرمایه‌پرست، غرب مادی ب فکر حق مالکیت برای زن افتاد و حق کار کردن که کارخانه‌ها احتیاج پیدا کردند به کارگر زن. قبل از این چنین حقی در اروپا به زن داده نمیشد. آنوقتی مسأله‌ی حق رأی را برای زنان در محیطهای اروپای رایج کردند که کمپانیهای رأی‌سازی که به اتکای قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی جامعه را در دست داشتند احساس کردند که به آراء زنان احتیاج دارند و ناچارند که آراء آنها را مورد استفاده قرار بدهند یعنی آنچه انجام گرفته تابع روح ماده‌پرستی بود و این فرهنگ غربی است متأسفانه. فرهنگ غربی اینجوری است. ما با فرهنگ غربی هیچ دشمنی بخصوصی نداریم. به مناسبت اینکه مال یک نقطه‌ی دیگر عالم است یا به هر دلیل دیگر، ما در فرهنگ غربی ممکن است نقاط مثبتی هم پیدا کنیم آن نقاط مثبت را قبول خواهیم کرد. اینجوری تلقی نشود که ما نشستیم فقط برای انتقاد کردن از فرهنگ غربی. نه ما برای اثبات حقانیت آن فرهنگی که اسلام ارائه میکند احتیاج به این نداریم که این یا آن را تخطئه بکنیم اما انصاف را وقتی مطالعه میکنیم در آنچه که واقع شده و در جامعه‌ی انسانی رفته از قبل این فرهنگ غربی وقتی مطالعه میکنیم و نگاه میکنیم احساس میکنیم که حقیقتاً عناصر مضرّ و مخرب فراوانی در این فرهنگ هست، با او مبارزه میکنیم و مهمترینش آن چیزهایی است که مربوط به زن هست.^۱

زن؛ قربانی تمدن صنعتی غرب

اصلاً در دنیای صنعتی، وارد کردن زن در صحنه‌های اجتماعی تا حدود زیادی انگیزه‌های اقتصادی داشت. همینطور که میدانید و این در کتابها و

۱. بیانات در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

مقالات و نوشته‌هایی که درباره‌ی زن نوشته شده تحلیل شده، سالهاست حالا دهها سال است که این مسأله گفته شده و جزو واضحات است. علت اینکه در انگلیس و در فرانسه و در کشورهای غربی کلاً برای زن حقوقی شناختند که تا اوایل قرن نوزدهم برای زن حقوقی قائل نبودند و زن مقهور مطلق دست مرد بود در تمدن اروپایی. علت اینکه برای او حقّ شناختند، حقّ رأیی، حقّ مالکیتی، حقّ تصرفی این بود که او میتواند یک بازوی کاری ارزانی باشد برای این صنایعی که تازه به شکوفایی داشت میرسید، یعنی زن در حقیقت قربانی تمدن صنعتی شد در اروپا. این یک چیزی است که کاملاً روشن و مشخص است.^۱

نداشتن حقّ مالکیت زنان در غرب تا اوایل قرن بیستم

تا اوایل این سده یعنی تا دهه‌های دوم و سوم همین قرن میلادی در کشورهای غربی، زنان مالکیت به معنای حقیقی نداشتند! یعنی زنی که شوهر میکرد بدون اجازه شوهرش نمیتوانست در ثروت خود تصرف بکند. این را با احکام اسلامی مقایسه کنید که زنان را مستقل میداند. مگر شوهر حقّ دارد که به زن بگوید تو در مال خودت این کار را نکن، این کار را نکن، این تصرف را نکن؟ در اسلام چنین حقّی به شوهر داده نشده است.^۲

نیاز به کارگر ارزان؛ عامل اعطای حقّ مالکیت به زن در غرب

بانوان گرامی؛ بخصوص زنان جوان که میخواهند در این زمینه‌ها فکر بکنند، درست توجّه کنند. نکته‌ی مهم این است که حتّی آن وقتی که در اروپا برای زن حقّ مالکیت معین شد طبق بررسی موشکافانه جامعه‌شناسان خود اروپا بخاطر این بود که کارخانه‌ها که تازه بساط تکنولوژی مدرن و صنعت در غرب به راه افتاده بود، احتیاج به کارگر داشتند، اما کارگر کم بود؛

۱. در سمینار نقش زن در جامعه‌ی در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) (۷۶/۳/۱۴)

احتیاج به کارگر زیادی داشتند، برای اینکه زنان را به کارخانجات بکشاند و از نیروی کار آنها استفاده کنند، که البته مزد کمتری هم همیشه به زنان میدادند؛ لذا اعلان شد که زن دارای حق مالکیت است!^۱

غرب و ممنوعیت حق تصرف زنان در اموال خود

ما از دنیای غرب، که آمدند زن بشری را در طول دوره‌های گذشته تا امروز اینقدر مورد تحقیر قرار دادند، طلبکاریم. شما ببینید در اروپا و در کشورهای غربی، تا اندکی پیش، زنان حقوق مالی مستقلی نداشتند. من یک وقت بدقت آمارش را استخراج کردم و در صحبتی ظاهراً در نماز جمعه‌ی چهار، پنج سال پیش از این بود^۲ آن را مطرح کردم. مثلاً تا اوایل قرن بیستم، با همه‌ی آن ادعاهایی که شده است، با آن کشف حجاب عجیب و غریبی که در غرب روز به روز هم بیشتر شده، با آن اختلاط جنسی بی‌نهایت و بی‌مهار که خیال میکنند این احترام کردن و ارزش دادن به زن است در عین حال زن غربی حق نداشته از ثروتی که متعلق به خودش بوده، آزادانه استفاده کند! در مقابل شوهر، مالک دارایی خودش نبوده است. یعنی زنی که ازدواج میکرد، ثروت و دارایی و ملکش متعلق به شوهرش بود، خودش حق نداشت نسبت به آن تصرفی بکند، تا اینکه بتدریج حق مالکیت و حق کار، تا اوایل قرن بیستم به زنان داده شد. یعنی این مسأله‌ای که جزو اولی‌ترین حقوق بشری است، از زن دریغ داشتند؛ اما فشار و تکیه بیشتر را روی آن مسأله‌ای گذاشتند که درست نقطه‌ی مقابل مسائل ارزشی واقعی است که در اسلام به آن اهتمام شده است. اینکه ما حالا در باب حجاب این همه تأکید داریم، علتش این است.^۳

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۵/۵/۱۰، ۶۵/۵/۱۷، ۶۵/۵/۳۱، ۶۵/۷/۱۸، ۶۵/۸/۹)

۳. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی (۷۰/۱۰/۴)

زن؛ وسیله‌ی سوداگری سرمایه‌داری غرب

موضوع زن در طول سالهای متمادی دستمایه‌ای شده است در دست سوداگران همه‌ی ارزشهای انسان در دنیا و در رسانه‌های جمعی عالم. آن کسانی که نه برای زن، نه برای جنس انسان، نه برای کرامتهای انسانی، جز در محاسبه با پول ارزشی قائل نیستند، که متأسفانه در تمدن کنونی مغرب نقش مهمی را در همه‌ی عرصه‌ها ایفا میکنند؛ مسأله‌ی زن را هم برای خودشان در میدانهای مختلف بصورت یک سرمایه، بصورت یک وسیله سودگرای درآوردند. روی آن بحث میکنند، فرهنگسازی میکنند، تبلیغ میکنند، ذهنهای مرد و زن همه‌ی دنیا را بر سر دو راهی یک وسوسه و گمراهی بزرگ قرار میدهند.^۱

ارزشگذاری به آرایش، مد و تفاخرها جهت جذب منافع مادی شرکتها

خوشبختانه زنان ما این را نشان دادند که هنگام مبارزه میتوانند محور مبارزه قرار گیرند. این راه، هم در دوران انقلاب و هم در دوران جنگ و تا امروز نشان داده‌اند. آنچه در این میان جایی ندارد یا جای زیادی ندارد، پرداختن به ارزشهای پوچ و خیالی و بیهوده است؛ چیزهایی که متأسفانه در جوامع زنان دنیا، به آنها خیلی اهمیت داده میشود. مسائلی مانند آرایشها و لباس پوشیدنها و مدها و تفاخرها و غیره، ارزشهای پنداری و پوچند. غرب و دستگاهها و شبکه‌های صهیونیستی و کسانی که میخواهند از این طریق شرکتهای خودشان را پولدارتر کنند و به فکر منابع و منافع مادی خودشانند، سر زنان و مردان را با این ارزشها گرم میکنند؛ اما در جوامع اسلامی، به این چیزها اهمیت کمتری داده میشود.^۲

گزارش تکان دهنده‌ی رشد تجارت و قاچاق زنان

مسأله‌ی سست شدن بنیان خانواده - گزارشهای تکان‌دهنده‌ای که یک

۱. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

۲. در دیدار با جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

نمونه‌اش را یکی از خانمهای محترم اینجا اشاره کردند - مسأله‌ی آمار گریه‌آور و تأسّف‌بار تجارت زنان. امروز در دنیا طبق گزارشی که داده شده است - که این گزارش به نظرم گزارش سازمان ملل است؛ گزارش یک مرکز رسمی است - سریع‌الرشدترین تجارت‌های دنیا، تجارت زنان و قاچاق زنان است. بدترین کشورها هم در این زمینه، چند تا کشورند؛ از جمله رژیم صهیونیستی است.^۱

۲-۴. موقعیت خانوادگی زن در فرهنگ غرب

خانواده؛ نقطه‌ی ضعف غرب

غرب رندانه از زیر بار طرح مسأله‌ی خانواده در می‌رود. توی همه‌ی بحث‌هایی که اینها میکنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است. مسأله‌ی زن را مطرح میکنند، اما اصلاً اسم خانواده را نمی‌آورند؛ با اینکه زن از خانواده جدا نیست. بنابراین رسیدن به این مسأله، لازم است.^۲

ناکامی زن در اساسیترین و فطریترین نیازهایش

مشکل اصلی زن این نیست که چرا نمیگذارند در منظر مردان دیوانه جلوه‌گری و دلربایی کند، مشکل اصلی زن این است که در اساسیترین و فطریترین نیازهایش، یعنی نیاز مادری و نیاز همسری، نیاز عاطفه و محبت نسبت به نزدیکانش اینطور دچار ناکامی و وحشیگری و اذیت و فشار بشود و این چیزی است که امروز در آن دنیا وجود دارد. حالا شما ملاحظه کنید آیا دنیای غرب که زنها را تشویق کرده بتدریج که پوشیدگی را و حفاظ و حجاب عفت میان او و بیگانگان را از او بگیرد آیا به او خدمت کرده؟ زن را در حدّ یک کالا پایین آوردند و به او اهانت کردند.^۳

۱. در دیدار با جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

۲. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۳. در سخنرانی مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (۶۷/۱۱/۸)

۱. در دیدار با یونسف و فرماندهان ارتش (۷۵/۱/۲۸)

ضرب و شتم قرار میگیرند. این چیزی است که وجود دارد، سالانه بیش از یک میلیون وهشتصد نفر، اینها آنهایی اند که می آیند شکایت میکنند، خیلیها هم هستند که میترسند و شکایت نمیکنند. در همین مقاله نوشته در ۱۴ از کلّ زندگيهای زناشویی نوعی ضرب و شتم و خشونت و وحشیگری و ترس و وحشت حکمفرماست. در همین مقاله نوشته، بیست درصد از زنانی که برای جراحیهای اورژانس به بیمارستانها و کلینیکها مراجعه کردند؛ قربانیان خشونتهای خانوادگی بوده، این یعنی انسان وقتی که میخواند و اطلاع پیدا میکند از این آمار، میبند حقیقتاً دنیای جاهلیت آنجاست! چه فرقی است میان آن مردی که دخترش را در جاهلیت در کودکی زیر خاک میکرد، با آن مردی که همسرش را تا حدّ مرگ کتک میزند؟^۱

آمار وحشت آور از خانواده‌های امریکایی

من آماری را در یک مجله‌ی امریکایی یکی دو سال قبل خواندم؛ حقیقتاً آمار ستمهای مرد در داخل خانواده‌ی امریکایی وحشت‌آور بود. البته میدانید امریکاییها از جهاتی، از لحاظ به اصطلاح رهایی و باز بودن، حتی از اروپاییهای سنتی بهترند، از انگلیس و فرانسه و اینها مقداری باز و راحتتر هستند. همین حالت گشایشی که در فرهنگ غربی مشاهده میشود، در امریکا بیشتر از کشورهای اروپایی است؛ در عین حال در آنجا به زن خانه، اهانت، ظلم و کتک، زیاد است. در آن آماری که من دیدم، نوشته بود که این، آمار کسانی است که جرأت کردند و آمدند شکایت کردند، و بسیاری هستند که جرأت شکایت نمیکنند!^۲

آمار حیرت انگیز شکایت زنان از شوهران در امریکا

در غرب با همه‌ی ادّعاها در مورد تکریم زن و با همه‌ی تشریفات دروغین و ظاهری که بعنوان تکریم انجام میگیرد که در واقع اهانت است

۱. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (۶۷/۱۱/۸)

۲. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی (۷۶/۴/۳۰)

ارتباطات زن و شوهرها در داخل خانه‌ها تأسّف‌آور است، یا روابط زن و شوهر که در خانواده‌های بسیار ارتجاعی و متعصّب ما وجود دارد؛ مثل کتک زدن زن و سیاه کردن بدن زن و کشتن زن برای خاطر چیزهای کوچک که معمول است، اینها موجب تأسّف است. من آماری را دو سه سال پیش در یکی از مجلّات امریکایی خواندم. تعداد زنهایی که از شوهرانشان به خاطر همین چیزها شکایت کردند، رقم حیرت‌انگیزی را نشان میداد که حاکی از واقعیتهای موجود در دنیای دروغگوی غرب نسبت به زن است و این یکی از موانع ترقّی و تکامل است.^۱

مظلومیت زن در طول تاریخ

در طول تاریخ، همیشه زن مظلوم واقع شده. حتّی در آن جاهایی که در آن تمدّن‌ها و فرهنگهایی که اعتقادشان این بوده که زن و مرد حقوق مساوی و برابری دارند، که این تمدّن کنونی غرب میراث بر همان افکار آنچنانی است. هم آنها بیخود میگفتند و دروغ میگفتند هم اینها دروغ میگویند؛ در تمام این دورانها به زن اهانت شده. همیشه زن کتک خورده، دشنام شنیده، از شوهر، از پدر، از برادر، بصورت یک چیز عادی و معمولی.^۲

تشریفات ظاهری و دروغین غرب بعنوان تکریم مقام زن

خضوع زن در مقابل مرد، چیزی است که امروز در غرب وجود دارد. میخواهند زن را خاضع کنند. البتّه خاضع کرده‌اند؛ نه اینکه میخواهند بکنند. در این روش، زن را در رفت و آمدها جلوتر از مرد میاندازند و تعارف میکنند که خانم جلوتر از آقا برود. امّا این، ظاهر قضیه است؛ باطن قضیه، درست عکس این است. بعد شگفت‌آور است که با همین ادّعاهایی که در مورد زن دارند و با همین به اصطلاح تشریفات ظاهری و دروغینی که

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

بعنوان تکریم انجام میدهند - و در واقع اهانت است - ارتباطات زن و شوهر در داخل خانواده‌ها، واویلاست.^۱

مظلومیت خانگی زن در دنیای بظاهر آزاد

البته در دنیای آزاد، آنجایی که بظاهر آزادی‌هایی وجود دارد، هر چند که اشکالاتی از ناحیه آزادی‌ها به وجود آمده که ناشی از دست پنهانی توطئه‌گران علیه عفت و عصمت بشر است، اما در آنجا نیز به حقوق زن ظلم میشود. آنجا به‌خصوص در محیط‌های داخل خانواده و در آن اعماق جامعه، زن کاملاً مظلوم است. نگاه نکنید به آنچه که از چهره‌ی زن در تلویزیون و در تشکیلات دولتی دیده میشود؛ در داخل جوامع باز هم زنان مظلوم هستند. الآن در جامعه‌ی امریکایی به آن مردی که با همسر خود مهربان و خوب باشد شدیداً احترام میگذارند. اصلاً مسأله‌ی خانواده برایشان یک مسأله‌ی مهمی است و این ناشی از این است که از ناحیه‌ی بی‌احترامی به زنان ضربه خورده‌اند. و در آنجا این ظلم‌ها وجود دارد. اما در مجموع وقتی نگاه میکنید، میبینید که بخاطر اینکه این نظام‌های علی‌الظاهر یک نظام‌های دور از استبداد جلوه داده بشوند، در موارد خاصی یک مقدار فرصتهایی به زن داده میشود. البته آن نظام، خود نظام ظالمانه‌ای است.^۲

در زندگی‌های خانوادگی و محدود و در برخوردها و روابط شخصی هم آنچنان که ادعا میشود در محیط‌های غربی رعایت حال بانوان نمیشود.^۳

ظلم به زن در خانه با وجود بی‌پروایی در جامعه

بعضی‌ها ظاهربین هستند، به محیط اجتماعی در غرب نگاه میکنند، میبینند که زنان می‌آیند و بدون هیچ پروایی ول میروند. خیال میکنند که

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۲/۲۸)

۳. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

اینها در داخل خانواده هم همینطور بی‌پروا حرکت میکنند، این اشتباه است، در محیط خانواده به زنان خیلی ظلم میشود. اسلام جلوی این را میگیرد. اگر در جامعه‌مان در این زمینه کمبودی باشد باید جلوی آن گرفته شود و حمایت قانونی از زن با کمال قوّت و شدّت انجام بگیرد. البته در محیطهای اجتماعی فعالیتهایی وجود دارد که زنان در آن فعالیت‌ترند.^۱

آزادی بی‌قید و شرط در ارتباط با نامحرم و اسارت شوهر

ما می‌گوییم در معاشرت زن با مرد، باید حدودی رعایت شود. اما در عین حال که این حدود باید رعایت شود، زن آزاد است. با پدرش که برخورد کند، آزاد است. با شوهر، آزاد است. با برادر، آزاد است. یعنی هیچ مردی رابطه‌ی برتری، به معنای قوّهی قاهره، نسبت به زن ندارد. نه شوهر، نه پدر، نه برادر. در عین حال، در معاشرتها، بین زن و مرد مرزی باید وجود داشته باشد. اما در آن فرهنگ، درست به عکس است. زن در معاشرتها، بی‌قید و شرط، آزاد است. یعنی با نامحرم میتواند در اتاق خلوتی می‌گساری کند. این، از لحاظ عرف فرهنگ غربی اشکالی ندارد. اما همین زن، برده‌ی شوهرش است و اگر شوهر اجازه ندهد که او با پدرش حتّی، سلام و علیک کند، مجبور است تسلیم او باشد. ببینید! این، درست نقطه‌ی مقابل نظر اسلام است.^۲

تصویر مظلومیت زن در ادبیات غرب

به نمایشنامه‌های معروف شکسپیر انگلیسی نگاه کنید، ببینید با چه نفسی و با چه زبانی و با چه دیدی در این نمایشنامه‌ها و سایر ادبیات غربی به زن نگاه میشود! مرد در ادبیات غربی، سرور و ارباب زن و اختیاردار اوست، که بعضی از نمونه‌های این فرهنگ و آثار آن، امروز

۱. در جمع خواهران ارومیه (۷۵/۶/۲۸)

۲. در دیدار گروه نمایش صدا (۷۱/۱۰/۲۹)

هم باقی است.

در همان نمایشنامه‌هایی که اشاره کردم، آنچه که شما میبینید، همین است؛ دختری است که مجبور به ازدواج شده است، زنی است که از طرف شوهر به قتل رسیده است، خانواده‌ای هستند که زن در آن در نهایت فشار است. آنچه که هست، از همین قبیل است. این، ادبیات غربی است. تا اواسط قرن کنونی، همین فرهنگ ادامه داشته؛ اگرچه از اواخر قرن نوزدهم میلادی، حرکت‌هایی به نام آزادی زنان شروع شده است.^۱

شوهر؛ مالک مال و جان زن

در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه موجودی و املاک خود ازدواج میکرد و به خانه‌ی شوهر میرفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار میگرفت، بلکه تمام اموال و املاک و داراییهای او هم که از پدر و خانواده او به او رسیده بود، متعلق به شوهر میشد. این چیزی است که غریبه‌ها نمیتوانند آن را انکار بکنند؛ این در فرهنگ غربی بوده. در فرهنگ غربی، زن وقتی به خانه‌ی شوهر میرفت، شوهر در واقع اختیار جان او را هم داشت. لذا شما در داستانهای غربی و در اشعار اروپایی بسیار میبیند که شوهر بخاطر یک اختلاف اخلاقی، همسر خود را میکشد و کسی هم او را ملامت نمیکند! دختر در خانه‌ی پدر، حق هیچگونه گزینشی را نداشت.^۲

مقایسه‌ی ازدواج دو زن اشرافی در اسلام و غرب

نمایشنامه‌های شکسپیر، داستانهای تاریخی است که او آنها را به این شکل زیبا درآورده و غالباً هم از دیدگاه خود آنها، «ارزشی» است. نمایشنامه‌های شکسپیر، همین «تاجر ونیزی» یا آن یکی «اتللو»، همه‌اش

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در همان





آثار ارزشی است؛ متنها ارزش غربی. مثلاً «رام کردن زن سرکش»، یکی از همان نمایشنامه‌های ارزشی است. در این نمایشنامه، از دیدگاه شکسپیر، همه‌ی ارزش و اهمیت زن به این است که مطیع و برده‌ی مرد باشد. خانمها خوب است تعدادی از نمایشنامه‌های شکسپیر را اگر نخوانده‌اند، بخوانند تا ببینند که زن در چشم غریبها چیست؟! از دیدگاه آنها، مرد سرور زن است! در همین نمایشنامه‌ی اتللو، اتللو کیست؟ اتللو یک سیاهپوست بی‌اصل و نسب است و طرف مقابلش یک خانم اشرافی است به نام دزدمونا. زن، خانمی اشرافی و زیبا، و مرد، یک سیاه گردن کلفت که در جنگ مهارت به خرج میدهد و سرباز خوبی است. به مجردی که اتللو سیاهپوست، شوهر دزدمونای اشرافی میشود، دیگر زن باید به او بگوید «سرور من». بعد هم مرد، اینقدر حق دارد که زن را به دست خودش خفه کند؛ برای اینکه سوءظنی به او پیدا کرده است. توجه میکنید؟ حالا اینها را مقایسه کنید با اسلام. در اسلام این مسائل و این خبرها نیست. بله؛ در اسلام هم ازدواج یک دختر اشرافی زیبای با اصل و نسب را با یک پسر زشت بی‌اصل و نسب، که همان داستان معروف «جویبر» است، داریم. اما این دختر، وقتی که به همسری جویبر در می‌آید، شوهر «سرور او» نمیشود. در «اتللو» به مجردی که زن اشرافی به همسری سیاهپوست در می‌آید، مرد «سرور» زن محسوب میشود. این نگرش به زن را ملاحظه کنید! در آن دیدگاه، زن، همه‌ی ارزشش به این است که مرید و برده و مخلص و مطیع دربست شوهر باشد. اینها نشان دهنده‌ی نگرش غریبها نسبت به زن است و چقدر هم نگرش بدی است!^۱

تغییر نام خانوادگی زن در خانه‌ی شوهر در فرهنگ غرب

امروز هم وقتی زنی با مردی ازدواج میکند و به خانه‌ی شوهر میرود، حتی نام خانوادگی او عوض میگردد و نام خانوادگی مرد میشود. زن تا

۱. در همایش بزرگ خاوران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

وقتی نام خانوادگی خود را دارد که شوهر نکرده است؛ وقتی شوهر کرد، نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد تبدیل میشود. این رسم غربیهاست؛ در کشور ما اینطور نبوده، هنوز هم نیست. زن هویت خانوادگی خودش را با خودش حفظ میکند؛ ولو بعد از ازدواج. آن، نشانه‌ی همان فرهنگ قدیمی غربی است که مرد سرور زن است.^۱

تغییر نام به نام شوهر؛ ریشه در بی‌اعتنایی به شخصیت زن

در میان کشورهای اروپایی، زن حق تصرف در مال خود را نداشت. زنی که ازدواج کرده بود، بطور طبیعی اختیار اموالش دست شوهرش بود. این هم که معمول شده است میبینید وقتی زن ازدواج میکند، اسمش عوض میشود - اسم زن، نام زن، هویت زن کأنه عوض شد؛ نام فامیلی شوهر بطور طبیعی روی او می‌آید - این رسم ما نیست؛ این رسم آنهاست. این همان در سایه نگه داشتن و بی‌اعتنایی کردن و ناچیز شمردن زن است. آنها برای اینکه زن بتواند در معلومات، در اکتشافات، در مسائل زندگی و حتی در محیط خانواده، دارای شخصیت و هویتی باشد، چندان سینه چاک نمیکنند. آزادی مورد نظر آنها اساسش آن است که عرض شد.^۲

آزادی بی‌قید و شرط معاشرت؛ عامل متلاشی شدن خانواده در غرب

یک افراط این چنین، در مقابل یک تفریط هم دارد. وقتی نهضتی به نفع زنان در آن چنان فضاها به وجود می‌آید، طبعاً دچار تفریطهایی میشود، لذا شما میبینید، در طول چند ده سال، آنچنان بی‌بندوباری و فساد در غرب به وسیله‌ی آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکران غربی را دچار وحشت کرد. الآن دلسوزان و مصلحان، انسانهای خردمند و با انگیزه در کشورهای غربی، از آنچه پیش آمده است، متوحش و ناراحتند و البته

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور (۷۹/۷/۱۱)

نمیتوانند هم جلوی آن را بگیرند. بعنوان اینکه میخواهند به زنان خدمت بلکه، بزرگترین ضربه را به زندگی زن وارد آوردند. چرا؟ بخاطر اینکه با بی‌بند و باری، با اشاعه‌ی فساد و فحشا، با آزادی بی‌قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیاد خانواده متلاشی شد. مردی که میتواند آزادانه در جامعه اطفای شهوت بکند، زنی که میتواند بدون هیچ ایراد و اشکالی در جامعه با مردان گوناگون تماس داشته باشد، اینها در خانواده، نه یک شوهر خوب و نه یک همسر خوب و زن خوب خواهند بود؛ لذا بساط خانواده متلاشی شد.^۱

غربت خانواده در غرب بر اثر بی‌اعتنایی

یکی از مشکلات دنیای غرب که بتدریج پایه‌های تمدن غرب را مثل موریانه میخورد و علیرغم پیشرفتهای صنعتی و علمی‌اش مشرف به سقوط و هلاکت است - البته در بلندمدت - همین قضیه‌ی بی‌توجهی به خانواده است. نتوانستند خانواده را حفظ کنند. در غرب، خانواده، غریب، مورد بی‌اعتنایی و تحقیر شده است.^۲



یکی از گناهان کبیره‌ی تمدن غرب نسبت به بشریت، این است که ازدواج را در چشم مردم سبک کرد. تشکیل خانواده را کوچک کرد، مثل لباس که عوض میکنند.^۳

پیامدهای ازدواجها در غرب

در جوامع غربی جوانها، دوره‌ی نشاطِ جوانی و تُندی احساسات و غرایز را آزادانه میگذرانند و وقتی به خانواده و به ازدواج میرسند که در واقع بخش زیادی از میل طبیعی آنها و غرایز آنها فرو نشسته است. آن شوق

۱. در اجتماع خاوران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در خطبه‌ی عقد (۷۹/۱۱/۱۷)

۳. در خطبه‌ی عقد (۷۸/۱/۲۲)

و محبت و عشقی که باید در اعماق روح زن و شوهر جایگزین شود، در اینها نیست یا کم است.^۱

زندگیهای قراردادی فاقد انس و گرمی خانوادگی

خانواده‌ها، آنجا گرم نیستند. خانواده اصلاً آنجا واقعیت ندارد. یک مرد و زن با هم توی یک فضایی زندگی میکنند اما از هم جدايند. آن نشست و برخاستهای خانوادگی، آن محبت‌های خانوادگی، آن انسهای فراوان به هم، اینکه مرد خودش را محتاج به زنش ببیند و زن خودش را محتاج به شوهرش ببیند، اینها دیگر نیست. دو نفرند بصورت قراردادی که فقط در یک خانه‌ای زندگی میکنند. اسمش هم هست که با عشق شروع می‌شود.^۲

عدم تبادل عاطفی و زندگی رقت‌بار در مقیاس خانواده

در دنیای غرب با اینکه بسیاری از آنها از علم و ثروت و سیاستهای قوی در صدر حکومتها برخوردار هستند، لیکن زندگی آحاد مردم در مقیاس خانواده، زندگی بسیار رقت‌باری است. این اجتماعات فامیلی، اینکه بزرگترهای فامیل و کوچکترهای فامیل دور هم جمع شوند، به هم محبت ورزند، با هم تبادل عاطفی داشته باشند، به هم کمک کنند، به هم برسند، همدیگر را از خود بدانند، برادر با برادر، خانواده‌ها با هم یگانه و یکی باشند، اینطور چیزهایی که الآن بین ماها رایج و معمولی است، در غرب از این چیزها خبری نیست. چقدر زنها تنها زندگی میکنند. زنی که تنهاست، صبح برمیخیزد تنهاست. نه انسی، نه همسری، نه فرزندی، نه نوه‌ای، نه خویشاوندی که با او گرم بگیرد. انسانها در محیط اجتماعی، تک زندگی میکنند. غالباً تنها هستند. چرا؟ چون محیط خانوادگی در آن جوامع فراموش شده است.^۳

۱. در خطبه‌ی عقد (۷۶/۱۱/۹)

۲. در خطبه‌ی عقد (۷۸/۱/۲۲)

۳. در خطبه‌ی عقد (۷۲/۱۰/۲۰)

تزلزل بنیان خانواده در غرب

امروز یکی از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را بشدت گرفته و آنها را به وضعيت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله‌ی خانواده است. لذا هر مردی که شعار خانواده بدهد، از نظر غریبه‌ها و به‌خصوص از نظر زنان در غرب، یک فرد مطلوب و یک مرد محبوب است. چرا؟ چون از تزلزل بنیاد خانواده رنج می‌برند؛ بخاطر اینکه متأسفانه غرب، خانواده؛ یعنی کانونی را که برای مرد و زن و به‌خصوص برای زن محیط امن و آرامش است، از دست داده است. بسیاری از خانواده‌ها متلاشی شده‌اند. بسیاری از زنان تا آخر عمر تنها زندگی میکنند. بسیاری از مردان، زن مورد علاقه و مورد نظر خود را نمی‌یابند و بسیاری از ازدواج‌ها در اولین سالهای پیدایش از بین می‌رود.

خانواده‌ها آن ریشه‌ها و پایه‌های عمیق را که در کشورهای ما وجود دارد، امروز کمتر در غرب دارند. آن خانواده‌ای که پدربزرگ، مادربزرگ، نوه‌ها، خویشاوندان، پسرعموها، دخترعموها و سایر شعبش با هم باشند، هم را بشناسند و با هم ارتباط داشته باشند، امروز در غرب بسیار کمیاب است. زن و شوهر هم با یکدیگر صمیمیت لازم را ندارند. این بلایی است که با کارهای غلط، با حرکت افراطی از آن طرف که در مقابل افراطهای قبلی انجام گرفت، بر جامعه‌ی بشری نازل شد و بیشتر از همه بر سر زن غربی آمد.^۱

از هم پاشیدگی خانواده؛ نتیجه‌ی راه غلط زنان غربی

در گذشته، وضع زنان غربی اینطور نبود. از سی، چهل، پنجاه سال قبل، وضع زنان غربی - به‌خصوص در امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی - روزبه‌روز بدتر شد. آن روزی که زنان غربی این راه غلط را شروع نمودند، فکر نمی‌کردند که سی سال دیگر، چهل سال دیگر، پنجاه سال دیگر، کشور

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

و جامعه‌ی آنها، دچار چنین وضعی شود که نوجوان دوازده ساله، هفت‌تیر ببندد، یا چاقوی ضامن‌دار در جیب خود بگذارد و به هنگام شب یا روز، در گوشه و کنار خیابانهای نیویورک یا لندن یا بقیه‌ی شهرهای غربی، اگر توانست کسی را بکشد، بدون هیچ ملاحظه‌ای بکشد! وضعشان به اینجا رسیده است. وقتی خانواده از هم پاشید، وضعیّت این گونه میشود.^۱

متلاشی شدن خانواده‌ها؛ مشکل بزرگ امروز دنیای غرب

فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی‌هویت است. اینها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی بمرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سختترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پر زرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت.^۲

مایه‌ی التذان مرد شدن به نام آزادی زن، عامل ویرانی خانواده

یکی از سیّئات تمدن مادی، حرکتی است که در مورد زن انجام دادند. ما در این زمینه خیلی حرف داریم. گناه بزرگی که تمدن غرب در مورد جنس زن مرتکب شده است، نه به این زودی قابل پاک شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتّی نه به آسانی قابل بیان کردن است. حالا اسمهای گوناگونی هم میگذارند - مثل همه‌ی کارهایشان - جنایت میکنند، اسمش را حقوق بشر میگذارند! ظلم میکنند، اسمش را طرفداری از ملّتها میگذارند! حمله‌ی نظامی میکنند، اسمش را دفاع میگذارند! یکی از طبایع تمدن غربی، فریب است؛ دورویی، نفاق، دروغگویی، تناقض در رفتار و گفتار؛ در قضیه‌ی زن هم عیناً همین‌جور است. آنها متأسفانه فرهنگ رایج خودشان را در کلّ دنیا گسترش داده‌اند. امروز در دنیا کاری کرده‌اند

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۹۱/۴/۲۱)

که یکی از مهمترین وظایف زن - اگر نگوئیم مهمترین وظایف - این است که جلوه‌گری کند، زیباییهای خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن! متأسفانه الان در دنیا اینجور شده. در رسمیتین مجالس - مجالس سیاسی، مجالس گوناگون - مردها باید با شلوار بلند بیایند، باید با لباس پوشیده بیایند، اما زنها هرچه برهنه‌تر و عریانتر بیایند، اشکالی ندارد! این عادی است؟ این طبیعی است؟ این یک حرکت بر طبق طبیعت است؟ آنها این کار را کردند. زن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه مایه‌ی التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته‌اند آزادی، اسم نقطه‌ی مقابلش را گذاشته‌اند اسارت! در حالی که احتجاج زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزبه‌روز هم بیشتر میشکنند؛ اسمهای گوناگون هم رویش میگذارند. اولین یا شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسأله گذاشت، ویران کردن خانواده بود؛ بنیان خانواده سست شد. وقتی در یک جامعه‌ی خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفاسد در این جامعه نهادینه میشود.^۱

آزادی جنسی و بی‌عفتی؛ عامل تزلزل بنیان خانواده

در دنیای غرب و به‌خصوص در امریکا و بعضی از کشورهای اروپای شمالی معروف است که بنیان خانواده خیلی متزلزل است. چرا؟ علت این است که در آنجاها آزادی جنسی و بی‌بند و باری جنسی زیادتر است. وقتی بی‌عفتی رایج شد، یعنی مرد و زن این نیاز غریزی را در جایی دیگر غیر از خانواده، غیر از کانون خانواده، تأمین کردند، این کانون خانواده، در واقع یک چیز بی‌معناست: یک چیز تحمیلی و تشریفاتی است. لذا از نظر عاطفی از هم جدا میشوند. حالا ظاهراً جدایی بینشان نیست اما به هم علاقه و دلبستگی ندارند.^۲

۱. در دیدار جمعی از مداحان (۹۲/۲/۱۱)

۲. در خطبه‌ی عقد (۸۰/۱۲/۹)

نابودی خانواده؛ دستاورد فساد غرب

زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. اینجور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت‌های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه‌ی اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم.^۱

بی‌هویتی فرهنگی و فساد؛ نتیجه‌ی تزلزل خانواده

امروز متأسفانه در غرب، انسان مشاهده می‌کند که کم کم کانونهای خانواده یکی پس از دیگری دارد از هم میپاشد و از بین میرود. آثارش هم همین بی‌هویتی فرهنگی و فساد است که امروز دچارش شده‌اند. روز به روز هم دارد بیشتر میشود و بقایای آنچه را که داشته‌اند دارد از بین میرود.^۲

تزلزل بنیان خانواده؛ عامل نابودی تدریجی جامعه

در دنیای غرب بنیان خانواده متزلزل شده است، خانواده‌ها دیر تشکیل میشوند، زود هم منهدم میشود. فساد و فحشا روزه روز بیشتر میشود، اگر این اتفاق بطور کامل بیفتد، آن جامعه به بلیات عظیمی دچار خواهد شد البته اینطور بیماریها و گرفتاریها، چیزهایی نیست که ظرف ۵ سال یا ۱۰ سال خودش را نشان بدهد، لکن بعد از گذشت سالهای متمادی وقتی که اثر گذاشت، یک جامعه را بطور کلی منهدم و نابود میکند، ثروتهای علمی و فکری و مادی و همه چیز را از بین میبرد. این آینده در انتظار بسیاری از کشورهای غربی است.^۳

تحول منجر به سست شدن روابط خانوادگی؛ نشانه‌ی پسرفت

اگر شما میشنوید که در برخی از کشورهای غربی، فرزند و پدر در

۱. در دیدار با جمعی از اقشار مختلف مردم قم (۸۶/۱۰/۱۹)

۲. در خطبه‌ی عقد (۷۷/۴/۱۸)

۳. همان

یک شهر زندگی میکنند، اما فرزند از پدرش سال به سال احوالی نمیپرسد، خانواده‌ها دور هم جمع نمیشوند، کودکان از عطوفتهای پدرانه و مادرانه برخوردار نمیشوند، زن و شوهرها جز به موجب یک قرارداد موقت - یک قرارداد قانونی بسته شده است - کنار هم نمینشینند؛ زن یک جا کار دارد، مرد یک جا کار دارد، آخر کار این، ساعت هشت شب است، آخر کار آن، ساعت ده شب است، بعد یک قرار این با یک دوستی دارد، او قرار با یک همکاری دارد؛ اگر اینها را شما میشنوید که در جایی هست و اگر اینها واقعیّت دارد، اینها دیگر نشانه‌های پسرفت است. آن تحوّل که به این چیزها بینجامد، مورد تأیید ما نیست. ما تحوّل می‌خواهیم که بین پدرها، مادرها، خانواده‌ها، فرزندان، دوستان و همسایگان الفت و محبت بیشتر به وجود آورد؛ تا چهل خانه آن طرفتر را شما همسایه‌ی خود بدانید؛ این خوب است. محیط، محیط تراحم و تعاطف باشد.^۱

غرب؛ تشنه‌ی پیام مربوط به خانواده

من در یک سخنرانی در سازمان ملل حدود یک ساعت و اندی راجع به خانواده صحبت کردم. بعد به من اطلاع دادند که تلویزیونهای امریکا با اصراری که در سانسور کردن و خراب کردن حرفهای ما دارند، روی این صحبتها تکیه کرده و آن را چند بار پخش کرده و تفسیر هم گذاشته‌اند. فقط بخاطر گفتن یک کلمه درباره‌ی خانواده.

یعنی پیام متضمّن مسأله‌ی خانواده، امروز برای غرب یک پیامی است مثل آب خنک گوارا؛ چون کمبود آن را حس میکنند.^۲

تنهایی، غریبی و ولگردی؛ حاصل نبود خانواده

چقدر تنهایی که تا آخر عمر تنها زندگی میکنند. مردهایی که تا آخر

۱. در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای سمنان (۸۵/۸/۱۸)

۲. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

عمر تنها زندگی میکنند. غریب و بی‌انس زندگی میکنند. چقدر جوانانی که بخاطر نبود خانواده، ولگرد میشوند. در آنجا یا خانواده نیست یا اگر باشد، مثل نبودن است!^۱

گسستگی اعضای خانواده از هم

در غرب فرزندانی که نمیدانند پدر و مادرهایشان چه کسانی هستند، زیادند. زنان و مردانی که باهم اسماً زن و شوهرند ولی سالهای متمادی از همدیگر هیچ اطلاعی ندارند فراوانند، زنانی که خاطرشان جمع باشد تا آخر عمرشان، تا دوران پیری آنها، سایه‌ی این مرد بر سرشان هست و با هم زندگی خواهند کرد، کمند. مردانی که خاطرشان جمع باشد که این همسرشان که مورد علاقه‌شان هم هست، فردا نمیگذارد برود سراغ یک زندگی مستقل، کم هستند.^۲

اضطراب در غرب و فروپاشی خانواده

الآن دنیای اروپا و امریکا را نگاه کنید ببینید اینها چقدر دچار اضطرابند. چقدر ناآرامی دارند. چقدر دنبال آرامش میگردند. چقدر مصرف قرصهای مسکن و خواب‌آور زیاد است، چقدر جوانها به کارهای بی‌قاعده دست میزنند، موها را بلند میکنند، لباسهای تنگ میپوشند برای این است که از وضع جامعه ناراحتند. عصبانی و خشمگین‌اند. میخواهند خودشان را به آرامش برسانند؛ آخرش هم با ناکامی میمیرند. پیرمردها و پیرزنها در خانه سالمندان میمیرند. بچه‌هایشان همراهشان نیستند. زنهایشان از آنها خبر ندارند. زن و شوهر از هم دورند.^۳

۱. خطبه‌ی عقد (۷۹/۴/۲۲)

۲. خطبه‌ی عقد (۷۵/۵/۱۱)

۳. خطبه‌ی عقد مورخ (۷۴/۱/۲۲)

فرو ریختن تمدن غرب با جدایی زن از خانواده

دنیايي که زن را از داخل خانواده جدا میکند و با وعده‌های توهم‌آمیز بیرون میکشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه، بی‌پناه و بی‌دفاع میکند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز میکند، هم زن را تضعیف میکند، هم خانواده را نابود میکند، هم نسلهای آینده را به خطر میاندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد میکند؛ و این امروز در دنیا اتفاق افتاده است و روزبه‌روز هم دارد بیشتر میشود. و به شما عرض کنم؛ این از آن سیل‌های خطرناکی است که آثار تخریبی آن در بلندمدت ظاهر میشود و بنای تمدن غرب را در هم خواهد کوبید و فرو خواهد ریخت. در کوتاه‌مدت چیزی فهمیده نمیشود؛ اینها چیزهایی است که صد ساله و دویست ساله خودش را نشان میدهد؛ و نشانه‌های این بحرانهای اخلاقی در غرب الآن دارد بروز میکند.^۱

دامن زدن به شهوت؛ چالهی خطرناک و گریز ناپذیر پیش روی تمدن غرب

من اطلاع دارم و خوانده‌ام در نوشتجاتی، در مطبوعاتی، در کتابهایی که اندیشمندان غربی بتدریج دارند احساس ترس و احساس دهشت میکنند از این وضعیّت؛ که حقّ با آنها است، متنها دیر فهمیدند؛ دامن زدن به مسأله‌ی شهوت - که متمرکز بود روی مسأله‌ی زنها؛ و امروز میبینید که در دنیا بدتر از اینها دارد میشود، این مسأله‌ی همجنس‌بازی و همجنسگرایی و این ازدواجها و خانواده‌های دو جنس مشابه و مانند اینها - اینها چیزهایی است که به زبان آسان می‌آید؛ اینها چال‌های عظیم و عمیق و خطرناکی است پیش پای آن تمدن و کسانی که آن تمدن را دارند اداره میکنند و پیش می‌برند؛ لغزشگاه عجیبی است، پدر اینها را درخواهد آورد؛ حالا این نیمه‌ی راه است، نیمه‌ی سرایشی است. البته به نظر من قادر هم نیستند جلوی آن

۱. در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) (۸۴/۵/۵)

را بگیرند. یعنی مشکل آنها از این حرفها گذشته است. من چند سال پیش - هفت، هشت، ده سال قبل از این تقریباً - در مطبوعات کشورهای خارجی دیدم و خواندم و شنیدم که امریکاییها دارند دنبال میکنند که از کتابهای فلان نویسنده‌ی مثلاً رمان‌نویس خانواده‌نویس - که رمانهایش اطراف خانواده است - فیلم درست کنند برای اینکه بکشاند جهت فیلمسازی و فیلمبرداری و سینما و مانند اینها را به این جهت؛ خب، یک کارهایی هم کرده‌اند، دارند هم میکنند؛ اما اینها مثل یک جریانهای باریکی است در مقابل یک سیل عظیمی که خودشان به دست خودشان راه انداختند؛ و دچارشان کرده است و بعد از این بیشتر دچارشان خواهد کرد. ما البته نسبت به این قضیه فعلاً یک «مصونیه‌ی ما»^۱ داریم - بخاطر همین حجاب و همین چیزهایی که وجود دارد - متنها این را نبایستی دست‌کم گرفت، بایستی این را به جد اهمیت داد. در همین مباحثی که خانمها اشاره کردید که دارید کار میکنید، این مسأله‌ی جاذبه‌ی جنسی و خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن و برای مرد و برای جامعه و برای خانواده، این را به نظر من خیلی بایستی جدی گرفت.^۲

زوال تمدن غرب بخاطر قوانین ابلهانه‌ی جنسی

مشکلاتی که امروز در غرب وجود دارد، این قانونهای ابلهانه و خباثت‌آمیزی که اینها در زمینه‌ی مسائل جنسی دارند میگذرانند، اینها را به ته درّه دارد حرکت میدهد. این انحطاط، قابل جلوگیری هم نیست؛ اینها محکوم به سقوطند. تمدن غربی چه بخواهد، چه نخواهد - دیگر قادر نیست جلوی این سقوط را بگیرد. ترمز این وسیله بریده است، جاده هم بشدت لغزنده و سراسیمه است. اینها گناه کردند آن وقتی که ترمز را بریدند و آمدند خودشان را در لب این پرتگاه قرار دادند؛ لذا محکوم به شکستند. زوال

۱. چیزی شبیه مصونیت

۲. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

تمدن‌ها، مثل سر برآوردن تمدن‌ها، یک امر تدریجی است - یک امر دفعی و فوری نیست - و این تدریج دارد اتفاق می‌افتد و گمان نمی‌کنم از چشم این نسل یا نسل بعد از این نسل دور بماند؛ خواهند دید که چه اتفاقی می‌افتد.^۱

نادیده گرفتن نقش مادری و تضعیف نقش خانواده؛ خیانت بزرگ غرب به زنان

هرجا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هرجا سخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پُر مهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه‌آمیز را با نام «حمایت از زن» انجام می‌دهد؛ در حالی که این حمایت از زن نیست؛ این خیانت به زن و خیانت به انسان است.^۲

محرومیت زن از بروز مهر و عطوفت مادری

در غرب سستی بنیان خانواده بحدی نگران‌کننده شده است که فریاد رهبران جوامع به آسمان رسیده است. غرب به زن اجازه نمی‌دهد که بطور طبیعی مهر و پیوند و عواطف مادری خود را بروز داده و با آن رشد کند.^۳

۲-۵- ترویج فرهنگ غرب در روابط زن و مرد

مردواره کردن و وسیله‌ی التذاذ جنسی قرار دادن زن؛ دوبخش برجسته‌ی گفتمان غرب در مورد زن

گفتمان غرب در مورد زن، یک گفتمان کاملاً حساب‌شده‌ی سیاسی

۱. در دیدار جمعی از مداحان (۹۲/۲/۱۱)

۲. همان

۳. در دیدار با زنان مسلمان ایران و ۹ کشور جهان (۶۷/۱۱/۹)

است؛ یعنی آن روزی که این فکر و این گفتمان درباره‌ی زن، در غرب آغاز به کار کرد و شروع کرد، یک محاسبه‌ی دقیقی پشت این وجود داشت. این البته بعنوان خبر نیست که من از روی اطلاع و با استناد به اخبار بگویم، اما مؤیدات واقعی‌ای دارد که این تحلیل را تقویت میکند؛ یعنی از آغاز رنسانس در غرب و به دنبال آن حضور صنعت و پیدایش صنعت جدید در غرب، بتدریج این گفتمان غربی رشد پیدا کرد؛ و اوجش در روزگار ما است که البته این اوج همراه خواهد بود با انحطاط و نزول و ان‌شاءالله سرافکندگی و فروپاشی این گفتمان.

گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، لکن دو جزء در آن برجسته است: یکی مردواره کردن زن، یعنی زن را متشبه به مرد قرار دادن، این یک بخش مهم از این گفتمان است؛ یک بخش دیگر هم زن را وسیله‌ی راحتی برای التذاذ جنسی مرد قرار دادن، حالا التذاذ چشمی یا مراحل بدتر و بعدتر از التذاذ چشمی، این هم یک بخش دیگر از گفتمان غربی است در مورد زن. این مسأله‌ی فمینیسم و این چیزهایی که امروز در دنیا رایج شده، همه در واقع فراورده‌های آن گفتمان غربی است که در نهایت کار به اینجاها میرسد.^۱

انفعال در برابر گفتمان غربی مرد واره کردن زن

مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشانند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم. میبینید ما الان افتخار میکنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخشهای اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود، از اینکه این بانوان در این مناصب اجرایی باشند من هیچ مشکلی ندارم؛ یعنی

۱. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

منع نمیکنم، نفی نمیکنم، ایرادی هم برایش قائل نیستم - فرض کنید وزیر بهداشت ما یک خانم بود، یا معاونین رئیس جمهور مثلاً یا بخشهای مختلف در بینشان بانوان هستند، این از نظر من اشکالی ندارد - آنچه اشکال دارد، افتخار به این است؛ که ما به رخ دنیا بکشیم که ببینید، ما در بخشهای اجرایی اینقدر زن داریم! این همان دور خوردن است، این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد. خیلی خب، یک خانمی است، ارزشهایی داشته، تواناییهایی پیدا کرده، مناسب این مقام شده؛ خیلی خب، بگذارند، خلاف قانون هم که نبوده؛ اما اینکه ما به این افتخار بکنیم که ببینید، ما این تعداد خانم مسئول در بخشهای اجرایی داریم، این غلط است. اگر ما افتخار کنیم که این تعداد خانم روشنفکر، خانم تحصیلکرده داریم، این خوب است، این جا دارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم نویسنده، خانم فعال فرهنگی یا فعال سیاسی داریم، اشکالی ندارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم شهادت طلب و مجاهده کار در میدانهای گوناگون داریم، این خوب است؛ اگر بگوییم این مقدار خانمی که در عرصه های سیاسی انقلابی فعالند - گوینده اند، نویسنده اند - داریم، این خوب است؛ افتخار به اینها خوب است؛ اما افتخار به اینکه ما این تعداد وزیر زن، این تعداد نماینده ی زن، این تعداد معاون بخشهای مختلف زن، این تعداد رئیس مؤسسات تجاری زن داریم، افتخار به این غلط است؛ این انفعال در مقابل آنها است. مگر بنا بوده ما کارهای مردانه را به زنها بدهیم؟^۱

فرهنگ برهنگی و فساد، مخالفت با فضایل و ارزشها

فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه ریزی برای فساد انسان است، فرهنگ دشمنی و بغض با ارزشها و درخشنده گیها و فضیلت های انسانی است. فرهنگی است که همچون ابزار در اختیار خداوندان زور و زر و امپراطوران قدرت است. با این فرهنگ، در صد دند نسل بنی آدم را از همه فضایل انسانی

۱. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

تهدیدست کنند و انسانها را به موجودات فاسد و مطیع و تسلیم و غافل از یاد خدا و معنویت تبدیل کنند. منافع آنها، جز از طریق گسترش این فرهنگ تأمین نمیشود. این فرهنگ، برهنگی و اختلاط و امتزاج بی قید و شرط زن و مرد با هم است که یکی از پایه‌های اصلی فرهنگ غربی میباشد و از روز اوّل، برای فساد انسانها و خروج انسانیت از دایره‌ی فضائل انسانی بنیانگذاری شد. آنها که دلشان برای انسانیت نسوخته است. بزرگترین ایستگاههای تلویزیونی و رادیویی، از آن صاحبان بزرگترین کارخانه‌ها و معادن و منابع و عظیمترین ثروتهاست.^۱

ترویج عدم واسطه و فاصله بین زن و مرد در معاشرتها

در غرب ارتباط بی‌بندوبار زن و مرد یک کار رایج است و عدم حجابی و واسطه و فاصله‌ای بین زن و مرد در معاشرتها، یک کار معمولی است. نمی‌گوییم که در کشورهای غربی، همه مردان یا زنان فاسدند. نه، چنین ادعایی نمی‌کنیم، چنین تهمتی نمی‌زنیم؛ واقعیت هم ندارد. در میان آنان، یقیناً مردان و زنان خوب و نجیب هم هستند؛ اما آزادی جنسی در جوامع غربی حاکم است. این، در آنجا یک فرهنگ است. در فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی، یک امر مباح و مجاز و بی‌قید و شرط است. بعضی از کشورهای غربی، در این قسمت‌ها خیلی هم پیشرفته‌اند و زندگی خودشان را به شکلهای شرم‌آوری درآورده‌اند و البته پشیمانند. این چیزی است که متفکران و سیاستمداران و برنامه‌ریزان و مدیران کشورهای غربی در آن گیر کرده‌اند و واقعاً برایشان مشکل درست کرده است. غرب، این فرهنگ و این خصلت و خو و عادت را به تمام کشورهای دیگر هم صادر کرد. در کشورهای دیگر، چنین فسادی نبود. در کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیراسلامی شرق هم چنین چیزی وجود نداشت؛ این را غریبه‌ها وارد کردند.^۲

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران (۶۸/۹/۱۵)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۹/۱/۱۰)

ترویج شهوات جنسی و آمیزش بی‌رویه‌ی زن و مرد؛ سلاح غرب برای تباهی کشورها

دشمنان ملت ایران بیش از آنچه به توپ و تفنگ و این چیزها احتیاج داشته باشند، به اشاعه‌ی بنیانهای فرهنگی فاسدساز نیاز دارند. در خبرها خواندم که یکی از مسؤولان یک مرکز مهم سیاسی در امریکا گفته به جای انداختن بمب، دامنهای کوتاه برایشان بفرستید! راست میگوید؛ اگر برای کشوری شهوات جنسی و آمیزش بی‌رویه‌ی زن و مرد و دختر و پسر را ترویج کردند و جوان را به راههایی کشاندند که غریزه‌ی او هم بطور طبیعی متمایل به آن است، دیگر احتیاج به استفاده‌ی از توپ و تفنگ علیه یک ملت نیست. فساد، یک ملت را به خودی خود ضایع و باطل میکند و آینده‌ی او را تباه میسازد. امروز خود امریکاییها از آینده‌ی خودشان دارند میترسند؛ من این را در بعضی از مقالات روشن‌بینانسان میبینم؛ مربوط به الآن هم نیست؛ شاید ده پانزده سال است که این پدیده در امریکا پیدا شده. کسانی از صاحب‌نظرهای اینها نسل امروز امریکا و رشد فساد در آن را میبینند؛ رواج همجنس‌بازی، نابودی خانواده، کثرت کودکان خیابان‌خواب و رشد جنایت کودکان و نوجوانان را مشاهده میکنند؛ میدانند که این وضعیّت حتّی کشوری با تمدّن امریکایی را، با این همه پیشرفت علمی و فناوری، در آینده‌ای نه چندان دور به زمین خواهد زد؛ لذا دارند هشدار میدهند. از مدّتها پیش توصیه‌ی آنها این بوده است - و حتّی به هالیوود و جاهای دیگر هم فشار می‌آورد - که در تلویزیونها به جای نمایش فیلمهای شهوتناک و خشونت‌بار، فیلمهای خانوادگی را نمایش بدهند، که رمانهایش هم منتشر شده است. حتّی اسم نویسنده‌ها را هم ذکر کرده‌اند. البتّه حرکت و مسیر آنها در جهت فساد به نقطه‌ای رسیده که قابل پیشگیری نیست و نمیتوانند جلوی این فساد را بگیرند. ممکن است مختصری به تأخیر بیندازند، امّا نمیتوانند جلوی آنها را بگیرند. لیکن ما میتوانیم؛ ما هنوز با آن سرایشیهای خطرناک خیلی فاصله داریم.^۱

۱. در دیدار با وزیر علوم و رؤسای دانشگاهها (۸۳/۱۰/۱۷)

به انحراف کشاندن و تشدید غرایز؛ سیاست استعمار فرهنگی

غریزه‌های زنانگی‌ای که مثل همه‌ی غرایز در جای خود خوب است اما استعمار فرهنگی و استعمار اخلاقی و تربیتی خواسته از این غرایز استفاده کند برای به تباهی کشاندن عالم و آدم، این خودنمایی‌هایی که شما میبینید زنان در همه جای دنیا میکنند. اصلاً زن را با این خاصیت میخواهند به دنیا نشان بدهند. البته این خاصیت در زن هست، این غریزه در همه‌ی انسانها مخصوصاً در زنان، عیبی هم ندارد، جزئی از طبیعت اوست و برای یک چیز خوبی است، برای یک مقصود درستی است. مثل همه‌ی غرایزی که در وجود انسانی هست، اصلش خوب است اما به انحراف کشاندن آنها یا تشدید کردن آن غرایز چقدر مضرّ و آتشافروز است. این غریزه هم همینجور است و دنیا روی این انگشت گذاشت و طراحان سیاستهای تربیتی اخلاقی و فرهنگ استعماری روی این کار کردند و از زن این موجودی را که شما در دنیا دارید میبینید و تا دیروز توی کشور خودمان هم میدیدید به وجود آوردند.^۱

نقش صهیونیسم در اشاعه‌ی فساد و فحشا

تشکیلات صهیونیستی، برای فساد نسل بشر، از حدود صد و پنجاه سال پیش، شروع به برنامه‌ریزی و اشاعه‌ی فساد و فحشا کرده‌اند. آنها زنها را از عفت بشری خارج ساختند؛ بطوری که حتی زنهای اروپا و امریکا هم، بشدت پنجاه سال اخیر دچار فحشا و فساد و دوری از فضائل انسانی نبوده‌اند! زنان کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای دوردست که جای خود دارد. همچنین مردها را به فساد و راحت‌طلبی و تنبلی و عشرت‌جویی و مصرفگرایی کشاندند و به قبول وضع زندگی حیوانی وا داشتند.^۲

۱. در دیدار با جمعی از خواهران آموزش و پرورش (۶۳/۱۱/۷)

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان و پرستاران (۶۸/۹/۱۵)

نفوذ و رشد تعلیمات غربی در بعضی خانواده‌ها

با ملت ما هم قبل از سلطنت خاندان منفور پهلوی این کار را شروع کرده بودند؛ ولی در جریان سلطنت آن رژیم منحوس، این روند را شدت بخشیدند. استعمار و استکبار در دوران سلطنت این خانواده مزدور و دست‌نشانده، در اشاعه‌ی فرهنگ غربی در جامعه زیاد کوشیدند و متأسفانه موفق هم شدند. امروز، اگر تمایلات برخی خانواده‌های ایرانی داخل کشور را به انجام آن آداب و اطوار و لباس و معاشرت ببینید، نتیجه‌ی تعلیمات همان معلمان رذل و خائن غربی است که در طول دهها سال در این کشور نفوذ و رشد یافته است. با اینکه انقلاب آمد و تحوّل عظیمی در فرهنگ و ذهنیت مردم به وجود آورد، با این حال، بسیاری از افرادی که هنوز دلشان در هوای کیفیت زندگی غربی است، متأسفانه از مفاصد زندگی غربی که لجن‌آلوده و فاسد است و در آن، هیچ یک از بنیانهای اصیل بشری همچون خانواده و شخصیت انسانی زن و مرد سالم نمیماند، اطلاعی ندارند.^۱

شکست در ترویج فرهنگ منحصراً غرب

میخواهند زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند؛ که عبارت است از سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس؛ میخواهند این چیزها را به وسیله‌ی زنان رواج بدهند. هر جا با این هدفگیری غریبه‌ها مخالفت بشود، فریادشان بلند میشود! اینها کم‌طاقت هم هستند! همین مدعیان غربی، کمترین مخالفتی را با مبانی پذیرفته‌ی خودشان تحمل نمیکنند.

همه جای دنیا را هم توانسته‌اند تحت تأثیر قرار بدهند؛ مگر محیطهای اسلامی واقعی را. شما اگر به دنیای فقیر آفریقا و امریکای لاتین و شرق آسیا و هر جا که جوامعی هستند، مراجعه کنید، خواهید دید که آنجا هم

توانسته‌اند همان الگوهای خودشان - همان‌طور آرایش کردن، همان‌طور مصرف کردن و همان‌طور ملعبه شدن زن - را رواج بدهند. تنها جایی که تیر آنها به نشان نخورد، محیط‌های اسلامی است، و مظهر آنها جامعه‌ی بزرگ جمهوری اسلامی است؛ لذا بشدت با این مبارزه می‌کنند.^۱



۱. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

فصل سوم ————— ❁

منزلت و جایگاه زن در اندیشه‌ی اسلامی



۳-۱- نگاه جامع و کامل اسلام به موضوع زن

لزوم درک صحیح نظر اسلام در مسائل زنان

اسلام در مورد زن معارف بسیار خوبی دارد. همانطور که گفتم شخصیت زن را در سه محیط در سه مرحله، هم در جهان آفرینش در مجموعه‌ی خلقت هم بالاخره در محیط اجتماعی و جامعه و هم در محیط خانواده در هر سه مرحله اسلام روی شخصیت زن تبیین بسیار شرافتمندانه و والا و پرارزشی دارد و ما امروز اگر بخواهیم به زنان جهان کمک بکنیم که اسلام شایسته است که چنین کمکی را بکند، باید نظر اسلام را در زمینه مسائل مربوط به زن بدرستی درک کنیم و آن را بررسی کنیم و آن را به دنیا عرضه کنیم.^۱

دید جامع و کامل اسلام به زن

هر نقصی که در وضع زن در جامعه‌ی ما وجود داشته باشد، علاجی دارد؛ چون اسلام نسبت به آن، دید شامل و کامل و جامعی دارد. باید راههای علاج را پیدا کرد. آن روزی که شورای فرهنگی - اجتماعی زنان تشکیل میشد، دقیقاً به همین نکات نظر بود.^۲

۱. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زن (۶۹/۱۰/۱۶)

نگاه اسلام؛ اوّل حیث انسانیّت بعد جنسیّت

نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوق‌العاده متعالی است.

هم در مسأله‌ی خود زن، هم در مسأله‌ی خانواده، اسلام حرفهای جالب، برجسته و مهم دارد. اوّلّاً نگاه اسلام به جنسیّت، یک نگاه درجه‌ی دو است؛ نگاه اوّل و درجه‌ی یک، حیث انسانیّت است؛ که در آن، جنسیّت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است.

جنسیّت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا میکند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنایی پیدا نمیکند. حتّی کارهایشان با هم متفاوت است.^۱

درک دیدگاههای اسلام بدون افراط و تفریط

وقتی که به صحنه‌ی تفکّرات عالم نگاه میکنم و بینش اسلام را مشاهده مینمایم، به روشنی درمیابم که جامعه‌ی بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسأله‌ی زن و رابطه‌ی زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا بکند که دیدگاههای اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آنها را ارائه کند. این، ادّعای ما نسبت به مسأله‌ی زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدّنهای مادّی امروز نسبت به زن عمل میشود و وجود دارد، به هیچ وجه قبول نداریم و آن را بصرفه و صلاح زن و کلّ جامعه نمیشماریم. اسلام میخواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان به حدّ اعلیٰ برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری بعنوان یک عضو - حدّ اعلای فایده و ثمر را داشته باشد. همه‌ی تعالیم اسلام از جمله مسأله‌ی حجاب، بر این اساس است.^۲

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

نظریه پردازی در موضوع زن، بر مبنای آیات قرآن

در همین زمینه‌ی مسأله‌ی زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست؛ آیات کریمه‌ی قرآن؛ چه آیاتی که مستقیماً به این مسأله ارتباط پیدا میکند، و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد میشود، در اختیار ماست؛ اینها را باید تئوریزه کنیم؛ به شکل نظریه‌ها و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج در بیاوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان؛ که اشاره کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سؤال‌کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه‌ی سی ساله‌ای را با خود دارد - زیاد شده‌اند. البته شماها هم قاعدتاً اطلاع دارید، ما هم از کلانش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه میکنند، زیاد میپرسند، در موضوعات مختلف زیاد میخواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خب، اینها را باید برای آنها فراهم کرد.^۱

نظریه‌پردازی در زمینه‌ی الگوی مترقی زن و خانواده

ما باید در این بررسیها، از داراییهای علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. دهها نظریه و الگوی مترقی در همین زمینه‌ی زن و خانواده میشود استخراج کرد. اینها نظریه‌پردازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای میان‌مدت و بلندمدتی است که حتماً بایستی انجام بگیرد. تعالیم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث باید مورد استفاده قرار بگیرد.^۲

طبیعت الهی زن؛ مملو از لطافت و زیبایی و به دور از نقش تشریفاتی

جوهر ذات یک انسان اگر تعالی و روشنایی و شفافیت پیدا کند، همه

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. همان

چیز در مقابل او کوچک میشود و قدرت او بر همه‌ی کارهای دیگر، برای او تأمین میگردد.

آن‌که در او جوهر دانایی است بر همه کاریش توانایی است^۱
 زن به یک جایگاه مصنوعی و تصنعی و تشریفاتی احتیاج ندارد؛
 جایگاهی که دون شأن متانت و سکینه و آرامش روحی اوست. در طبیعت
 الهی زن، آنچنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که میتواند
 هم خود را و هم محیط پیرامون خود را - چه در داخل خانه، چه در هر
 محیطی که باشد - به طرف معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی
 سوق دهد و پیش ببرد.^۲

محدودیت‌های اسلامی؛ عامل رشد فکری، علمی و عملی زنان

در نظام اسلامی محدودیتی که به وجود می‌آید، که این محدودیت
 برطبق فطرت انسانی زنانه است؛ هم برای مردها محدودیت است، به یک
 کیفیتی؛ هم برای زنها به کیفیت دیگری محدودیت است، کمک‌کننده به
 این است که نیروهای آنها هرز نرود و حتی‌المقدور در جهت درستی به
 کار بیفتند؛ که آن وقت نتیجه‌اش میشود رشد فکری و علمی و عملی در
 جامعه‌ی زنان، که امروز شاهدش هستیم.^۳

معنای واقعی تکریم، توجه به بعد خانوادگی و اجتماعی زن

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر
 و حرمت مادر در درون خانواده تکیه میکند، یا روی نقش زن و تأثیر زن
 و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه میکند،
 به‌هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی
 و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌ای بد و یا

۱. مخزن الاسرار، نظامی گنجوی

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم (۸۴/۳/۲۵)

۳. در دیدار با زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)



کج فهمیدند؛ یک عده‌ی مغرض هم از این کج فهمی استفاده کردند؛ کأنه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاشها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه اینطوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شئون مختلف. زینب کبری (سلام الله علیها) نمونه‌ی دیگر است. زنهای معروف صدر اسلام و زنهای برجسته، نمونه‌های دیگرند؛ اینها در جامعه بودند و حضور داشتند. نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزیهای القا شده‌ی بعنوان تکریم زن در تمدن غرب؛ اینها با هم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری به وجود آورده. زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه‌ی انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده - که حوضچه‌ی آرامش زندگی پُرچالش و پُرتلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام میگیرد و سکینه و اطمینان پیدا میکند. آن وقت نقش او بعنوان همسر، بعنوان مادر، بعنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه‌ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد.^۱

هویت زن؛ چشمه جوشان عاطفه و صبر برای تربیت انسان

زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود - که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است - همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکا به خداوند، و همراه با عفت و پاکدامنی - که فضای پیرامون او را نورانیّت میبخشد - میتواند در جامعه یک نقش استثنایی این گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. مثل کوه استواری از ایمان، در عین حال مثل چشمه‌ی جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه‌ی صبر و حوصله و عاطفه‌ی خود

۱. در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) (۸۴/۵/۵)

سیراب میکند. انسانها در چنین آغوش پُربرکتی میتوانند تربیت شوند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمیکرد. این، معنای ارزش زن و تشخص زن است؛ چیزی که مغز متحجر مادی غریبها نمیتواند آن را بفهمد. کسانی که از دین و معنویت بهره‌ای نبرده‌اند، نمیتوانند چنین عظمتی را درک کنند. آنهایی که شاخصه‌ی زن را در زیور و آرایش و سبکسری و بازیچه قرار گرفتن در دست مردان میدانند، نمیتوانند اساس هویت زنانه را در منطق اسلام و در نظر اسلام درک کنند.^۱

حرکت به سمت آرمانگرایی با دید واقع‌بینانه نسبت به زن

اسلام نسبت به زن، مرد و همه خلایق، یک دید واقع‌بینانه و متکی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد؛ یعنی از هیچکس بیش از تمکنش و بیش از آن چیزی که به او داده شده است، توقعی ندارد. اصلاً بنای اسلام بر این است؛ یک بنای واقعی و منطقی است. در دعای سحرهای جمعه، فقره‌ای است که بیان میکند: «وَجَعَلَ مَا أَمَّنَ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ كِفَايَةً لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ»^۲؛ یعنی آن چیزی که خدای متعال منت گذاشته است و به کسی داده، در حد کفایت است، برای اینکه حقوق الهی را ادا کند. اصلاً شناخت واقعیات هر کس، متناسب با همان توقعی است که از او وجود دارد. پس، اسلام به نیازها و خواهشها و طبایع بشری و غیربشری اهتمام ورزیده، اصلاً به آنها نظر کرده و حکم الهی را داده است؛ اما به معنای آن نیست که آرمانی برای انسانها ندارد. ما محکوم و اسیر زندان طبیعتیم و در چارچوب قوانین طبیعت حرکت میکنیم؛ اما آیا در این چارچوب که ما حرکت میکنیم، هدفی در مقابل ما نگذاشته‌اند که بگویند باید به این سمت حرکت بکنید؟ آرمانگرایی در اسلام و گرایش به سمت قلّه‌ها و اوجها و آرمانها، یک چیز قطعی و حتمی است. زن مثل مرد و مثل همه‌ی خلایق، باید در این سمت

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم (۸۴/۳/۲۵)

۲. بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۲۷۷

حرکت کند. این با گرایشهای غلیظ و درلاک چیزهای صددرد صد شخصی و بی ارزش رفتن نمیسازد. البته در نظام اسلامی، بایستی آنها ریشه کن بشود. این گرایش به مصرف و تجمل گرایی و امثال آن، که در جوامع جاهلی رشد داده میشود، باید در جامعه‌ی اسلامی ریشه کن میشد یا لااقل در حدّ متوسطی قرار میگرفت و افراطی در آن نمیشد؛ اما متأسفانه الآن ملاحظه میشود که قشرهایی از مردم، باز سرگرم همان سرگرمیهای گذشته‌اند، که باب جوامع دور از اسلام و دور از معنویت و حقیقت است. این، غلط است.^۱

اعطای حقوق و شخصیت کامل به زن در اسلام

ما در زمینه‌ی حقوق زن، نه تنها در مقابل فرهنگ غربی احساس خجلت و شرمندگی نمیکنیم، بلکه نسبت به آن روح طلبکارانه داریم و معتقدیم که در فرهنگ غربی به زنان ظلم زیادی شده است. از سال ۱۹۲۰ به بعد در کشورهای غربی بتدریج خانمها وارد صحنه‌ی اجتماع و سیاست شدند و این در حالی است که ۱۴ قرن پیش اسلام به زن حقوق و شخصیت کاملی اعطا نموده و تفاوت و امتیازی بین مرد و زن قائل نشده است.^۲

مقایسه‌ی رفع ابهام و حلّ مسائل در سه قلمروی حضور زن از نظر اسلام

قلمروی حضور زن، سه جا است، یکی قلمروی تکامل انسانی؛ نظر اسلام این است که: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ» - ده صفت اساسی مرد و زن، بدون هیچگونه

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

۲. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۶/۱۱/۱۸)

تمایزی - اَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا». فرض کنید در این زمینه، نظر اسلام را بجوییم و تبیین کنیم. قلمروی دوّم حضور اجتماعی زن - فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظیر آن - یعنی حضور زن در جامعه است، در این زمینه، هم نظر اسلام را تبیین کنیم. سوّم، نقش زن در عائله - در خانواده - است. نظر اسلام را در این مورد نیز تبیین بکنیم.

گویندگان و محققین، در این زمینه نظرات اسلام را بیان میکنند، ما هم مطالبی گفته‌ایم. دیگران هم میگویند و خوب هم هست. به نظر ما این هم از جمله مباحث بسیار خوب است. در اینجا است که بین نظریات اسلام و مدّعیات غربی مقایسه میشود که ببینیم اسلام در این زمینه‌های سه‌گانه چه میگوید و غربیها چه میگویند؛ که حقّاً و انصافاً نظر اسلام در این زمینه، برای زن و برای جامعه، بمراتب بهتر، قویتر و مفیدتر از همه‌ی حرفهایی است که در دنیا مطرح است و گفته میشود. پس ببینید نوع دوّم عبارت است از مطالبی که در قلمروهای گوناگون، در باب تبیین نظر اسلام بیان میشود. این هم خوب است. این کارها هم انجام بگیرد، بسیار بجاست. در این زمینه ممکن است ابهاماتی باشد که لازم است کسانی بنشینند، بحث کنند و نظر بدهند؛ که آن وقت این بحثهایی که اخیراً به مباحث فقهی هم راه پیدا کرده است - بحث در مورد قضاوت زنان، تصدّی مناصب گوناگون اجتماعی و سیاسی به وسیله‌ی زنان - در این زمینه می‌گنجد. همه‌ی اینها هم خوب است. نوع سوّم که به نظر من روی آن باید متمرکز بشویم - که اگر این را درست نکنیم، آن بحثهای قبلی هم به کار مسأله‌ی زن نخواهد آمد - مسأله‌ی مشکلات زن است. زن در جامعه چه مشکلاتی دارد؟ مهمتر از آنها، زن در عائله و در زندگی خانوادگی، دچار چه مشکلاتی است؟^۲

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۷۵/۸/۱۴)

حل مشکلات زنان با مواعظ و نمونه سازی پیام وحی

نارساییها زیاد و مشکلات فراوان است؛ علاج چیست؟ علاج این است که ما سراغ راه حل الهی برویم و آن را پیدا کنیم؛ چون درباره ی مسأله ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم ببینیم وحی در این باره چه میگوید. وحی هم فقط به موعظه کردن بسنده نکرده، بلکه نمونه سازی کرده است. شما ببینید وقتی که خدای متعال میخواهد برای انسانهای مؤمن در طول تاریخ نبوتها در قرآن مثالی بزند، میفرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ^۱». در زمان موسی، این همه مؤمن بودند، این همه کسانی در راه ایمان تلاش و فداکاری کردند؛ اما آن نمونه را اسم می آورد. این ناشی از چیست؟ آیا خدای متعال خواسته از زنان جانبداری کند؛ یا نه، مسأله چیز دیگری است؟ مسأله این است که این زن در اوج حرکت معنوی به جایی رسیده که فقط او را میشود مثال زد و لاغیر. حالا این قبل از فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) است؛ این قبل از مریم کبری (سلام الله علیها) است؛ این متعلق به آن زمان است. زن فرعون، نه پیامبر است، نه پیامبرزاده است، نه همسر پیامبر است، نه در خانواده ی هیچ پیامبری بوده است. تربیت معنوی و رشد و بالندگی یک زن، او را به اینجا میرساند. البته نقطه ی مقابلش هم هست؛ یعنی در فساد هم اتفاقاً همین است. باز برای اینکه خدای متعال بدترین انسانها را مثال بزند، میفرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ^۲». باز هم دو را مثال میزند که بدترین انسانها بودند. زمان نوح و زمان لوط، این همه کفار بودند، بدها بودند، اما قرآن آنها را مثال نمیزند؛ زن نوح و زن لوط را مثال میزند. این عنایت به جنس زن و توجه به اوجهای گوناگون و حسیضهای گوناگون زن، ناشی از چیست؟ شاید از این جهت باشد که قرآن میخواهد به نگرش غلط مردم آن روز دنیا - که متأسفانه امروز هم همان نگرش غلط باقی است؛ چه مردم جزیره العرب که

۱. سوره ی تحریم، آیه ی ۱۱

۲. سوره ی تحریم، آیه ی ۱۰



دخترانشان را زیر خاک میکردند، و چه مردم امپراطوریهای بزرگ دنیا، مثل روم و ایران - اشاره کند.^۱

نظر اسلام مبتنی بر آفرینش زن و نیازهای او برای رسیدن به کمال
در نظام اسلامی علیرغم بسیاری از کوتاهیها، در مراکزی که مقیدند از نظر اسلام پیروی کنند، بینش بسیار روشن و خوبی نسبت به زنان هست؛ بینش بسیار متعالی و نزدیک به حقیقت، بلکه در مواردی عین حقیقت است. اگر به سنتهای غلط و عادات نادرست نگاه نکنیم، نظر اسلام - آنچه که لبّ اسلام است - دربارهی زن، مانند نظر اسلام دربارهی مرد، مبتنی بر اعتنا به واقعیتهایی است که آفرینش زن و مرد و نیازهای آنها ایجاب میکند، تا بتوانند خود را به اوج کمال انسانی برسانند.^۲

۳-۲- مبارزهی اسلام با ظلم تاریخی به زن

غلبه‌ی خورشید معرفت اسلام بر جاهلیّت حاکم بر جهان
همیشه سالهای گذشته، وقتی مسأله‌ی مبعث و خاطره‌ی بزرگ بعثت مطرح میشده است، هم ملت ما حرکت و بعثت عمومی و برانگیختگی ملی تاریخی خود را در انقلاب، ادامه‌ی آن بعثت عظیم نبوی دانسته، هم این سؤال لااقل در ذهنهای افرادی از مردم - از خواصّ و اهل نظر - پیش آمده است که راز پیشرفت اسلام در آن روزگار غربت معرفت و عمومیت جهل، که همه دنیا را پر کرده بود، چه بود. فقط در منطقه‌ی عربی نبود که جاهلیّت حاکم بود. در دو امپراطوری عظیم آن روز - یعنی امپراطوری ایران ساسانی و امپراطوری روم - همین جاهلیّت وجود داشت؛ در آن مناطق هم از عدالت خبری نبود؛ در آن مناطق هم تبعیض بود. در همین ایران، درس خواندن و معرفت آموختن، مخصوص به طبقاتی بود و عامه‌ی مردم

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی (۷۰/۱۰/۴)

۲. در دیدار با جمعی از بانوان استان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)



حقّ نداشتند درس بخوانند. برده‌داری به بدترین شکلش، معامله با ضعفا به بدترین شکل، مسأله‌ی زن و حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت‌ترین و تحقیرآمیزترین شکل. همه‌جا جاهلیّت بود؛ همه‌جا معرفت غریب بود. اسلام آمد و خورشید معرفت اسلامی بر دلها و ذهنها تابید و با وجود جهالت عالم و نامساعد بودن اوضاع و احوال، این کاروان رشد و ترقّی انسانی با سرعت پیش رفت. نیم قرن از دوران بعثت نگذشته بود که بیش از نیمی از دنیای آباد عالم، در حیطه‌ی تصرّف اسلام قرار گرفت. این چیز کمی نیست. هر جا اسلام رفت، توده‌های مردم از آن استقبال کردند و قدرتهای پوشالی مانع و مزاحم، به آسانی کنار گذاشته شدند. این چه عاملی بود که توانست اینطور اقتدار اسلام را پیش ببرد و بعد هم تمدّن اسلامی را پایه‌گذاری کند که این تمدّن اسلامی، حتّی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تألّف و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؛ اینها تجربیّات خیلی عجیبی در تاریخ است. عامل اینها چیست؟ این، موضوع یک بحث خیلی طولانی است. محقّقان و نویسندگان روی این مسأله کار کردند؛ باز هم باید کار کنند.^۱

اسلام و تحوّل در شخصیت زن

این مقداری که من صحبت کردم، خیلی خیلی کمتر از این است که بتواند آن چهره‌ی والا و عظیم‌الشأن و منور و فرشته‌صفت را ترسیم بکنیم. حالا این زن محصول چیه؟ این مال چه زمانی است؟ این را درست برگردید و بهش توجّه بکنید. این حوادث شصت سال بعد از هجرت اتفاق افتاده؛ شصت، هفتاد سال بعد از ظهور اسلام. ظهور اسلام همزمان است با آن زمانی که، با آن دورانی که زن در نهایت انحطاط و بدبختی و فساد و ذلّت و ناتوانی غوطه میخورده در همه جا، نه فقط در منطقه‌ی عرب‌نشین، در

۱. در دیدار با کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) (۷۸/۸/۱۵)

ایران هم همینجور بوده، در روم هم همینجور بوده، دو تا امپراطوری بزرگ دنیا، دو جامعه‌ی متمدن آن روز. بالاترین مقامی که زن در این جوامع داشته این بوده که یک کالای لوکس و یک عروسک زیبا برای قدرتمندان جامعه باشد، این آن سطح بالا و اوج پرواز زن بوده. حالا آن زنی که کنیز میشد، آن زنی که زنده، زنده به گور میشد، آن زنی که در خانواده و در فامیل یک عنصر زیادی به حساب می‌آمد. حالا آنها بماند، آن زنی که بالا میرفت و اوج میگرفت و دیگر در بالاترین حدّ یک زن در آن دنیا قرار میگرفت، آن خانمی بود که به‌خاطر جمالش یا به‌خاطر یک ظرافتی یا به‌خاطر یک هنری، مطبوع طبع و منظور نظر یک آدم قدرتمند پولداری، یک سلطانی، یک امپراطوری قرار میگرفت، او این خانم را از اوج ذلّت میکشید می‌آورد بالا، همانطور که یک عروسک زیبا را که هیچ ارزشی هم ندارد، یک جسم بیجانی است، وقتی قشنگ است با پول گزافی می‌خرند، می‌آورند سر طاقچه مینشانند، همینطور این زن را می‌آورد در صدر هم مینشانند، البته همان خانم گاهی اوقات دستور میداد، وزیر مجبور بود به حرف او گوش فرا بدهد اما این به‌خاطر شخصیت آن خانم نبود، به‌خاطر شخصیت آن مردی بود که این خانم منظور نظر او قرار گرفته بود، همین. اما دانش، بینش، اخلاق، اوج معنویت، تحوّل درونی، شخصیت انسانی والا، ابداء. از آنچنان جامعه‌ای، در میان آنچنان وضعی، تحوّل اسلامی، زنی مثل زینب را پدید آورد، امروز همان معجزه را اسلام میتواند انجام بدهد.^۱

ارزشگذاری اسلام در مورد زن

فرصت یادبود ولادت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) فرصت مغتنمی برای زنان مسلمان است تا هویت زن مسلمان و ارزش والای زنان در نظر اسلام و در پرتو نظام اسلامی مورد توجّه و مذاقّه قرار بگیرد. اسلام در مقابل جاهلیتی که به زن ظلم میکرد، ایستادگی کرد؛ هم در میدان معنویت و

۱. در دیدار با عده‌ای از پرستاران (۶۵/۱۰/۱۵)

فکر و ارزشهای انسانی، هم در میدان حضور سیاسی، هم از همه بالاتر در عرصه‌ی خانواده. زن و مرد ناگزیر اجتماع کوچکی به نام خانواده دارند که اگر در جامعه‌ای ارزشگذاری درست صورت نگیرد، اولین نقطه‌ای که به زن ستم میشود، داخل خانواده است؛ در هر سه عرصه اسلام ارزشگذاری کرده است.^۱

برخورد اسلام با سنتهای غلط نسبت به زنان

اسلام با سنتهایی که از قبل از اسلام باقی مانده است، دو جور رفتار میکند؛ بعضی سنتهای غلط را بکلی از بین میبرد و آن سنت را بکلی نابود میکند چون سنت غلطی است مثل اینکه عربها قبل از اسلام، دختران خودشان را نگه نمیداشتند یا بیشتر ملتهای غیرمسلمان جنس زن را تحقیر و اهانت میکردند! اسلام این سنت را بکلی از بین برد؛ چون بکلی غلط بود. اما اسلام بعضی از سنتها را از بین نبرده است؛ کالبد سنت را نگه داشته و محتوا و روح آن را عوض کرده است؛ مثل بسیاری از اعمال و مراسم حج.^۲

دلیل اظهارات پرجوش پیامبر(ص) در مورد زن

ما بایستی برویم سراغ اینکه بینیم، علت این ستمی که همیشه در طول تاریخ به زن شده است، چیست؟ در زمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم شده است و پیغمبر با این ستم مبارزه میکرد. اینکه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این همه راجع به زن حرف زده است، بخاطر مبارزه‌ی با این است؛ والا اگر میخواستند فقط مقام زن را بیان کنند، این اظهارات پراحساس و پرجوش لازم نبود. این احساسات حاکی از این است که پیغمبر میخواهد با چیزی مبارزه کند و آن عبارت است از آن ستم که میشد و پیغمبر در مقابل آن ایستاده است. این همه که در روایات نبوی و روایات ائمه (علیهم السلام) در

۱. در دیدار با زنان و دختران مسلمان کشور (۷۹/۶/۳۰)

۲. در صحن مظهر حرم امام رضا (ع) (۷۷/۱/۱)

زمینه‌ی معاشرت با زن و در داخل خانه حرف هست، بخاطر مقابله با این است. متأسفانه تا زمان ما هم ادامه داشته است. البته مخصوص جامعه‌ی ما هم نیست. این را هم همه باید توجّه داشته باشند که این ستم در دنیا وجود دارد؛ بلکه در دنیای غرب، به شکل بسیار بدتری است.^۱

پاسخ دادن به برداشت غلط و مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن

اینجا، جای سؤال است که مرد هم بود، حالا یکی را از مرد و یکی را از زن مثال میزد. نه، در همه‌ی قرآن، وقتی که میگوید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا»^۲ یا «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا»^۳، در هر دو مورد از زن مثال میزند. آیا این به معنای آن نیست که ما باید از دیدگاه اسلام، به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن پاسخی بدهیم؟ اسلام میخواهد بایستد و این برداشت و روش و فهم غلط از مسأله‌ی زن را - که در طول تاریخ هم وجود داشته است - تصحیح کند.^۴

مبارزه با عادات و آداب غلط خرافی بعضی از اقوام نسبت به زن
من طبق گزارشها اطلاع پیدا کردم که هنوز در گوشه و کنار این استان^۵ و در بعضی جاها، عادات غلط و جاهلی نسبت به زن مسلمان وجود دارد؛ عاداتی که زن را از استقلال و شخصیت خود و از کرامتی که اسلام برایش معین کرده است، محروم میکند. در دوران نظام اسلامی، اینطور زواید فکری و خرافات، قابل قبول نیست. من از بانوان - که در درجه‌ی اوّل خود بانوان باید بخواهند که بر طبق سیره‌ی اسلامی با آنها عمل شود - و همچنین از

۱. در دیدار گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۷۵/۸/۱۴)

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

۴. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۵. خوزستان

همه‌ی برادران - چه برادران عرب، چه برادران بختیاری و لر، یا برادران دیگر - خواهش میکنم که اگر در میان آنها عادات و روشهای غلطی از گذشته نسبت به زنان باقی است، آن را کنار بگذارند، تا خواهران هم بتوانند در میدانهای اجتماعی وارد شوند، تحصیل علم و معرفت کنند، خانواده‌ها را آباد کنند، فرزندان با معرفت و با کمال و عاقل و آینده‌سازی را تربیت کنند، یا در هر میدان دیگری که میخواهند یا میتوانند، فعالیت نمایند. این، آن چیزی است که اسلام خواسته است و به فضل پروردگار بایستی در نظام جمهوری اسلامی تأمین شود.^۱

مقابله با نگاه انحرافی و تحقیرآمیز نسبت به زن

من مکرر در جمعهای دانشجویی و در جمعهای جوان گفتم که در قضیه‌ی زن، ما در مقابل ادعاهای غربیها دفاع نمیکنیم، ما حمله میکنیم و غرب باید از خود در قضیه‌ی زن دفاع کند، نه اسلام، برای این است. اسلام برخلاف آنجوری که همیشه در نظامهای طاغوتی وجود داشته است که با چشم دیگری اصلاً به زن نگاه میکردند، به زن شخصیت میدهد. در اسلام وقتی برای مؤمن نمونه میخواهند مشخص بکنند، نمونه‌ی زن معین میکنند. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ^۲؛ این نفر اوّل، «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ»^۳، نفر دوّم؛ نمونه برای الَّذِينَ آمَنُوا، دو زن. نمونه برای الَّذِينَ كَفَرُوا هم دو زن: «امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا»^۴. یعنی زن را نه فقط محور و عبرت و آئینه‌ای برای زنان، بلکه برای کلّ جامعه قرار میدهد. میشد یک مرد انتخاب بکنند. نه، این در مقابله‌ی با آن نگاه انحرافی و غلطی است که نسبت به زنان وجود داشته. این نگاه، همیشه هم تحقیرآمیز نبوده؛ اما همیشه غلط بوده.^۵

۱. در دیدار اجتماع مردم اهواز (۷۵/۱۲/۱۸)

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۲

۴. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

۵. در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (۸۸/۷/۲۸)



کوبیدن اندیشه‌های جاهلی با بالا کشیدن زن نسبت به مرد در قرآن

در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، بعد از آن «رَبَّنَا» ها میگوید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ»^۱. مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی یک جا برای کوبیدن همین اندیشه‌های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا میکشد؛ که یک چنین حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن دیگر پیدا نمیکند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ»^۲. نمودار کفار، این دو تا زنند: «امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد. «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا»^۳ تا آخر. «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^۴؛ خدای متعال اینجا هم برای مؤمنین دو تا زن را اسم می‌آورد. حالا شما ببینید از اوّل تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیاء آمدند و رفتند. وقتی میخواهد برای اینها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی میکند: یکی «امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» - إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ^۵. «تا آخر - دوّم» «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا»^۶. اصلاً چیز عجیبی است.^۷

۳-۳- شأن انسانی زن از نظر اسلام

نگاه انسانی اسلام به زن

اسلام با نظر کرامت به زن نگاه میکند. همه‌ی خصوصیات انسانی میان

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۹۵

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

۳. همان

۴. همان

۵. همان

۶. سوره تحریم، آیه‌ی ۱۲

۷. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۴)



زن و مرد مشترک است. یک انسان قبل از آنی که اتّصاف پیدا کند به زن بودن، یا مرد بودن، متّصف است به انسان بودن. در انسانیت، زن و مردی وجود ندارد، همه یکسانند. نگاه اسلام این است.^۱

زنان؛ پیشگامان حرکت معنوی انسان

در زمینه‌ی مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت‌ها هستند. در قرآن وقتی می‌خواهد برای انسانهای مؤمن مثال بزند، می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ^۲؛ از یک زن مثال می‌زند. آنجایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزشهای انسانی و اسلامی و معنوی است، می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ^۳». در این آیه ده عنوان برای ارزشهای معنوی ذکر میشود؛ اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع و دیگر چیزها. زن و مرد در این میدان، دوش به دوش حرکت میکنند و پیش می‌روند؛ هر دو را ذکر میکند. این بتِ مردگرایی را که در جاهلیت‌ها همیشه بوسیله مردان و حتی بوسیله‌ی زنان پرستیده میشد، اسلام در این آیات میشکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیعت زن را یک امر لازم و یک مسأله‌ی زنده معرفی میکند. شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدّعی دفاع از حقوق زنان هستند - که تقریباً همه‌اش هم دروغ است - تا دهه‌های اوّل این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حقّ رأی نداشتند، نه فقط حقّ گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حقّ مالکیت هم نداشتند. یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود؛ اموال او در اختیار شوهر بود! در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی، تثبیت شده است: «إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۲/۴/۱۹۱)

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵

عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ» زنها می‌آمدند با پیغمبر بیعت میکردند. پیغمبر اسلام فرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آنها، هرچه که آنها رأی دادند، هرچه که آنها پذیرفتند، زنها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زنها هم بیعت میکنند؛ آنها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت میکنند. غربیها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادعاها را میکنند! در زمینه مالکیت نیز همینطور؛ و در زمینه‌های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است.^۲

اسلام؛ پیشگام در دفاع از حقوق زن

متفکرین مسلمان در قرن اخیر، در دهه‌های اخیر به خصوص چه در ایران چه در جای دیگر، وظیفه‌ی خودشان دانستند که از زن دفاع کنند، حقیقت زن، شخصیت زن، استعدادهای نهانی موجود در زن، چه آنهایی که با مرد در آن استعدادها شریک است، چه آن استعدادهایی که او دارد و مرد ندارد، نسبت به این چیزها زنها را آشنا کنند و از حقوق زن دفاع کنند. البته میدانید که اسلام، پیشگام در این دفاع بود و آن کسانی که صحبت کردند درباره‌ی زن اندیشیدند و گفتند، آنها از اسلام آموختند که اسلام به آنها یاد داد که در وجود زن، چه گوهرهایی نهفته است. اینها حرف بود، حرفهایی که درباره‌ی زن، متفکرین اسلامی قبل از انقلاب گفتند، بعد از انقلاب هم بارها و بارها چه وجود مبارک امام و چه کسانی که در این زمینه‌ها سخن گفته‌اند درباره‌ی زن حرفهای زیادی زدند.^۳

رازهای طرح دو زن بعنوان نمونه‌ی ممتاز در صحنه‌ی انسانیت

قرآن کریم، وقتی میخواهد نمونه‌ای برای انسانهای با ایمان ذکر کند،

۱. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱۱

۲. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

۳. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

آن را از میان مردان ذکر نمیکند؛ از میان زنان ذکر میکند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ». خدای متعال در اینجا، دو زن را بعنوان دو نمونه از انسانهای برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر میکند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی میخواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمیکند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است. «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»؛ زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون‌صفت و فرعون‌نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، اینجاست که شوهر نمیتواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حد فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیون‌ها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده‌ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده‌ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب میکند. لذا بعنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه‌ی بنی نوع بشر انتخاب میشود. زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ»^۱، مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوءظن آلوده‌ی همه‌ی مردم شهر و منطقه‌ی خود، مثل کوه می‌آیستد و کلمه‌الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامله‌ی خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نورباران میکنند. این، نشان‌دهنده‌ی آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه‌ی انسانها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای متعال میخواهد دو انسان را

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۲. همان

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۲

از مجموع همه‌ی انسانها انتخاب کند و بعنوان مثل و نمونه، آنها را معرفی کند، دو زن را انتخاب میکند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را. در این کار، رازهایی است.^۱

پیامبر اسلام (ص) و حقوق انسانی زنان

در دوران حکومت اسلامی، زنی در مدینه به دیدن پیامبر آمد. اصحاب دیدند که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) نسبت به این زن خیلی اظهار محبت کرد و احوال خود و خانواده‌اش را پرسید و با کمال صمیمیت و محبت با او رفتار کرد. بعد که آن زن رفت، پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای رفع تعجب اصحاب فرمودند که این زن در زمان خدیجه (دوران اختناق و شدت در مکه) به منزل ما رفت و آمد میکرد. لابد در زمانی که همه، یاران پیامبر را محاصره کرده بودند و خدمت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همسر مکرم پیامبر نمی‌آمدند، این خانم آن وقت با خدیجه رفت و آمد میکرد است. در روایت هم ندارد که این زن مسلمان شده بود، نه، احتمالاً این زن هنوز هم مسلمان نبود، اما به صرف اینکه در گذشته چنین خصوصیتی داشته و چنان صمیمیت و محبتی را ابراز میکرده است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) سال‌ها بعد از آن، این حق‌شناسی را رعایت میکردند.^۲

ارزشگذاری به اصالت زن

ما باید در مورد مسأله‌ی زن نگاه جامع داشته باشیم، و این نگاه جامع در اسلام هست. مسأله‌ی ارزشگذاری به اصالت زن، زن بودن، برای زن یک ارزش والاست؛ یک اصل است. به هیچ وجه تشبّه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی‌آید؛ همچنان که برای مردها تشبّه به زنان ارزش به حساب نمی‌آید. هر کدام نقشی دارند، هر کدام جایی دارند، جایگاهی دارند

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۸/۷/۲۸)

و طبیعتی دارند و مقصودی از وضعیّت خاصّ آنها در آفرینش حکیمانه‌ی الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود؛ این مسأله مهم است.^۱

پرهیز از سطحی نگری به احکام اسلامی در مورد زنان

بیایید آن چیزهایی را که در فقه مسلم اسلامی و در ظواهر قرآن و حدیث، بین زن و مرد تمایز قائل شده است، کنار بگذارید و روی اینها بحث نکنید؛ بخصوص آن چیزهایی که در قرآن مورد تصریح است. البته این به معنای آن نیست که شما از حقّ زن دفاع نکنید؛ بلکه به این معناست که احتمال بدهید همین موارد، دفاع از حقّ زن است، برداشتها مختلف است. الآن ملاحظه میکنید که این خانم درباره‌ی طلاق دیدگاهی را درست نقطه‌ی مقابل دیدگاه رایج مطرح میکنند؛ در صوتی که تا الآن بحث بر سر این بوده است که ما جلوی طلاق را بگیریم؛ الآن همه‌ی دنیا هم همین را میگویند.



در صورتی که ایشان میگویند ما بیاییم بگویم طلاق در شرایطی خیلی هم خوب است؛ برای خاطر اینکه گاهی اوقات طلاق در زندگی وجود دارد؛ در حالی که ظاهراً صیغه‌ی طلاق جاری نشده است. من میگویم شما از کجا میدانید که در مسأله‌ی ارث - که ممکن است به نظر بعضی برسد که به زن ظلم میشود - دیدگاه مترقی و فکور و عمیقی پیدا نشود که نشان بدهد اتفاقاً این هیچ ظلم نیست؛ یا همینطور در قضیه‌ی طلاق و قصاص و قضایای دیگری که وجود دارد؟ بالاخره قرآن است، سخن خداست، حکمت الهی است، حکمت نبوی است؛ شوخی که نیست. نمیشود به آسانی گفت که ما اینطور میفهمیم؛ نه پشت این آیات، حکمتهایی وجود دارد. گفت: «چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست». حالا اهل دل کجا، خالق دل کجا؟ بنابراین نمیشود گفت من اینطور میفهمم؛ نه. این را کنار بگذارید و به مسائل دیگر پردازید.^۲

۱. در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

۲. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)



حق مالکیت زن با وجود عدم رضایت شوهر و پدر

اروپایی که امروز ادعا میشود زن در آنجا آزاد است، تا نیم قرن پیش در همین اروپا، به زن اجازه داده نمیشد که در مال شخصی خودش تصرف کند.

در اسلام، زن مالک ثروت خود است. شوهرش راضی باشد یا نباشد؛ پدرش راضی باشد، یا راضی نباشد، فرقی نمیکند، او میتواند ثروت و مال و اندوخته‌ی خود را مصرف کند و ربطی به کس دیگری ندارد. نظر اسلام، این است.^۱

۳-۴- برابری و تفاوت میان زن و مرد

عدم تفاوت بین زن و مرد در طی مراتب معنوی و حقوق اجتماعی و فردی

خدای متعال در قرآن حدود تکریم زن را معین کرده است. زن پیش خدای متعال مثل مرد است. در طی مراتب معنوی و الهی، بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست. آن که این جاده را برایش درست کرده‌اند، انسان است، نه مرد یا زن. خدای متعال در تاریخ زنی مثل فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) می‌آفریند که امام عسکری یا امام هادی (علیهما السلام) - طبق حدیثی که از آنها نقل شده - میفرمایند: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا». فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) حجت خدا است، امام ائمه است؛ شخصیت، دیگر از این بالاتر؟ آن حضرت دارای مقام عصمت است. یک چنین انسانی، زن است. زنان بزرگ عالم: مریم، سارا، آسیه و دیگران و دیگران - بزرگانی که بودند - برجسته‌های عالم خلقتند. در این جاده‌ی تکامل و تعالی، آن که حرکت میکند، انسان است. در حقوق اجتماعی، فرقی

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

بین زن و مرد نیست. در حقوق شخصی و فردی، بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد.^۱

عدم تفاوت زن و مرد در تقرّب الی الله و کمالات

اما در زمینه‌ی مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرّب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه‌شان، رتبه‌های فوق تصوّر امثال ماهاست. در آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این هم بخاطر همین است که خواستند آن تصوّرات جاهلی مربوط به زن را بکوبند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ^۲». از اسلام تا ذکر، یک فاصله‌ای است. یک سلسله مدارک متدرّجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را پیدا میکند «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً^۳». همه جا مرد، زن: مرد خاشع، زن خاشع؛ مرد متصدّق، زن متصدّق؛ با هم هیچ فرقی ندارند. در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، بعد از آن «رَبَّنَا» ها میگوید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ^۴» مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند.^۵

عدم تفاوت در ارزش انسانی زن و مرد

اسلام هیچ فرقی بین زن و مرد نمی‌بیند. جنسیت زن و مرد، کوچکترین

۱. در دیدار جمعی از مدّاحان (۹۲/۲/۱۱)

۲. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵

۳. همان

۴. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۹۵

۵. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

تأثیری ندارد. نه در جوهر انسانیت آنها تفاوت و اختلافی وجود دارد، نه در حقوق اساسی آنها هیچگونه اختلاف و تفاوتی هست: او هم آزاد است، این هم آزاد است؛ او هم حق انتخاب دارد، این هم حق انتخاب دارد؛ او هم تکلیف دارد، این هم تکلیف دارد؛ او هم میتواند درجات عالی انسانی را طی کند، این هم میتواند طی کند؛ او هم حق فراگرفتن علم را دارد، این هم حق فراگرفتن علم را دارد؛ او هم وظایف سنگین جهاد فی سبیل الله را بر دوش دارد، این هم وظایف سنگین جهاد فی سبیل الله را بر دوش دارد - جهاد، هم بر زن واجب است، هم بر مرد؛ جهاد فقط شمشیر زدن که نیست، انواع و اقسام جهاد هست؛ بعضی از انواع جهاد از شمشیر زدن و به جبهه رفتن بسیار هم مشکلتر است؛ حال ممکن است بعضی از انواعش برای این میسر باشد، برای او میسر نباشد؛ اما به هر حال جهاد فی سبیل الله، هم بر زن و هم بر مرد واجب است.^۱

عدم تفاوت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی

میان مرد و زن در اجازه‌ی فعالیت‌های متنوع در همه‌ی میدانها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد میتواند درس بخواند، زن نمیتواند؛ مرد میتواند درس بگوید، زن نمیتواند؛ مرد میتواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمیتواند؛ مرد میتواند فعالیت سیاسی کند، زن نمیتواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است.^۲

عدم تفاوت زن و مرد در کسب فضائل بشری

هدف از آفرینش هر فرد انسان، همان هدف از آفرینش بشریت است، یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضائلی که یک انسان و یک فرد میتواند به آن فضائل آراسته شود. لذا فرقی بین زن و مرد نیست.

۱. بخشی از جلسه‌ی ۱۲۴ تدریس درس خارج فقه و اصول (۷۹/۱۲/۷)

۲. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

نشانه‌اش هم در درجه‌ی اوّل فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) و دیگر زنان بزرگ تاریخ در درجه‌ی بعد از ایشان است.^۱

عدم تفاوت زن و مرد در عروج و سقوط انسانی

شما ببینید خدای متعال برای اینکه نمادی در مقابل چشم بشر قرار دهد، یک زن را انتخاب میکند. میتوانست یک مرد را انتخاب کند؛ مردان بزرگ که بسیار بودند؛ اما یک زن را انتخاب میکند. این معنا دارد. در مقابل آن مردم جاهلی که خیال میکردند بین زن و مرد فرقی هست، قرآن میگوید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ^۲؛ زن فرعون را بعنوان نمونه‌ی مؤمنان مثال میزند. میتوانست حضرت موسی را مثال بزند، اما زن فرعون را مثال میزند؛ «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». در طرف بدی نیز همینطور است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ^۳؛ زن نوح و زن لوط را بعنوان نمونه‌های بدی مثال میزند؛ یعنی در میدانهای انسانی و تکامل و تعالی، از طرف عروج و سقوط، از طرف تکالیف و حقوق، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ اینها دو موجود انسانی هستند.^۴

عدم تفاوت مرد و زن در ارزشهای معنوی و اسلامی

قبل از اسلام هم الگوهایی بودند، همین آیه‌ای که خواندم «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ^۵» زن فرعون با اینکه در نامساعدترین شرایط اجتماعی و اخلاقی و فکری رشد کرده، اما آن نمونه‌ی برجسته‌ای است که قرآن بعنوان مؤمن او را معرفی میکند. شما ببینید چقدر شخصیت مؤمن غیر از پیغمبران در طول تاریخ وجود داشته، یک زن را انتخاب میکند قرآن

۱. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۱۶)

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

۴. در تدریس درس خارج فقه و اصول (۷۹/۱۲/۷)

۵. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

و معرفی میکند، «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا»: خداوند ارائه میدهد نمونه‌ای، «لِلَّذِينَ آمَنُوا»: برای مؤمنان، «أَمْرَاتٍ فِرْعَوْنَ»: زن فرعون. این نشان‌دهنده‌ی همین ارزشهای والای انسانی و الهی است که در زنها تجلی پیدا میکند. در اسلام هم که فاطمه‌ی زهرا آمد که برترین زنان تاریخ شد و یکی از برجسته‌ترین انسانهای آفریده در طول تاریخ، بزرگ الهی و پیغمبران. خب این چی را به ما یاد میدهد؟ اسلام به این وسیله به ما میفهماند؛ که زن از لحاظ ارزشهای الهی و انسانی با مرد تفاوتی ندارد، از لحاظ اینکه یک زنی در اوج خود، در اوج پرواز خود به کمال به کجا میتواند برسد؟ نگاه کنیم ببینیم، میتواند به همان جایی برسد که برترین و بالاترین مردان در پرواز معنوی خودشان میتوانند برسند - بدون هیچ تفاوتی امیرالمؤمنین در ردیف بزرگترین اولیاء الهی است. تمام ارزشهای معنوی و اسلامی برای زنان همینجور است در قرآن «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ^۱» هر جایی که ارزش معنوی‌ای را برای مرد می‌آورد، برای زن هم عین همان را با همان تعبیر می‌آورد؛ این دو موجود پروازشان با هم است، یکسان است، از لحاظ ارزشهای معنوی هیچ تفاوتی ندارد، این همان است. از لحاظ تکالیف هم، تکالیف اجتماعی هم، با هم تفاوتی ندارند.^۲

برابری فرصتهای عروج برای زن و مرد

تکالیف الهی که فرصتهای عروج انسانند و بوسیله‌ی این تکالیف است که انسان میتواند عروج پیدا کند، [هم بر زن هم بر مرد واجب] است. همه‌ی اینها بدون هیچگونه تفاوتی، در مقابل زن و مرد یکسان گشوده

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵

۲. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادיום آزادی (۶۷/۱۱/۸)

است. لذا شما ملاحظه میکنید که قرآن در مواردی زیاد، زن و مرد را با هم می‌آورد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». اینجا مردها نمیتوانند بگویند که ما این امتیاز یا این ترجیح را داریم، یا زن بگوید که چرا به مرد این ترجیح داده شده است؛ نه. در همه‌ی اینها زن و مرد یکسان مورد ملاحظه‌ی الهی قرار میگیرند.^۲

برابری زن و مرد از جنبه‌ی الهی و تکامل انسانی

اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جا سخن از مرد گفته میشود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل میشود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصه‌ی پیکره‌ی بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه‌ی بشری و جنبه‌ی الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. لذا در قرآن آن وقتی که میخواهد راجع به انسانهای خوب یا انسانهای بد مثل بزند، از زن مثل می‌آورد: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحَ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ^۳». در مورد کسانی هم که مؤمن هستند، مثال میزند؛ «امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ^۴». در هر دو جا، مثال و نمونه‌ی کامل راه خطا و راه صواب را از زن ذکر میکند؛ یک جا هم راجع به مردان سخن میگوید.^۴

برابری زن و مرد در ارزشهای معنوی و معرفتی

در بینش اسلام زن از نظر معرفت، اندیشه، فکر و قرب به خداوند مانند

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵

۲. در تدریس درس خارج فقه و اصول (۷۹/۱۲/۷)

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

۴. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

مرد است و به هیچ وجه نباید با زن با افراط و تفریط و دون شأن او برخورد کرد. زن و مرد دارای وظایف و مسؤولیتهای مشترک و نیز اختصاصی هستند که باید بدقت شناخته و تبلیغ شود.^۱

برابری زن و مرد در پیمودن مراحل تکامل معنوی و مادی

از نظر اسلام زن باید به مثابه‌ی یک عنصر انسانی تمام مراحل کمال انسانی را بپیماید که همانطور که میدانید کمال انسانی حدّ ندارد و در هیچ‌جا متوقف نمیشود. زن بعنوان یک دانشمند، بعنوان یک مخترع و مبتکر، بعنوان یک فیلسوف، بعنوان یک عنصر فعال سیاسی، بعنوان یک عنصر فعال دولتی و اداری، بعنوان یک انسان خدومی که به خدمات اجتماعی اشتغال دارد، بعنوان یک معلم، بعنوان یک پزشک، به همه‌ی عناوینی که یک مرد میتواند با آنها امتیاز پیدا کند زن میتواند امتیاز پیدا کند البته با چند استثنای محدود که در اسلام مشخص شده از جمله حقّ قضاوت؛ مثلاً اما از نظر اسلام در ضمن اینکه در جامعه‌ی اسلامی همه‌ی این معانی برای زن وجود دارد فراتر و بالاتر از همه‌ی آنها آن معنویّت و اوج روحی و عرفانی انسان است که تقرّب به خداست که او زن و مرد به هیچ وجه نمیشناسد و زن و مرد بصورت یکسان میتوانند درجات معنویات و تکامل را بپیمایند و به خدا نزدیک بشوند که از نظر اسلام این اوج شخصیت هر انسان است.^۲

برابری زن و مرد در فرایض دینی

میان مرد و زن و میان همه‌ی قشرهای اجتماع، در این تکلیف و فریضه‌ی عمومی^۳ فرقی نیست و در این آیه‌ای که تلاوت کردم ده صفت را خدا برای پیروان امت اسلام می‌شمارد که اولش اسلام یعنی تسلیم در برابر خداست و آخرش ذکر و یاد خدا. و در همه‌ی اینها میان مرد و زن فاصله‌ای نمیگذارد

۱. در دیدار با مدیران و برنامه‌سازان صدا و سیما (۷۵/۵/۹)

۲. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

۳. روزه‌داری ماه مبارک رمضان



«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ» مردان مسلم و زنان مسلم، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان صادق و زنان.^۲

همردیفی مقامات معنوی و درجات انسانی زن و مرد

خواهران من! موضوع زن و برخورد جوامع با او، مسأله‌ای است که از دیرباز در میان جوامع و تمدنهای مختلف مطرح بوده است. همیشه نصف مردم عالم، بانوان هستند. قوام زندگی در عالم، به همان اندازه که به مردان وابسته است، به همان اندازه هم به زنان وابسته است. زنان، بزرگترین کارهای آفرینش را بطور طبیعی برعهده دارند. کارهای اساسی آفرینش، مانند تولیدمثل و تربیت کودک، در دست زنان است. پس مسأله‌ی زنان، مسأله‌ی مهمی است و از دیرباز، در جوامع، در بین متفکرین و در اخلاق و عادات گوناگون ملت‌ها وجود داشته است. اسلام یک موضع برجسته را در این بین انتخاب کرده؛ از افراط و تفریط جلوگیری نموده، و هشدار می‌دهد که همه‌ی مردم عالم داده است. اسلام، مردانی را که بخاطر قدرتمند بودن جسمی یا توانایی مالی، زنان و مردان را به خدمت می‌گرفتند و زن را مورد آزار و احياناً تحقیر قرار میدادند، بکلی سرجای خود نشاند و زن را در جایگاه حقیقی خودش قرار داد و حتی از جهاتی، زن را در ردیف مرد قرار داد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»^۳ مرد مسلمان، زن مسلمان. مرد عابد، زن عابد. مرد متعبد، زن متعبد.

پس، در اسلام همه‌ی این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد بالسویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هر کس که برای خدا کار کند، «مَنْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»؛ چه مرد باشد و چه زن، «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»^۴.^۵

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵

۲. خطبه‌های نماز جمعه (۵۹/۴/۱۳)

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵

۴. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷

۵. در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب(س) (۷۳/۷/۲۰)

عدم تفاوت در عرصہی تعالیٰ روحی و رشد معنوی

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ^۱» همه جا، مرد و زن در کنار هم قرار دارند. «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا^۲». این، صحنہی اوّل است کہ در آن، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. در اسلام، برای فعالیّت زنان، سه عرصہ معین شدہ است؛ اوّل، عرصہی تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد میتواند بہ عالیترین مقامات از لحاظ معنوی برسد، زن ہم میتواند بہ بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد میتواند بہ حدّ علی بن ابیطالب (علیہ السلام) برسد و زن میتواند بہ حدّ فاطمہی زہرا (سلام اللہ علیہا) برسد.

بر اساس آیہی شریفہی سورہ احزاب فرق نمیکند، چہ اسلام، چہ ایمان، چہ قنوت، چہ خشوع، چہ تصدّق، چہ صوم، چہ صبر و استقامت، چہ حفظ ناموس، چہ ذکر خدا، زن و مرد در این بخشها یکسانند.^۳

ابعاد گوناگون جہاد و مبارزہی زن

مسألہی شخصیت بعنوان یک مسلمان، بعنوان یک انسان در جامعہ، خب خود ہمین ابعاد گوناگونی دارد علم آموزی، چہ علمی؟ چگونہ؟ در چہ شرایطی؟ با چہ انگیزہای؟ این قابل بررسی است. بعد جہاد، جہاد بر زن ہم مثل مرد واجب است. یک نوع جہاد فقط هست کہ مخصوص مردہاست، آن جہاد ابتدایی تعرّضی. آنجایی کہ دشمن حملہ میکند بر مرد و بیمار و صحیح و سفیہ و ہر کسی کہ مکلف است لازم است کہ دفاع

۱. سورہی احزاب، آیہی ۳۵

۲. همان

۳. در دیدار با زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲)

بکند؛ بنابراین جهاد بر زن واجب است، علاوه بر این جهاد که حضور در میدان جنگ فقط نیست، جهاد در عرف اسلامی به معنای مبارزه است. همان بار فرهنگی و همان مفهومی که کلمه‌ی مبارزه در فارسی متداول ما دارد، جهاد همان بار را و همان مفهوم را در عربی دارد. جهاد غیر از قتال است. قتال یعنی پیکار با سلاح، جنگ مسلحانه. جهاد یعنی مبارزه، که شامل مبارزه‌ی مسلحانه میشود، شامل مبارزه‌ی منفی میشود، شامل مبارزه‌ی اقتصادی میشود، شامل مبارزه‌ی فرهنگی میشود، شامل مقاومتهای قهرمانانه میشود، همش مبارزه است. در میدان وسیع جهاد زن چه کارهایی باید انجام بدهد و ابعاد گوناگون جهاد او چگونه است؟^۱

ایفای نقش یکسان در پیشرفتهای علمی و اجتماعی

ما معتقدیم زنان در هر جامعه‌ی سالم بشری قادرند و میباید فرصت پیدا کنند که در حدّ سهم خود، تلاش و مسابقه‌ی خویش را در پیشرفتهای علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره‌ی این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست.^۲

امکان پرش بینهایت برای زن و مرد

در جهانبینی اسلام اگر من جهانبینی اسلام را میشناسم، بنده از اسلام میفهمم که از لحاظ استعدادها و از لحاظ امکان پرش - پرش بینهایت - میان زن و مرد هیچ فرقی نیست و قرآن وقتی میخواهد مثال بزند برای مؤمنین، از یک زن مثال میزند «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»^۳ این همه مؤمن.^۴

۱. در سمینار نقش در جامعه‌ی در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۳. سوره‌ی تحریم آیة ۱۱

۴. زمینه‌ی بعثت انبیاء از دیدگاه نهج البلاغه

اقتضای نظام اتم خلقت در خصوصیات زن و مرد

ما باید زن را زن، مرد را مرد نگه داریم، تا این مجموعه کامل بشود؛ والا اگر مرد را در همه‌ی خصوصیات و خلیات و رفتارها و وظایف و کارها، به زن تبدیل کردیم و زن را تبدیل به مرد کردیم - اگر یکی از این دو کار را کردیم - کار غلطی کرده‌ایم. «فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ^۱»، این تغییر خلق الله که در قرآن هست، این است. یعنی ما آن نظام اتم خلقت را - که لازم است در این مجموعه، جنسی با این خصوصیات باشد و جنسی با آن خصوصیات، تا همدیگر را تکمیل کنند - از بین برده‌ایم.^۲

رعایت عدالت محض میان زن و مرد از نظر اسلام

برای اسلام، جنس - زن بودن و مرد بودن - مطرح نیست؛ تعالی بشری مطرح است، اخلاق بشری مطرح است، بروز استعدادها مطرح است، انجام وظایفی که به هر کسی یا هر جنسی از جنسهای بشری متوجه است، مطرح است، که برای این باید طبعاً طبیعتها را شناخت. اسلام، طبیعت زن و طبیعت مرد را هم بخوبی میشناسد. در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ همچنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیشترین حقایق و بیشترین واقعیتهای فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است.^۳

زن و مرد؛ دو جنس مکمل یکدیگر

من مکرر میبینم که خانمها وقتی با من روبه‌رو میشوند، نگرش فمینیستی

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۱۹

۲. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

۳. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)



را نسبت به مسائل زنان رد میکنند؛ اما متأسفانه در عمل، حرفها و گرایشها، همان باد فمینیستی است که اینها را میکشاند! چرا جنس‌ستیزی کنیم؟ آن شاعر بسیار برجسته‌ی زمان ما - رهی معیری - که غزلسرای بسیار خوبی است و من از غزل‌هایش خیلی خوشم می‌آید، شعری علیه زنان سروده بود که از وقتی من این شعر را از او شنیده‌ام، اصلاً دلم چرکین شده است. یک نفر به زن اینگونه نگاه میکند؛ نقطه‌ی مقابلش هم یکی بیاید و زن‌گرایی افراطی کند - ولو مردستیزی هم نکند - این هم غلط است. زن و مرد دو جنسند؛ خدای متعال اینها را آفریده تا مکمل هم باشند؛ تا با تفاهم و سکون و آرامشی که اینها ایجاد میکنند، جامعه‌ی اسلامی وجود داشته باشد. هر کدام از زن و مرد وظیفه‌ی اختصاصی دارند. زن - چه بخواهیم، چه نخواهیم - جنسی است که باید جنبه‌ی لطف و آرامش و رحمت و سکون را در جامعه تأمین کند. بچه‌ی پسر همیشه شیطان‌تر از بچه‌ی دختر است؛ آنهایی که بچه دارند، این را میدانند. خدای متعال در این جنس این گنجینه را گذاشته که هم خود زن و هم خود مرد به آن احتیاج دارند؛ ولی ما بیاییم این گنجینه را از او سلب کنیم و جنبه‌ی ستیزه‌گری مردگرایانه را به او منتقل کنیم. این کار چه لزوم و فایده‌ای دارد و چه افتخاری برای زنان به وجود می‌آید؟^۱

توجه اسلام به زن و مرد از منظر انسانی و حقوقی

نظر اسلام به دو جنس را از دو منظر میشود مورد ملاحظه قرار داد: یک منظر، منظر اصل انسانیت، جوهر انسانیت، حقیقت انسانیت و چیزهایی است که بر این جوهر و حقیقت مترتب میشود؛ چه در نفس انسان، چه در سرنوشت انسان، چه در راهی که انسان را به آن سرنوشت و به آن درجات رفیع‌ای که یک انسان میتواند به آنها برسد، میرساند، چه آنچه که مربوط به حقوق اساسی انسان است؛ مثل حق آزادی او، حق تعقل او، حق تکلیف

۱. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

او- که به معنا، تکلیف هم یک حق است- حق اختیار و اراده‌ی او، هم اسلام از منظر بعضی از عوارض و لواحق و شرایط خاص زندگی - از لحاظ جسمانی - از لحاظ وضع تکالیف اجتماعی و امثال اینها - به زن و مرد نگاه میکند.^۱

برجستگیها و امتیازات و برتری متقابل زن و مرد نسبت به هم و برابری کلی آنها

جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است. در مجموع هم که نگاه کنیم، زن و مرد فرقی ندارند؛ از لحاظ خلقت، از لحاظ خصوصیاتِ کِیانِ طبیعی‌شان که خدای متعال خلق کرده، یک امتیازاتی جانب زنانه دارد، یک امتیازاتی جانب مردانه دارد؛ خدای متعال یک مقدار خصوصیات را به این جنس داده، یک مقدار خصوصیات را به آن جنس داده؛ یک برجستگیها و ارزشهایی این دارد، یک برجستگیها و ارزشهایی آن دارد؛ لذا است که با همدیگر از لحاظ آنچه که مربوط به انسانیت است هیچ فرقی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ در آن چیزهایی که خدای متعال برای انسان قرار میدهد - از لحاظ حقوق انسانی، از لحاظ حقوق اجتماعی، از لحاظ ارزشهای معنوی و سیر تکامل معنوی - هیچ فرقی ندارند؛ یعنی یک مردی مثل علی بن ابی طالب میشود، یک زنی مثل فاطمه‌ی زهرا میشود؛ یک مردی مثل عیسی میشود، یک زنی مثل مریم میشود؛ تفاوتی ندارند با همدیگر. پس این نگاه درست است که ما زن را در جنسیت خودش - همان‌جور که هست، زن واقعی، مؤنث واقعی - بشناسیم، و ببینیم چه ارزشهایی میتواند این فرد متعلق به این جنس را یا این جامعه‌ی این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است. ما نباید در مقابل نگاه غرب دچار این انفعال میشدیم که متأسفانه شدیم.^۲

۱. بخشی از جلسه‌ی ۱۲۴ تدریس درس خارج فقه و اصول (۷۹/۱۲/۷)

۲. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

مسئولیت‌های مشترک زن و مرد با وجود قلمروهای اختصاصی

بر اساس دیدگاه الهی و اسلامی، زن و مرد هر یک وظایفی اساسی را در قلمرو اختصاصی حیات خود بر عهده دارند که باید به آن عمل کنند. اما در عین حال هر دو در یک پهنه‌ی وسیع با مشارکت، هماهنگی و اعمال توانایی‌های خود مسئولیت‌هایی را به انجام می‌رسانند.^۱

برابری در ارزش‌های انسانی، تفاوت در وظایف تخصصی

اسلام میان زن و مرد برابری را از لحاظ ارزش‌های انسانی قبول دارد ولی از لحاظ وظایف اختصاصی نه. اسلام به زن نقش خاص خود را قائل است که به هیچ وجه کوچکتر از نقش مرد نیست. باید توجه نمود که ترکیب جسمانی و روانی زن، او را برای تکالیف خاصی آماده کرده است. این تکالیف عبارت است از آن چیزی که زن و مرد از آن مرز از هم جدا شده‌اند.^۲

توجه به تفاوت طبیعت زن و مرد

صدای مرد، کلفتتر از صدای زن، قد او بلندتر از قد این و استخوان او درشتتر از استخوان زن است. خصوصیات خلقت مرد هم، خصوصیات مسلط و فعال است، خصوصیات زن، خصوصیات نرمش و انعطاف و انجذاب است. لذا شما اگر در تعبیرات اسلامی ملاحظه کنید، درباره‌ی زن، درست همان تعبیرات واقعی وجود دارد. «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ رِيحَانٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۳. زن گل است -ریحانه یعنی گل- انسان با گل چه کار میکند؟ نوع برخورد با گل چگونه است؟ اگر با گل کشتی بگیرید، گل پژمرده میشود. اگر گل را گل بشناسند و برخورد گلانه با آن بکنند، مایه‌ی زینت و مؤثر است، و وجود خودش شاخص و بارز خواهد بود. «و لیست بقهرمانه»، قهرمانه

۱. در دیدار با جمعی از بانوان مسؤول و متخصص و هنرمند کشور (۷۴/۸/۲۲)

۲. در دیدار با زنان مسلمان ایران و ۹ کشور جهان (۶۷/۱۱/۸)

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳

به معنی قهرمانی که به فارسی می‌گوییم، نیست؛ بلکه تعبیر عربی است که از فارسی گرفته شده است. قهرمان - بطور خلاصه - یعنی مباشر امور، سرکارگر. یعنی در خانه‌ی شما، زن را بعنوان مباشر امور خودتان ندانید، خیال نکنید که شما رئیسی هستید، کارهای خانه، بچه‌ها و امثال آن، به عهده‌ی یک سرکارگر است؛ سرکارگر هم این خانم است، و باید اینگونه عمل کنیم! نه قضیه اصلاً این نیست. ببینید برخورد حقیقی و مستقیم به سوی طبیعت زن است. زن که نمیتواند طبیعت خودش را فراموش کند. اصلاً مصلحت هم نیست که فراموش کند؛ برای خاطر آنکه نظام اتم مؤثر این طبیعت، این وضع مؤثر است. این لازم است؛ و الا اگر این جنس را واقعاً چه از لحاظ خصوصیات - به آن جنس دیگر تبدیل کردیم، از کمال کاسته‌ایم. غیر از این است؟^۱

تفاوت طبیعی زن و مرد

خدای متعال طبیعت زن را ظریف قرار داده است. بعضی از انگشتها خیلی درشت و گنده هستند و برای کندن یک سنگ از زمین خیلی خوبند، اما اگر بخواهند یک جواهر خیلی ریز را لمس کنند، معلوم نیست بتوانند بردارند.^۲

تفاوت اندیشه و احساسات زن و مرد

گر چه زن از لحاظ ترکیب عقلی، ضعیفتر از مرد نیست، گاهی خیلی هم قویتر است - البته اندیشه‌ی زنانه، با اندیشه‌ی مردانه فرق دارد. نوع احساسات زنانه با احساسات مردانه فرق دارد. هر کدام برای کاری درست شده است. اینها در وجود افراد، به ودیعه گذاشته شده است - بعضی از جاها، مثلاً در مواجهه با یک مسأله‌ی علمی، فکر زنانه و مردانه تفاوتی ندارد؛ ولی در اداره‌ی زندگی تفاوت دارد.^۳

۱. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی (۷۸/۴/۳۰)

۲. مراسم عقد و ازدواج (۸۱/۶/۶)

۳. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۷۵/۸/۱۴)

تفاوت‌های جسمانی، عاطفی و اخلاقی؛ نشانه‌ی وظایف مختلف

از لحاظ پاره‌ای از تکالیف و از لحاظ آن جایی که مرز بین زن و مرد است، چرا تفاوت‌هایی دارد. زن برای یک وظیفه‌ی ویژه‌ی و مرد برای وظیفه‌ی ویژه‌ی دیگری آفریده شدند و شکل گرفتند. شما به شکل زن و مرد هم که نگاه کنید - به ترکیب جسمانی آنها به خصوصیات عاطفی و اخلاقی آنها - خیلی خوب می‌فهمید که این دو تا برای دو تا کارند برای یک کار نیستند؛ براساس همین کار و وظیفه‌ای هم که اینها به عهده‌شان محوّل شده امکانات و ابزارهای لازم در اختیارشان قرار گرفته. این دو تا کار هم هیچکدام از آن دیگری پایتتر یا بالاتر نیست. فرض بفرمایید یک ابزار، یا یک چکش ظریف کوچک بادقّت ساخته شده را شما با یک پتک مثلاً مقایسه کنید، پتک ارزشش بیشتر است یا این چکش ظریف؟ نمیشود بگوییم پتک، نمیشود بگوییم که چکش ظریف. هرکدامی ارزش خودشان را دارند، آنجایی که پتک به کار می‌آید این چکش را اگر بیاوریم کاری از آن ساخته نیست، آن جایی هم که به این چکش که ما احتیاج داریم اگر پتک بیاوریم جز ضرر اثر دیگری نخواهد داشت؛ هرکدام برای یک کاری. آفرینش الهی است؛ این را برای این کار، آن را برای آن کار آفریده، این مرز بین زن و مرد.^۱

حکمت الهی در تفاوت آفرینش زن و مرد

اگر جوامع بشری شناخت درستی از جایگاه زن و مرد در طبیعت بشری به‌دست آورند و آن را درست به‌کار ببرند، نظام کامل الهی تحقق پیدا خواهد کرد و در این نظام، هر موجودی فایده وجودی خود را آنچنان‌که باید خواهد بخشید، به کسی ظلم نخواهد شد، هیچ استعدادی زایل نمیشود و بشریت از فیض همگنی، همکاری و همایش صحیح زن و مرد بهره‌های فراوانی خواهد برد. در نظام الهی، زن و مرد حق ندارند خود را واجتر،

۱. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادיום آزادی (۶۷/۱۱/۸)

ضروریت و مفیدتر از دیگری بدانند و با این نگاه همه در یک سطح قرار میگیرند. نقش واحد زن و مرد در چرخه‌ی زندگی بشر مبتنی بر انجام کار با هدف تکمیل عالم وجود در نظام حیات بشری خواهد بود و این مهم همان دیدگاه حکمت الهی در آفرینش زن و مرد است.^۱

تفاوت حقوق زن و مرد بر اساس طبیعت، فطرت و مصالح جامعه

نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود. خود بانوان هم در این زمینه باید کار کنند؛ اما بیشتر باید کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند، تلاش کنند و بتوانند نظر اسلام را در آن جاهایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین نمایند، تا هر کسی تصدیق کند که این دقیقاً بر اساس طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و بر طبق مصالح جامعه است. البته کارهای خوبی هم شده است؛ امروز هم باید با زبان امروز این کار بشود، و الا در گذشته هم در این زمینه کارهای خوبی انجام گرفته است و اگر کسی مطالعه و توجه کند، به همین اذعان و تصدیق هم خواهد رسید.^۲

تفاوت وظایف زن و مرد بر اساس خلقت

برای این دو جنس^۳، واقعیتهایی وجود دارد؛ مثلاً شیر دادن به بچه یک تکلیف بر دوش زن است. زن باید بچه را شیر بدهد، مرد که نمیتواند شیر بدهد. یا فرض بفرمایید حضانت کودک، یک تکلیف و یک حق است - هم تکلیف است، هم به یک معنا حق است - که مربوط به زن است. یا مثلاً نان‌آوری خانواده یک تکلیف بر دوش مرد است. زن اگر همه‌ی ثروت دنیا را هم داشته باشد، وظیفه ندارد که مخارج خانه و هزینه‌های زندگی را از جیب خودش بدهد. مرد باید این کار را بکند. اینها ناشی از واقعیتهای دو

۱. در دیدار با بانوان مس‌وول، متخصص و هنرمند کشور (۷۴/۸/۲۲)

۲. در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۳. زن و مرد



جنس است؛ یعنی خدای متعال این دو جنس را برای مصالحشان، برای بقای نسل، برای آبادی این عالم، برای اداره‌ی صحیح عالم طبیعت، به دو گونه‌ی مختلف جسمانی و احساسی آفریده است. زن و مرد از لحاظ احساسی و از لحاظ جسمانی، بر حسب وظایفی که بر دوش آنهاست، دو گونه خلق شده‌اند. این وظایف بر اساس آن واقعیتهاست. این واقعیتهای طبیعی - اعم از جسمانی یا احساسی - در نوع تکالیفی که متوجه به اینهاست و همچنین بعضاً نوع حقوقی که اینها دارند - مثل حق نفقه و کسوه که زن نسبت به مرد دارد - تأثیر میگذارد. حق نفقه و کسوه مربوط به فقر و ضعف زن نیست که چون نمیتواند کار کند، باید آن را دریافت کند؛ نه، ممکن است زن بتواند کار کند، پول هم گیر بیاورد، اما موظف نیست یک ریالش را در زندگی مشترک زن و شوهری خرج کند. اگر بخواهد، میتواند در جای دیگری خرج کند و هیچ اشکالی هم ندارد؛ اما مرد چنین حقی را ندارد. این نگاه اسلام به زن و مرد، ناشی از ترتیب طبیعی اینهاست.^۱

فلسفه‌ی تفاوت زن و مرد در کار و اشتغال

باید به یک نکته‌ی کاملاً واضح توجه شود و آن وجود تفاوت در ترکیب جسمی زن با ترکیب جسمی مرد است، این تفاوت بیخود نیست. خدای متعال که حکیم است و هر دو را آفریده، این تفاوت را هم گذاشته است. البته در آن زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، انسانی و اسلامی همانطور که گفتیم هیچگونه تفاوتی ندارند اما در مرحله کار با یکدیگر فرق دارند. مثلاً مردها بنایی میکنند، آیا ما برای اینکه زن و مرد حقوقشان برابر باشد و اهانت به زن نشود باید بگوییم زنان هم بروند عملگی و بنایی کنند. اصلاً این کار برای زن مناسب به نظر نمی‌آید.^۲

۱. در تدریس درس خارج فقه و اصول (۷۹/۱۲/۷)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز پیرامون نقش زن (۶۶/۱۲/۱۳)

ارزش زن؛ زن کامل بودن، نه کپی مرد شدن

این هنری نیست که زن کار مردانه را تقلید کند؛ نه، زن یک کار زنانه دارد که ارزش آن از هر کار مردانه‌ای بیشتر است. امروز دستهای بشدت مشکوک موج ضد ارزشی را در دنیا به راه انداخته‌اند - که در همه جا هست، در کشور ما هم متأسفانه در گوشه و کنار دیده میشود اینها میخواهند زن را وادار کنند به اینکه بشود یک مرد! این را کسر شأن زن میدانند که چرا فلان کارها را مرد میکند، زن نکند! این کسر شأن است؟ نگاه به این مسأله، نگاه غلطی است. این را عیب میگیرند که چرا شما میگویید زن، زن است؛ مرد، مرد است. خب، مگر اینطور نیست؟ شما دلتان میخواهد که ما بیاییم بگوییم زن، یک مرد است؛ آن وقت یک مرد مصنوعی؛ کپی دوم مرد! این چه افتخاری است برای زن؟ افتخار برای زن این است که یک زن باشد؛ یک زن کامل، یک مؤنث کامل. در مقام ارزشگذاریها والا اگر نگاه کنیم، این ارزش - یک زن کامل بودن - از یک مرد کامل بودن کمتر که نیست، در مواردی قطعاً بالاتر و بیشتر هم هست. ما چرا این را از دست بدهیم؟^۱

فلسفه‌ی «مردانگی» گفتن و «زنانگی» نگفتن

اگر بگویید که فلان کس مرد، مردانه است و در کارها مردانگی دارد، همه خوششان می‌آید از مردانگی؛ یک چیزی نیست که کسی بدش بیاید. البته بسیاری ندارند و بعضی دارند. حالا چرا این را مردانگی گفتند و آیا زنها مثلاً نمیتوانند این صفت را داشته باشند؟! چون جوانمردی است، جوانزنی نگفته‌اند؟! مردانگی گفتند، زنانگی نگفته‌اند؛ آیا این اهانت به زن است؟ نه! یک ویژگیهایی در این مردانگی هست که غالباً این ویژگیها از جنس مرد و از مردان ساخته است. توی نشانه‌ها و ویژگیهای مردانگی، یکی مثلاً این است که انسان برود از ضعفاً مثلاً حمایت کند؛ یک آدم ضعیفی، یک مظلومی، یک بچه‌ای، یک در راه مانده‌ای، این را بروند از او حمایت

۱. در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)



کنند. این حمایت از جنس مرد بیشتر بر می آید تا از جنس زن، که زن بخاطر ویژگیهای جسمی و عاطفی و روانی که دارد، یک مقداری این کارها برایش مشکلتر است. فرض کنید که توی تاریخ قهرمانهایی که از نوع زن بودند، چند تا بیشتر نیستند که شما اگر بشمارید، توی قهرمانهای زن، کم چهره‌ی مشخص وجود دارد؛ در حالی که در مردها مثلاً چهره‌های بیشتری بوده؛ بنابراین در این مردانگی گفتن و زنانگی نگفتن، این یک اهانت و جسارتی به جنس زن نیست! صفتی که اسمش مروّت است، یعنی آن حالتی که اسمش مروّت و مردانگی است، عبارت است از مجموعه‌ی صفاتی که این صفتها به حسب ترکیب جسمی و عاطفی و روانی در مرد بیشتر از زن است. البته در زن هم پاره‌ای از ویژگیها وجود دارد که اگر مجموعه‌ی اینها یک نامی بخواهد پیدا کند، باید زنانگی اسمش باشد. مثلاً فرض کنید که عاطفه‌ی فراوان، مهربانی زیاد، دقت در کارها - مخصوصاً کارهایی که به ظاهر کوچک است، احیاناً خیلی اثرهای بزرگی دارد - اگر بخواهند مجموعه‌ی این کارها را اسمش را بگذارند یک چیزی، باید بگویند زنانگی و صفت بسیار خوبی هم هست؛ در منطقه‌ی خودش، در جای خودش بسیار صفت ممدوح و عالی. فلان کس مثل یک مادر مثلاً از فلانی پذیرایی کرد؛ نمیگویند مثل یک پدر پذیرایی! پدر پذیرایی نمیکند. مثل یک زن مهربانی کرد؛ نمیگویند مثل یک مرد مهربانی کرد! صفت ممدوحی است.^۱

غلبه‌ی ضمیر مذکر بخاطر نقش ظاهری و بیرونی مرد

«یا ایّها الذین امنوا» است، «یا ایّها الذین امن» نیست؛ یعنی صیغه‌ی امنوا، صیغه‌ی مردانه است، نه صیغه‌ی زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ آن عوامل هم برای ما روشن است. حالا نمیخواهیم وارد آن بشویم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را میگوییم مردم؛ از مرد میگیریم،

۱. در سخنرانی با عنوان «مکارم الاخلاق، صفت مروّت»

نمیگوییم زن؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانه‌ی این نیست که غلبه‌ی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چنین تصرّفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگری دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است. بخواهید یک خرده ذوقی تر بگویید، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات میشود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او اینجوری است؛ خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگری؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ بخاطر همین خصوصیات، نه بخاطر ترجیح.^۱

تقسیم کار بین زن و مرد بر حسب تفاوت امکانات و زمینه‌ها

از نظر اسلام، در همه‌ی فعالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری، زن و مرد دارای اجازه‌ی یکسان و مشترک هستند. از نظر اسلام، در همه‌ی این فعالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمیکند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمیکند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن میتواند در میدان فعالیت‌های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، میتواند فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد.^۲

کسب مقامات عالی کشوری برای زنان بجز رهبری، ریاست جمهوری و قضاوت

جواب^۳: باید بگوییم ما در این مورد چیز نگفته‌ای نداریم. اولاً زن‌ها این

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۳. سؤال: خوانندگان مجله‌ی محجوبه که مجله‌ی زن مسلمان است، دائماً سؤال میکنند وضع زن

سؤال را از ما نباید بکنند؛ زیرا زنها حداقل مالک ۵۰ درصد این انقلابند چرا که ۵۰ درصد ملت ما زنها هستند و زنها حضورشان در صحنه از مردها کمتر نبوده و حتی در مواردی هم بیشتر بوده است. ما در جواب زندهای خارجی باید بگوییم بر طبق تعالیم اسلامی زن را نیمی از بشریت میدانیم که نیم دیگرش مرد است، بدون هیچگونه تمایزی. شما به قرآن کریم نگاه کنید ببینید هر جا تکلیفی یا پاداشی وجود دارد زن و مرد با هم ذکر میشوند «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ^۱». البته ما در باب حقوق مدنی تفاوتی بین زن و مرد داریم که این تفاوتها با مقایسه با واقعیتهای آلوده به ستمی که در سراسر جهان میان زن و مرد وجود دارد، هیچ است. یعنی امروز در دنیای متمدن و به طریق اولی در دنیای غیر متمدن تفاوتها و تبعیضهایی میان زن و مرد وجود دارد که در اندیشه و شریعت اسلامی این تفاوتها نیست و آنچه در قانون مدنی هست خیلی خیلی نسبت به آنچه در آن جاها میگذرد (واقعیتهایی که قانون هم نیست) کمتر است. ما معتقدیم یک زن میتواند مقامات عالی کشوری را متصدی شود جز در مورد رهبری که شرط مرد بودن دارد، بخاطر مرجعیت تقلید و فقاقت و جز در مورد رئیس جمهور، همچنین قضاوت که در قضاوت هم قاضی باید مرد باشد. اما در بقیه مسائل و مشاغل کشوری و مسئولیتهای عظیمی که وجود دارد، زن و مرد علی السواء، بدون هیچگونه تمایزی میتوانند سهمیم باشند.^۲

در جمهوری اسلامی چگونه خواهد بود؟ و جمهوری اسلامی حدود وظایف و مسئولیتهای زن مسلمان را چگونه تعیین میکند؟

۱. سورهی احزاب، آیهی ۳۵

۲. در مصاحبه با نشریهی انقلاب اسلامی (اسفندماه ۶۰)

تفاوت احکام مربوط به زن و مرد بر اساس مصالح

خدای متعال بر اساس مصالح و حکمی و برای جفت و جور شدن زندگی زن و مرد، یک ترتیب طبیعی را به وجود آورده است تا آنها بتوانند دنیا را با هم اداره کنند. کارهایی را بر عهده‌ی زن و کارهایی را بر عهده‌ی مرد گذاشته؛ حقوقی را برای زن و حقوقی را برای مرد گذاشته است. مثلاً حجاب زن سختگیرانه‌تر است تا حجاب مرد. البته مرد هم در مواردی باید حجاب را رعایت کند و بخشی از جسم خودش را بایستی محجّب قرار دهد؛ اما در مورد زن این معنا بیشتر است. چرا؟ چون طبیعت و خصوصیت و لطافت زن، مظهر زیبایی و ظرافت در خلقت قرار داده شده است و اگر بخواهیم جامعه، متشنج و خراب و آلوده نشود و در آن فساد به وجود نیاید، بایستی این جنس را در پوشش نگه داشت. در این جهت، مرد بطور مطلق مثل زن نیست و آزادی بیشتری برای مرد وجود دارد. این ناشی از وضع طبیعی اینهاست و آنچه که در دیدگاه الهی از تنظیم اداره‌ی عالم وجود دارد.^۱

عامل تفاوت دیه‌ی زن و مرد

یکی از چیزهایی که عامل تفاوت زن و مرد است، مسأله‌ی مال و اقتصاد است، که در جاهایی این تأثیر میگذارد؛ اما در مسأله‌ی قصاص، دو چیز وجود دارد: اول، جان در مقابل جان است. در اینجا بین این دو جنس هیچ تفاوتی وجود ندارد. زن مرد را بکشد، مرد زن را بکشد؛ باید قصاص شوند. هرگز گفته نمیشود که اگر مرد زن را کشت، حکمش چنین است؛ اگر زن مرد را کشت، حکمش چنان است؛ نخیر، هر دو حکمشان قصاص است و باید قصاص شوند؛ یعنی از دیدگاه اهمیت نفس - «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»^۲ - هیچ فرقی بین زن و مرد وجود

۱. در تدریس درس خارج فقه و اصول (۷۹/۱۲/۷)

۲. سوره‌ی مائده: آیه‌ی ۳۲

ندارد. از جنبه‌ی مالی بین زن و مرد اختلاف وجود دارد؛ چون برای مرد یک امتیاز مالی قرار داده شده است. این امتیاز مالی که برای مرد قرار داده شده، در مقابل تکلیف مالی‌ای است که بر دوش مرد وجود دارد؛ نه فقط در امر خانواده، بلکه چون تولید مال و ثروت عمدتاً بوسیله‌ی مرد انجام میگیرد. این ربطی به ارزش انسانی ندارد.

مرد برای ورود در میدانهای اقتصادی و مالی است؛ نه اینکه زن حق ندارد؛ چرا، ولی زن گرفتاری دارد؛ زن زایمان دارد، شیر دادن دارد، ظرافت جسمانی دارد، ظرافت روحی دارد، ظرافت احساسی دارد، در هر میدانی نمیتواند وارد شود، طاقت هر برخوردی را ندارد. اینها در ناحیه‌ی مالی و اقتصادی و فعالیت‌های مربوط به آن، برای زن محدودیتهایی ایجاد میکند؛ اما مرد این محدودیتهای را ندارد و اصلاً برای این است که بار مسائل اقتصادی را بر دوش بکشد.

اگر مثلاً خواستند برای نگهداری بچه امتیازی قائل بشوند، آنگاه برای زن امتیاز قائل میشوند؛ اگر خواستند برای شیر دادن امتیاز قائل شوند، برای زن امتیاز قائل میشوند؛ در امر دیه، بین دیه‌ی مرد و دیه‌ی زن، تفاوت وجود دارد؛ اما نه بخاطر اینکه قیمت مرد بیشتر از زن است؛ نه. قصاص در مورد همه هست - نفس در مقابل نفس - اما چون در میدان مسائل مالی، مرد عمدتاً فعال و منشأ مال و تولید ثروت است، دیه‌ی او با زن متفاوت است. البته همه‌ی اینها مبنی بر غلبه است؛ والا ممکن است زنی هم پیدا شود که از چند نفر مرد گردن کلفتتر باشد! مثل آن خانم محترمی که در صدر اسلام به آن شاعر گفت بلند شو این یهودی را بکش؛ اما شاعر ترسید و به گوشه‌ای رفت؛ آن وقت خود آن خانم بلند شد و عمود را در دست گرفت و زد یهودی را از بین برد و آن شاعر بیچاره در آنجا از ترس میلرزید! از این قبیل هم داشته‌ایم و داریم؛ در زمان ما و در گذشته هم بوده؛ اما اینها موارد غالبی نیست. احکام عمومی بر اساس موارد نادر وضع نمیشود، بر اساس غلبه و



موارد غالب وضع میشود. بنابراین از لحاظ جنبه‌ی انسانی قضیه - که ارزش نفس است - زن و مرد یکسانند؛ اما از جهت ارزش مالی و مادی - که به نقش عمومی مرد در زمینه‌ی تولید ثروت مربوط میشود - اینها با هم متفاوتند.^۱

حکمت و معرفت عظیم در تفاوت دیه‌ی مرد با زن

آیا تفاوت دیه‌ی مرد با زن، ناشی از این است که اسلام برای جنس مرد نسبت به جنس زن رجحانی قائل است؟ آیا اسلام میخواهد با این کار زن را تحقیر کند؟ آیا آنطور که دشمنان اسلام تبلیغ میکنند، دو جنسی به معنای دو مرتبه بودن و دو درجه بودن انسانیت است، یا نه، مسأله این نیست؛ موضوع به حکمت و معرفت عظیم و وسیعی برمیگردد که بشر هم وقتی تأمل کند و به گوشه‌هایی از آن معرفت برسد، آن را با همه‌ی وجود تصدیق خواهد کرد؟ البته الآن جای بحث مفصل در این خصوص نیست - به خصوص که ما در این بحث فقهی قصد این را نداریم - و نمیخواهیم درباره‌ی حکمت الهی بحث کنیم؛ لذا اشاری مختصری میکنیم و میگذریم. اما بدانید این مسأله، جزو مسائلی است که مهم است و معتقدان به اسلام و عالمان اسلامی، بحث فراوان و بیان حقایق بسیاری را در اینجا دارند، که متأسفانه کوتاهی میشود و این بحثها نمیشود؛ دشمن هم بالاخره از هر منفذی که بتواند اعتقاد مردم را سست کند، برای تاخت و تاز استفاده میکند. برخلاف آنچه که از طرف دشمنان گفته میشود، معنای این حکم (دیه‌ی زن) و امثال آن - که تعدادی حکم اینگونه در فقه اسلامی داریم - این نیست که فقه اسلامی، فقه مذکر است. میگویند فقه اسلامی، فقه مذکر است و زنها در آن مغفول شده‌اند! نخیر، اینطوری نیست.^۲

۱. در تدریس درس خارج فقه و اصول (۷۹/۱۲/۷)

۲. همان

منابع مفید در زمینه‌ی تفاوت‌های حقوقی زن و مرد

چرا ارث زن نصف مرد است؟ اگر آن هم بهتان جواب بدهم جا دارد بپرسید خب چرا زن یک شوهر بیشتر نمیتواند بکند در یک زمان، اما مرد چهار تا زن میتواند بگیرد؟ اگر آن هم جواب بدهم باز سؤال میکنید که چرا زن نمیتواند شوهرش را طلاق بدهد اما شوهر میتواند زنش را طلاق بدهد؟ چند تا سؤال است دیگر، نیست؟ خب حالا بنده زحمت خودم و شما را کم میکنم؛ برای فهمیدن همه‌ی این موارد با همدیگر چندین کتاب نوشته شده. یکی از بهترین این کتابها کتاب آقای مطهری است، کتاب زن از نظر اسلام، یک همچنین چیزی هان؟ ... نظام حقوق زن در اسلام.

از جمله‌ی کتابهایی که باز این موضوع را بیان کرده، کتاب تفسیرالمیزان است؛ در جلد مربوط به سوره‌ی نساء، که حالا جلد چندم میشود نمیدانم من، فارسی‌اش را میتوانید پیدا کنید، در ذیل آیات مربوط به زن؛ آنجا مفصل ایشان بحث کرده. از جمله‌ی کتابهایی که این موضوع را بحث کرده، کتاب اسلام و نابسامانیهای روشنفکران، که مال محمد قطب است به گمانم، یا سید قطب است یا محمد قطب است، مال یکی از این دو تا.^۱

تجدیدنظر در بعضی مسائل فقهی

بعضی از این وظایفی که در فقه، مسلم دانسته شده - مثل مسأله‌ی افتاء - قابل خدشه است. ما نمیتوانیم خیلی تصدیق کنیم که شرط مفتی، مرد بودن است. شاید در بعضی از مسائل اصلاً بایستی زن فتوا بدهد. بعضی از مسائل وجود دارد که موضوع آن را من و شما که مردیم، قادر به فهمیدنش نیستیم. هر چند هم که تشریح کنند، موضوع برای ما روشن نمیشود؛ موضوع را زن میتواند تشخیص دهد. شاید انسان قائل شود که در این موارد متعین است که در مسائل مربوط به زنان، زن فتوا بدهد. علی‌ای حال، نمیخواهیم آنچه را که در فقه در مقام اختلاف بین زن و مرد

۱. در پرسش و پاسخ (۶۰/۲/۲۶)

گفته شده، مسلّمات فرض کنیم؛ نه. بعضی از آنها مسلّم است - مثل همین مسأله‌ی دیه - بعضی هم واقعاً مسلّم نیست و قابل تجدید نظر است؛ مثل مسأله‌ی فتوا، قضاوت و حتّی مسأله‌ی امامت جماعت؛ که بعضی از بزرگان مثل امام رضوان‌الله‌علیه، برای زنها - آنطور که در ذهنم هست - حقّ امامت جماعت قائل نبودند؛ ولی ما این حرف را قبول نکردیم. بنابراین، اینطور نیست که آنچه در فقه بعنوان اختلاف احکام زن و مرد وارد شده است، ما آن را بطور مطلق قبول کنیم و قابل خدشه ندانیم؛ نه. بعضی از آنها قابل خدشه است؛ بعضی هم واقعاً قابل خدشه نیست.^۱

۳-۵- خصوصیات زن مسلمان

ایمان آگاهانه؛ در صدر شخصیت زن

وقتی ما در ارزیابی شخصیت زن سراغ دانش و تجربه و تخصص و دیگر چیزهایی که امروزه در فرهنگهای جهانی برای زن ارزش محسوب میشود میرویم، در صدر این دید، بایستی روح ایمان آگاهانه را جستجو کنیم.^۲

پاسداران واقعی اسلام در همه‌ی ابعاد

زن و مرد سعی کنند خود را مجهّز کنند. زن و مرد سعی کنند اسلام را با همه‌ی ابعادش، با همه‌ی قدرتش، با همه‌ی چهره‌هایش، با چهره‌ی معنویّت و فضیلتش، با چهره‌ی قدرت و اقتدار نظامی‌اش، حفظ کنند. زن و مرد سعی کنند پاسداران واقعی اسلام باشند. اگر ما فقط به نیروی مادی اکتفا کنیم، از آشنایی و آگاهی از اسلام فراموش کنیم، انقلاب ما یک بعدی خواهد شد. آن کسانی که انقلابهای یک بعدی را کردند، در دنیا با همه‌ی داعیه‌هایشان امروز درماندند.^۳

۱. در تدریس درس خارج فقه و اصول (۷۹/۱۲/۷)

۲. در کنگره‌ی جهانی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۶/۱۱/۱۷)

۳. لزوم فراگیری ایدئولوژی اسلامی (تاریخ ندارد)

عبادت، سیاست و خانه‌داری؛ عناصر شخصیت زن کامل

بعضی خیال میکنند انسانی که مشغول عبادت میباشد، یک عابد و متضرّع و اهل دعا و ذکر است و نمیتواند یک انسان سیاسی باشد. یا بعضی خیال میکنند کسی که اهل سیاست است چه زن و چه مرد و در میدان جهاد فی سبیل الله حضور فعال دارد، اگر زن است، نمیتواند یک زن خانه با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمیتواند یک مرد خانه و دکان و زندگی باشد. خیال میکنند اینها با هم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این سه چیز با یکدیگر منافات و ضدیت که ندارد، در شخصیت انسان کامل، کمک‌کننده هم است.^۱

پیشرفت در ارزشهای معنوی، مسائل اجتماعی و سکونت در خانواده

هویت اسلامی این است که زن در عین اینکه هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ میکند - که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است - یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ میکند، در عین حال، هم باید در میدان ارزشهای معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادیهای عرفان - پیشروی کند، هم در عرصه‌ی مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده‌ی خود، شناخت هدفهای ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روشهای دشمن باید روزبه‌روز پیشرفت کند و هم در زمینه‌ی ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد. اگر قوانینی لازم است، اگر تصحیح و اصلاحی در مسائلی که به اینجا منتهی

۱. در دیدار با هیأت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و... (۶۸/۹/۲۲)

میشود، لازم است، زنان، زنان باسواد، زنان آگاه، زنان بامعرفت، در همه‌ی این میدانها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافتها و رقتها و لطافت‌های خود را حفظ میکند؛ هم از حقّ خود دفاع میکند؛ هم در میدان معنویّت و علم و تحقیق و تقرّب به خدا پیشروی میکند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان میدهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد؛ این میشود الگویی برای زنان.^۱

مجموعه صفات با ارزش برای زن مسلمان

زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم و در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند. در میدان جهاد و مبارزه (از هر نوع آن) پیشقدم باشد. نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم‌ارزش، بی‌اعتنا باشد. عفت و عصمت و طهارتش در حدّی باشد که چشم و نظر هرزه‌ی بیگانه را به خودی خود دفع کند. در محیط خانه دل‌آرام مرد، شوهر و فرزنداناش باشد. مایه‌ی آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد. در دامن پر مهر و پر عطوفت و با سخنان پر نکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند. انسانهای بی‌عقده، خوش روحیه و سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا بکنند. مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را به وجود بیاورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و با ارزش‌تر است. بزرگترین دانشمندان ممکن است یک ابزار بسیار فوق پیچیده الکترونیکی و موشک‌های قاره‌پیما را به وجود بیاورند، وسایل تسخیر فضا را به وجود بیاورند ولی هیچکدام از اینها اهمیّت این را ندارد که کسی یک انسان والا به وجود بیاورد. و چنین کاری تنها از مادر ساخته است. این، آن الگوی زن اسلامی است.^۲

۱. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

۲. در دیدار با گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) (۷۱/۹/۲۵)

رسالت زن ایرانی در برابر نفهمیدن و کتمان حقایق

امروز زن ایرانی مسلمان در مقابل دنیایی که سخن حق را گاهی نمیفهمد و گاهی عمداً کتمان میکند باید احساس کند رسالتی دارد و پیامی دارد، باید این را برساند این شما هستید زنان فرهنگی عالم محصل علم و تربیت شده اسلام که باید حامل این روحیه باشید میان زنان کشور.^۱

نشان دادن هویت و حقیقت فرهنگی زن مسلمان

در میان این منجلاب فساد فرهنگی، زن مسلمان میتواند سر بکشد میتواند حضور خودش را و حقیقت خودش را و هویت زن اسلامی خودش را برای همه آشکار کند. و امروز ما میتوانیم امیدوار باشیم که همچنانی که یک روز اسلام توانست در آنچنان فضای فرهنگی فاسد و غلطی، زنی مثل زینب را به وجود بیاورد که الگو و نمونه‌ی یک انسان بزرگ است نه فقط یک زن، یک زن برجسته، امروز هم میتواند تعالیم اسلام و فرهنگ اسلامی در میان این جنجال غوغاگرانه‌ی جوّسازانه‌ی غرب، نمونه‌ی یک زن مسلمان کامل و بزرگ را به وجود بیاورد و ما احتیاج به این داریم. امروز دنیا احتیاج دارد به اینکه زن مسلمان هویت و حقیقت فرهنگی خودش را نشان بدهد.^۲

دلیل برتری زن ایرانی؛ تربیت اسلامی

مجموعه‌ی زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که میرسد، کار سیاسی، کار فرهنگی و کار تشکیلاتی جلو هستند. وقت جهاد که میرسد، فرزندان خودشان را به دست خود به جبهه میفرستند. وقت خانه‌داری و تربیت اولاد که میرسد، کدبانوهای خانه‌داری‌اند. همه‌ی اینها در دنیا کمیاب است. اینها خیلی ارزش است. اینها تربیت اسلامی است. اینها همه امیدبخش است.^۳

۱. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (۷۴/۹/۱۶)

۲. در دیدار با عده‌ای از پرستاران و گروههایی از خواهران به مناسبت روز پرستار (۶۵/۱۰/۱۵)

۳. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان (۷۶/۹/۲۹)



زن مسلمان؛ فراتر از اسارت زر و زیور

زن مسلمان بالاتر از این حرفهاست که اسیر زر و زیور و طلاجات و این چیزها بشود. نمیخواهیم بگوییم اینها حرام است؛ میخواهیم بگوییم که شأن زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بسیاری از مردم جامعه‌ی ما در وضعی زندگی میکنند که محتاج کمک هستند، کسانی بروند هی پول بدهند، طلا بخرند، زینت بخرند، وسایل رنگارنگ زندگی بخرند و در انواع و اقسام روشها و منشهای زندگی اسراف کنند. این الگوی زن مسلمان است. این یکی از آن میدانهایی است که ما در مقابل دنیای استکباری مدّعی هستیم.^۱

دوری از اختلاط و جلب نگاه مردان

زنهای مؤمن در جامعه‌ی ما سعی کنند قدر زن ایرانی مسلمان را بدانند. ارزش زن اسلامی و مسلمان را بدانید. زنی که در اختلاط و معاشرت، با مرد قاطی نمیشود و خود را وسیله‌ای برای جلب چشم مرد نمیداند و خود را بالاتر از این میداند؛ زنی که شأنش را عزیزتر از این میشمارد که خود را عریان کند و با صورت و مو و بدن خود، چشم روندگان را به سمت خویش جلب کند و هوس آنها را اشباع نماید؛ زنی که خود را در دامنه‌ی قلّه‌ای میداند که در اوج آن فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بزرگترین زن تاریخ بشر قرار دارد. آن زن، زن مسلمان ایرانی است. این زن باید دیگر از این بازیچه‌های فراهم آمده تمدّن غربی و روشهای توطئه‌آمیز آن، رو بگرداند و به آن بی‌اعتنایی کند.^۲

زن ایرانی؛ پاکتر از راهبه و شجاعتر از سرباز

زن ایرانی راهبه نیست اما از راهبه پاکتر است و طّیبه و طاهره است؛

۱. در دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور (۷۱/۹/۲۵)

۲. در دیدار با جمع کثیری از زنان (۶۸/۱۰/۲۶)



سرباز نیست امّا بقدر سرباز میدان جنگ شجاعت دارد و با اینکه جهاد در میدانهای رزم بر او واجب نیست، امّا به قدر یک جهادگر در راه خدا تلاش میکند و در تمام صحنه‌ها حضور دارد.



فهرست آیات قرآن کریم

متن آیه	سوره	شماره آیه	صفحه
لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ	بقره	۲۲۸	۸۵
فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ...	آل عمران	۱۹۵	۲۰۱، ۱۹۴
وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا...	نساء	۳	۵۹
لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ	نساء	۱۱	۷۹
وَلَا ضِلَّيُهُمْ وَلَا مَنِيَّهُمْ...	نساء	۱۱۹	۲۱۰
وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ ...	نساء	۱۲۹	۵۹، ۵۸
مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ ...	مائده	۳۲	۲۲۳
مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ...	نحل	۹۷	۲۰۷
إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ...	احزاب	۳۵	۲۰۱، ۱۹۴، ۱۸۶، ۶۴
			۲۰۷، ۲۰۵، ۲۰۴
			۲۲۱، ۲۰۸
إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ ...	ممتحنه	۱۱	۱۹۶
ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ	تحریم	۱۰	۱۹۳، ۱۹۲، ۱۸۷
			۲۰۵، ۲۰۳، ۱۹۴
وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا ...	تحریم	۱۱	۱۹۳، ۱۹۲، ۱۸۷
			۲۰۳، ۱۹۷، ۱۹۴
وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ ...	تحریم	۱۲	۱۹۷، ۱۹۴، ۱۹۳



فهرست روایات

۶۶، ۶۳	امیر المؤمنین (ع)	مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النِّسَاءَ ...
۸۵	پیامبر اسلام (ص)	الْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا
۲۱۳، ۸۵	امیر المؤمنین (ع)	الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ ...
۱۸۴	دعا	وَجَعَلَ مَا أَمْتَنَ بِهِ عَلَيَّ ...



فهرست اسامی اشخاص

- آسیه، همسر فرعون: ۱۹۷، ۲۰۳
احمدی: ۹۷
امین، سیّده نصرت بیگم (بانوی امین): ۱۱۶
پهلوی، محمّدرضا: ۱۲۹
جویر: ۱۵۷
خامنه‌ای، سیّدعلی حسینی: ۲۸
خدیجه بنت خویلد(س): ۱۹۸، ۶۵
خمینی، سیّد روح‌الله مصطفوی: ۲۷، ۲۲۶، ۳۴، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۹۶
رهنورد، زهرا: ۶۹
زینب بنت علی(س): ۱۳۳، ۱۸۳، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۲۹
سیّد قطب: ۲۵۵
شکسپیر، ویلیام: ۱۵۷، ۱۵۵
علی بن ابیطالب، امام علی(ع): ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۲
علی بن حسین، علی اکبر(ع): ۱۰۶
عیسی بن مریم(ع): ۲۱۲
فاطمه زهرا(س): ۳۰، ۳۴، ۶۱، ۶۵، ۶۷، ۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۹
۲۳۱
فرعون: ۱۹۷، ۲۰۴
فیاض بخش، نفیسه: ۶۹
کاشانی، سپیده: ۳۳
لوط(ع): ۱۸۷
محمّد قطب: ۲۲۵
محمّد بن عبدالله، رسول اکرم(ص): ۶۰، ۶۵، ۸۵، ۱۹۰، ۱۹۸
مریم عذرا(س): ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۱۲
مطهری، مرتضی: ۷۵، ۲۲۵
معیری، محمّدحسن (رهی معیری): ۲۱۱
موسی بن عمران(ع): ۱۸۷، ۲۰۳

- نظامی گنجوی، ابومحمد الیاس بن واعظزاده: ۱۰۹
یوسف: ۱۸۲
نوح (ع): ۱۸۷
همسر لوط: ۱۸۷
همسر نوح: ۱۸۷، ۲۰۳



فهرست مکانها

بغداد: ۱۲۸	آسیا: ۱۰۸
بلوچستان: ۵۷	آفریقا: ۱۰۸، ۱۷۶
بوسنی: ۱۲۷	آمریکا: ۵۵، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۶
بیت الله الحرام: ۱۲۶	۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۵۱-۱۵۳
پادگان امام حسن مجتبی (ع): ۱۰۷	۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶
تالار تأثر شهر: ۳۷، ۱۳۴	آمریکای لاتین: ۱۱۷، ۱۷۶
تهران: ۵۰	ارمیه: ۱۲۷
جزیره العرب: ۱۸۷	اروپا: ۴۱، ۴۶، ۴۹، ۵۵، ۱۰۳، ۱۰۶
خاورمیانه: ۱۲۳	۱۱۶-۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۴۶-
خراسان رضوی: ۳۵	۱۴۸، ۱۶۶، ۱۷۵، ۲۰۰
خراسان شمالی: ۳۶	اروپای شمالی: ۱۳۸، ۱۶۳
خوزستان: ۱۶۲، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۰	استادیوم تختی: ۵۹
۲۰۲، ۲۲۰	اصفهان: ۱۱۶
دانشگاه تربیت معلم: ۳۰، ۱۴۷، ۲۰۹	انگلستان: ۴۱، ۱۱۵، ۱۵۲
رژیم صهیونیستی: ۱۵۰	اهواز: ۱۹۳
روم: ۴۸، ۵۰، ۱۱۸	ایتالیا: ۱۱۷
زاهدان: ۵۸	ایران: ۴۸، ۵۰، ۷۷، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۴
زندان ابوغریب: ۱۲۸، ۱۲۹	۱۳۱، ۱۸۸، ۱۹۰



- ژاپن: ۱۱۷
- سازمان ملل: ۹۲
- سمنان: ۱۶۵
- سیستان و بلوچستان: ۵۸، ۵۹
- شرق آسیا: ۱۷۶
- صحن مطهر امام رضا(ع): ۱۹۱
- صدا و سیما: ۳۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۲۰۶
- غرب: ۳۳، ۳۹-۴۱، ۹۱، ۹۲، ۱۱۳
- ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰-۱۲۷
- ۱۲۹-۱۳۱، ۱۳۴-۱۳۶، ۱۳۸-۱۴۰
- ۱۴۳-۱۴۵، ۱۴۸-۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۸
- ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۷-۱۷۰
- ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۲، ۲۱۳
- فرانسه: ۴۱، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۱
- ۱۴۶، ۱۴۷
- فلسطین: ۱۲۱
- قطر: ۵۷
- قم: ۱۲۹، ۱۶۴، ۲۲۹
- کشورهای اسکاندیناوی: ۱۳۸
- لندن: ۱۶۲
- مازندران: ۵۵
- مجلس شورای اسلامی: ۴۵، ۴۶، ۵۲
- ۷۳، ۷۹، ۸۳، ۸۷، ۸۹، ۱۰۹، ۱۴۴
- ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۹۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۴
- مدرسه‌ی علمیه آیت‌الله مجتهدی: ۱۲۸
- مدینه: ۱۹۸
- مرقد مطهر امام خمینی: ۱۴۷
- میدان معلم یاسوج: ۶۰
- نماز جمعه‌ی تهران: ۷۸، ۱۱۷
- نیویورک: ۱۵۱، ۱۶۲
- واشنگتن: ۱۵۱
- ورزشگاه آزادی: ۵۲، ۵۶، ۶۳، ۱۵۱
- ۱۵۲، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۱۶
- وزارت ارشاد: ۴۰، ۱۰۰، ۱۰۱
- وزارت امور خارجه: ۱۳۹
- وزارت آموزش و پرورش: ۱۰۰، ۱۷۴
- هرمزگان: ۳۲، ۵۹، ۷۴، ۷۸، ۸۴، ۹۰
- ۱۸۸
- همدان: ۱۲۹
- یزد: ۱۲۴